

نارنه هاك انرژی

ENERGY NEW COMES MAGAZINE



2411200771660001 ISSN:2008-4137

نشریه بخش خصوصی • سال دهم، شماره ۶۶ • ۱۴۰ صفحه • ۳۵ هزار تومان • مرداد ۱۳۹۶



راهکارهای عملی برای احیای صنایع آب و برق در گفتگو با مهندس حبیباله بیطرف



بازتولید سرمایه اجتماعی در صنعت نفت از نگاه رئیس هیئت مدیره هلدینگ انرژی تاپیکو



ضرورت تدوین طرح جامع انرژی در دولت دوازدهم از نگاه دکتر امیری خامگانی



چرایی و چگونگی ساماندهی وضعیت متخصصان صنعت نفت از نگاه مهندس وزیر همامانه



نگاهی گذرا به استدلال موافقان و مخالفان ایقاع بیژن نامدار زنگنه در دولت دوازدهم

تعقل علیه توهم

رکن الدین جوادی:
صنعت نفت نیازمند جوان گرایی هوشمندانه است

میزان نفت صادراتی میدان مشترک آذر از مرز ۳ میلیون بشکه گذشت



OIEC Group



- هدایت‌آله خادمی: زنگنه سردار حذف نیروهای خبره نفتی است
- صغایی شراهانی: نفت در خاورمیانه، دیپلماسی برادر نیست
- علی اکبر معین فر: متخصصان، قیمتی تر از نفت هستند
- کرسنت و حقایقی که مخالفان زنگنه بر زبان نمی آورند
- بخش خصوصی از صنعت نفت، حذف شده است
- ذبح برق در خطوط انتقال و شبکه‌های توزیع
- صنعت نفت و مسئولیت‌های اجتماعی
- حکمرانی آب و نقش آن در امنیت ملی





شرکت نفت ایرانول

ویژگی ها:

- کاهش آلودگی هوا
- کاهش مصرف سوخت
- کاهش رسوب در موتور خودرو
- کاهش مصرف روغن (تبخیر کم)
- افزایش طول عمر موتور
- مصرفه اقتصادی برای مصرف کننده
- مناسب برای اکثر خودروها

ایرانول

تترا

سازگار با محیط زیست



SAE 10W-40

API SL/CF

ISIRI 9186

IRANOL CO.

روغن موتور بنزینی با پایه گیاهی

مناسب خودروهای:

سیتروئن (انتیا، تندر۹۰، مگان، سوزوکی گرند ویتارا، مزدا۳، هیوندای ورنه، دنا، پژو (۴۰۵ و پارس)، انواع سمند (سورن، سریر، LX)، فیات سی یفا، پیرمن، (۳۱۵، ۳۳۳، ۵۳۰) MVM

تلفن واحد فروش: ۸۸ ۲۱ ۲۹ ۹۹

www.iranol.ir



Novidon

Imperial starch

A ROYAL COSUN COMPANY



آریاراهبورد انرژی

Tehran (Iran)

Unit 5, No. 30, Koshesh St,
North Sohrevardi Ave,
Tehran, Iran

Tel: + 98 (21) 88 53 00 20
info@aryarahbord.com

DRILLING STARCH

Drilling Starches from Novidon are based on pre – gelatinized potato starch. Our products are used as a fluid loss reducer in water based drilling muds for drilling and mining operations.

DRILLING STARCH / DRILLING FLUID FOR DRILLING MUD FROM NOVIDON, BENEFITS:

- ▶ Performance over a width PH – range
- ▶ Excellent Fluid loss reducing properties
- ▶ Stabilizes rheology
- ▶ Performs in water types like; KCL, NaCL, MgCl₂ and CaCl₂
- ▶ 100% Natural and bio-degradable
- ▶ All our drillings starches meet and even exceed the standards, laid down in the API 13A : ISO 13500

COMPARISON SHEET DRILLING STARCHES:

Product	Temperature Stability	Fermentation Stability	Cross linked	Carboxy Methyl
Drillamyl	125°C	Low	N.A.	N.A.
Drillamyl WP	125°C	High	N.A.	N.A.
Drillamyl HT	140°C	Very High	High	Moderate
Fermadrill LV	140°C	Very High	Low	High
Stabodrill HT	150°C	Very High	High	High





OICO

...make alive

صنایع نفت (ایکو)

شرکت راه اندازی و بهره برداری

www.oico.ir

info@oico.ir

۰۲۱-۹۶۶۲۳۶۳۶



پروژه‌ها

- ❖ فازهای ۱۷ و ۱۸ پارس جنوبی (راه اندازی، بهره برداری و تعمیرات)
- ❖ فازهای ۲۰ و ۲۱ پارس جنوبی (راه اندازی، بهره برداری و تعمیرات)
- ❖ پالایشگاه میعانات گازی بندرعباس (راه اندازی، بهره برداری و تعمیرات)
- ❖ پروژه پتروشیمی صدف (راه اندازی، بهره برداری و تعمیرات)
- ❖ طرح توسعه میدان نفتی آذر (نظارت بر راه اندازی و بهره برداری و تعمیرات)
- ❖ پروژه ایران LNG (نگهداری فنی)
- ❖ پروژه پالایش گاز پارسین (تعمیرات روزمره و اساسی)
- ❖ فازهای ۹ و ۱۰ پارس جنوبی (تعمیرات روزمره و اساسی)
- ❖ فاز ۱۲ پارس جنوبی (MC)
- ❖ پروژه NGL سیری (راه اندازی، بهره برداری و تعمیرات)

خدمات

- ❖ مهندسی راه اندازی
- ❖ مدیریت پیمان با رویکرد راه اندازی
- ❖ تکمیل ساختمان و نصب
- ❖ پیش راه اندازی
- ❖ راه اندازی
- ❖ بهره برداری، تعمیر و نگهداری
- ❖ پیاده سازی متدولوژی (ICAPS) Opercom
- ❖ آموزش تخصصی O&M





HATENBOERWATER

Fresh in water since 1906.



Safe Water on Board

Providing your water from production to consumption.



اطمینان در سرمایه‌گذاری

Confidence in Investments.



بام
مرکز خرید اطلس

ATLAS SHOPPING CENTER (BAM)



نمک
اطلس نمک آبرود

ATLAS NAMAK ABRUOD
TOWNSHIP



اطلس مال

ATLAS MALL



آرمان
Arman Hotel & Shopping Center

Arman Hotel & Shopping Center



تهریز
مرکز خرید اطلس

ATLAS SHOPPING CENTER (TAHERIZ)



اطلس نمک آبرود

ATLAS NAMAK ABRUOD RES. COMPLEX



الماس
ALMAS



برج اطلس کیش

ATLAS TOWER (KISH)



اطلس کلینیک

ATLAS CLINIC (KERMAN)

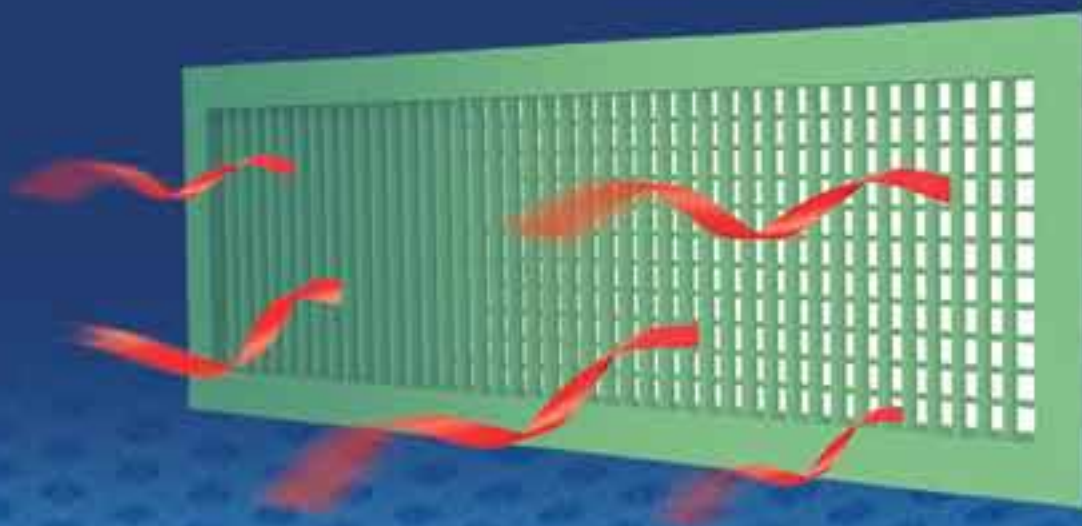


گروه اطمینان
ایرانیان اطلس
IRANIAN ATLAS GROUP

۰۲۱-۲۸۳۲۰۰



www.iranianatlas.ir



تجهیزات سرمایشی

مدیریت مصرف انرژی

امروزه جمعیت کشور ما ایران به حدود ۸۰ میلیون نفر رسیده است. تنوع و تعدد وسایل برقی خانگی و گرایش مردم به استفاده از این وسایل، بخش خانگی را به یکی از پر مصرف ترین بخش های مصرف کننده انرژی در کشور تبدیل کرده است. بررسی های انجام گرفته نشان می دهد با گرم شدن تدریجی هوا و آغاز فصل تابستان، انتخاب و استفاده نادرست و ناآگاهانه از انواع وسایل سرمایشی مهمترین دلیل افزایش هزینه برق مصرفی از یک سو و بروز حوادث ناگوار به دلیل عدم رعایت نکات ایمنی در این وسایل بویژه کولرهای آبی از سوی دیگر است. نکته حایز اهمیت دیگر در مورد استفاده از وسایل و تجهیزات سرمایشی توجه به شرایط بحران کم آبی کشور در سالهای اخیر است. از این رو شایسته آن است تا با انتخاب و خرید تجهیزات مناسب، مدیریت مصرف آب و برق را توأمان مورد توجه قرار دهیم و البته هرگز فراموش نکنیم ضروری است تمامی افراد اصول صحیح کار با این گونه وسایل را بشناسند و در کنار مدیریت برای اقتصاد خانواده همواره موارد ایمنی را نیز رعایت کنند.

مدیریت مصرف انرژی در سیستم‌های سرمایشی

- * از دستگاه‌های سرمایشی متناسب با محل جغرافیایی سکونت خود استفاده کنیم.
- * کولرها و دیگر وسایل سرمایشی را با استفاده از سایبان از معرض مستقیم نور خورشید دور نگه داریم.
- * در هنگام خرید وسایل سرمایشی به برچسب انرژی و میزان مصرف برق آن توجه کنیم.
- * کولرهای گازی معمولاً دارای درجه تنظیم دما (ترموستات) هستند و دمای مناسب برای تنظیم بین ۲۴ تا ۲۶ درجه سانتیگراد می‌باشد.
- * با انتخاب ظرفیت مناسب تجهیزات سرمایشی، مصرف انرژی را کاهش دهیم.
- * در هنگام ترک منزل از خاموش بودن تجهیزات سرمایشی مطمئن شویم.

ایمنی

- * یکی از بیشترین حوادث مربوط به برق گرفتگی در منازل هنگام سرویس کولرها رخ می‌دهد.
- * تأکید می‌شود تعمیر و سرویس کولرها را به تعمیر کاران ماهر بسپاریم.
- * در صورتی که شخصاً قصد انجام سرویس‌های دوره‌ای را داریم ابتدا فیوز برق را قطع نماییم.
- * حتماً از دستکش ایمنی استفاده کنیم.
- * در تمام مراحل کار از فازمتر جهت اطمینان از برقدار نبودن بدنه کولر و عدم وجود اتصال استفاده کنیم.



روابط عمومی
و امور بین الملل شرکت توانیر

همیشه تا جایی می‌تواند

اندرک

فردا



ماهنامه بين المللی آموزش، پژوهشی و تحلیلی

آزده هاگازرک

E N E R G Y N E W C O M E S M A G A Z I N E

www.energytoday.ir info@energytoday.ir

«حامیان» تازه های انرژی



شرکت توانیر



بانک تجارت



شرکت مهندسی و ساختمان صنایع نفت (اویک)



شرکت راه اندازی و بهره برداری صنایع نفت (ایکو)



شرکت راه اندازی و بهره برداری صنایع نفت (ایکو)

هیئت علمی

مهندس سید کاظم وزیری همامانه (وزیر اسبق نفت)، مهندس ستار محمودی (قائم مقام وزیر نیرو)، مهندس سید عماد حسینی (رئیس هیئت مدیره هلدینگ انرژی تاپیکو)، دکتر حسین امیری خامکانی (عضو کمیسیون انرژی مجلس)، مهندس رکن الدین جوادی (معاون نظارت بر منابع هیدرو کربوری وزیر نفت)، دکتر منصور معظمی (رئیس هیئت عامل ایدرو)، مهندس عباس کاظمی (مدیر عامل شرکت ملی پالایش و پخش فراورده های نفتی ایران)، دکتر امیر حسین زمانی نیا، (معاون وزیر نفت در امور بین الملل و بازرگانی)، مهندس هوشنگ فلاحتیان (معاون وزیر نیرو در امور برق و انرژی)، مهندس همایون حائری (مشاور عالی وزیر نیرو)، دکتر حمیدرضا کاتوزیان (رئیس پژوهشگاه صنعت نفت)، دکتر داریوش کریمی، دکتر سعید متصدی، دکتر سید محمد مجابی، دکتر مجید شفیق پور (سازمان حفاظت محیط زیست)، دکتر محسن بهرامی (رئیس پژوهشگاه مطالعات آینده دانشگاه امیرکبیر)، دکتر داوود منظور (دبیر کمیته ملی انرژی)، دکتر جلال الدین شایگان، دکتر مجید عباسپور، دکتر علی نوری بروجردی (دانشگاه صنعتی شریف)، دکتر رضا امراللهی (رئیس دانشکده مهندسی انرژی دانشگاه امیرکبیر)، دکتر علی وطنی (انستیتو نفت دانشگاه تهران)، دکتر منصور قربانی، دکتر علیرضا یزدی زاده (دانشگاه شهید بهشتی)، دکتر ریاض خراط (دانشکده نفت تهران)، دکتر محمد کرامتی (پژوهشگاه صنعت نفت)، دکتر شاهین محمدنژاد، دکتر عبدالرضا کرباسی (دانشگاه تهران)، دکتر شقایق بهرامی راد (دانشگاه ایلینوی شیکاگو)، دکتر ابراهیم تیموری، دکتر سید مهدی حسینی مطلق (دانشگاه علم و صنعت ایران)، دکتر علی و کیلی (مدیر عامل شرکت بهینه سازی مصرف سوخت)، دکتر عباس اکبرزاده (مؤسسه تحقیقات آب)، دکتر عباس طلوعی، دکتر مریم لطفی (دانشگاه علوم و تحقیقات)، دکتر حمیدرضا قضاوتی (دانشگاه آزاد اسلامی)

هیئت تحریریه

محمد جواد روح، کیوان مهرگان، مهدی افشارنیک، مینا شهینی، مریم خورسند، زهرا علی اکبری، پروین فغفوری، نسیم زرین، لیلا ابراهیمیان، پانیسا حسن زاده، علیرضا زارعی، شاهین نصیری، فاطمه لطفی، سمیه کاظم زاده دهکردی، مونا مشهدی رجبی، لیلا مرگن، سید فواد نبوی، مینو گله، اعظم گلبری، سمیه متقی، فاطمه سادات نجفیان، فاطمه آرتا، رویا خالقی، شیدا بهرامی راد، سیاوش دریابار، حسن محمدی، هژیر تحسری

کارشناسان علمی

مهندس بیژن قاسمی، مهندس علیرضا میریلوک، مهندس منوچهر مائین، مهندس محمدرضا طیب زاده، مهندس فریبرز گردانی نژاد، مهندس غلامرضا معینی، مهندس محمدحسن موحدی، مهندس علیرضا اصل عربی، مهندس زهرا آقالو، مهندس محبوبه سلیمانی، مهندس بیژن بهوندی، فریبرز بایندور، محمدتقی عاقلی، مهندس علی تحسری، دکتر سعید خیراللهی حسین آبادی، مهندس هما پوراسفندیانی، مهندس آزاد سعیدی، مهندس بابک معروفی، مهدی توکی

شمارگان: ۸۵۰۰ نسخه

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

مهندس امین فغفوری آذر

سر دبیر:

مهندس سید عماد حسینی

رئیس شورای سیاست گذاری:

مهندس سید کاظم وزیری همامانه

رئیس هیئت علمی:

دکتر حسین امیری خامکانی

رئیس هیئت تحریریه:

دکتر داریوش کریمی

مدیر اجرایی:

مهندس مجید صوفی نژاد

دبیر ارشد تحریریه:

محمد جواد روح

مدیر بازرگانی:

ساسان رجبی

مدیر فنی و هنری:

حسن بابایی

مشاوران سردبیر:

دکتر امیر صدری، مرتضی علوی

امور اداری:

آرش سعیدی (مدیر) بهناز پیمان، امید اسلامی، اکبر اسماعیل پور

امور مالی:

سیاوش خانمحمدی، محسن فغفوری

امور بازرگانی:

امیر بنیادی، نسیم مالک پور شقایق علیفری، پانیده فرخی

امور بین المللی:

پروین فغفوری، فاطمه لطفی

آتلیه گرافیک:

آریا اهرارد انرژی

سرویس عکس:

نصیر مقدری، عسل بیگدلی، زهرا امیری

چاپ:

لوح آیین

اجرا و تولید محتوا:

مؤسسه مطبوعاتی آینده

دفتر مرکزی: تهران، میرداماد

خیابان نفت شمالی، شماره ۲۶، واحد ۳۳

تلفن: ۲-۲۶۶۴۵۷۶۱ و ۲۰-۸۵۲۰۰۲۰

تلفکس: ۲۲۹۱۹۰۶۸

صندوق پستی: ۱۴۱۵۵-۸۳۴۵

سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۵۹۱۱۲۲

۱۲

باز تولید سرمایه اجتماعی



مهندس سید عماد حسینی
رئیس هیئت مدیره هلدینگ تاپیکو

در حالی که شدیدترین فشارها و اتهام‌زنی‌های بی‌اساس متوجه وزیر نفت و مسئولان ارشد صنعت نفت به دلیل پافشاری آنها بر منافع ملی و جذب سرمایه‌گذاران خارجی وارد می‌آید و با طرح مسائلی واهی، صنعت نفت را مجرای برای نفوذ و افزایش وابستگی به بیگانگان می‌پندارند، اما باید باور داشت رنج غالب بر بیکرة تحیف اقتصاد ایران، ریشه در رویکرد ناصحیح به صنعت نفت و چگونگی...

۱۳

پایان بخشی نگری با طرح جامع انرژی



دکتر حسین امیری خامکاتی
عضو کمیسیون انرژی مجلس

اگرچه احیا و تشکیل جلسات شورای عالی انرژی به‌عنوان گام نخست دولت یازدهم امیدواری‌هایی را برای پایان دادن به نگرش‌های بخشی و شخصی در این حوزه روشن ساخت و در جلسه ۲۸ تیر امسال هیئت‌وزیران نیز شاهد تصویب و ابلاغ «سند ملی راهبرد انرژی کشور» از سوی معاون اول محترم رئیس‌جمهور به تمامی دستگاه‌ها بودیم، اما تکلیف روی دیگر این سکه، همچنان نامشخص و...

۱۴

فرار نخبگان فرسایش متخصصان



مهندس سید کاظم وزیر همامانه
وزیر اسبق نفت

این روزها و درحالی که ترکیب کابینه دوازدهم با معرفی وزرای پیشنهادی از سوی ریاست جمهوری مشخص شده است و از شرایط کنونی نیز چنین برمی‌آید که حضور مهندس زنگنه در وزارت نفت برای ۴ سال آینده نیز تداوم خواهد یافت، این انتظار مطرح است که رسیدگی شایسته و بایسته‌ای به شرایط منابع انسانی وزارت نفت و اجرای کامل آیین‌نامه ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت...

پرونده ویژه: موافقان و مخالفان زنگنه چه می‌گویند و چه می‌خواهند؟

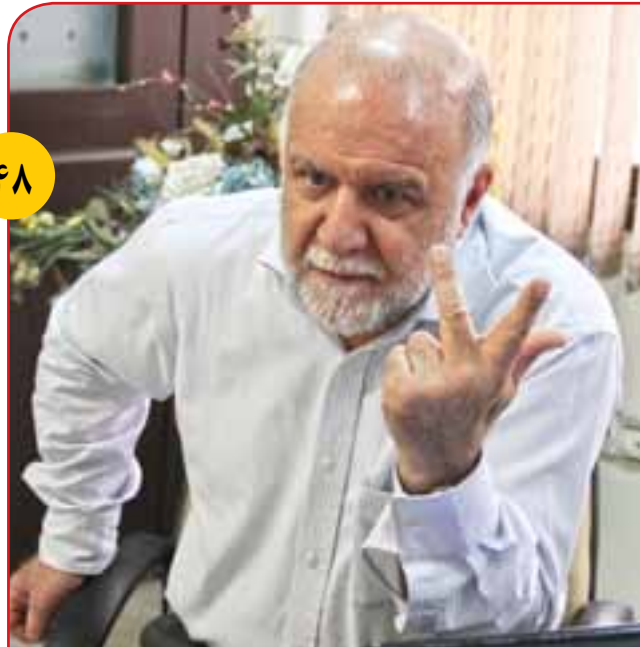
۹۰

صنعت گاز و خلق ارزش‌های اجتماعی و انسانی



مسئولیت اجتماعی در شرکت ملی گاز ایران، یک باور سازمانی به‌شمار می‌رود که هدف اصلی آن، خلق ارزش‌های مشترک بین ذی‌نفعان استراتژیک شرکت است. از نگاه مدیران و متخصصان صنعت گاز، مسئولیت اجتماعی یک پروژه محسوب نمی‌شود که آغاز و پایانی داشته باشد و هیچ‌گاه این مهم، جدا از فعالیت‌های مستمر و روزانه پنداشته نمی‌شود. بر همین اساس است که بنابر اعلام دکتر روحانی، با توسعه تولید، پالایش و سهل‌الوصول کردن دسترسی به گاز طبیعی در سراسر کشور، امنیت انرژی در جمهوری اسلامی ایران در دولت یازدهم، عینیت یافت...

۴۸



در دولت یازدهم چند وزار تخانه محور تحقق اهداف و برنامه‌های دولت بودند که یکی از آنها وزارت نفت است. وزیر نفت سابقه‌ای بسیار طولانی در اداره وزارتخانه‌ها دارد و شیخ‌الوزرای دولت دوازدهم نیز محسوب می‌شود. به همین دلیل دوستان و مخالفان بسیاری را پیش از دولت یازدهم با خود همراه داشت که شاید بررسی این موضوع، قدم اول در تحلیل محورهای انتقادات و حمله‌ها علیه وزارت نفت باشد...

۸۶

خلق ارزش و ایجاد فرصت در صنعت پتروشیمی



با تشکیل هلدینگ صنایع پتروشیمی خلیج فارس، نگاه‌های بسیاری معطوف به روند فعالیت‌های این مجموعه شد، تا جایی که این تصور به‌وجود آمد که بدیل شرکت ملی صنایع پتروشیمی به‌دور از ساختارهای پیچیده دولتی ایجاد شده است. بعد از گذشت چند سال از فعالیت‌های هلدینگ و در میانه‌های مرداد ۱۳۹۴، به دلیل گستردگی فعالیت‌های بازرگانی، تأسیس و آغاز فعالیت‌های شرکت «تجارت صنعت خلیج فارس» به‌عنوان بازوی بازرگانی این هلدینگ در دستور کار قرار گرفت که حضور موفق آن در عرصه‌های بین‌المللی و کسب جایگاه مناسب در...

۵۰



منتقد سرسخت از مجلس

۴۴



متخصصان، قیمتی‌تر از نفت

۲۴



جوان‌گرایی هوشمند در نفت

قانون‌گرایی و محیط‌زیست در دولت یازدهم

دکتر داریوش کریمی / مدیرکل حقوق و
مجلس سازمان حفاظت محیط‌زیست



تغییر دولت هر ۴ سال یکبار، فرصتی است برای جامعه تا بتواند ارزیابی درستی از اقدام‌های کوتاه‌مدت دولت به‌دست آورد. این تغییر افزون بر آگاهسازی آحاد جامعه نسبت به میزان توفیق دولت در پیشبرد برنامه‌ها و اهداف مطروحه، نقاط ضعف و کاستی‌ها و احتمالات ناموفقیت دولت در بخش‌های مختلف را نیز به معرض قضاوت عمومی می‌گذارد. برنامه محیط‌زیست دولت یازدهم...

تعقل علیه توهم

دبیر ارشد تحریریه تازه‌های انرژی
محمدجوادی روح



برجام و در ادامه آن، قراردادهای جدید نفتی، بیش و پیش از آنکه سد تحریم‌های بین‌المللی را شکسته باشند، نماد بارز شکستن «توهم»ها و «تصور»های دور از «تعقل» در کشور است. امروز، منابع کشور چنان محدود و گزینه‌های پیش‌رو، چنان معدود است که لاف‌زن‌ترین سخنرانان هم اگر بر مصدر امور قرار گیرند، چاره‌ای جز پذیرش واقعیت و گذار از «توهم» به «تعقل» ندارند. گزارشی که اهمیت آن...

مخالفت با اصلاحات و بیطرف با اهرم محیط‌زیست

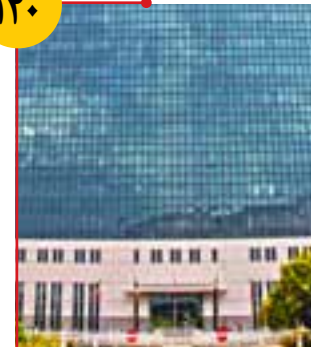
مهندس وفا تابش
مجری پروژه کارون ۳



درحالی‌که انتخاب مهندس بیطرف برای هدایت وزارت نیرو در دولت دوازدهم را باید یکی از بهترین انتخاب‌های دکتر روحانی برشمرد، اما شاهد آن هستیم که برخی از جریان‌های مخالف، به بهانه‌های مختلف از جمله مسائل زیست‌محیطی، عملکرد درخشان مربوط به وزارت ایشان در دولت اصلاحات، خصوصاً احداث سد‌های مهم را به‌طور پیوسته مورد اتهام قرار می‌دهند. این در حالی است که مسائل مطرح‌شده...

بازگشت به دوران اصلاحات

درحالی‌که به گفته برخی کارکنان وزارت نیرو، فردی بهتر از حمید چیت‌چیان نمی‌توانست این وزارتخانه را راهبری کند، گروه دیگری نیز معتقدند وزارت نیرو از نظر مدیریتی، یکی از ضعیف‌ترین وزارتخانه‌ها در دولت یازدهم بوده است. اگر چه اسامی مختلفی همچون رضا اردکانیان، وفا تابش، هوشنگ فلاحتیان و معصومه ابتکار نیز برای حضور در ساختمان بلندمرتبه نیایش پیش از اعلام رسمی وزرای پیشنهادی مطرح می‌شد، اما خداحافظی روحانی با چیت‌چیان و معرفی بیطرف برای هدایت وزارت نیرو در دولت دوازدهم با استقبال مجلس...



ذبح برق در شبکه‌های توزیع و انتقال

کاهش هر یک‌درصد تلفات شبکه برق کشور می‌تواند بیش از ۳۰ هزار میلیارد ریال به‌صورت ارزی و ریالی، برای کشور منافع حاصل کند. این در حالی است که افزایش ۲۴ درصدی قیمت برق فقط حدود ۲۰ هزار میلیارد ریال درآمد حاصل می‌کند که همراه با نارضایتی احتمالی بخشی از مردم و ایجاد مشکل برای بخشی از تولید خواهد بود. وضعیت مالی صنعت برق، هر ساله به دلایل متعدد از جمله ساختار تشکیلاتی، ساختار تعرفه‌ها، راندمان بسیار نامطلوب نیروگاه‌ها و ضرر و زیان ناشی از تلفات سنگین شبکه‌های انتقال و توزیع در متری می‌شود...



مدیریت انرژی

- نگاه نخست..... ۱۲
- حلقه مفقوده‌ی راهی از روزمرگی در حوزه انرژی..... ۱۳
- مهم‌ترین اولویت صنعت نفت در دولت دوازدهم..... ۱۴
- عملکرد دولت یازدهم در اجرای قوانین زیست‌محیطی..... ۱۶
- برجام، توهم‌ها و تصورات دور از تعقل داخل کشور..... ۲۲

بررسی عملکرد وزارت نفت در دولت یازدهم

- گفتگو با مهندس رکن‌الدین جوادی..... ۲۵
- گزینه‌های مطرح برای وزارت نفت، چه کسانی بودند..... ۳۶
- گفتگو با دکتر علی‌اکبر معین‌فر..... ۳۳
- گفتگو با مهندس هدایت‌اله خادمی..... ۵۰
- ۱۰ پرسش از دلواپسان جنجالی‌ترین قرارداد صادرات گاز ایران..... ۵۶
- گفتگو با مهندس محسن صفایی‌فراهانی..... ۵۹
- حمایت سیدمحمد غرضی از حضور زنگنه در دولت دوازدهم..... ۶۵
- بررسی عملکرد وزارت نفت در گفتگو با محمدعلی خطیبی..... ۶۸
- بررسی عملکرد مهندس زنگنه در گفتگو با دکتر سعید لیلیان..... ۷۰
- بررسی عملکرد دولت یازدهم در مصرف انرژی..... ۷۲
- چالش‌ها فلالان بخش خصوصی در صنعت نفت..... ۸۰

صنعت گاز و مسئولیت‌های اجتماعی

- خلق ارزش‌های انسانی و اجتماعی در صنعت گاز..... ۹۰
- اختصاص ۲ هزار میلیارد تومان به مسئولیت‌های اجتماعی در نفت..... ۹۲
- نظام‌مند شدن مسئولیت‌های اجتماعی در صنعت نفت..... ۹۴
- بهره‌برداری از خط انتقال «امغان-کایسر-ساری-نکا»..... ۹۶
- گفتگو با مدیرعامل سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت..... ۱۰۰
- گفتگو با مدیرعامل شرکت پایانه‌های نفتی ایران..... ۱۰۴

فرصت‌ها و چالش‌های وزارت نیرو

- راهبردهای وزارت نیرو در گفتگو با مهندس حبیب‌الله بیطرف..... ۱۱۴
- چالش‌های وزارت نیرو در گفتگو با مهندس ستار محمودی..... ۱۱۸
- خداحافظی دولت دوازدهم با حمیدرضا چیت‌چیان..... ۱۲۰
- بررسی عملکرد وزارت نیرو در گفتگو با مهندس دانمی..... ۱۲۲
- خطوط انتقال، بزرگ‌ترین مصرف‌کننده برق ایران..... ۱۲۸
- حکمرانی آب و امنیت ملی..... ۱۳۲
- درس‌هایی بزرگ از مدیریت آب..... ۱۳۴



نیرو

۱۱۴

انقلاب آبی، اصلاحات برقی



نیرو

۱۲۲

چالش‌ها و فرصت‌های وزارت نیرو



توسعه

۵۸

نفت و آرزوهای برابدرفته



بند ۱۵ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی:

افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز، توسعه تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه (براساس شاخص شدت مصرف انرژی) و بالا بردن صادرات برق، محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی با تأکید بر برداشت صیانتی از منابع.



مهندس سید عماد حسینی
رئیس هیئت مدیره هلدینگ انرژی تاپیکو
سردبیر «تازه‌های انرژی»

ضرورت تغییر نگرش به نفت و درآمدهای نفتی در روند توسعه

باز تولید سرمایه اجتماعی و حرکت در مسیر عقلانیت

بیش از ۱۵۸ سال در صحنه بین الملل و ۱۰۸ سال در عرصه ملی کشورمان است که نفت، در روند توسعه و تکامل تمدن انسان‌ها، همراه با بهترین اتفاق‌ها و در برخی مواقع، ناگوارترین حوادث بوده است. حوادثی همچون وقوع جنگ جهانی برای دستیابی به منابع نفت در ابعاد بین المللی و در پهنه کشورمان نیز از ملی شدن و در پی آن، کودتای ۲۸ مرداد گرفته تا اراده مصمم رئیس دولت‌های نهم و دهم برای شخم زدن زمین هموار و آباد صنعت نفت که ویرانه‌های آن به دولت یازدهم به ارث رسید و برای تحقق شعار ناصواب و ناپخته آوردن نفت بر سفره مردم و پرداخت نقدی یارانه‌ها، تار و پود اقتصاد کشور را خودخواسته، نابود کرد. از اینها درآورد، بروز و نفوذ پدیده‌هایی همچون بابک زنجانی در ساختار مدیریتی نفت نیز باید اشاره کرد که از یک سو هزاران میلیارد تومان از سرمایه‌های صنعت نفت و کشور را به بیخا بردند و از آن مهم‌تر، باعث کاهش سرمایه اجتماعی و افزایش بی‌اعتمادی متخصصان و آحاد جامعه به ساختار صنعت نفت و درآمدهای نفتی شدند که باید مسیر توسعه و تعالی کشور را هموار کند.

بررسی چنین پدیده‌هایی از آن رو اهمیت به‌سزایی می‌یابد که نباید نقش بی‌بدیل نفت و عواید نفتی را در روند توسعه کشور به فراموشی سپرد؛ چه آثار و بقایای توسعه صنایع سنگین و سبک، راه‌آهن سراسری، شهرنشینی و مدرنیزاسیون کشور بدون هیچ‌گونه تردیدی مدیون و مرهون نفت و صنعت نفت به‌شمار می‌رود. اینچنین است که می‌توان نفت را هم قاتق نان برشمرد و هم قاتل جان، هم باری سنگین بر دوش ملت و هم موهبتی گران‌بها که در میان تمام شقوق حامل‌های انرژی، مهم‌ترین و در عین حال، مشکل‌زاترین آنها نیز به‌شمار می‌رود. در حالی که اقتصاد رنجور ایران به دلیل نابسامانی‌های داخلی و محدودیت‌های بین‌المللی روزهای سختی را می‌گذراند، اگرچه می‌توان همچنان تمام عقب‌ماندگی‌های تاریخی اقتصاد و روند توسعه ایران را به «نفرین نفت» نسبت داد، اما باید باور داشت تداوم اتهام‌زنی‌های اینچنینی، ذره‌ای از گناه نابخشودنی عملکرد نامناسب تصمیم‌گیرانی که چگونگی مصرف درآمدهای نفتی را مشخص می‌کنند، نمی‌کاهد. هم‌زمان با معرفی وزرای کابینه دوازدهم برای اخذ رأی اعتماد و در حالی که شدیدترین فشارها و اتهام‌زنی‌های بی‌اساس متوجه وزیر نفت و مسئولان ارشد صنعت نفت به دلیل پافشاری آنها بر منافع ملی و جذب سرمایه‌گذاران خارجی وارد می‌آید و با طرح مسائلی واهی، صنعت نفت را مجرای برای نفوذ و افزایش وابستگی به بیگانگان می‌پندارند، اما باید باور داشت رنج غالب بر پیکره نحیف اقتصاد ایران، ریشه در رویکرد ناصحیح به صنعت نفت و چگونگی استفاده بهینه از درآمدهای نفتی دارد. پس از ۱۰۸ سال زندگی با نفت، باید پذیرفت وقت آن رسیده است تا با حرکت در مسیر «عقلانیت» و بازتولید سرمایه اجتماعی، تکلیف نفت را در اقتصاد و جامعه اسلامی ایران، به‌خوبی تعیین کرد.

نگاه نخست

در حالی که براساس دیدگاه‌های سنتی و متأخر حاکم بر علوم مدیریت، انباشت سرمایه‌های اقتصادی، فیزیکی و منابع انسانی، مهم‌ترین کارکرد را در دستیابی و ارتقای شاخص‌های توسعه ایفا می‌کنند، اما بسیاری از اندیشمندان از جمله فرانسویس فوکویاما، معتقدند برای نیل به توسعه جوامع و پایداری آن، بیش و پیش از شقوق اقتصادی، فیزیکی و انسانی سرمایه، «سرمایه اجتماعی» باید مورد توجه قرار گیرد، زیرا در صورت فقدان یا کاهش آن، استفاده بهینه‌ای از دیگر انواع سرمایه حاصل نمی‌شود. در واقع سرمایه اجتماعی، حلقه مفقوده کشورهای توسعه‌نیافته برای غلبه بر مشکلات اقتصادی و اجتماعی با وجود برخورداری از انبوه منابع طبیعی و نفتی، درآمدهای مالی و منابع انسانی به‌شمار می‌رود؛ چالشی که در صورت پرداختن صحیح به آن و دریافت دیدگاه‌ها و نظرات اندیشمندان این حوزه، قطعاً به بخش‌هایی از این پرسش رازگونه پاسخ داده خواهد شد که «چرا با وجود درآمدهای نفتی ۸۰۰ میلیارد دلاری در انتهای دولت گذشته، شاهد وضعیتی نادر در اقتصاد دنیا بوده و همچنان نیز هستیم که از آن به «رکود تورمی» یاد می‌کنند.

ضرورت توجه به این نوع نوین از سرمایه در حالی اهمیت بیشتری می‌یابد که بدانیم ذیل بندهای ترسیم شده در سند چشم‌انداز و در افق ۱۴۰۴ ترسیم اینچنینی از وضعیت جمهوری اسلامی ایران ارائه شده است: «توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری و متکی بر سه‌م برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی.»



گاز انرژی پاک با نیمی قرن تلاش

پنجاهمین سال تاسیس شرکت ملی گاز ایران

۱۳۴۴-۹۴

حرکت عملی به سوی استقرار عدالت و رفاه اجتماعی با گازرسانی به

۲۰/۰۰۰ روستای کشور



سیاست‌گذاری یکپارچه، حلقه مفقوده‌ رهایی از روزمرگی در حوزه انرژی

پایان بخشی‌نگری با طرح جامع انرژی

هم‌زمان با بررسی سوابق و برنامه‌های ارائه‌شده از سوی وزرای پیشنهادی دکتر روحانی برای آغاز فعالیت‌های اجرایی دولت دوازدهم، فرصت مغتنمی پیش آمد تا برخی تکالیف بر زمین مانده در حوزه انرژی از جمله تدوین و اجرای «طرح جامع انرژی» مورد توجه قرار گیرند. کم‌توجهی دولت‌های گذشته به برخی تکالیف قانونی و احکام بر زمین مانده حوزه انرژی در حالی صورت می‌گرفت که بند «ب» ماده «۱۲۵» قانون پنجم توسعه، با صراحت تمام، دولت را مکلف کرده بود «سند ملی راهبرد انرژی کشور» را برای یک دوره زمانی ۲۵ ساله، حداکثر ۶ ماه بعد از تصویب برنامه پنجم توسعه تهیه کند و به تصویب مجلس شورای اسلامی برساند. همچنین براساس تبصره ذیل این بند، وزارتخانه‌های نفت و نیرو موظف بودند با همکاری سایر دستگاه‌ها، برنامه اجرایی «طرح جامع انرژی کشور» را یک سال بعد از تصویب قانون «سند ملی راهبرد انرژی کشور»، تهیه و به تصویب هیئت‌وزیران برسانند.

اگرچه احیا و تشکیل جلسات شورای عالی انرژی به‌عنوان گام نخست دولت یازدهم امیدواری‌هایی را برای پایان دادن به نگرش‌های بخشی و شخصی در این حوزه روشن ساخت و در جلسه ۲۸ تیر امسال هیئت‌وزیران نیز شاهد تصویب و ابلاغ «سند ملی راهبرد انرژی کشور» از سوی معاون اول محترم رئیس‌جمهور به تمامی دستگاه‌ها بودیم، اما تکلیف روی دیگر این سکه، همچنان نامشخص و مبهم است؛ تدوین، تصویب و اجرای «طرح جامع انرژی» که یک‌بار و برای همیشه، نقشه راهی مشخص و یکپارچه برای عبور از بحران‌های انرژی کشور ترسیم و تکلیف همگان را مشخص کند.

با توجه به نگرش‌های مثبت و کلان‌نگری وزرای پیشنهادی نفت و نیرو با کوله‌باری از تجارب ارزنده در بخش‌های مدیریتی کلان انرژی کشور، همچنین تأکید و اشاره دکتر روحانی به مباحث پیرامون نفت، انرژی، آب و محیط‌زیست در وعده‌های انتخاباتی و برنامه‌های اجرایی دولت دوازدهم، این انتظار می‌رود با ایجاد هم‌افزایی و تعامل بیش از پیش میان کمیسیون انرژی مجلس به‌عنوان نهاد ناظر و قانون‌گذار با دستگاه‌های اجرایی و متولی بخش‌های مختلف انرژی، شاهد تدوین و ابلاغ «طرح جامع انرژی» در آغاز فعالیت‌های اجرایی دولت دوازدهم باشیم؛ گامی مثبت و روبه‌جلو که بدون تردید می‌تواند، پایانی بر سال‌هایی برنامه‌ریزی در آشفته‌بازار انرژی کشور به‌شمار رود تا دستیابی به جایگاه شایسته و بایسته نخستین دارنده مجموع ذخایر نفت و گاز دنیا، مبتنی بر سیاست‌ها و برنامه‌های کشورمان باشد، نه مبتنی بر الزام و اجبار دیگر کشورها و شرایط تحمیلی از جمله بهای نفت خام.



دکتر حسین امیری خامکانی
عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی
رئیس هیئت علمی «تازه‌های انرژی»

نگاه مسئول

- * چرا تاکنون و به‌رغم گذشت چند سال از ابلاغ قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی، آیین‌نامه‌های اجرایی آن تدوین نشده و گزارشی از روند اجرای این قانون که در صورت اجرایی شدن، بسیاری از نابسامانی‌های موجود حوزه انرژی کشور سامان خواهند یافت، منتشر نشده است؟
- * در افاق چشم‌انداز ۱۴۰۴ که قرار است به قدرت نخست اقتصادی منطقه بدل شویم، ترکیب و تکلیف سبد انرژی ایران چگونه رقم می‌خورد و مدیریت تنظیم مصارف و تولید حامل‌های انرژی کشور، براساس کدام برنامه و نقشه راه، باید انجام خواهد شد؟
- * همچنان که اعلام می‌شود شدت انرژی در ایران چندین برابر بیشتر از متوسط جهانی است، چه راهکارهایی برای این موضوع اندیشیده شده است و آیا تمام مسئولیت، بر دوش مصرف‌کنندگان خواهد ماند و تولیدکنندگان دولتی و انحصاری حامل‌های انرژی، مصون از پرسش و پاسخ می‌مانند؟
- * صادرات برق اقتصادی‌تر است یا صادرات گاز منافع ملی ایران را بیشتر خواهد کرد؟
- * چرا هدررفت آب و برق در شبکه‌های انتقال و توزیع آب، همچنان با استانداردهای جهانی فاصله بسیاری دارد؟
- * مبحث ۱۹ مقررات ملی ساختمان، چرا همچنان مسکوت است؟
- * تکالیف دولت برای ارتقای سهم تجدیدپذیرها در سبد انرژی کشور، چرا همچنان بر زمین مانده است؟



مهندس سید کاظم وزیر همامانه / وزیر اسبق نفت / رئیس شورای سیاست گذاری «تازه های انرژی»

پایان ناگهانی حیات پروفسور مریم میرزاخانی، بانوی دانشمند و نابغه ایرانی ریاضی جهان، از جمله اخبار ناگوار و تأسّف باری بود که در ماه گذشته منتشر شد؛ حادثه غم انگیزی که وقوع آن با انبوهی از واکنش های احساسی مردم و مسئولان همراه بود و البته، گویای از دست دادن یک هم وطن ایرانی پر آوازه که با مهاجرت از مرزهای جغرافیایی کشورمان، مرزهای علمی و موفقیت آمیز بسیاری را در نورددید. اگر چه مسئولان کشورمان واکنش های بسیاری به این واقعه تأسّف آور داشتند و آحاد ایرانیان نیز تا حدود زیادی متوجه فقدان یکی از برترین نخبگان دنیای ریاضی جهان شدند، اما واقعیت این است که محرومیت ایران و ایرانیان از مواهب علمی و بهره مندی از وجود این اندیشمند برتر ریاضی دنیا، نه در ماه گذشته و با فوت ایشان، بلکه ۱۵ سال پیش و با مهاجرت او از کشورمان به امریکا صورت گرفت. اگر چه همچون بسیاری از رخدادها و حوادث ناگوار ایچنینی، ناگزیر از ابراز تأسّف، آن هم بعد از وقوع حادثه هستیم، اما ناخود آگاه این موضوع در ذهنم تداعی شد که انبوهی از نخبگان علمی کشور همچون مریم میرزاخانی که آرزوی استخدام و فعالیت در صنعت نفت را به هنگام تحصیل در سر می پروراند به همراه شمار بسیاری از متخصصان توانمند صنعت نفت، بنا به دلایل متعدد، شرایط نامناسب اجتماعی و شغلی را در چند سال گذشته تجربه کرده اند که همراه با تشدید موج نارضایتی و کاهش انگیزه تداوم فعالیت آنها و البته اقدام برای مهاجرت از کشورمان همراه بوده است.

ساماندهی وضعیت کارکنان و متخصصان، مهم ترین اولویت صنعت نفت در دولت دوازدهم

فرار نخبگان، فرسایش متخصصان

متخصصان را به ویژه در صنعت نفت فراهم آورده که براساس مقررات و ویژگی های موجود در مصوبات وزارت نفت که از سوی تمام وزرای مختلف نیز به تصویب رسیده و ابلاغ شده است، از لحظه ورود هر نیروی انسانی، روش جذب نیروها، چگونگی نحوه آموزش، نظام ارزیابی و ارتقا و جانشینی، راه شخص و اعضای خانواده، چگونگی زندگی فرد، بازنگری و حتی فوت کارمندان و انجام مراحل کفن و دفن کارمندان نیز نظام مند و پیش بینی شده است. در واقع تمام رسیدگی به ابعاد زندگی کارکنان صنعت نفت، از لحظه تصمیم برای انتخاب و استخدام تا رسیدگی به امور بازماندگان بعد از فوت، در مقررات نفت وجود داشته و دارد.

این واقعیت، ناگفته پیداست که رضایت مندی شغلی، فقط به دریافت حقوق و مزایا و پول بیشتر وابسته نیست. این عامل مهم برای وفاداری و ماندگاری افراد، هنگامی ایجاد می شود که جوابگوی تمام نیازهای مادی و معنوی باشد و فرد احساس کند نه تنها برای سازمان عنصر مفیدی خواهد بود، بلکه کرامت و حرمت او نیز حفظ می شود. این موضوع بسیار مهم است که احترام متقابل در روند همکاری حفظ شود و حتی اگر بنا به دلایلی از مزایای کارکنان در برخی مواقع کاسته شود، ارزش گذاری مناسب خدمات و جایگاه آنها باعث می شود کارها با سرعت و کیفیت مناسبی انجام شوند. شرایطی را در نظر بگیرید که فردی با چندین سال سابقه فعالیت در وزارت نفت، مشاهده می کند پست های مابقی و ارشد مدیریتی به افرادی خارج از بدنه صنعت نفت یا بدون داشتن صلاحیت مناسب واگذار می شود. طبیعی است که آن فرد رغبتی برای کار کردن نخواهد داشت و خواسته یا ناخواسته، دیگر تلاشی برای اعتدالی صنعت نفت نمی کند، زیرا انگیزه و رضایت شغلی او، حتی با فرض کسب درآمد بالا و مطلوب، از بین رفته است. در حالی که این فرد تصور می کرد با توجه به افق ترسیم شده در کارنامه شغلی و کسب تجربه در سمت های کارشناسی و میانی، امکان دستیابی به موقعیت هایی نظیر مدیر ارشد، مدیر کل و حتی معاونت وزیر نیز برای او وجود دارد، اما با مشاهده رویه های ناسالم مرسوم و رویکردهایی که امیدوارم در دولت دوازدهم

۴۰۰ هزار نفر ایرانی آماده برای مهاجرت، چه کسانی هستند، چه ترکیب جمعیتی دارند، تخصص آنها چیست و این روند فزاینده مهاجرت متخصصان، چه تأثیری بر آینده کشور خواهد داشت؟ موضوع مهم دیگر در این میان، آن است که قرار گرفتن نام کشورهای عربستان، امارات و با فاصله اندکی، قطر بین مقاصد برتر مهاجران ایرانی، آیا می تواند معنایی غیر از وجود جذابیت های متعدد برای حضور متخصصان کشورمان در کسب و کار صنعت نفت این کشورها باشد؟

در حالی که صنعت نفت ایران در چند سال گذشته بر مداری غیر از توسعه و تعالی قرار گرفته بود، این یک واقعیت گریزناپذیر است که نفت و صنایع پیرامونی آن در منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی، در دهه اخیر توسعه روزافزونی را تجربه کرده است که لازمه پایداری چنین روند روبه رشدی، قطعاً وجود نیروهای انسانی توانمند و متخصص است. هم زمان با موج تقاضای این کشورها برای تأمین منابع انسانی متخصص، شاهد اوج گرفتن نارضایتی و کاهش انگیزه متخصصان در صنعت نفت نیز هستیم. در چنین شرایطی، بدیهی است مدیران و کارشناسان خیره و آموزش دیده ای که با منابع مالی ایران که عموم آن نیز ریشه در عواید نفتی دارد، سال های ابتدایی و میانی تجربه آموزی و ارتقای سطوح مهارتی خود را در صنعت نفت به عنوان یکی از بهترین بخش های صنعتی و فنی کشور گذرانده اند، از یک سو با رفتارهای نامناسب سیستم مدیریتی صنعت نفت و کشور مواجه می شوند و توأمان، شرایط بسیار مناسب تری از محل فعلی خدمت خود را نیز در صنعت نفت کشورهای همجوار، آن هم با شرایط بسیار جذاب تر از کشورهای برتر اروپایی و امریکا مشاهده می کنند. در چنین شرایطی، بسیار محتمل است افراد متخصصی که انگیزه های آنها برای تداوم فعالیت در کشور سرکوب شده، به راحتی مهاجرت کنند و همچون مریم میرزاخانی یا هزاران نخبه ایرانی دیگری که حتی نامی نیز از آنها برده نمی شود، کشورمان را از توانمندی های خود محروم سازند.

صنعت نفت و چالش منابع انسانی

شرایط نابسامان کنونی در حالی زمینه های مهاجرت

برنامه ریزی ۱.۸ میلیون نفر برای مهاجرت

بر اساس آخرین گزارش مرکز تحلیل داده های سازمان بین المللی مهاجرت که در جولای ۲۰۱۷ منتشر شد، جمهوری اسلامی ایران با داشتن ۱.۸ میلیون نفر جمعیت که برای ترک وطن برنامه ریزی می کنند، در رتبه هفتم کشورهای مبدأ برای مهاجرت قرار دارد. بر اساس این گزارش، ۴۰۰ هزار نفر از ایرانیان مقیم کشور، افزون بر داشتن برنامه مهاجرت، در حال آماده سازی شرایط مهاجرت نیز هستند. مرور دوباره این ارقام، حاکی از آن است که حدود ۵ برابر افرادی که در حال آماده شدن برای انجام تشریفات قانونی مهاجرت هستند، افراد دیگری نیز وجود دارند که برای مهاجرت از ایران، برنامه ریزی ذهنی انجام داده اند. بنابر آمار این گزارش، اگر چه ایالات متحده امریکا با فاصله ای معنادار در مقایسه با سایر کشورها، دوست داشتنی ترین مقصد برای مهاجرت مهاجران است، اما این موضوع نیز بسیار قابل تأمل است که عربستان سعودی برای حدود ۶ درصد کسانی که برنامه مهاجرت دارند، مقصد مطلوبی به شمار می رود، امارات متحده عربی در رده نهم جذاب ترین مقاصد مهاجرتی دنیا قرار گرفته و به فاصله اندکی نام قطر نیز در این فهرست مشاهده می شود.

از تراژدی «مهاجرت مغزها» تا

«سونامی فرار دست ها»

اگر در دهه گذشته از واقعیت تلخی به نام «موج مهاجرت مغزها» سخن به میان می آمد، متأسفانه در چند سال اخیر با «سونامی فرار دست ها» و گسترش مهاجرت متخصصان کشورمان مواجه هستیم. اوج نگرانی از این روند، زمانی حاصل می شود که بنابر اعلام وزیر پیشین علوم و تحقیقات هنگام ارائه لایحه بودجه ۱۳۹۴، در شرایطی که کل بودجه ایران حدود ۱۹۲ هزار میلیارد تومان و معادل ۷۰ میلیارد دلار بود، از طریق تسهیل شرایط برای مهاجرت مغزها، سالانه حدود ۱۵۰ میلیارد دلار به سایر کشورهای دنیا کمک بلاعوض می کنیم.

پرسش معنادار در این میان، آن است که یک میلیون و ۸۰۰ هزار نفر هم وطنان دارای برنامه برای مهاجرت و



امیدوارم در روند انتخاب مدیران ارشد و میانی صنعت نفت در دولت دوازدهم، شاهد انتخاب مدیرانی از بدنه صنعت نفت و نه میهمانان ناخواسته باشیم؛ هر چند با بازنگری در موعد چند هزار نفر در اواخر ۱۳۹۵ و اوایل امسال، این زمینه کاملاً فراهم شده است که بتوان به صورت اتوبوسی، نیروهای غیر نفتی را به صنعت نفت دعوت کرد و جایگاه های مدیریتی از سرپرستی تا مدیریت عالی را به آنها سپرد.

شاهد آن نباشیم، راه برای ورود او به عرصه‌های مدیریتی کاملاً مسدود می‌شود.

جلوگیری از ورود غریبه‌ها به صنعت نفت

به دلیل خلأ مدیریتی ناشی از قطع همکاری یا جدشدن بسیاری از مدیران صنعت نفت در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی، متخصصان بسیاری در رده‌های مختلف کارشناسی و مدیریتی از صنعت نفت خارج شدند و این شرایط، وزرای منتخب که اتفاقاً عموم آنها نیز از حوزه‌هایی خارج از صنعت نفت به این وزارتخانه آمده بودند را مجبور به استفاده از نیروهای بدون تجربه و سابقه مرتبط در این زمینه‌ها می‌کرد. در شرایط کنونی که بنابر اعلام مسئولان ارشد کنونی وزارت نفت، با انبوهی از نیروهای انسانی متخصص مزاد نیز مواجه هستند، امیدوارم در روند انتخاب مدیران ارشد و میانی صنعت نفت در دولت دوازدهم، شاهد انتخاب مدیرانی از بدنه صنعت نفت و نه میهمانان ناخوانده باشیم؛ هرچند با بازنشسته کردن قبل از موعد چند هزار نفر (که تا ۷ هزار نفر نیز ذکر می‌شود) در اواخر ۱۳۹۵ و اوایل امسال، این زمینه کاملاً فراهم شده است که بتوان به صورت اتوبوسی، نیروهای غیر نفتی را به صنعت نفت دعوت کرد و جایگاه‌های مدیریتی از سرپرستی تا مدیریت عالی را به آنها سپرد. اگرچه این اتفاق در دوره‌های گذشته نیز رخ می‌داد اما این بار به دلیل بازنشسته شدن حجم عظیمی از نیروهای کارآموده و آماده برای مدیریت، زمینه برای چنین تغییرهایی مساعدتر شده است.

تداوم دعوت از مدیران غیر آشنا به صنعت نفت در سالیان گذشته که به صورت یک عرف ناصحیح درآمده است و متأسفانه حتی در دولت یازدهم نیز تا حدودی شاهد آن بودیم، یکی از مصادیق و مجراهایی است که روند خروج متخصصان از بدنه صنعت نفت و مهاجرت آنها را تشدید می‌کند. این در حالی است که اگر مسئولان رده اول وزارتخانه از بدنه این صنعت انتخاب شوند، مطابق با ضوابط و مقررات جاری در نفت که در تمام زمینه‌ها به‌ویژه بازآموزی و آموزش‌های حین خدمت، به نیروی انسانی باید توجه شود، حتی الامکان باید از همکاران شاغل در صنعت نفت برای سمت‌های میانی و ارشد مدیریتی استفاده شود. برای مثال، اگر قرار بر انتصاب فردی در یکی از مدیریتهای ارشد ستادی بخش پالایش باشد، این فرد حتماً باید همه مراحل پالایش را طی کرده و حتی در مقطعی نیز رئیس پالایشگاه بوده باشد. چنین فردی باید ادبیات فنی مدیریت پالایش را به‌خوبی و درستی درک کند تا هنگامی که درباره مسئله یا مشکلی در پالایشگاه صحبت می‌شود، توان تجسم و فهم آن را داشته باشد که دلیل بروز این حادثه، چه بوده و طرحی که داده‌اند چطور است و در چه زمانی باید اجرایی شود. در غیر این صورت و ناتوانی از شناخت و درک این عوامل، تمام حرف‌هایی که می‌زند و تصمیم‌هایی که می‌گیرد، انتزاعی خواهد بود که عواقب آن، همان بی‌انگیزگی و خروج تدریجی کارشناسان و کارکنانی است که سال‌ها در صنعت نفت تلاش صادقانه انجام داده‌اند.

سرنوشت نفت را نفتی‌ها باید رقم زنند

این روزها و در حالی که ترکیب کابینه دوازدهم با معرفی وزرای پیشنهادی از سوی ریاست جمهوری مشخص شده است و از شرایط کنونی نیز چنین برمی‌آید که حضور مهندس زنگنه در وزارت نفت برای ۴ سال آینده نیز تداوم خواهد یافت، این انتظار مطرح است که رسیدگی شایسته و بایسته‌ای به شرایط منابع انسانی وزارت نفت و اجرای کامل آیین‌نامه ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت در



اولویت فعالیت‌های اجرایی وزارت نفت در دولت دوازدهم قرار گیرد.

امیدوارم شرایط کنونی منابع انسانی شاغل در وزارت نفت که البته بسیاری از آنها ناشی از تصمیم‌های ناصحیح مسئولان وزارت نفت به‌ویژه در دولت دهم است، با اتخاذ راهبردها و رویکردهای مناسب و متناسب با شأن و منزلت متخصصان صنعت نفت، بیش از گذشته ساماندهی شود. در چنین صورتی است که می‌توان امیدوار بود با ایجاد انگیزه و شرایط مناسب فعالیت برای متخصصانی که قرار است برنامه‌ها و وعده‌های وزیر نفت و رئیس‌جمهور را عملیاتی سازند، ضمن کاهش روند تقاضای مهاجرت از کشور نسبت به ارقامی که در ابتدای این نوشتار به آنها اشاره شد، سهم متخصصان صنعت نفت نیز از میان جمعیت ۴۰۰ هزار نفره آماده خروج از کشور، کاهش یافته و در بهترین حالت، به سمت صفر متمایل شود.

با اندکی توجه و دقت می‌توان دریافت آنچه وزیر نفت دولت یازدهم را شاخص و ژنرال معرفی کرد، کارهای انجام شده در صنعت نفت است که تولید را به نزدیک ۴ میلیون بشکه در روز و صادرات را به ۲،۵ میلیون بشکه در روز افزایش داد، گاز رسانی در سطح کشور را به حد ایده‌آل رساند و از آن مهم‌تر، پروژه‌های بر زمین مانده از گذشته را آماده بهره‌برداری کرد. در واقع این نیروهای متخصص و متعهد صنعت نفت هستند که نه تنها بهایی به آنها داده نشد، بلکه به راحتی آنها را بازنشسته کردند و حتی در برخی موارد، از آنها به عنوان افرادی بی‌خاصیت و اضافی نام برده

شد. واقعیت این است که نیروهای مهاجر از سایر ارگان‌ها به نفت، نه تنها نقشی در این حرکت عظیم و خیز بزرگ تولید و توسعه صنعت نفت نداشتند، بلکه با حرکت‌های ناموزون، انبوهی از نیروهای متخصص را به سمت فرار و بازنشستگی سوق دادند تا خلأ نیروهای کارکننده و آماده مدیریت در نفت، ایجاد شود.

باید باور داشت که صنعت نفت، موتور محرکی است برای تبدیل سرمایه‌های زیرزمینی به ثروت‌های ماندگار روزمینی برای رفاه و آسایش جامعه. از این رو ارتقای گردش به سرمایه‌های انسانی و اعتماد به انبوه متخصصان شاغل در صنعت نفت با هدف جلوگیری از فرار نخبگان و فرسایش متخصصان، ضرورتی گریزناپذیر است که کمترین پیامد مثبت آن، تحقق وعده‌هایی است که این روزها در برنامه‌های ارائه‌شده برای ارتقای صنعت نفت در دولت دوازدهم از آنها نام برده و قرار است عملیاتی شوند.

امیدوارم نه تنها دیگر اخبار فقدان نخبگان مهاجر ایرانی همچون مرحوم پروفیسور مریم میرزاخانی منتشر نشود، بلکه با تدابیر مسئولان امر، بسترهای مناسبی ایجاد شود که انبوه نخبگان و متخصصان شاغل در بخش‌های مختلف وزارت نفت که فراتر از تجهیزات و ذخایر نفت و گاز، اصلی‌ترین سرمایه‌های کشور و صنعت نفت محسوب می‌شوند، زمینه‌های اعتلای ایران اسلامی و سرفرازی صنعت نفت را فراهم آورند و ماندن در ایران را در هر شرایطی بر مهاجرت و فعالیت در صنعت نفت کشورهای رقیب، ترجیح دهند. 



واقعیت این است که

نیروهای مهاجر از سایر ارگان‌ها به نفت، نه تنها نقشی در این حرکت عظیم و خیز بزرگ تولید و توسعه صنعت نفت نداشتند، بلکه با حرکت‌های ناموزون، انبوهی از نیروهای متخصص را به سمت فرار و بازنشستگی سوق دادند تا خلأ نیروهای کارکننده و آماده مدیریت در نفت، ایجاد شود.

ارزیابی عملکرد دولت یازدهم در تدوین و اجرای قوانین زیست محیطی

قانون گرایی؛ فرصتی که دولت یازدهم

برای تحقق محیط زیست سالم ایجاد کرد

DEPARTMENT
OF THE ENVIRONMENT



سازمان حفاظت محیط زیست



[رکنتر داریوش کریمی / مدیرکل امور حقوقی و مجلس و مشاور رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست]

تغییر دولت هر ۴ سال یک‌بار، فرصتی است برای جامعه تا بتواند ارزیابی درستی از اقدام‌های کوتاه‌مدت دولت به‌دست آورد. این تغییر افزون بر آگاه‌سازی آحاد جامعه نسبت به میزان توفیق دولت در پیشبرد برنامه‌ها و اهداف مطروحه، نقاط ضعف و کاستی‌ها و احتمالاً موارد ناموفقیت دولت در بخش‌های مختلف را نیز به معرض قضاوت عمومی می‌گذارد. شیوه‌ها و روش‌های متفاوتی برای ارزیابی و نقد عملکرد دولت در عرصه‌های مختلف متصور است، اما شورای سیاست‌گذاری ماهنامه تخصصی «تازه‌های انرژی» که از بدو انتشار در شهریور ۱۳۸۷، توسعه پایدار و صیانت از محیط‌زیست را به‌عنوان یکی از بخش‌های اصلی خود در نظر گرفته است، با رویکرد تحلیل و ارزیابی علمی به این موضوع نگرینسته و طبعاً مبنای ملاک را در برنامه‌های ارائه‌شده و میزان موفقیت آنها جستجو می‌کند و البته، همه عوامل درونی و محیطی را بر توفیق یا شکست برنامه‌ها مؤثر می‌داند.

ناگفته پیداست دولت در کشور ما چنان حجیم و فربه است که در این مقال، فرصت ارزیابی عملکرد آن در همه بخش‌ها، اعم از امور حاکمیتی و اجرایی، اقتصادی اجتماعی، فرهنگی یا سیاسی مقدور نیست (مشروح این موارد در «ماهنامه مدیریت سبز»، از مجموعه نشریات گروه «تازه‌های انرژی» به بحث و نظر گذاشته خواهد شد). از آنجا که دولت یازدهم خود را در بسیاری از مواقع «دولت محیط‌زیست» معرفی کرده است، در صدد برآمدیم محیط‌زیست در دولت یازدهم را زیر ذره‌بین ببریم تا خوانندگان گرامی، نسبت به توفیق یا شکست دولت در این حوزه، آگاهی بیشتری کسب کرده و قضاوت منصفانه‌ای داشته باشند.

وزارت نیرو به‌تنهایی نمی‌تواند این درد مزمن و دردهای مشابه را درمان کند. موارد زیر نشان‌دهنده نمونه‌هایی از وضعیت محیط‌زیست کشور در آن مقطع زمانی است:

◀ آلودگی هوا، به‌ویژه در کلان‌شهرها به‌طور عمده به‌دلیل استفاده از بنزین غیراستاندارد که در افواه عمومی به بنزین پتروشیمی معروف شده، به‌طور نگران‌کننده‌ای تشدید شده بود.

◀ انحلال شورای عالی حفاظت محیط‌زیست؛ حال آنکه سازمان حفاظت محیط‌زیست تحت امر شورای عالی مجاز به اقدام بوده و مرجع قانونی صدور تصویب‌نامه در زمینه‌های متعدد، همین نهاد است.

◀ خشک شدن تالاب‌ها و نادیده گرفتن حقایق تالاب‌ها و رودخانه‌ها.

◀ اجرای بیش از ۲۰۰ پروژه بزرگ توسعه‌ای بدون اخذ مجوز ارزیابی زیست‌محیطی، در حالی که به‌طور قانونی، شروع این پروژه‌ها مستلزم دریافت مجوز ارزیابی زیست‌محیطی بوده است.

◀ تصرف‌های بسیار در اراضی ملی و دولتی که در بسیاری از موارد، تحت تأثیر از حیز انتفاع خارج شدن شورای عالی محیط‌زیست به وقوع پیوسته بود.

◀ مواردی که به آنها اشاره شد، فقط نمونه‌های برجسته‌ای از وضعیتی است که محیط‌زیست در زمان استقرار دولت یازدهم با آن مواجه بود و برای مثال، شاید برای آحاد جامعه مفهوم نباشد که با انحلال شورای عالی حفاظت محیط‌زیست، دولت، حاکم بلامنزاع شده و دستگاه‌هایی که بار مسئولیت حفاظت از محیط‌زیست در حوزه بخشی خود را برعهده دارند به‌جای مرجع ملی نظارت‌نشسته و به اقدام‌هایی مانند تغییر کاربری گسترده مناطق حفاظت‌شده کشور دست زده و آنها را به شهرهایی مانند پردیس تبدیل می‌کنند.

شاید عموم مردم ندانند نادیده گرفتن حقایق تالاب‌ها به فجایعی مانند از دست رفتن بستر حیات روستایی و مهاجرت لجام‌گسیخته به حاشیه شهرها و تبعات بعدی آن منجر می‌شود.

محیط‌زیست و قانون‌گرایی در دولت یازدهم

دولت یازدهم برنامه‌های مشخصی برای رفع این مشکلات تدوین و ارائه کرده بود که مبنای این ارزیابی قرار گرفته است. این برنامه چند وجه دارد که در این مقال، صرفاً وجه «قانون‌گرایی» آن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد؛ مفهومی که می‌توان آن را کلیدی‌ترین بخش از برنامه دولت یازدهم برای رفع مشکلات محیط‌زیست تلقی کرد.

به باور نگارنده، درحالی که قانون‌گرایی دارای ۲ وجه «وجود قوانین متناسب با شرایط برای عمل قانونی در حوزه محیط‌زیست» و «تهدید به اجرای بی‌نقص قوانین برای تحقق اهداف» است. عمده مشکلات محیط‌زیست کشور معطوف به نقصان در حوزه قانون‌گرایی است. بنابراین چنانچه اقدام‌های دولت در این حوزه مثبت ارزیابی شود، می‌توان عملکرد دولت یازدهم را موفق ارزیابی کرد و چنانچه نمره قابل‌قبولی از حیث

مسئله محیط‌زیست از ۲ جنبه هیجان‌برانگیز و قابل توجه است؛ نخست اینکه در سال‌های اخیر و تحت تأثیر عوامل مختلف پدیده‌های زیست‌محیطی مانند آلودگی هوا، خشک شدن تالاب‌ها، افزایش گرد و غبار، اجرای بی‌ضابطه طرح‌های توسعه‌ای و... بروز و ظهور متوالی و مکرر داشته و در نتیجه، ذهن جامعه را متوجه خود ساخته و انتظاراتی برای انجام اقدام‌های موثر توسط دولت به‌منظور رفع این مشکلات ایجاد کرده است. علاوه بر این موضوع، چالش‌های زیست‌محیطی به محل تنازع و کشمکش جریان‌های سیاسی تبدیل شده و هر گروه، بنا به گرایش سیاسی، تلاش کرده عملکرد دولت مستقر را «کاملاً سیاه» یا «کاملاً سفید» ببیند و لاجرم، اصل مشکل که همانا «محیط‌زیست سالم» است معمولاً به بوتۀ فراموشی سپرده می‌شود.

«محیط‌زیست» محدود به «سازمان حفاظت محیط‌زیست» نمی‌شود

به‌دلیل مفهوم گسترده محیط‌زیست و دامنه پوشش آن، باید دانست که نقد و ارزیابی محیط‌زیست معادل با ارزیابی سازمان حفاظت محیط‌زیست نیست، زیرا برنامه‌های زیست‌محیطی دولت در دستگاه‌های متعدد پراکنده است که باید توسط آنها انجام شود. این برنامه‌ها بعد یا در زمان اجراء از طریق سازمان حفاظت محیط‌زیست هماهنگ و نظارت می‌شود تا علاوه بر پیشگیری از هم‌پوشانی مأموریت دستگاه‌های مختلف، کاهش هزینه‌های اقدام از منابع عمومی را نیز در پی داشته باشد. به‌عنوان مثال، درحالی که مسئولیت نحوه استفاده از منابع آب سرچشمه‌های کارون قاعدتاً برعهده وزارت نیرو است، اما جامعه هم به‌حق انتظار دارد مدیریت این موضوع را نه وزارت نیرو که سازمان حفاظت محیط‌زیست عهده‌دار شود و در عمل، تصمیم‌های شورای عالی آب موقوف به نگاه محیط‌زیستی و تصمیم‌سازمان حفاظت محیط‌زیست برای حل و فصل عادلانه و منصفانه این مسئله بفرنج شود. شاید مثال رفع عوامل بروز پدیده گرد و غبار ملموس‌تر به نظر آید. در این موضوع مسئولیت تثبیت شن‌های روان و ممانعت از گسترش بیابان‌ها برعهده سازمان جنگل‌ها و مراتع و آبخیزداری است، اما در این سال‌ها همواره چشم مردم و نمایندگان آنان برای رفع عوامل بروز پدیده گرد و غبار، متوجه سازمان حفاظت محیط‌زیست بوده است.

وضعیت محیط‌زیست در زمان استقرار دولت یازدهم

فارغ از تصور عامه مردم، برای تحلیل درست از نحوه عملکرد دولت در رفع مشکلات محیط‌زیست کشور، ابتدا باید تصویر درستی از بستری که دولت کار خود را در آن آغاز کرده ارائه داد و شرط لازم اجرایی شدن وعده‌ها را نیز در آنها جستجو کرد. اگرچه برنامه انتخاباتی دولت‌ها مبتنی بر مطالعه وضع موجود تنظیم می‌شود، اما واقعیت این است که دولت یازدهم در زمان شروع به کار با میراث چندان مناسبی مواجه نبود. شاید اولین تصمیم دولت مبنی بر تشکیل ستاد احیای دریاچه ارومیه دربردارنده این پیام بوده که حال محیط‌زیست کشور، اصلاً مساعد نیست و سازمان حفاظت محیط‌زیست یا

ماهنامه تخصصی
محیط‌زیست و
انرژی‌های تجدیدپذیر

محیط‌زیست
و انرژی‌های تجدیدپذیر



نخستین تصمیم دولت مبنی بر تشکیل ستاد احیای دریاچه ارومیه دربردارنده این پیام بوده که حال محیط‌زیست کشور، اصلاً مساعد نیست و سازمان حفاظت محیط‌زیست یا وزارت نیرو به‌تنهایی نمی‌تواند این درد مزمن و دردهای مشابه را درمان کند.

قانون‌گرایی عاید دولت نشود، باید شکست دولت در پاسخ به مطالبات زیست‌محیطی مردم را اعلام داشت. در ادامه این نوشتار، ارزیابی را معطوف به عملکرد دولت در خصوص ۵ مقوله‌ای که اشاره شد، در نظر می‌گیریم تا قضاوت عمومی راحت‌تری انجام شود.

اول

کاهش آلودگی هوا

آمارها نشان می‌دهد بار آلودگی ناشی از مصرف سوخت‌های فسیلی از ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶، کاهش چشمگیری داشته و شمار روزهای پاک و سالم به‌عنوان شاخصی معتبر در این زمینه، به‌شدت افزایش داشته است که علاقه‌مندان می‌توانند اطلاعات دقیق در این خصوص را از سایت اطلاع‌رسانی سازمان حفاظت محیط‌زیست به دست آورند. اما از منظر قانون‌گرایی باید گفت تا پایان دولت یازدهم قانون نحوه‌ی جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴، ملاک عمل مجریان بوده است. بنا به دلایل متنوع و از جمله تغییر فناوری تولید و مصرف سوخت‌های فسیلی در خودروها و کارخانجات، افزایش جمعیت و تقاضا برای خودرو شخصی، افزایش شمار کارگاه‌ها و کارخانجات تولیدی و در نتیجه، افزایش مصرف سوخت و دیگر موارد، قانون مصوب ۱۳۷۴ پاسخگوی نیازهای زمان حاضر نیست. دولت با ارائه و پیگیری لایحه «هوای پاک» برای به‌روزرسانی متن قانون، اقدام درخوری انجام داده است. این قانون در سال پایانی دولت یازدهم به تصویب مجلس رسید و اکنون در آستانه‌ی ابلاغ قرار دارد. رفع موانع قانونی که دلیل اصلی ایجاد آلودگی گسترده هوا بوده، با تصویب و ابلاغ قانون هوای پاک، روی ریل متناسب قرار خواهد گرفت. البته در کنار این اقدام اساسی، دولت یازدهم با تصویب برنامه‌ی جامع کاهش آلودگی هوا در اردیبهشت ۱۳۹۳، تعهد خود را برای بهبود وضعیت هوا و تأمین یکی از نیازمندی‌های اساسی مردم به‌منصه‌ی ظهور رسانده بود.

دوم

شورای عالی حفاظت محیط‌زیست

اتحلال شورای عالی حفاظت محیط‌زیست را می‌توان بدترین اقدام زیست‌محیطی دولت نهم انجام برشمرد که سازمان حفاظت محیط‌زیست را از داشتن مرجع قانونی محروم کرد. در دوران ۸ ساله‌ی دولت‌های نهم و دهم با استفاده از روش‌های غیرقانونی، مصوباتی در کمیسیون زیربنایی دولت به‌نام شورای حفاظت محیط‌زیست اتخاذ و اجرا شد که پیامدهای ناگواری در پی داشت. در دولت یازدهم این مصوبات یا به‌وسیله‌ی دولت لغو شدند و یا با پیگیری و اخذ رأی دیوان عدالت اداری، ملغی شدند. به هر حال احیای شورای عالی حفاظت محیط‌زیست در همان نخست ماه‌های استقرار دولت یازدهم محقق شد و مسیر قانون‌گرایی در حوزه‌ی محیط‌زیست را یک بار دیگر گشود.

سوم

نادیده گرفتن حَقابۀ تالاب‌ها و رودخانه‌ها

خشک شدن تالاب‌ها و نادیده گرفتن حَقابۀ تالاب‌ها و رودخانه‌ها را می‌توان از چالشی‌ترین مسائلی برشمرد که کشور در دهه‌های اخیر با آن مواجه بوده است که این وضعیت، در دهه‌های آینده بسیار بغرنج‌تر نیز خواهد شد. دلیل بروز این پدیده، فقدان قانون برای مکلف ساختن دستگاه‌های دولتی و عموم مردم در مواجهه با منابع آبی کشور و از جمله تالاب‌ها بوده است. دولت یازدهم، وضع قانون برای رفع این معضل را از اولویتهای خود قرار داد و درحالی‌که عموم نمایندگان مجلس نهم، غیرهمسو با مشی دولت و در بعضی موارد نیز مخالف رویکرد دولت یازدهم بودند، موفق شد لایحه را در کمیسیون‌های مجلس نهم به پیش برده و سرانجام با تغییر ترکیب مجلس دهم و تعدیل نگاه آن به محیط‌زیست کشور، لایحه‌ی قانونی مدیریت تالاب‌ها به تصویب رسید و در اردیبهشت ۱۳۹۶ نیز به‌طور رسمی به قانون مدیریت تالاب‌ها تبدیل شد. تصویب این قانون بستر ساز الزام‌هایی است

که تأمین حَقابۀ تالاب‌ها و مجازات سنگین برای وارد ساختن خسارت به تالاب‌ها را در پی خواهد داشت.

چهارم

ارزیابی زیست‌محیطی پروژه‌های توسعه‌ای

بیش از ۲۰۰ پروژه بزرگ توسعه‌ای بدون اخذ مجوز ارزیابی زیست‌محیطی درحالی‌که از سوی دولت قبل آغاز شده بود که به‌طور قانونی، شروع این پروژه‌ها مستلزم دریافت مجوز است و ارزیابی زیست‌محیطی طرح‌ها و پروژه‌های بزرگ، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. این الزام از برنامه‌ی سوم توسعه در کشور، ساری و جاری بوده و با اینکه برنامه‌ی پنجم توسعه نیز الزام بر ضرورت ارزیابی زیست‌محیطی تأکید داشت، اما بدون رعایت تشریفات قانونی، اجرای پروژه‌های زیادی شروع شد و تبعات سنگین اقتصادی و زیست‌محیطی را متوجه کشور کرد. برای رفع این مشکل باز هم دولت، قانون‌گرایی را در دستور کار قرار داد و با ارائه‌ی لایحه‌ی ارزیابی زیست‌محیطی به مجلس نهم، درصدد حل ریشه‌های مشکل برآمد. اگرچه این لایحه متأسفانه در مجلس نهم با مخالفت مواجه شد و سد راه دولت برای برخورد با پروژه‌های بدون ارزیابی شد، اما دولت تلاش کرد با اصلاح مقرراتی که در حیطه‌ی صلاحیتش قرار دارد، گام‌هایی در این راه بردارد.

پنجم

تصرف اراضی دولتی و ملی

تصرف‌هایی که به‌طور گسترده، غیرقانونی و با عناوین مختلف در اراضی ملی و دولتی صورت می‌گیرد، به‌عنوان پدیده‌ای بسیار نامطلوب مطرح است. در این خصوص ۲ مشکل مطرح است؛ نخستین مورد، وجود قوانین متعارض و گاهی متضاد در حوزه‌ی اراضی کشاورزی، شهری، زراعی و باغی است و مورد دوم، سازوکارهای اداری ناهمسو برای مدیریت امور اراضی کشور. آنچه به حوزه‌ی محیط‌زیست مربوط می‌شود آن بخش از اراضی ملی است که با تصویب شورای عالی حفاظت محیط‌زیست با عناوین ۴گانه در مدیریت سازمان حفاظت محیط‌زیست قرار می‌گیرد. به لحاظ آماری این بخش از اراضی اگرچه حدود ۱۰ درصد از عرصه‌های منابع طبیعی و اراضی ملی را شامل می‌شود، اما از نظر کیفیت شاید واجد ارزشی بسیار بیش از ۱۰ درصد باشد و به‌همین دلیل باید اقدام‌های ویژه‌ای برای حفاظت از آنها انجام شود. مشکل سازمان حفاظت محیط‌زیست برای این امر ۲ وجه دارد که نخستین وجه این مشکل، نقض قانونی است. به این معنا که سازمان برای پیگیری رفع تصرف‌ها در مراجع قضایی، ناگزیر از پرداخت هزینه‌ی دادرسی است، درحالی‌که بازگرداندن اموال عمومی باید مشمول معافیت از هزینه‌ی دادرسی باشد. در دولت یازدهم بنا به پیشنهاد سازمان حفاظت محیط‌زیست در ماده‌ی ۲۹ لایحه‌ی احکام دائمی که در زمستان ۱۳۹۵ به تصویب مجلس رسید، پیگیری رفع تصرف اراضی ملی و دولتی از پرداخت هزینه‌ی دادرسی معاف شد. وجه دوم این امر به تقویت ظرفیت‌های قانون‌گذاری و اجرای قوانین مربوط می‌شود که خود، دارای ابعاد متعددی است و نیازمند بررسی در فرصتی جداگانه. به‌طور اجمال می‌توان گفت که در این رابطه نیز دولت یازدهم علاوه بر بسترسازی و تهیه‌ی سند سیاست‌های کلی محیط‌زیست و ارائه‌ی آن به مجمع تشخیص مصلحت نظام و پیگیری تا ابلاغ آن از سوی مقام رهبری، برای آموزش ضابطان دادگستری، افزایش اختیار آنان و تجهیز مناطق به تجهیزات و ماشین‌آلات مورد نیاز، اقدام‌هایی انجام داد که با بُعد دوم قانون‌گرایی، سازگار به نظر می‌رسد.

برنامه‌ی محیط‌زیست دولت یازدهم در حوزه‌ی قانون‌گرایی براساس ۲ اصل «ضرورت» و «شفافیت» تنظیم شد و آنچه در گذر ۴ سال اخیر به‌دست آمد، نشان از تحقق اهداف مدتظر در این زمینه دارد. از این حیث عملکرد دولت نه‌تنها مثبت ارزیابی می‌شود، بلکه به نسبت دوره‌های تاریخی، از بدو تأسیس سازمان حفاظت محیط‌زیست، بی‌نظیر بوده است.



برنامه‌ی محیط‌زیست دولت یازدهم در حوزه‌ی قانون‌گرایی براساس ۲ اصل «ضرورت» و «شفافیت» تنظیم شد و براساس آنچه در گذر ۴ سال اخیر به‌دست آمد، عملکرد دولت نه‌تنها مثبت ارزیابی می‌شود، بلکه به نسبت دوره‌های تاریخی، از بدو تأسیس سازمان حفاظت محیط‌زیست، بی‌نظیر بوده است.



قانون مدیریت سبز و
مصرف انرژی از نگاه دکتر
امیری خامکانی، نایب رئیس
کمیسیون انرژی مجلس



کنفرانس پاریس و بازنگری
در روند توسعه صنعتی
از نگاه رئیس هیئت مدیره
هدینگ انرژی تاپیکو



دکتر متصدی: رفع
چالش ریزگردها نیازمند
برنامه ریزی بلندمدت
و رویکرد کارشناسی است



روایت دکتر داریوش کریمی
از چالش‌های حقوقی و
قانونی سازمان حفاظت
محیط زیست

ماهنامه
بین‌المللی
و اختصاصی
توسعه پایدار

مدیر سبز

و انرژی‌های تجدیدپذیر



ابتکار روحانی

خوزستان زنده می‌ماند؟

بحران آب و پوپولیسم افراطی

بام‌هایی که به خورشید می‌نگرند

خاک، بدبختی و دیگر هیچ!

تشنگی استان نفت و آب

فرش قرمز برای ریزگردها

اسلحه‌آبی

بیداری سبز

جنگ‌های اقلیمی



جبران عقب ماندگی‌ها

در زمینه میدان گازی مشترک در عسلویه که در طول ۱۶ سال قبل از دولت یازدهم ۱۰ فاز آن به بهره‌برداری رسیده بود، در این دولت ۱۱ فاز جدید به بهره‌برداری رسید و حجم برداشت از این میدان گازی مشترک از ۲۸۰ میلیون مترمکعب در روز به ۵۷۵ میلیون مترمکعب افزایش یافت که حدود ۲ برابر قبل از دولت یازدهم است. تقریباً برای اولین بار توانستیم بهره‌برداری خود را از این میدان مشترک به اندازه قطر و مقداری بیش از آن برسانیم.

در زمینه پتروشیمی، تولید کشور را ۱۰ میلیون تن افزایش دادیم و امروز حجم تولید پتروشیمی از ۴۰ میلیون و ۶۰۰ هزار تن به ۵۰ میلیون و ۵۰۰ هزار تن افزایش یافته است.

انقلاب در گازرسانی

در زمینه گازرسانی، از ابتدای انقلاب تا زمان آغاز دولت یازدهم به ۱۴ هزار روستا گازرسانی شده بود. در این دولت تاکنون به ۹ هزار روستا گازرسانی شده، یعنی تقریباً در هر روز به ۷ روستا گازرسانی شده است. تقریباً به اکثر روستاها گازرسانی شده و فقط بعضی از روستاهای دوردست باقی مانده که بخشی از آن در دولت یازدهم و بقیه در دولت دوازدهم به‌طور کامل انجام خواهد شد.

برق‌رسانی به روستاهای بالای ۱۰ خانوار
امروز همه روستاهای بالای ۱۰ خانوار در کشور دارای برق هستند. در طول این دولت به ۵ هزار و ۲۰۰ روستا

ما به نفت که در مصارف دولتی ۴۳ درصد بود، به ۳۳ درصد کاهش یافت و اتکا به مالیات که ۴۱ درصد بود، به ۴۶ درصد افزایش یافت. این هم در مسیر سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بود که اتکای بودجه جاری کشور به نفت کاسته شود.

افزایش ۲ برابری صادرات نفت

ما در زمینه ایجاد تحرک اقتصادی توانستیم از سال گذشته که سال اجرای برجام بود، شرایط کشور را تغییر دهیم. تولید نفت که استراتژیک‌ترین کالای کشور ماست در سال گذشته از ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه به ۳ میلیون و ۹۰۰ هزار بشکه افزایش پیدا کرد. با افزایش یک میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه به تولید نفت کشور در شرایطی قرار گرفتیم که توانستیم صادرات نفت و میعانات خود را تقریباً به ۲ برابر افزایش دهیم. البته در حال حاضر قیمت نفت بین ۴۰ تا ۴۵ دلار است و نسبت به ۱۳۹۲ که بین ۱۱۰ تا ۱۲۰ دلار بود، هنوز هم قیمت نفت حدود یک‌سوم آن زمان است، اما توانستیم تولید نفت و میعانات را افزایش دهیم.

جهش در میدان مشترک گاز و نفت

در زمینه میدان مشترک غرب کارون که همسایه ما هم از آن استفاده می‌کند، بهره‌برداری از این میدان را به بیش از ۳ برابر افزایش دادیم و از ۸۰ هزار بشکه به حدود ۲۷۰ هزار بشکه رسیدیم. این رقم تا پایان امسال به ۳۲۰ هزار بشکه خواهد رسید.

در ۱۳۹۳ با کاهش کم‌نظیر قیمت نفت در بازار جهانی مواجه شدیم که همه کشورهای تولیدکننده نفت را دچار مشکل کرد. اولین امتحان جدی ما در زمینه اقتصاد مقاومتی در اواخر همان سال و اوایل ۱۳۹۴ بود که اقتصاد ما با یک تکانه بزرگ بین‌المللی مواجه شد. در ۱۳۹۱ درآمد ارزی ما نسبت به سال قبل با ۴۳ درصد کاهش به ۶۸ میلیارد دلار رسید. به‌خاطر این کاهش بازار ارز، بازار قیمت کالا و تمام پایه‌های اقتصادی دچار مشکل شدند.

ثبات اقتصادی


قیمت ارز در اواخر ۱۳۹۱ و اوایل ۱۳۹۲ به ۳ برابر افزایش پیدا کرد و طی یک روز در ۱۳۹۱، قیمت ارز ۲۰ درصد افزایش یافت. این نشانه آن بود که اگر تکانه‌ای خارجی که آن زمان کاهش فروش نفت بود، وارد شود و درآمد ارزی کاهش پیدا کند، کشور با چه مشکلی روبه‌رو می‌شود. مشابه این حالت برای ما در ۱۳۹۴ پیش آمد که درآمد ما از فروش نفت، ۴۰ درصد کاهش پیدا کرد و درآمد ارزی ما به ۳۳ میلیارد دلار رسید اما در عین حال، اقتصاد ما توانست ثبات خود را حفظ کند.

در ۱۳۹۱ درآمد ما ۶۸ میلیارد دلار و در ۱۳۹۴ فقط ۳۳ میلیارد دلار بود. وضع سایر کشورهای تولیدکننده نفت در منطقه و جهان را مشاهده کنید که از لحاظ رشد اقتصادی و تورم چه وضعیتی پیدا کردند، اما ما در ۱۳۹۴ اتکای خود به نفت را کاهش دادیم. اتکای



شد و بنا بود رشد ما ۸ درصد باشد، اولین بار است که به رشد ۸ درصد رسیده‌ایم. برای رشد ۸ درصدی، سالانه به ۷۷۰ هزار میلیارد تومان سرمایه‌گذاری نیاز داریم و همچنین ۵۶ میلیارد دلار جذب سرمایه خارجی که جزو اسناد برنامه است.

افزایش صادرات در دولت دوازدهم

در دولت دوازدهم باید سالانه ۱۵ تا ۲۰ درصد صادرات خود را افزایش دهیم که این کار به تلاشی همگانی نیاز دارد. باید در همه‌جای گفتمان ما، صداوسیما، روزنامه‌ها و سایت‌های ما این مسئله روشن باشد که سال، سال تولید و اشتغال است. اگر ما در همه‌جا آثار این تولید و اشتغال را دیدیم آن وقت معلوم است که به دستورات به‌خوبی عمل کرده‌ایم. دامن زدن به مسائل دیگر همچون تنش‌های داخلی، اتهام‌زنی و گفتگوهای بی‌فایده، شرایطی ایجاد می‌کند که مانع از سرمایه‌گذاری در کشور می‌شود. جامعه را باید آرام کنیم. باید برادرانه و متحد با هم رفتار کنیم. باید منسجم باشیم. با فراموش کردن دوران انتخابات باید فضا را برای اهداف ملی آماده کنیم و این کار شدنی است. با اتحاد و اجماع، به این اهداف دست خواهیم یافت. اشتغال مهم‌ترین هدف ما در دولت دوازدهم خواهد بود. اشتغال مسئله اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی امنیتی ماست. البته برای توسعه تولید، باید روابط خارجی پایدار داشته باشیم. 

ایجاد می‌کنند ۶ کشور بیشتر نیستند. ۶۰۰ هزار شغل درست کردن، کار آسانی نیست. در ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ تقریباً سالانه ۶۵۰ هزار شغل ایجاد کردیم، اما هنوز با اشتغال مورد نیاز کشور فاصله زیادی داریم. حتی با برنامه ششم هم که مصوب مجلس است، فاصله داریم. اگر بخواهیم به اهداف برنامه برسیم باید بیش از ۹۰۰ هزار شغل ایجاد کنیم. برای ایجاد شغل نیاز به سرمایه و اصلاح امور بانک‌ها داریم. همچنین باید مهارت‌های جوانان را افزایش دهیم. برای آنکه تولید ما افزایش پیدا کند، نیاز به بازار داریم. درآمد ملی ما برای تولید کافی نیست، یعنی اگر کارخانه‌ای تولید هم داشته باشد، محصول آن در بازار فروش نمی‌رود. باید در روابطی که با کشورها برقرار می‌کنیم کاری کنیم که سرمایه وارد کشورمان شود. باید در خارج از کشور صاحب بازار شویم.

دستیابی به رشد بالای ۸ درصد

آخرین گزارش وزیر صنعت، معدن و تجارت نشان می‌دهد در دولت یازدهم ۷ میلیارد دلار برای ۱۶۰ طرح صنعتی و معدنی در کشور اجرایی و عملیاتی شده است. اگر بخواهیم به رشد ۸ درصدی مورد نظر سیاست‌های ابلاغی و مصوبات برنامه ششم برسیم باید سرمایه خارجی را جذب کنیم. خوشبختانه رشد اقتصادی در سال گذشته به ۸٫۳ درصد با نفت و ۶٫۳ درصد بدون نفت رسید. پس از سند چشم‌انداز که در ۱۳۸۴ ابلاغ

آب‌رسانی شده و شرایط خوبی را برای روستاییان از نظر آب، گاز و برق فراهم کردیم. همچنین از نظر ارتباطات، امروز ۲۸ هزار روستا به اینترنت پرسرعت متصل هستند و بخشی از فعالیت کسب‌وکار و آموزش و فرهنگ مردم از طریق اینترنت انجام می‌شود. در انتخابات هم دیدیم که اینترنت چه نقشی برای حضور مردم پای صندوق آرا داشت.

توسعه آبیاری مدرن

در زمینه آبیاری مدرن، بعد از جنگ تا آغاز دولت یازدهم در یک میلیون و ۳۰۰ هزار هکتار از روش آبیاری مدرن استفاده کردیم. در دولت یازدهم ۴۰۰ هزار هکتار به این رقم اضافه شد و بهره‌وری ما در زمینه آب، ۷ واحد درصد افزایش پیدا کرد که در شرایط آبی کشور این یک اقدام بسیار مهم است.

عزم ملی برای اشتغال‌زایی

امسال از سوی مقام معظم رهبری به‌عنوان «سال تولید و اشتغال» نام‌گذاری شد و همه تلاش ما باید در راستای همین شعار باشد. اگر همه توان کشور را مصروف تلاش برای اشتغال و ایجاد فضای تولید کنیم، بی‌تردید آنچه آرزوی مقام معظم رهبری و خواست ملت ماست، حاصل خواهد شد. البته شرایط ما عادی نیست. مشکلاتی در سال‌های گذشته داشتیم و امروز برای اینکه مسئله اشتغال حل شود نیاز به یک کار بزرگ ملی است. قبلاً هم گفتم کشورهایی که در دنیا بیش از ۶۰۰ هزار شغل



محمدجواد روح / دبیر ارشد تحریریه

به فاصله ۲ روز پس از آنکه پاتریک پویان برای امضای قرارداد تاریخی فاز ۱۱ پارس جنوبی به باشگاه کوشک وزارت نفت پای گذاشت، این عمارت میزبان برنامه دیگری بود. برنامه‌ای که گرچه در آن شخص وزیر و چند تن از معاونان و مدیران ارشد وزارت نفت حضور داشتند، اما با ازدحام خبرنگاران و بازتاب‌های لحظه‌ای در رسانه‌ها همراه نبود. دلیل آن هم البته مشخص بود. بیژن نامدار زنگنه، مدیران نفت و شمار قابل توجهی از فعالان رسانه‌ای این بار در کوشک جمع شده بودند تا فقط یک فیلم ببینند. اکران خصوصی مستندی که کارگردان و نویسنده ژورنالیست آن، عنوانی تیتروگانه برایش انتخاب کرده بود: «نامه‌های یک جاسوس نفتی».

به‌طور طبیعی، چنین برنامه‌ای که دعوتی خصوصی بود و به جمعی خودمانی می‌مانست، از نظر اهمیت خبری یا فنی و اقتصادی نه تنها با مراسم امضای قرارداد که حتی با افتتاح یک پروژه کوچک از جنس نفت، گاز یا پتروشیمی نیز قابل مقایسه نبود. اما در همین برنامه خصوصی و نسبتاً خودمانی، مطالبی طرح شد که در نگاهی کلان، باید برای آنها حتی از بزرگ‌ترین قراردادهای پروژه‌ها هم اولویت بیشتری قائل شد. در این مراسم، نه قرار بود روبانی چیده شود و نه کلنگی بر زمین زده شود. حتی قرار نبود باورپوینت یا سخنرانی علمی و فنی ارائه شود. فقط یک فیلم بود و بعد از آن، صحبت‌های وزیر. اما هم محتوای فیلم و هم صحبت‌های وزیر، حول محورهایی شکل گرفت که آنها را در یک عبارت کوتاه باید «مسائل جامعه ایران» خواند. مسائلی که نه با زور قابل حل شدن هستند و نه با شعار و تبلیغات می‌توان آنها را به حاشیه راند. نه می‌توان راه حل آنها را همچون حل‌المسائل کنکوری‌ها از میدان انقلاب خرید و نه حتی می‌توان برای آنها، دل به استخاره و اعجاز بست. مسائلی که بسیاری از آنها در جریان مناظره‌ها و مشاجره‌های کلامی و مجازی و تبلیغاتی انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری هم طرح شد. اما با گذشت حدود ۲ ماه از انتخابات و روشن شدن گرایش و رویکرد مردم، ظاهراً روشن شده «رای اکثریت» و آزمون فیصله‌بخش «صندوق رأی» هم نمی‌تواند این مسائل، شکاف‌ها و اختلاف‌ها را رفع کند. مسائلی که از ذهنی‌ترین موضوع‌های سیاسی و فلسفی همچون مبنای مشروعیت حکومت تا تفریحات روزمره فرهنگی و ورزشی همچون برپایی کنسرت و حضور بانوان در ورزشگاه را در برمی‌گیرد و حتی امنیتی‌ترین رخدادهای کشور همچون حمله تروریستی به مجلس و حرم امام^(ع) و واکنش موشکی علیه داعش را هم بی‌نصیب نمی‌گذارد.

در این دامنه گسترده و مملو از اختلاف و منازعه، طبعاً موضوعی چون مهم‌ترین قرارداد سرمایه‌گذاری خارجی کشور پس از دوران تحریم میان شرکت ملی نفت ایران با کنسرسیومی به‌رهبری توتال فرانسه، سی‌ان‌پی‌سی چین و پتروپارس ایران هم از تعارض و تقابل مصون نخواهد ماند. بسیاری از تحلیل‌گران و ناظران ریشه بسیاری از آن منازعه‌های فکری، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حتی امنیتی را در چارچوب همین رقابت و دوگانگی در حوزه اقتصاد و به‌ویژه صنعت نفت می‌بینند و با این گفته کارل مارکس همچنان همراهند که «اقتصاد، زیربناست».

برجام و قراردادهای جدید نفتی، سدشکن تحریم‌ها، توهم‌ها و تصوراتی دور از تعقل داخل کشور

تعقل علی‌ه توهم



گفتن جمله کلیدی «بهترین قرارداد عالم، امتیازی است که میدان را به شرکتی برای درآمدت و مالکیت میدان را برای ۴۰ تا ۵۰ سال بدهیم» این ذهنیت را شکل می‌دهد که زنگنه نه در مقام نقد تکنیکی یا تاکتیکی سیاست‌های شکل‌گرفته در جریان ملی شدن نفت، که در موضع انتقادی راهبردی در قبال آن است؛ انتقادی که البته، طرح و تبیین دقیق آن، نه کار وزیر نفت است و نه مصلحت سیاسی و حقوقی به او چنین اجازه‌ای را می‌دهد!

در میان آنچه از آن به‌عنوان «مسائل جامعه ایران» یاد می‌شود، از همه کلیدی‌تر و مهم‌تر، شاید همان نکته‌ای باشد که در فیلم مهدی افشارنیک با کنایه و در سخنرانی زنگنه، با صراحت آمد: «شکاف بین تعقل و توهم». شکافی که واژگان آن، نه در مقام توهین و تضعیف جریان یا نیروی رقیب که در مقام توصیف و تبیین مسئله‌ای واقعی و مبتلا به جامعه ایران به کار رفته است.

«تعقل» و «توهم» دوگانه‌ای است که افراد، جوامع و حکومت‌ها در هر لحظه، در هر تصمیم و در هر رویداد با آن درگیرند. «تعقل» آنچنان که زنگنه نیز به‌صراحت در سخنرانی خود در این مراسم گفت، امری نه‌تنها دشوار، بلکه به تعبیر دقیق‌تر، خطیر است. «تعقل» به بالا رفتن از دامنه کوهی می‌ماند که جز با حرکتی گام‌به‌گام، جز با محکم کردن جای پا، جز با دیدن سختی‌ها و تیزی‌های راه و جز با انبانی تجربه آندوخسته از راه‌های سخت رفته، میسر نیست. در مقابل، «توهم» اما با رویکردازی و خواب قرین است؛ بی‌زحمت، بی‌دقت، بی‌ملاحظه و بی‌نیاز از تجربه. کافی است چشم را بست، واقعیت را ندید، دهان را

گشود و ادعاهای بزرگ کرد.

از «تعقل عوام» تا «توهم خواص»

«تعقل» و «توهم» الزاماً مبتنی بر تقسیم‌بندی‌های سیاسی و فکری یا پایگاه اجتماعی و حتی علمی افراد و جریان‌های جامعه هم نیست. گاه ممکن است افرادی از طبقات پایین، محروم یا با سطح پایین سواد و منزلت اجتماعی، مواضع و تصمیم‌هایی بگیرند که در چارچوب واقعیت‌هایی که آنها با آن درگیر هستند، کاملاً مبتنی بر «تعقل» باشد و در مقابل، خواص، مدیران و تحصیل‌کردگان جامعه تصمیمی اتخاذ کنند که مبنایی جز «توهم» نتوان برای آن سراغ گرفت.

نمونه بارز «تعقل عوام» و «توهم خواص» در سال‌های اخیر را می‌توان در موضوع پرداخت نقدی یارانه‌ها دید. دولت روحانی در ابتدای کار خود، موضوع پرداخت یارانه‌های نقدی را که سیاستی خانمان‌برانداز و مهم‌ترین برنامه پوپولیستی دولت احمدی‌نژاد به‌شمار می‌رفت، در قالبی رفرااندوم‌گونه به اختیار مردم وانهاد تا هر کس تمایل دارد برای دریافت یارانه ثبت‌نام کند. البته، کل مسئولان دولتی

و حتی بسیاری از مخالفان سیاسی، صدواسیما، مراجع تقلید، دانشگاهیان و مطبوعات در تریبون‌ها، مصاحبه‌ها و مقالات مختلف و متعدد به تبیین و تحلیل پیامدهای پرداخت نقدی یارانه پرداختند و از مردم خواستند اگر به یارانه‌ها نیازی ندارند، از ثبت‌نام خودداری کنند. در یک کلمه، می‌توان این سیاست و تبلیغات متکی بر آن را مبتنی بر «توهم» دانست، چرا؟ چون یک نگاه واقع‌بینانه (هرچند سطحی) و رویکردی جامعه‌شناسانه (هرچند محدود) کافی بود تا پیشاپیش، نتیجه فراخوان «ثبت‌نام نکردن در ثبت‌نام» را روشن سازد. موضع و سیاست دولت در این مورد مبتنی بر «توهم» بود، چون نمی‌دانست مردم بر مبنای «تعقل» خود تصمیم می‌گیرند و عقلانیت مردم به‌خصوص در مواردی که به‌طور مستقیم با مسائل مالی درگیر است، به‌طور کامل مبتنی بر «عقلانیت ابزاری» است که در آن، بازیگران به نتیجه انتخاب خود می‌اندیشند و با تحلیل «هزینه-فایده» به تصمیم‌گیری می‌پردازند. در این هزینه-فایده بسیار بیشتر از آنکه پارامترهای انتزاعی از قبیل «منافع ملی» یا «محدودیت منابع کشور»

در عرصه سیاست خارجی چنان رویکردی را اتخاذ می‌کند که حاصل آن، هراس سرمایه‌گذاران از تحریم دوباره ایران باشد. بعد از اطمینان خاطر از موفقیت، آنگاه در تحرکات میدانی، تلویزیونی و تریبونی، فضایی چنان تنش‌آلود از مناسبات حاکم بر سیاست داخلی و حتی حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی تصویر می‌کند که نه تنها سرمایه‌گذار خارجی، بلکه ایرانیان خارج از کشور و در نهایت، حتی بخش خصوصی داخلی هم از ورود به پروژه‌های کلان خودداری می‌کند. در مرحله بعد، خود را به‌عنوان «تنها گزینه ممکن» و «منجی کشور در برابر دشمنان بیگانه» و «داخلی‌های مرغوب» معرفی می‌کند و در نتیجه، پروژه‌هایی را در اختیار می‌گیرد که در میدان واقعی رقابت و شرایط برابر، شانس برای آنها نداشت.

چنین رویکردی، الگوی «عقلانیت خاص» چنان مدعیانی است. البته، همچنان در این الگوی «تعقل» جای پای یک «توهم» نیز پیدا است. این «توهم»، مبتنی بر این تصور است که هنوز کشور در روزگار رویایی و سال‌های طلایی نفت ۱۰۰ تا ۱۵۰ دلاری قرار دارد که در آن، دولت به سهولت می‌توانست هر پروژه‌ای را به هر قیمتی، در هر زمانی و بدون هیچ نظارت فائده‌ای به شرکت یا نهادهای مدعی «مامی توأم» بسپارد و سپس، در مقام رئیس‌جمهور یا وزیر، با افتتاح‌های چندباره پروژه‌های نیمه‌کاره، عکس‌های یادگاری بگیرد!

برجام و فرصتی برای شکستن توهم

برجام و در ادامه آن، قراردادهای جدید نفتی،

مبتنی بر «تعقل» است، اما بیان آن و تصور آنکه بتوان آن را پیش برد، جز «توهم» نیست. به همین دلیل خود او، اجرای بحث «قرارداد مبتنی بر امتیاز» را چنین رد کرد: «به دلایل سیاسی، تاریخی، اجتماعی و فرهنگی نمی‌توانیم این کار را انجام دهیم. چیزی که نمی‌توان از لحاظ اجتماعی و فرهنگی به آن عمل کرد، نباید برای آن تلاش بیهوده کنیم، چون نمی‌توانیم. اگر چه ممکن است به طور مثال ۴۰ سال دیگر بپذیرند.»

مرز «تعقل» و «توهم» نیز دقیقاً همین جاست. زنگنه سراغ «کاری که نمی‌توانیم انجام دهیم»، نمی‌رود و نه تنها در عمل، که در سطح نظر و سخن هم آن را منتفی می‌سازد. اگر چه «اعتقاد» دارد و بررسی‌های تاریخی و تجربه‌های عملی‌اش طی بیش از ۳ دهه مدیریت عالی اجرایی و ۳ دوره وزارت نفت، او را به این نتیجه رسانده که از نگاه منطقی «امتیاز» بهترین قرارداد عالم است. اما چون می‌داند این اعتقاد، فرسنگ‌ها با واقعیت فاصله دارد، آن را کنار می‌گذارد. اما آیا منتقدان زنگنه و مدعیان اجرای پروژه‌های بزرگ نفت و گاز هم، این نوع «تعقل» را دارند؟

آیا نهادها و شرکت‌هایی که واقعیت فقدان منابع مالی در کشور برای سرمایه‌گذاری بالغ بر ۲۰۰ میلیارد دلاری در صنعت نفت را انکار می‌کنند و با شعار «ما می‌توانیم» و تفسیر یکجانبه‌گرایانه از «اقتصاد مقاومتی»، ورود شرکت‌هایی همچون توتال را زیر سؤال می‌برند، جز بر مبنای «توهم» سخن می‌گویند؟ آیا جریان‌هایی که سیاست‌ها و عملکردهای آنها

مؤثر باشند، پارامترهایی عینی همچون «منفعت شخصی» و «افزودن منابع خانواده» مؤثر هستند. در اینجا، نقد جامعه و توده‌ها که «چرا منافع ملی را در تصمیم خود دخالت ندادید؟» همان قدر مبتنی بر «توهم» است که تصمیم دولت در آزاد گذاشتن ثبت‌نام و انتظار از افراد برای گذشتن از منافع هر چند محدود و کوچک خویش!

دوگانه «توهم» و «تعقل» در صنعت نفت


تاریخ صنعت نفت ایران هم از دوگانه «توهم» و «تعقل» بی‌نصیب نیست. بر همین مبنا و با چنین نگرشی به ذخایر نفت و گاز کشور، نه تنها مردم عادی که بسیاری از سیاست‌مداران پوپولیست آن را به‌مثابه درآمدی نامحدود می‌نگرند. منابعی سهل و ابدی که با اتکا به آن نه تنها می‌توان کشور را به‌سادگی اداره کرد، بلکه می‌توان داعیه مدیریت جهان را داشت و بلندترین بلندگوهای نزاع و تقابل و استقلال و استغنا را برافراشت. گفته‌های سرپرست زنگنه در مراسم اکران خصوصی فیلم «نامه‌های یک جاسوس نفتی» اشاره‌هایی به همین تفاوت نگاه میان نخنگان و سیاست‌مداران به‌نام دیروز و امروز ایران داشت.

بازگو نمی‌کنم، همه چیز زنده است!

زنگنه با بیان جمله‌ای در توجیه سخن نگفتن خود، همه سخن‌های ناگفته را گفت: «مباحث بسیاری درباره تاریخ نفت دارم که بازگو نمی‌توانم چیزی بنویسم یا بگویم. به این دلیل که اکنون همه چیز زنده است، افراد هستند و برای گفتن حرف‌هایم باید آن قدر مراقبت کنم که تقریباً جز سکوت، راهی باقی نمی‌ماند!»



بیش و پیش از آنکه سد تحریم‌های بین‌المللی را شکسته باشد، نماد باز شکستن این «توهم»‌ها و «تصور»‌های دور از «تعقل» در کشور است. امروز، منابع کشور چنان محدود و گزینه‌های پیش‌رو، چنان معدود است که لاف‌زن‌ترین سخنرانان هم اگر بر مصدر امور قرار گیرند، چاره‌ای جز پذیرش واقعیت و گذار از «توهم» به «تعقل» ندارند. گذاری که اهمیت آن، از سفر مدیرعامل غول نفتی فرانسوی به تهران و حتی مذاکرات هسته‌ای با وزیر خارجه آمریکا نیز بیشتر است. این رخدادها تاریخی، میوه درخت «تعقل» نوپدید در جامعه ایران است؛ درختی که انتخاب حسن روحانی در ۱۳۹۲، نماد جوانه زدن آن بود و انتخاب دوباره‌اش در ۱۳۹۶، ریشه دواندن و تناور شدن آن را بروز داد.

برجام محمدجواد ظریف و آی‌پی‌سی بیژن زنگنه، میوه‌هایی از این درخت هستند که تلاش برای انداختن آن، جز به قیمت برافتادن کل مناسبات ایران و نه تنها دولت، توهمی بیش نیست... 

در حوزه دیپلماسی، تحریم‌های بی‌سابقه هسته‌ای را متوجه کشور ساخت، اینک با این استدلال که «در صورت بازگشت تحریم‌ها، توتال دوباره خواهد رفت»، پارامتری به‌عنوان «تعقل» در سیاست خارجی و ضرورت تعامل و همکاری با جهان را در ذهنیت خویش سراغ دارند؟ اگر واقعاً چنین است، چرا به گفته رئیس‌جمهور نمایش‌هایی را شکل می‌دهند و کمر به قتل برجام می‌بندند؟

عکس‌های یادگاری با عقلانیت خاص!

البته، در اینجا می‌توان از منظری دیگر هم سخن گفت و نگاهی پلورالیستی به بحث داشت و به جای «عقلانیت» از «عقلانیت‌ها» سخن گفت! در این صورت، البته می‌توان گونه‌ای از «عقلانیت» را هم تعریف و تصور کرد که عاقلانه، باور و اعتقاد دارد توان رقابت با شرکت‌های صاحب سرمایه و فناوری را ندارد. اما به‌جای آنکه این واقعیت را بپذیرد و خود را در سطحی فروتر تعریف کند، با «عقلانیت خاص خود»، می‌کوشد کل بازی را تغییر دهد. یعنی ابتدا

او در ادامه به نام‌های بزرگ و تاریخ‌ساز از جمله احمد قوام، محمد مصدق، محمد رضا پهلوی و کشورهای چون انگلستان و شوروی سابق اشاره کرد. نام‌هایی که تکمله «صحبت‌های بسیاری دارم» و نگفتن آنها نشان داد وزیر نفت امروز ایران، تفکری متمایز با نگاه‌های معمول به بازیگران شاخص صنعت نفت ایران دارد. آنچه با گفتن جمله کلیدی «بهترین قرارداد عالم، امتیازی است که میدانی را به شرکتی برای درآمدت و مالکیت میدان را برای ۴۰ تا ۵۰ سال بدهیم»، تکمیل شد و این ذهنیت را شکل داد که زنگنه نه در مقام نقد تکنیکی یا تاکتیکی سیاست‌های شکل گرفته در جریان ملی شدن نفت، که در موضع انتقادی راهبردی در قبال آن است. انتقادی که البته، طرح و تبیین دقیق آن، نه کار وزیر نفت است و نه مصلحت سیاسی و حقوقی به او چنین اجازه‌ای را می‌دهد.

نمی‌شود چون نمی‌توانیم!

در واقع، زنگنه خود می‌داند که تبیین مواضع در قبال تاریخ نفت و سیاست‌های پیش‌رو، اگر چه نقدی



آیا جریان‌هایی که سیاست‌ها و عملکرد آنها تحریم‌های بی‌سابقه هسته‌ای را متوجه کشور ساخت و با شعار «ما می‌توانیم» و تفسیر یکجانبه‌گرایانه از «اقتصاد مقاومتی»، ورود شرکت‌هایی همچون توتال را زیر سؤال می‌برند، جز بر مبنای «توهم» سخن می‌گویند؟

آیا آنها پارامتری به‌عنوان «تعقل» در سیاست خارجی و ضرورت تعامل و همکاری با جهان را در ذهنیت خویش سراغ دارند؟



صنعت نفت نیازمند جوان‌گرایی هوشمندانه است

تکریم کارکنان صنعت نفت باید به یک اصل تبدیل شود

بروز برخی اختلاف‌نظرها با وزیر نفت، به دلیل
تفاوت دیدگاه‌های تخصصی و طبیعی بود

فارغ‌التحصیلان دانشکده نفت، به صنعت نفت وفادارتر هستند

بازسازی و نوسازی تأسیسات فرسوده نفت، ضروری است



گفتگو: نسیم زرین

با تداوم دولت اصلاحات و پیروزی دوباره سیدمحمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری هشتم و حضور مجدد بیژن نامدار زنگنه در وزارت نفت، رکن‌الدین جوادی ابهری بعد از سال‌ها فعالیت در صنعت نفت، مسئولیت هدایت شرکت ملی صادرات گاز ایران را از ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵ برعهده گرفت. او بعد از جدایی از وزارت نفت، به درخواست سیدکاظم وزیر همامانه که در ۲ سال نخست دولت نهم مسئولیت وزارت نفت را برعهده داشت، ابتدا به عضویت هیئت‌مدیره و سپس به‌عنوان مدیرعامل شرکت مهندسی و ساختمان صنایع نفت (اویک) انتخاب شد تا این بار نه به‌عنوان مدیر ارشد دولتی، بلکه در جایگاه پیمانکار صنعت نفت به فعالیت خود ادامه دهد. مهندس الکترونیک محبوب، مدیر ارشد پیشین شرکت صنعت گاز و پیمانکار موفق صنعت نفت در دولت‌های نهم و دهم، با روی کار آمدن دولت یازدهم، فصل دیگری از فعالیت‌های نفتی خود را در ۵۶ سالگی و میانه‌های چهارمین دهه حضور در صنعت نفت تجربه کرد و به درخواست زنگنه که وعده برکناری گروه‌بانیان و حضور ژنرال‌ها را در صنعت نفت داده بود، به ساختمان معروف و قدیمی خیابان طالقانی آمد تا از همان نخستین روزهای حضور دوباره زنگنه در وزارت نفت، هم‌نشین او در طبقه پانزدهم این وزارتخانه شود و این بار در کسوت معاون وزیر نفت، هدایت شرکت ملی نفت ایران را برعهده بگیرد که البته با انبوهی از مشکلات ساختاری، منابع انسانی، فنی و مالی مواجه بود.

اگرچه در بازه زمانی نزدیک به ۳ ساله حضورش در رأس شرکت ملی نفت ایران، از ۱۸ شهریور ۱۳۹۲ تا ۲۹ خرداد ۱۳۹۵، نشیب و فرازهای متعددی را در کوله‌بار تجارب مدیریتی خود ثبت کرد و اخبار گوناگونی نیز مبنی بر بروز اختلاف‌نظرهای اساسی میان او و وزیر نفت منتشر شد، اما این اختلاف‌نظرها را ناشی از تفاوت در دیدگاه‌های تخصصی و طبیعی برمی‌شمرد. براساس اعلام وزیر نفت، وارد مدار شدن فازهای ۱۲، ۱۵، ۱۶، ۱۷ و ۱۸ پارس جنوبی، فعال‌سازی پروژه‌های غرب کارون و به‌ویژه میدان آزادگان جنوبی، افزایش ۲ برابری صادرات نفت خام و در مجموع، روسپیدی شرکت ملی نفت ایران در روزهای سیاه تحریم، از دستاوردهای بزرگ صنعت نفت به شمار می‌رود که با مدیریت ارشد مهندس جوادی و شرکت‌های عملیاتی و تابعه نفت، حاصل شده است: «ایشان از روز اول نیز مدیرعاملی شرکت ملی نفت را به درخواست من پذیرفتند، فشار کاری بسیاری را متحمل شدند و از این رو مایل بودند به فعالیت خود در این زمینه پایان دهند و هرگونه اخباری مبنی بر وجود اختلاف میان من و ایشان را رد می‌کنم.»

گفتگوی اختصاصی و خواندنی «تازه‌های انرژی» با معاون کنونی نظارت بر منابع هیدروکربوری وزارت نفت و مدیرعامل پیشین شرکت ملی نفت ایران با مروری بر وضعیت صنعت نفت در ابتدای دولت یازدهم و دستاوردهای نفتی دولت تدبیر و امید آغاز شد، با طرح مهم‌ترین چالش‌ها و فرصت‌های حوزه بالادستی از جمله قراردادهای IPC، زوایای پیدا و پنهان ضریب برداشت و تولید از لایه نفتی پارس جنوبی، وضعیت منابع انسانی و آینده دانشگاه صنعت نفت ادامه یافت و با تشریح ویژگی‌های وزیر نفت و الزامات ضروری برای توسعه صنعت نفت در دولت دوازدهم، چنین پایان یافت: «باوجود گمانه‌زنی‌های این روزها، امیدوارم مهندس زنگنه در رأس وزارت نفت ماندگار باشند و کارهایی را که آغاز کرده‌اند به پایان برسانند. ایشان فردی با تجربه و دارای توانمندی‌های بسیار است و بعید می‌دانم در سیاست‌های توسعه‌ای صنعت نفت دولت دوازدهم تغییرات محسوسی در مقیاسه با دولت یازدهم ایجاد شود. این سیاست‌ها حاصل تعاملات بسیار وزارتخانه با سطوح بالای دولت بوده و شخص رئیس‌جمهور و معاون اول ایشان نیز شناخت و باور مناسبی به صنعت نفت پیدا کرده‌اند.»



صنعت نفت، صنعتی استراتژیک، چندوجهی و درهم آمیخته با مسائل متعدد فنی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است که روند توسعه و فعالیت‌های آن، آثار بسیاری در تمام بخش‌های کشور دارد و طبیعی است که با حساسیت بیشتری از سوی دولت‌ها و دولت‌مردان مواجه شود. مهم‌ترین مأموریت شرکت ملی نفت ایران، تولید و تمرکز بر افزایش توان و ظرفیت تولید و کسب و حفظ بازارهای مصرف است. تکالیف و اهداف هم‌راستا با این مأموریت، هم در برنامه پنجم توسعه پیش‌بینی شده بود و هم وزارت نفت در دولت یازدهم، اصل را بر این گذاشته بود پروژه‌های نیمه‌تمام را که شمار آنها زیاد بودند، به سرانجام برساند و با توجه به محدودیت منابع به‌واسطه تحریم‌ها، پروژه‌های مرتبط با تولید نفت و گاز، در اولویت قرار گرفتند. همین اولویت‌بندی در کنار اصلاح گردش کارها و میدان دادن به افراد متخصص و با تجربه موجب شد اکثر پروژه‌های بزرگ به تدریج به ثمر بنشینند و صنعت نفت بتواند به بخش عمده‌ای از اهداف تعیین شده در تولید و صادرات برسد.

ET با توجه به اینکه مسئولیت توسعه و تولید از میادین گازی نیز برعهده شرکت ملی نفت ایران است، تمایل وزارت نفت در دولت

ET وزارت نفت و خصوصاً شرکت ملی نفت ایران، از جمله بخش‌های استراتژیک اقتصادی و صنعتی کشور محسوب می‌شوند که با پیروزی دولت‌های مختلف در رقابت‌های انتخاباتی، برنامه‌های ویژه‌ای برای آنها در نظر گرفته می‌شود. این موضوع از آن رو اهمیت به‌سزایی می‌یابد که در حلقه اصلی یاران دکتر روحانی در رقابت‌های انتخاباتی دوره یازدهم ریاست جمهوری، شاهد حضور مدیران نفتی از جمله مهندس نعمت‌زاده و مهندس ترکان بودیم. در زمان رأی اعتماد کابینه دولت تدبیر و امید نیز شاهد حمایت‌های کم‌سابقه دکتر روحانی و برخی وزرای سابق نفت از مهندس زنگنه بودیم که البته با حساسیت‌های بسیاری از سوی نمایندگان جناح اصولگرا مواجه شد. در رقابت‌های اخیر ریاست جمهوری نیز شاهد حضور هر ۲ وزیر نفت دولت دهم در ستاد آقای رئیسی بودیم. ارزیابی جناب‌عالی از این روند و همچنین، عملکرد صنعت نفت به‌عنوان فردی که بعد از وزیر نفت، مهم‌ترین مسئولیت را در روند توسعه این بخش برعهده داشتید، چیست؟



وزارت نفت در دولت یازدهم، اصل را بر این گذاشته بود که پروژه‌های نیمه‌تمام را که شمار آنها زیاد بودند، به سرانجام برساند.

یازدهم بیشتر به افزایش تولید
گاز معطوف بود یا نفت؟

هر ۲ بخش متناسب با نیازها و ظرفیت‌های موجود، مدت‌نظر قرار گرفتند. در بخش گاز تمرکز بر توسعه میدان مشترک پارس جنوبی بود که در ۴ سال دولت یازدهم، ۱۱ فاز از پارس جنوبی به بهره‌برداری رسید. این در حالی است که طی ۱۶ سال از ابتدای آغاز توسعه در پارس جنوبی تا ۱۳۹۲، فقط ۱۰ فاز پارس جنوبی به تولید رسیده بود که در این مدت، ۱۱ فاز دیگر نیز به آن اضافه شد و به عبارتی تولید بیش از ۲ برابر افزایش پیدا کرد. در بخش نفت اما شرایط ویژه‌ای حاکم بود، زیرا به دلیل تشدید تحریم‌ها، هم تولید ما کاهش پیدا کرده بود و هم صادرات محدود شده بود. خوشبختانه با به نتیجه رسیدن برجام و رفع محدودیت‌های ناشی از تحریم، نخستین هدف‌گذاری بر این موضوع متمرکز شد که ظرفیت‌های قبل از تحریم، برگشت داده شود. بدین ترتیب ظرفیت تولید با سرعت بسیار خوبی در کمتر از ۳ ماه، به حدود ظرفیت‌های قبل از تحریم‌ها رسانده شد و میزان صادرات را نیز به سطح قبل از تحریم‌ها برگرداندیم. این اهداف تحقق یافته، ناشی از لطف خدا و زحمات و تلاش‌ها و برنامه‌ریزی‌های وزارت نفت و شرکت



«ارکان‌الدین جوادی ابهری»، متولد مهرماه ۱۳۳۶ در ابهر، دانش‌آموخته مهندسی الکترونیک از دانشگاه صنعت نفت و فارغ‌التحصیل مدیریت دولتی در مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه تهران است. پس از آغاز به کار رسمی در صنعت نفت با عنوان مهندس برق در ۱۳۶۲، بیشتر دوران فعالیت خود را در صنعت نفت و گاز و عمدتاً در بخش توسعه سپری کرده است. از ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۸ مدیر طرح احداث پالایشگاه گاز سرخون شد. در بازه زمانی ۵ ساله از ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳، مدیر مهندسی و عضو هیئت مدیره شرکت ملی گاز ایران بود و از ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۱ در شرکت مهندسی ساختمان عهده‌دار انجام پروژه‌های بزرگی همچون پالایشگاه نفت بندرعباس، پتروشیمی تبریز، پروژه‌های ان‌جی‌ال ۱۲۰۰ و ۱۳۰۰ و ایستگاه‌های تزریق گاز بود و مدتی هم به کالای لندن اعزام شد تا مسئولیت تدارکات کالاهای مورد نیاز صنعت نفت را برعهده گیرد. از ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵ مدیرعامل شرکت ملی صادرات گاز ایران بود. او تا پیش از آغاز همکاری با دولت یازدهم در ۱۳۹۲، مدیرعامل گروه اوپک بود و بعد از واگذاری مسئولیت شرکت ملی نفت ایران، هم‌اکنون هدایت معاونت نظارت بر منابع هیدروکربوری وزارت نفت را برعهده دارد.

از لایه نفتی پارس جنوبی است که به آرزو تبدیل شده بود. حدود ۱۵ سال از شروع این پروژه می‌گذشت و در میانه راه، همین‌طور متوقف بود که آن هم خوشبختانه به نتیجه رسید. بنابراین هم ۲ میدان مشترک به تولید رسید و هم ۲ پروژه که رنگ و بوی تاریخی به خود گرفته بودند، به بهره‌برداری رسیدند.

برداشت نفت از لایه مستقل یا مشترک پارس جنوبی؟

ET اگرچه این اقدامی ارزشمند محسوب می‌شود، اما برخی گمانه‌زنی‌ها نیز حاکی از برداشت از لایه نفتی مستقل و نه مشترک است. این موضوع را تأیید می‌فرمایید؟

بین متخصصان ما هر ۲ نظر وجود دارد که امیدوارم با ادامه طرح‌های توسعه، این ابهام رفع شود و تمرکز مطمئن‌تری در بخش مشترک انجام گیرد.

ET اما به هر حال از سوی وزارت نفت اعلام شده که برداشت از لایه مشترک نفتی است و منتقدان نظر دیگری دارند!

هدف اصلی و اولویت، برداشت از لایه نفتی مشترک است. در گذشته چندین چاه حفاری شده بود که این کار نیمه‌کاره، با نصب سکو و ساخت و نصب و راه‌اندازی FPSO به انجام رسید و تولید آغاز شد. برخی همکاران نظرشان این بود که چاه‌های حفاری شده، به مخزن مشترک وصل نیستند و برخی معتقدند که این اتصال وجود دارد، اما لایه‌های آن متفاوت است. برای رفع ابهام، باید مطالعات تکمیلی انجام شود و رفتار مخزن نیز مطالعه شود. همچنین قرار است لرزه‌نگاری مجدد انجام شود تا از موقعیت و روند برداشت، کاملاً مطمئن شویم. به هر حال این پروژه مدتی عملاً متوقف بود که یکی از موفقیت‌های وزارت نفت در دولت یازدهم، بهره‌برداری از پروژه‌های تاریخی و فراموش شده بود. این در حالی است که کشور همسایه طی سال‌های طولانی روزانه بیش از ۳۰۰ هزار بشکه نفت از این میدان مشترک تولید می‌کرد. البته ضروری است برای فازهای بعدی، بازنگری و اصلاحات مورد نیاز در حفاری‌های انجام شده صورت گیرد و تمام تمرکز بر لایه مرزی مشترک با اطمینان ۱۰۰ درصد باشد.

ET در کنار ساماندهی بخش تولید نفت و گاز، مسائل متعددی نیز در حوزه ساختاری پدید آمده بود که وزیر نفت همواره از آن به مثابه آواربرداری یاد می‌کرد. در این حوزه با چه مسائلی مواجه بودید و چه دستاوردهایی حاصل شد؟

بخش دیگری که در شرکت ملی نفت ایران هدف‌گذاری کردیم، احیای

ملی نفت ایران و احساس مسئولیت و غرور ملی مدیران و کارکنان نفت در آن مقطع بود.

البته چند پروژه تاریخی در صنعت نفت همچنان بر زمین مانده بود و به نتیجه رسیدنشان هم برای شرکت ملی نفت ایران حائز اهمیت بود و هم فضای جدیدی را باز می‌کرد که با یاری خداوند، این موارد نیز در این مدت فعال شدند و به نتیجه رسیدند.

ET منظور شما فازهای باقی‌مانده پارس جنوبی است؟

بله در کنار میدان مشترک گازی پارس جنوبی، باید به مواردی همچون برداشت از لایه نفتی پارس جنوبی، توسعه و تولید از میدان مشترک نفتی آذر و تکمیل پروژه جمع‌آوری گازهای سمی مناطق نفتخیز (آماک) نیز اشاره کنم. میدان مشترک آذر، از جمله میادینی است که همسایه ایران به سرعت در حال توسعه آن بوده و هست. در این میدان، ما هم شروع دیرنگی داشتیم و هم پیشرفت محدودتری که خوشبختانه موفق به تولید از این میدان مشترک شدیم. این میدان هم در کشور و هم در منطقه، یکی از دشوارترین میدان‌ها از لحاظ فنی است که خوشبختانه با مسئولیت‌پذیری وزارت نفت توسط یک شرکت ایرانی انجام شد. دومین پروژه، تولید



برای برداشت از لایه نفتی پارس جنوبی، در گذشته چندین چاه حفاری شده بود که این کار نیمه‌کاره، با نصب سکو و ساخت و نصب و راه‌اندازی FPSO به انجام رسید و تولید آغاز شد. البته برخی همکاران نظرشان این بود که چاه‌های حفاری شده، به مخزن مشترک وصل نیستند و برخی معتقدند که این اتصال وجود دارد، اما لایه‌های آن متفاوت است. برای رفع ابهام، باید مطالعات تکمیلی انجام شود و رفتار مخزن نیز مطالعه شود.

ملاحظات و محدودیت‌های قانونی، چارچوبی را تهیه می‌کرد. بخش زیادی از این راهکارها با چالش‌هایی در کشور مواجه شد که البته بخشی از آنها سیاسی بود. بخشی نیز چالش‌های حرفه‌ای بود و زمان زیادی برد تا بالاخره با حصول اجماع نسبی و اعمال نظر معقول در بسیاری از موارد، اصلاحاتی انجام شد و در نهایت، چارچوب پیشنهادی در دولت تصویب شد. همچنین کمیسیون تطبیق قوانین مجلس نیز بر آن مصوبه صحه گذاشت و پایه‌ای شد برای اینکه توسعه بالادست صنعت نفت شتاب بیشتری بگیرد.

IPC و اختلاف نظر با وزیر نفت

ET پرسش دیگری که همواره مطرح و البته بدون پاسخ ماند، این بود که اساساً چرا کمیته بازنگری قراردادهای بالادستی، خارج از ستاد شرکت نفت ملی نفت ایران شکل گرفت و تعامل مناسبی با بدنه کارشناسی صنعت نفت نداشت. گویا جناب‌عالی نیز در این خصوص با وزیر نفت و اعضای کمیته، اختلاف نظرهای متعددی داشتید. در دوره مسئولیت شما، این تعامل چگونه بود؟

قانون تصریح کرده که وظیفه تدوین چارچوب قوانین و مدل‌های قراردادهای برعهده وزارت نفت و مسئولیت آن نیز متوجه شخص وزیر نفت است. شاید به همین دلیل نیز مهندس زنگنه براساس اختیارات و تجارب خود، تشخیص و ترجیح دادند کمیته‌ای مستقل زیر نظر خود تشکیل دهند و تعدادی از افرادی که در گذشته بر جزئیات مدل قراردادی بیع متقابل تسلط پیدا کرده بودند را دعوت کنند تا بتوانند ضمن انتقال تجربیات، برای بهبود آن نیز چارچوب بهتری ارائه دهند. به نظر من، دلیل اصلی می‌تواند این باشد، مگر آنکه ایشان دلایل دیگری داشته باشند که من از آنها بی‌اطلاع هستم. راجع به تفاوت دیدگاه‌ها نیز باید اشاره کنم که اختلاف نظر من در

آن برهه، مبتنی بر دیدگاه‌های تجربی، تخصصی و حرفه‌ای و ناشی از مسئولیتی بود که برعهده داشتم. البته باید توجه داشت که براساس همین دیدگاه‌های مختلف و اجماع نهایی حاصل از آنهاست که پیشرفت، حاصل می‌شود. هنگامی که متن قراردادی تنظیم می‌شود، هم باید به نتایج کوتاه‌مدت و هم به عوارض و عواید بلندمدت آن توجه داشت که در آینده، ممکن است باعث بروز چه مشکلاتی شود. همچنین باید به موارد بسیار مهم دیگری از جمله اینکه متن تنظیم شده در چه مقطعی می‌تواند باعث توقف قرارداد شود، کجا می‌تواند موجب کنترل قیمت‌ها یا از دست رفتن چارچوب‌ها شود و بسیاری از این مسائل که ناشی از تفاوت در دیدگاه‌ها و تجارب حرفه‌ای است نیز توجه کرد. این موارد از سوی طرفین مطرح می‌شد و خوشبختانه بخش زیادی از آن رفع شد و متن اولیه، به مرور تکمیل شد.

ET در کنار اظهارنظرهای کارشناسی از سوی متخصصان از داخل و خارج بدنه کارشناسی صنعت نفت، همان‌طور که شما هم اشاره فرمودید، مخالفت‌هایی نیز از سوی چهره‌ها و گروه‌های سیاسی با مدل جدید قراردادهای بالادست صورت گرفت. آیا این امکان وجود نداشت که با تعامل بیشتر و برگزاری جلسات مشترک با چنین افراد و گروه‌هایی بتوان فضا را تلطیف کرد؟

در مجموع می‌توان گفت که مخالفت‌ها ۲ سرفصل عمده داشت؛ عده‌ای دغدغه‌های حرفه‌ای و کارشناسی داشتند و تا جایی که اطلاع دارم و امکان داشت، با آنها تعامل و جلسات متعددی برگزار شد. حتی شخص وزیر هم در بعضی از جلسات مشترک، حضور یافت. به وضوح مشخص بود که دغدغه این گروه، تعالی صنعت نفت و تدوین مدل قراردادی کم‌عیب بود. به‌هرحال مصنوع دست بشر، همواره با کاستی‌هایی همراه است که به مرور زمان باید رفع شود. با گروه دوم که نگاهشان سیاسی بود، نمی‌شد کاری کرد. هرچند

چارچوب‌های حرفه‌ای در مدیریت منابع انسانی، مدیریت منابع مالی و بازاریابی، صادرات نفت خام و همچنین تعمیر و نگهداری و بهره‌برداری از تأسیسات در صنعت نفت بود. از قدیم‌الایام شرکت ملی نفت و به‌طور کلی صنعت نفت به مجموعه‌ای با ساز و کار حرفه‌ای و برخوردار از نیروی انسانی متخصص، سازماندهی ویژه در بخش نیروی انسانی، مباحث و روش‌های مالی روزآمد و سازماندهی کارها در کلاس بین‌المللی معروف بود. همه این مسائل مبتنی بر سازوکارهای حرفه‌ای بود که در شرکت ملی نفت ایران، سال‌های سال وجود داشت و براساس رویه‌های قانونی، فعالیت‌ها انجام می‌شد که تلاش کردیم دوباره آنها را احیا و تقویت کنیم که گام‌های مؤثری در اجرایی کردن مؤثر آنها برداشتیم.

اساسنامه جدید و احیای ساختار مدیریتی

ET در کنار این موارد، شاهد تصویب و ابلاغ اساسنامه جدید شرکت ملی نفت ایران نیز بودیم که سال‌ها میان دولت و مجلس، مجادله ایجاد کرده بود و وزارت نفت نیز تمایلی به انجام این تکلیف قانونی از خود نشان نمی‌داد. این موضوع چقدر در روند کارها مؤثر بود و نقش آن، تسهیل‌گر بود یا خیر؟

معتقدم اساسنامه جدید شرکت ملی نفت ایران یک مأموریت اصلی را برجسته کرده و آن هم تصدی‌گری است، زیرا براساس چارچوب‌های مصوب قانونی بالادست، خصوصاً قانون اصلاح قانون نفت و وظایف و اختیارات وزارت نفت، مالکیت و حاکمیت منابع هیدروکربوری به نمایندگی از دولت در اختیار وزارت نفت است و بر همین مبنا، اساسنامه شرکت ملی نفت هم با تأکید بر تصدی‌گری، این مسئولیت را در رابطه با وزارت نفت شفاف کرده است.

شرکت ملی نفت ایران از ابتدای تأسیس تا قبل از انقلاب، خود نماینده حاکمیت بود که پس از پیروزی انقلاب و با تشکیل وزارت نفت، عملاً وزارت نفت به‌صورت ظاهری، تصدی امور حاکمیتی را برعهده داشت، اما در واقع سازوکارهای قانونی اداره امور حاکمیتی در شرکت ملی نفت ایران قرار داشت. مجلس در ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ با تصویب قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت و اصلاحیه قانون نفت، تلاش کرد تفکیک وظایف حاکمیتی از تصدی‌گری را به جریان اندازد که البته در تمام دنیا نیز کم‌وبیش این‌گونه است. همان‌طور که اشاره کردم، مهم‌ترین مأموریت اساسنامه جدید این بود که شرکت نفت را صرفاً در امور تصدی‌گری صاحب انتظار و اختیار کند. البته در کنار این موضوع، شاهد یک‌سری تغییرات دیگر نیز بودیم که بیشتر مبتنی بر نگاه سلیقه‌ای بود و در بخش‌هایی نیز شاهد تقویت نگاه دولتی بر اداره شرکت ملی نفت ایران بودیم. همچنین تعداد اعضای هیئت‌مدیره کاهش پیدا کرد، یعنی ۹ نفر اعضای اصلی به ۷ نفر و ۴ نفر اعضای علی‌البدل به ۲ نفر کاهش یافت.

ET آقای مهندس! از جمله مواردی که گاه و بیگاه به آن اشاره می‌شد، تشکیل کمیته تدوین مدل جدید قراردادهای نفتی (IPC) خارج از بدنه شرکت ملی نفت ایران بود. در این خصوص چه دیدگاهی دارید و از نگاه شما، تدوین و ابلاغ مدل جدید قراردادهای نفتی، چه فرصت‌ها و چالش‌هایی برای صنعت نفت به همراه داشت؟

تدوین مدل جدید قراردادهای نفتی، ناشی از تکلیف قانونی است که وزارت نفت را موظف کرده بود برای توسعه بخش‌های بالادستی صنعت نفت آن را تهیه کند تا چارچوب‌های پیشنهادی به تصویب هیئت دولت برسد. بنابراین وزارت نفت نیز برای انجام این وظیفه، باید با مروری بر تجربه خود در زمینه توسعه حوزه بالادستی و البته آنچه در دنیا مرسوم است، با نگاه به



تفاوت دیدگاه‌ها و اختلاف نظر من با وزیر نفت در آن برهه، مبتنی بر دیدگاه‌های تجربی، تخصصی و حرفه‌ای و ناشی از مسئولیتی بود که برعهده داشتم. البته باید توجه داشت که براساس همین دیدگاه‌های مختلف و اجماع نهایی حاصل از آنهاست که پیشرفت، حاصل می‌شود.



حتی با فرض اینکه تحریم‌ها با تمرکز بر صنعت نفت ایران تشدید نمی‌شد، منابع قطعی و مورد نیاز برای تولید ۵/۲ میلیون بشکه وجود نداشت، زیرا ظرفیت مخازن ما در مدت ۵ سال اجازهٔ چنین برداشتی و توان تولیدی را نمی‌داد و در صورت عادی بودن شرایط هم، نمی‌توانستیم به اهداف برنامهٔ پنجم توسعه برسیم.

برخی از این گروه‌ها نیز جلسات متعددی با وزیر نفت یا نمایندگان وزارت نفت داشتند و به پیشنهادهای آنها توجه شد، اما باز هم تا روزهای آخر با وجود تصریح مرکز پژوهش‌ها، مسئولان ارشد مجلس و حتی نهادهای نظارتی مبنی بر رفع بخش عمده‌ای از اشکالات، باز هم بخشی از انتقادات ادامه یافت. به هرحال توسعه اقتصادی کشور و عمران و آبادانی آن نیاز به تصمیم و حرکت دارد و نمی‌شود همه را راضی کرد و کار توسعه کشور را معطل گذاشت. باید به دولت اعتماد و کمک کرد که هرچه زودتر قطار توسعه بزرگ کشور شتاب بگیرد.

شایسته نیست با داشتن رتبه اول ذخایر هیدروکربوری دنیا که بخش زیادی از آن هم مشترک با کشورهای همسایه است در تولید نفت و گاز رتبه کمتری داشته باشیم، در بازارهای جهانی و خصوصاً بازار گاز، جایگاه مناسبی نداشته باشیم یا سهم ما در بازار نفت و گاز بسیار کمتر از سهم ما در ذخایر هیدروکربوری جهان باشد. این عقب‌افتادگی باید جبران شود ضمن اینکه باید توجه داشته باشیم با برقی شدن شتابان خودروها، میزان مصرف بنزین و گازوئیل به سرعت کاهش می‌یابد و به همان نسبت تقاضای نفت کاهش خواهد یافت. بنابراین تأخیر در توسعه و تولید به معنای از دست دادن فرصت‌های تأمین درآمد برای کشور است که خود، تهدیدی برای توسعه اقتصاد کشور به شمار می‌رود.

IPC و نسل سوم بیع متقابل

ET براساس همین فرمایشات شما، بهتر نبود برای جلوگیری از بروز مخالفت‌هایی که به زعم جناب عالی عموماً نیز سیاسی بود، عنوان کرد که نسل چهارم بیع مدل ارائه خواهد شد تا هم تکلیف سرمایه‌گذاران و شرکت‌های خارجی زودتر مشخص شود و هم اینکه شاهد عقد قراردادهای بدون هدررفت زمان باشیم؟ به هرحال باید توجه داشت که براساس قانون، وزارت نفت مکلف به در نظر گرفتن تمهیداتی برای توسعه صنایع بالادستی بود و تشکیل کمیته و تدوین مدل قراردادی، با نظر مستقیم وزیر محترم نفت و به صورت مستقل به همین منظور صورت گرفت. باید توجه داشت که برداشتهای مختلفی از این موضوع وجود داشته و دارد. IPC شباهت‌های زیادی با نسل سوم قراردادهای بیع متقابل دارد، زیرا همچنان قرارداد از نوع خدماتی است و به دلیل ابهامات و موانع قانونی، اصولاً اشتراک در مخازن و تولید مشارکتی در ایران پذیرفته نیست.

ET با گذشت حدود ۲ سال از ابلاغ مدل جدید قراردادهای پایانی نسبی کشمکش‌های مخالفان و موافقان و فاصله گرفتن شما از مسائل اجرایی شرکت ملی نفت، برداشت کنونی شما در کسوت معاون نظارت بر منابع هیدروکربوری وزارت نفت به عنوان نهاد سیاست‌گذار بالادستی در صنعت نفت به این کاستی‌ها و نقاط قوت IPC چیست و آیا مدل نهایی، از جامعیت لازم برخوردار است که بتوان میادین نفت و گاز را برای مدت‌زمانی طولانی و حدود ۲۵ ساله به سرمایه‌گذاران خارجی سپرد؟

موضوعی که باید به آن توجه داشت، این است که فرایند توسعه در تمام دنیا، امری پیوسته و مرحله به مرحله است و در یک لحظه، نمی‌توان و نباید انتظار معجزه داشت؛ خصوصاً در صنعت نفت که فعالیت‌های آن بستگی بسیاری به مسائل سیاسی، اقتصادی و روابط بین‌الملل دارد. تا پیش از دولت یازدهم نیز قراردادهای بیع متقابل را تجربه کرده بودیم و ۳ بار هم بازنگری شده بود. بنابراین شناخت خوبی نسبت به نقاط قوت و ضعف آنها در صنعت نفت به دست آمده بود که مبنای تهیه این قراردادهای جدید قرار

گرفته است. بنده متن نهایی قراردادهای را هنوز ندیده‌ام و در صورت ارسال متن نهایی، آن را بررسی خواهم کرد. اما با توجه به کلیاتی که شنیده‌ام و اینکه مصوبات دولت را در مورد چارچوب قراردادهای مورد اشاره دیده‌ام، می‌توانم بگویم که عمده ایرادهای کارشناسی مطروحه، مرتفع شده است. به هرحال بیش از این نباید کار متوقف و معطل باشد. به تدریج و با کسب تجربه از اجرای قراردادهای هم‌زمان و با عقد قراردادهای جدید، می‌توان آنها را تکمیل کرد.

ET شما در حالی به نهایی شدن IPC اشاره می‌فرمایید که از سوی وزارت نفت اعلام شده است نخستین قرارداد براساس مدل جدید با ستاد اجرایی فرمان امام (ع) منعقد شده است! در حدی که اطلاع دارم با ستاد اجرایی فرمان امام (ع) فعلاً چارچوب کلی مبادله شده و هنوز قراردادی منعقد نشده است. تا جایی که شنیده‌ام، هنوز قرارداد و ضوابط آن نهایی نشده است.

ضرورت توجه به مدل مشارکت در دریای خزر

ET با توجه به اهمیت موضوع و ضرورت جذب منابع مالی و فناوری‌های روزآمد، آیا این امکان وجود نداشت که با ایجاد اجماع ملی و تشریح جزئیات مسئله برای مقام‌های ارشد نظام، همانند آنچه در مسئله آب‌های مرزی به وقوع پیوست و منجر به کسب مجوز ویژه از سوی رهبری شد، مجوزهای خاص و ویژه‌ای نیز برای جذب سرمایه و فناوری‌های نوین یا نوعی مشارکت در تولید در میادین مشترک نفت و گاز یا تأمین منابع مورد نیاز از صندوق توسعه ملی اخذ کرد؟

زمانی انسان باید دنبال راه‌حل‌های خاص برود که از رویه‌های متعارف، ناامید شده باشد. معتقدم هنوز راه‌حل‌های متعارف به طور تمام و کمال، عملیاتی نشده‌اند. به‌طور مثال در میادین آذر، چنگوله، آزادگان و پارس جنوبی، هم‌اکنون نیز به اندازهٔ کافی متقاضی وجود دارد که بتوان براساس چارچوب‌های موجود قراردادی مورد تأیید با آنها قرارداد بسته شود. در واقع بعید می‌دانم که به آن مرز عسر و حرج برسیم که بگوییم غیر از مشارکت در تولید، موفق به جذب سرمایه‌گذاران بین‌المللی نخواهیم شد. با توجه به شرایط موجود و انبوه متقاضیان، به نظر می‌آید اکنون ضرورتی برای این کار وجود ندارد. اگرچه انتخاب مشاوران حقوقی خبره در دولت و مجلس برای بررسی و تدوین راهکارهای جدید برای جذب سرمایه، توسعه و تولید را به صورت دانش‌بنیان از جمله مشارکت در تولید یا امثالهم را با فراغ بال کنونی توصیه می‌کنم که دولت برای شتاب بخشی در توسعه و گره‌گشایی از منابع در موارد خاص مثل توسعه دریای خزر یا برخی میادین مشترک قدرت مانور داشته باشد.

ET فرمایش شما در حالی است که براساس تکالیف برنامهٔ پنجم توسعه، تولید نفت ایران باید به ۵/۲ میلیون بشکه در روز می‌رسید. این در حالی است که بعد از گذشت حدود ۶ سال، یعنی یک سال هم بیشتر از زمان مدنظر قانون برنامه، قرار است در پایان برنامهٔ ششم، آن هم با اما و اگر به تولید ۴/۷ میلیون بشکه در روز برسیم! باید توجه داشت که تدوین برنامه اگر براساس سازوکارهای واقع بینانه صورت نگیرد، دستیابی به اهداف آن نیز به راحتی ممکن نخواهد بود. حتی با فرض اینکه تحریم‌ها با تمرکز بر صنعت نفت ایران تشدید نمی‌شد، منابع قطعی و مورد نیاز برای چنین اهدافی مشخص نشده بود. همچنین ظرفیت مخازن ما نیز در مدت ۵ سال اجازهٔ چنین برداشتی و توان تولیدی را نمی‌داد و در صورت عادی بودن شرایط هم، نمی‌توانستیم به این میزان واقعی و

پایدار تولید به ۵,۲ میلیون بشکه در روز برسیم.

گذار از نیمه دوم عمر مخازن و دغدغه‌های افزایش تولید

ET ما به هر حال براساس اعلام وزارت نفت در اواسط دولت نهم، تولید نفت ایران حتی به بیش از ۴,۲ میلیون بشکه در روز نیز رسیده بود که با تداوم برنامه‌های توسعه و نگهداشت، افزایش ظرفیت یک میلیون بشکه‌ای تا پایان برنامه، غیرعملیاتی به نظر نمی‌رسید. این میزان تولید یعنی ۴,۲ میلیون بشکه در روز، برای مدت محدودی بود چون نه گاز به میزان مورد نیاز برای تزریق موجود بود و تزریق می‌شد و نه طرح‌های توسعه و افزایش برداشت وفق زمان‌بندی و هدف‌گذاری پیشرفت داشتند. ضمن اینکه حدود ۳۰۰ هزار بشکه در سال هم افت طبیعی میادین بوده و اگر قرار بود به ۵,۲ میلیون بشکه برسد باید معادل ۲,۵ میلیون بشکه به توان و ظرفیت اضافه می‌شد، یعنی سالی ۵۰۰ هزار بشکه که عملی نبود. شاید تولید کوتاه مدت ناپایدار شبیه تولید ۶ میلیون بشکه‌ای قبل از انقلاب بود که تولید نفت ایران حتی تا ۶ میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه هم رسید، اما این میزان تولید که البته غیرصیانتی هم بود، بیشتر از چند ماه دوام نیاورد و بلافاصله به سطح ۵,۵ میلیون و سپس ۵,۲ میلیون بشکه در روز کاهش یافت. آن زمان میادین بزرگ جوان بودند و هر کدام از چاه‌ها حدود ۲۰ تا ۲۵ هزار بشکه در روز نفت تولید می‌کردند. اکنون ما چنین مخازنی را نداریم. چاه‌های موجود امروز ما اگر با توان تولید ۲ هزار و ۵۰۰ بشکه نفت تولید کنند، جزو مخازن خوب ما تلقی می‌شوند.

ET اما نباید انتظار داشت که مخازن و چاه‌ها بدون نظام نگهداشت مناسب و به کارگیری فناوری‌های نوین، همواره در یک سطح پایدار، نفت تولید کنند.

اگرچه نکته‌ای که شما اشاره می‌کنید صحیح است، اما دلیل افت زیاد تولید این است که بسیاری از مخازن بزرگ ما از نیمه دوم عمر خود گذر کرده‌اند. سایر مخازن نیز همانند آزادگان و یادآوران، اگرچه بزرگ هستند، اما قابلیت‌های تولید محدودی دارند. چاه‌های میدان یادآوران به دلیل ماهیت لایه‌های نفتی آن که عمدتاً از حوزه سروک پیش‌بینی شده، قدرت تولیدی در حدود ۲ هزار بشکه در روز دارند. البته در درازمدت اگر توانیم روش‌های EOR یا IOR مناسب را اعمال کنیم، ممکن است همین میزان تولید نیز به سرعت کاهش یابد که در این صورت، هم مجموع تولید نفت ایران کاهش می‌یابد و هم اقتصادی بودن تولید از این چاه‌ها، با پرسش‌های اساسی مطرح می‌شود.

ET نقطه پایدار تولید پیش از تحریم‌ها بر روی چه عددی قرار داشت؟ خیلی کوتاه به حدود ۴ میلیون و ۱۲۸ هزار بشکه در روز رسیدیم. می‌توان گفت تولید در حدود ۴ میلیون بشکه در روز، پایدار بود مشروط به اینکه طرح‌های نگهداشت تولید و افزایش ضریب بازیافت بعدی به موقع انجام می‌شدند.

ET این افت فشار و کاهش ظرفیت، در پارس جنوبی نیز مشهود است و باعث شده نه تنها تولید میعانات گازی کاهش یابد، بلکه فشار گاز خروجی از مخازن نیز با افت محسوسی مواجه شود. برای رفع این معضلات چه تمهیداتی اندیشیده شده است؟

در میادین پارس جنوبی به دلیل اینکه روند توسعه مبتنی بر کاهش عقب‌ماندگی و رقابت در افزایش تولید به دلیل تولید سریع‌تر رقیب همسایه بوده است، اگر نگوئیم که تولید غیرصیانتی انجام شده، ضروری بود با اتخاذ سازوکارهای ضروری در فرایندهای مدیریتی و اجرایی مناسب‌تر، از این معضل از ابتدا جلوگیری کرد. حتی شاهد بودیم که زمانی، پروژه‌هایی

موسوم به ۳۵ ماهه براساس مبانی غیرکارشناسی طرح‌ریزی و آغاز شدند که سرنوشت آن، بر همگان مشخص است.

ET به هر حال باید قبول داشت که افتتاح‌های صورت گرفته در دولت یازدهم نیز براساس فعالیت‌های همان پروژه‌ها امکان‌پذیر شد، اگرچه نقدهای اساسی به شیوه و رویکرد وزارت در آن زمان همچنان به قوت خود باقی است.

به هر حال آنچه هم‌اکنون باید به آن توجه داشت، این است که در مجموع تمام فعالیت‌های صنعت نفت در ۲ دهه گذشته، حجم تولید گاز ایران بالا رفته و به سطح قطر رسیده، ولی قطر سال‌هاست که تولید پیوسته سنگینی دارد. پارس جنوبی نیز مخزنی است که شرایط فیزیکی و ظرفیت تولید نفت، گاز و میعانات گازی آن با توجه به برداشت‌های هر ۲ طرف ایرانی و قطری، در آینده قطعاً رو به افول خواهد گذاشت. هم‌اکنون نیز افت مستمر فشار مخزن و کاهش تولید را به تدریج ملاحظه می‌کنیم و اگر روند برداشت طرفین به همین منوال ادامه یابد، قطعاً شاهد افت جدی خواهیم بود. به همین دلیل در فاز ۱۱ پیش‌بینی شده است که از سال پنجم به بعد، ایستگاه‌های تقویت فشار در سکوها نصب شود تا بتواند تولید گاز را در سطح مناسبی، پایدار نگه دارد.

دغدغه ضریب بازیافت و مسئولیت‌پذیری پیمانکاران

ET اگرچه هم‌اکنون نیز فرصت‌های بسیاری برای توسعه مدنظر برنامه‌های توسعه و سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ از دست رفته است، اما از نگاه جناب عالی و با توجه به مسئولیت کنونی به عنوان نهاد بالادست و سیاست‌گذار در روند توسعه بالادست صنعت نفت، مهم‌ترین ویژگی‌های IPC در مقایسه با قراردادهای بیع متقابل در چیست و آیا می‌توان بر دغدغه‌هایی که بر شما وارد، فائق آمد؟ مهم‌ترین تغییر در این قراردادها، مسئولیت‌پذیر کردن پیمانکار توسعه برای مدت طولانی هنگام تولید است و پیمانکار متعهد است تولید تعهد شده را در چارچوب قرارداد به نوعی تضمین کند و پاداش توسعه متناسب با میزان تولید خواهد بود. امید است براساس این تعهد، فعالیت‌ها به صورت حرفه‌ای‌تر و با به کارگیری فناوری روزآمد و متناسب با روند توسعه انجام شوند. همچنین امیدواریم افزایش ضریب بازیافت نیز به همراه توسعه و افزایش تولید، ان‌شاءالله صورت گیرد. به هر حال باید توجه داشت ایران جزو کشورهایی است که در چند دهه گذشته، افزایش ضریب بازیافت در مخازن هیدروکربوری آن در مقایسه با کشورهای گذشته، رشد اندکی داشته است. به همین دلیل بازنگری و اتخاذ راهکارهای برون‌رفت از وضعیت کنونی، بسیار ضروری و گریزناپذیر است.

ET این وضعیت کنونی در حال حاضر در دنیا و ایران چگونه است؟ هم‌اکنون متوسط ضریب بازیافت در دنیا حدود ۳۵ درصد و این نسبت در ایران کمتر از ۲۵ درصد اعلام شده است.

ET دلایل اصلی این فاصله بسیار و عقب‌ماندگی و کم‌توجهی به چنین مسئله مهمی چیست؟

اگرچه اعدادی که اعلام کردم، متوسط وضعیت موجود در کشور است، اما روش مناسب‌تر آن است که مخازن با ویژگی‌های مشترک در ایران و سایر کشورها را با یکدیگر مقایسه کنیم، چون سازندهای متفاوت، رژیم تولید خاص خود و البته ضریب بازیافت متفاوتی ارائه می‌دهند. به طور عموم دلیل اینکه ضریب بازیافت در کشور ما پایین است، به این برمی‌گردد که در سیاست‌ها و البته اجرای برنامه‌های توسعه‌ای، اولویت به افزایش ضریب بازیافت در مقایسه با توسعه عمومی صنعت نفت داده نشده است و عموماً



متوسط ضریب بازیافت در دنیا حدود ۳۵ درصد و این نسبت در ایران کمتر از ۲۵ درصد اعلام شده است. اگر در درازمدت اگر نتوانیم روش‌های EOR یا IOR مناسب را اعمال کنیم، ممکن است علاوه بر اینکه مجموع تولید نفت ایران کاهش یابد، اقتصادی بودن تولید بسیاری‌های از چاه‌ها نیز با پرسش‌های اساسی مطرح شود.



امیدوارم در بودجه‌های سالیانه و برنامه‌های سرفصلی کاملاً مستقل و غیرقابل جابه‌جایی شدن برای موضوع بسیار مهم افزایش ضریب بازیافت از مخازن هیدروکربوری ایجاد شود تا وزارت نفت بتواند در جایگاه حاکمیتی بر حسن اجرای طرح‌ها، نظارت حرفه‌ای و قاطع خود را برای جبران عقب‌ماندگی‌ها اعمال کند.

در طرح‌های توسعه میادین، طرح‌های هم‌زمان ازدیاد برداشت و افزایش ضریب بازیافت مدت‌نظر قرار نگرفته است.

ET اما به‌هر حال وزارت نفت، مسئولیت اصلی این موضوع را برعهده داشته و همواره نیز از سوی وزرای نفت، بر این موضوع تأکید شده و همچنان نیز اصرار می‌شود!

باید توجه داشت که منابع مالی همواره محدود و مطالبات مطرح از سوی دولت، مجلس و افکار عمومی، معمولاً بسیار بیشتر است. به همین دلیل چون توسعه عمومی ساده‌تر، کم‌هزینه‌تر و زودبازده‌تر است و همواره نیز مخازن با قابلیت‌های بالقوه و بالفعل بسیاری برای تولید داشتیم، عمده منابع مالی بر توسعه عمومی متمرکز شده است و توجه به افزایش ضریب بازیافت همواره در اولویت دوم قرار داشته است. البته در بسیاری از مقاطع تاریخی مانند چندسال گذشته تا برجام، تحریم‌های ظالمانه نیز مانع دسترسی به دانش و فناوری روز و سرمایه جهانی شده است.

ET این عقب‌ماندگی و کم‌توجهی‌ها مرتبط با منابع مالی است یا به فقدان توان تخصصی و فناوری‌های نوین نیز مرتبط می‌شود؟

موارد متعددی از گذشته نقش داشته و دارند. در ایران بیشتر مخازن کربناته هستند و این مخازن برای افزایش ضریب بازیافت عموماً نیازمند شرایط فنی و تجهیزاتی با فناوری پیشرفته‌تر هستند. از جمله این موارد می‌توان به شکافت‌های هیدرولیکی و اسیدی، تزریق گاز به میزان مورد نیاز یا تزریق آب به برخی از میادین اشاره کرد که اتفاقاً در این زمینه‌ها به‌جز تزریق گاز در موارد محدود، بسیار کم کار کرده‌ایم. همچنین می‌توان به تزریق مواد شیمیایی و بخار در مخازن دارای نفت سنگین اشاره کرد. حدود دو سوم نفت ایران نفت سنگین است و یکی از راه‌هایی که می‌توان با تکیه بر آن تولید را افزایش داد، رقیق کردن نفت است که می‌توان بخار به مخازن تزریق کرد ولی این رویکرد نیازمند سرمایه‌گذاری عظیمی است. می‌توان از دیگر روش‌های جدید همچون تزریق مواد شیمیایی و تزریق‌های امتزاجی نیز استفاده کرد که البته مبتنی بر دانش روز و تأمین سرمایه است که ما در این زمینه، محدودیت‌های بیشتری در مقایسه با سایر کشورهای مشابه و همسایه تولیدکننده نفت داریم.

توسعه صنعت نفت، نباید سیاسی و سلیقه‌ای شود

ET این مسائل در حالی مطرح است که در همان نخستین روزهای حضور مهندس زنگنه در وزارت نفت در دولت اصلاحات و میانه‌های ۱۳۷۶ نیز بر ضرورت افزایش ضریب بازیافت تأکید می‌شد. با توجه به این سابقه تاریخی و کوتاهی‌های وزارت نفت در ادوار مختلف، می‌توان به کسب چنین دستاوردی خوشبین بود؟

تعداد زیادی پروژه تزریق گاز در همان دوران تعریف و تعدادی از آنها هم اجرا شدند که پروژه تزریق گاز میدان آغاچاری مهم‌ترین آنها بود. به‌هر حال باید توجه داشت که روند توسعه نباید دستخوش مسائل سیاسی یا وابسته به سلیق مدیران شود. جبران عقب‌ماندگی صنعت نفت ایران برای دستیابی به ضرایب بازیافت بالاتر مخازن نفت و گاز مطابق با استانداردهای روز دنیا نیز امری است که باید مدت‌نظر قرار گیرد و بر همین اساس، نیاز است سرفصل جدی و جدیدی در ردیف‌های بودجه‌ای غیرقابل جابه‌جایی در نفت برای افزایش ضریب بازیافت مخازن و همچنین افزایش برداشت از مخازن که به تبع آن فراهم می‌شود، در نظر گرفته شود. افزایش ضریب بازیافت، فعالیتی مستمر در میادین و مخازن هیدروکربوری است و بدین ترتیب در دولت یازدهم تلاش شد در چارچوب قراردادهای بالادستی جدید، این فرصت نیز فراهم شود.

ET وضعیت ذخایر هیدروکربوری ایران هم‌اکنون چگونه است و افزایش ضریب بازیافت و برداشت از مخازن، چه فرصت‌هایی برای کشور ایجاد خواهد کرد؟

آخرین برآوردها از ذخایر درجا، نزدیک به ۷۲۰ میلیارد بشکه است و اگر بتوانیم یک درصد افزایش ضریب بازیافت داشته باشیم، یعنی امکان تولید و دسترسی به ۷ میلیارد و ۲۰۰ میلیون بشکه نفت که در زیر زمین قرار است محبوس بماند، فراهم خواهد شد. این رقم را اگر با متوسط قیمت هر بشکه نفت ۵۰ دلار در نظر بگیریم، درآمدی حدود ۳۶۰ میلیارد دلار برای کشور و آیندگان ایجاد و تضمین خواهد شد. این موضوع اتفاقاً در قانون برنامه پنجم نیز مدت‌نظر قانون‌گذاران قرار گرفته بود و به صراحت تکلیف شده بود که یک درصد در طول برنامه پنجم به ضریب بازیافت مخازن هیدروکربوری افزوده شود.

افزایش ضریب بازیافت، ضمانت اجرایی می‌خواهد

ET یعنی هم قانون وجود داشته و هم وزارت نفت، مکلف به جبران عقب‌ماندگی در این زمینه شده بود که محقق نشد؟

دلایل مختلفی برای این موضوع می‌توان عنوان کرد. بخشی از آن مرتبط با محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها بود و بخش دیگر، مربوط به محدودیت‌های مالی و دانش فنی. در کنار این موارد، باید توجه داشت که اصولاً افزایش ضریب بازیافت در فضای کلان و میان تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران ارشد کشور، به یک فرهنگ و مطالبه اقتصادی و فنی تبدیل نشده بود. هم‌اکنون و با توجه به تمهیدات وزارت نفت، همچنین چالش‌هایی که از سوی موافقان و مخالفان IPC به‌وجود آمد، خوشبختانه این مفهوم و ضرورت، در مطالبات مسئولان کشور و اظهارنظرهای گروه‌های فنی و اقتصادی به جایگاه بایسته و شایسته خود رسیده است که امیدوارم موتور محرکه‌ای مناسب برای تحقق عملی و گسترده افزایش ضریب بازیافت در میادین هیدروکربوری، بالاخص میادین نفتی باشد.

ET به‌هر حال باید قبول داشته باشید که نگرانی بابت ضمانت اجرایی چنین مسائلی، همچنان پابرجاست.

امیدوارم در بودجه‌های سالیانه و برنامه‌های سرفصلی کاملاً مستقل و غیرقابل جابه‌جایی شدن برای موضوع بسیار مهم افزایش ضریب بازیافت از مخازن هیدروکربوری ایجاد شود و وزارت نفت در جایگاه حاکمیتی خود بر حسن اجرای طرح‌های افزایش ضریب بازیافت در شرکت ملی نفت و طرح‌های جاری و آینده، نظارت حرفه‌ای و قاطع خود را برای جبران عقب‌ماندگی‌ها اعمال کند. راه‌حل‌های گوناگون و متنوعی نیز برای جذب سرمایه و دانش فنی در نظر گرفته شود تا ضمانت اجرایی بیشتری برای تحقق این کار مهم ضروری و ملی فراهم شود.

ET اما با رجوع به سرفصل‌های بودجه سالیان گذشته، از جمله ۱۴،۵ درصد سهم شرکت ملی نفت ایران از فروش نفت، می‌توان به مسائلی همچون تزریق گاز و تولید صیانتی از مخازن برخورد کرد که با وجود تصریح قانون، توجه چندانی به آن نشده است.

اگرچه در گذشته هم چنین بودجه‌هایی تخصیص داده شده است و به‌طور خاص، پروژه‌های تزریق گاز در میادین نفتی تعریف و بعضاً اجرا هم شدند، اما به‌هر حال باید توجه داشت که به‌دلیل ملاحظات متعدد، منابع محدود همواره در مسیر توسعه و جبران عقب‌ماندگی‌ها صرف می‌شد و فرصتی برای این کار، فراهم نشد. اینکه تأکید کردم ردیف‌های اختصاصی و غیرقابل جابه‌جایی به‌همین دلیل است که این اولویت، حتماً رعایت شود. البته در قراردادهای IPC نیز به این مسئله، توجه ویژه‌ای شده است تا در

و هم امور تصدی‌گری در شرکت ملی نفت ایران صورت می‌گرفت. طبیعی است که بنابر ماهیت امور تصدی‌گری و زمان‌بر بودن فعالیت‌های اجرایی، توان و وقت بیشتری از مدیران ارشد شرکت نفت، صرف چنین امری شود. اما هم‌اکنون که براساس قوانین ابلاغی، همچنین اساسنامه جدید شرکت ملی نفت ایران، تفکیک وظایف صورت گرفته و وزارت نفت باید به نمایندگی از دولت، اعمال حاکمیت در این موارد داشته باشد، با ایجاد ساختار معاونت نظارت بر منابع هیدروکربوری، این کار و جاهد قانونی و عملیاتی بیشتری به خود می‌گیرد که البته نیازمند تقویت بدنه کارشناسی و ساختاری است تا بتواند ضمن انجام وظایف قانونی مورد نظر قانون‌گذار در اعمال مالکیت و حاکمیت، تکلیف‌داری‌ها و تجهیزات موجود در صنعت نفت را نیز به بهترین نحو ممکن، تعیین کند تا به وضعیت مطلوب‌تری دست یابیم.

ET در همین راستا می‌توان به تدوین و ابلاغ نظام‌نامه‌داری‌های فیزیکی صنعت نفت اشاره کرد که البته قبل از ابلاغ اساسنامه و ایجاد ساختار معاونت نظارت بر منابع هیدروکربوری از سوی وزیر نفت ابلاغ شده بود و حتی یکی از ادارات کل تابعه معاونت امور مهندسی و پژوهش نیز به همین نام تغییر یافته است. از سرنوشت این نظام‌نامه و روند اجرایی شدن آن چه اطلاعی دارید؟

هرچند وظیفه‌پایش و نظارت بر اجرای این مورد برعهده معاونت امور مهندسی و پژوهش است، اما همان زمان که مسئولیت شرکت ملی نفت ایران را برعهده داشتیم، موضوع را در هیئت‌مدیره مطرح کردیم و برای اجرا به شرکت‌های تابعه ابلاغ شد. کارهایی شروع شده است و امیدوارم با شتاب بیشتری، عملیاتی شود.

ساماندهی منابع انسانی با ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات

ET با توجه به مواردی که مطرح فرمودید، آیا موافق هستید که حضور معاون نظارت بر منابع هیدروکربوری وزیر نفت در هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، می‌تواند نقش مؤثری در اعمال این حاکمیت داشته باشد؟

اگر به صورت منطقی به قضیه نگاه کنیم خیر، زیرا هیئت‌مدیره، بازوی تصمیم‌گیری برای شرکت ملی نفت ایران و مدیرعامل آن است که مطابق اساسنامه جدید، صرفاً باید کار تصدی‌گری کند. هرچند در گذشته و پیش از ابلاغ اساسنامه جدید، هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت، سیاست‌گذار اصلی در تمام صنعت نفت به‌شمار می‌آمد و حتی آیین‌نامه‌اداری و استخدامی سراسر صنعت نفت را هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت تعیین می‌کرد، اما هم‌اکنون براساس ماده ۱۰ همان قانون حدود اختیارات و وظایف وزارت نفت، امور اداری و استخدامی در قالب هیئتی مستقل زیر نظر وزیر نفت فعالیت می‌کند و شرکت ملی نفت نیز همانند سایر شرکت‌های اصلی از جمله گاز، پتروشیمی و پالایش و پخش، فقط یک نماینده در آن هیئت دارد. بنابراین بهتر است هم این معاونت و هم هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت به‌طور مستقل فعالیت داشته باشند تا از بروز تضاد منافع ناشی از حضور در هر ۲ نهاد حاکمیتی و تصدی‌گری، جلوگیری کرد و اعمال حاکمیت و مالکیت توسط وزارت نفت به نحو مناسبی انجام شود.

ET در حالی که ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت اشاره کردید که منابع انسانی شاغل در صنعت نفت ناراضی‌های بسیاری را در چند سال اخیر مطرح می‌کنند. پیشنهاد جناب عالی برای برون‌رفت از چنین وضعیتی که از یک‌سو مطرح می‌شود صنعت نفت با مزاد نیرو مواجه است و از سوی دیگر، بسیاری از کارکنان نیز از وضعیت معیشت، نوع قرارداد و مسائل انگیزشی

روند توسعه، این مسئله بسیار مهم مغفول نماند که امیدوارم این بار تحقق یابد. ذکر این نکته ضروری است که بدانیم ۵،۱۴ درصد سهم تخصیص این بار یافته از درآمد حاصل از صادرات و میعانات، کفاف سرمایه‌گذاری‌های مورد نیاز را نمی‌دهد و به همین دلیل باید دنبال سایر منابع از جمله صندوق توسعه و عمدتاً تأمین مالی بین‌المللی باشیم.

ET ولایت‌های توسعه در صنعت نفت مگر نباید براساس قوانین بالادست از جمله برنامه‌های توسعه و چشم‌انداز تدوین شوند که شاهد این برداشت‌های سلیقه‌ای نباشیم؟

موضوع بسیار مهمی که باید توجه داشت، این است که شرایط محیطی، همواره در حال تغییر است. در روند توسعه صنعت نفت و خصوصاً حوزه بالادست و تولید، نخستین و مهم‌ترین عامل برای هدف‌گذاری، تعریف و تعیین سهم بازار است. باید بتوانیم برای تأمین نیازهای داخلی اعم از مصارف عمومی و خوراک پالایشگاه‌ها و صنایع پتروشیمی و متناسب با سهم بازار موردنظر در بازارهای جهانی، نفت و گاز به منطقه و سایر کشورها عرضه کنیم. این موارد، اولویت‌های ضروری و اولیه را تشکیل می‌دهند که البته در عمل و متناسب با شرایط سیاسی و اقتصادی جهانی و همچنین وضعیت سایر رقبای تولیدکننده، با محدودیت‌هایی مواجه می‌شویم. موضوع دیگر، مرتبط با تأمین منابع لازم و میزان دسترسی به فناوری‌های روز مورد نیاز است که روند توسعه را تسریع و اقتصادی‌تر کند. بخش دیگر نیز مرتبط با ملاحظات و محدودیت‌های قانونی داخل کشور است که باید اولویت را به میادین مشترک بدهیم و روش‌های عملی را به کار گیریم. بر همین اساس نیز مشاهده می‌شود که توسعه میادین غرب کارون با تأکید بر آزادگان، یادآوران، آذر و همچنین لایه نفتی پارس جنوبی با شتاب بیشتری در حال پیگیری و انجام است. به هر حال ضمانت اجرایی، تعریف و رعایت اولویت‌های توسعه منابع هیدروکربوری و صیانت از آنها، تحقق عینی وظایف حاکمیتی در وزارت نفت و فعال شدن معاونت نظارت بر منابع هیدروکربوری است.

تغییر مالکیت داری‌های فیزیکی از شرکت ملی نفت به وزارت نفت

ET آقای مهندس! بعد از کناره‌گیری جناب عالی از شرکت ملی نفت ایران، در حالی شاهد ایجاد معاونت جدید در ستاد وزارت نفت بودیم که مسئولیت‌های آن، سال‌ها برعهده معاونت یکپارچه «برنامه‌ریزی و نظارت بر منابع هیدروکربوری» بود. این تفکیک و ایجاد ساختار مستقل را تا چه اندازه کارشناسی می‌دانید؟

اگرچه پاسخ دقیق به این پرسش را باید از شخص وزیر نفت درخواست کنید، اما همان‌طور که اشاره کردم، با توجه به قانون اصلاح قانون نفت، قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت و تصویب اساسنامه شرکت ملی نفت ایران در ۱۳۹۴، تأکید و تصریح و احصای وظایف حاکمیتی توسط وزارت نفت و تصدی‌گری توسط شرکت ملی نفت و جداسازی آنها، ایجاد یک ساختار مستقل و منطقی، ضروری به نظر می‌رسد. به‌هر حال اگر مطابق با قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت، قرار باشد بعد حاکمیتی وزارت نفت بر تمامی صنعت نفت به‌طور کامل و مطابق با نظر قانون‌گذار شکل بگیرد، توان ستاد وزارت نفت در حوزه بالادست باید حتی بیش از اینها تقویت شود. مطابق با قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت، اگرچه نفت و گاز و همه تأسیسات نفت و گاز متعلق به ملت ایران است، اما وزارت نفت به نمایندگی از دولت، براساس قانون جدید ابلاغی، موظف به اعمال حاکمیت در این خصوص است. در گذشته نیز به‌دلیل خلأ قانونی، هم امور حاکمیتی



اگرچه در ابتدای دولت یازدهم و بنابر ضرورت‌های موجود، بسیاری از افراد با تجربه به فراخوان مهندس زنگنه پاسخ مثبت دادند و برای اعتلای صنعت نفت، مسئولیت‌های خطیر را قبول کردند، اما باید قبول داشت که میان نسل قدیم و مدیرانی که در شرف خروج و بازنشستگی از صنعت نفت هستند با بسیاری از جوانان صنعت نفت که بعضاً گردش کار آموزشی کافی نداشته‌اند، فاصله زیادی وجود دارد.

ناراضی هستند، چیست؟

در دولت گذشته بخش زیادی از دارایی‌های صنعت نفت برای خصوصی‌سازی و اجرای اصل ۴۴ واگذار شد. در این مدت تقریباً تمام پتروشیمی‌ها و حدود ۷۵ درصد از پالایشگاه‌ها واگذار شدند و افزون بر این موارد، بعضی از شرکت‌ها واگذار یا منحل شدند. براین اساس باید به‌طور منطقی، شمار کارکنان صنعت نفت به‌طور محسوسی کاهش می‌یافت. این گونه که از شواهد برمی‌آید، روند توسعه در صنعت نفت شتاب اندکی داشت و در حالت خوش بینانه، باید شمار کارکنان اگر کاهش نمی‌یافت، حداقل ثابت می‌ماند. اما شمار کارکنان در سرفصل‌های مختلف و با انواع مدل‌های استخدامی، تقریباً ۲ برابر شد.

ضرورت توجه به کرامت نیروهای انسانی در صنعت نفت

ET کارکنان که به‌خودی‌خود وارد صنعت نفت نشدند و جذب آنها با هر مکانیزم و کیفیتی، براساس تصمیم مدیران ارشد صنعت نفت در برهه‌های مختلف زمانی صورت گرفته است.

از این بابت تصمیمی متوجه کارکنان نیست، زیرا با تصمیم مدیران وقت، جذب شده‌اند. مسئله اینجاست که افزایش کارکنان و جذب‌های اخیر از یک سو بدون برنامه و وجود کارهای مناسب برای کارکنان جدید انجام شده است و از دیگر سو، صنعت نفت نیز با وجود انبوه مشکلات و محدودیت‌های مالی، باید پاسخگوی نیازها و مسائل مالی آنها باشد و راه‌گزینی نیز وجود ندارد. بنابراین باید با یک برنامه‌ریزی فشرده، چاره‌جویی کرد.

این یک واقعیت است که منابع انسانی، پیش‌تر توسعه و تحقق برنامه‌های صنعت نفت محسوب می‌شوند، اما باید توجه داشت که نیروی انسانی باید متناسب با نیازهای برنامه‌ریزی شده سازمانی و قابلیت‌های مدنظر و مورد نیاز صنعت جذب شود و برای برون رفت از وضعیت موجود و رفع تبعیض‌ها و پویایی همکاران، ضروری است مقررات و قوانین اصیل شرکت نفت و به تبع آن صنعت نفت به‌طور کامل احیا شود و ضوابط جذب و برنامه‌ریزی نیروی انسانی فعال و شایسته‌سالاری حرفه‌ای به‌طور گسترده و جدی حاکم شود. همچنین آموزش هدف‌دار در حین خدمت مستمرا مورد توجه و اقدام قرار گیرد. کارراهه شغلی هر فرد باید به درستی تعریف و پیگیری شود و حفظ کرامت نیروی انسانی نیز به‌طور جدی در دستور کار قرار گیرد.

ET با توجه به اینکه در آخرین روزهای عمر دولت یازدهم قرار داریم و صنعت نفت نیز همچنان با چالش‌های عدیده‌ای مواجه است، پیشنهاد شما برای وزارت نفت و وزیر نفت دولت دوازدهم در خصوص رفع چالش‌های منابع انسانی چیست؟

باید اولویت ویژه‌ای به جذب، آموزش و توانمندسازی مستمر نیروهای انسانی متناسب با خأله‌های موجود داده شود. هرچند در ابتدای دولت یازدهم و بنابر ضرورت‌های موجود، بسیاری از افراد با تجربه به فراخوان مهندس زنگنه پاسخ مثبت دادند و برای اعتلای صنعت نفت، مسئولیت‌های خطیر را قبول کردند، اما باید قبول داشت که میان نسل قدیم و مدیرانی که در شرف خروج و بازنشستگی از صنعت نفت هستند با بسیاری از جوانان صنعت نفت که بعضاً گردش کار آموزشی کافی نداشته‌اند، فاصله بسیاری وجود دارد. اگرچه در چندسال گذشته، تلاش شده بخش‌هایی از این خأله با راهکارهایی همچون راه‌اندازی ستاد ارزیابی مدیران پر شود، اما همچنان نیازمند فعالیت‌های جدی‌تر در این زمینه هستیم. البته حتی المقدور انتصابات را بر مبنای شایستگی انجام دادیم و به‌طور نسبی نیز موفقیت‌هایی حاصل شده است.

تقویت و حمایت از دانشگاه صنعت نفت

ET فرمایشات شما در حالی است که اخیراً زمزمه‌هایی مبنی بر واگذاری دانشگاه و دانشکده‌های نفت به بخش خصوصی شنیده می‌شود و جذب فارغ‌التحصیلان دانشکده نفت نیز با موانع متعددی مواجه شده است.

معتقدم باید دانشگاه صنعت نفت را بیش از پیش تقویت کرد، زیرا وفادارترین متخصصان و مدیرانی که در صنعت نفت ماندگار شدند و در عروسی و عزای نفت، در جنگ تحمیلی و بمباران‌ها تحت شرایط سخت ایستادگی کردند و حماسه آفریدند، عموماً افرادی بودند که در دانشکده‌های نفت آموزش دیدند و پله پله ترقی کردند و به سطوح مدیریتی رسیدند. بر همین اساس یکی از ضروری‌ترین کارهای وزارت نفت در دولت دوازدهم باید تقویت دانشگاه صنعت نفت باشد. البته فارغ‌التحصیلان بسیاری نیز از دانشگاه‌های دیگر در صنعت نفت منشأ خدمات ارزشمند بسیاری بودند و هستند، اما با توجه ارتباط تنگاتنگ بین دانشکده نفت (دانشگاه نفت) و صنعت و علاقه‌ای که در دوران دانشجویی به‌واسطه اساتید نفتی و کارآموزی‌ها بین دانشجویان و صنعت نفت شکل می‌گیرد، تاکنون ماندگاری و دلبستگی متخصصان و مدیرانی که از دانشگاه نفت فارغ‌التحصیل شده‌اند، بیشتر بوده است.

ET در حوزه بهینه‌سازی و بازآرایی ساختار و سازمان شرکت ملی نفت چه ضرورت‌هایی را پیشنهاد می‌کنید؟

شرکت ملی نفت باید خود را چابک‌تر و سبک‌تر کند و فعالیت‌هایی که می‌توان به بخش خصوصی واگذار کرد، از جمله شرکت ملی حفاری، پتروپارس، پترو ایران و بسیاری از شرکت‌های دیگر را با نگاه صحیح حاکمیتی و عقلانیت‌محوری، به بخش خصوصی واقعی واگذار کند.

صنعت نفت، وزارت نفت و وزیر نفت در دولت دوازدهم

ET فارغ از ماندگاری و حضور دوباره مهندس زنگنه در کابینه دولت جدید، توصیه شما به شخص وزیر نفت در دولت دوازدهم چیست

و چه ویژگی‌هایی را برای انتخاب چنین فردی مهم می‌دانید؟
با وجود تمامی فشارهای کاری و کمبودها و فشارهای سیاسی، امیدوارم مهندس زنگنه در وزارت نفت ماندگار باشند و کارهایی که آغاز کرده‌اند را به پایان برسانند. ایشان فردی باتجربه و توانمندی‌های بسیار هستند که دغدغه انقلاب و کشور را دارند. با توجه به فرصت‌های دست‌رفته، زمانی برای کسب آشنایی و اعمال دیدگاه‌ها و سلاقی جدید نیست و بعید می‌دانم در سیاست‌های توسعه‌ای نفت دولت دوازدهم، تغییرات محسوسی در مقایسه با دولت یازدهم ایجاد شود، زیرا این سیاست‌ها حاصل تعاملات بسیار بین وزارتخانه با سطوح بالای دولت بوده و خوشبختانه شخص رئیس‌جمهور و معاون اول ایشان نیز باور مناسبی به جایگاه و اهمیت صنعت نفت پیدا کرده‌اند.

ET برای وزارت نفت چه اولویت‌هایی را پیشنهاد می‌کنید؟
به نظر من ضرورت دارد در وزارت نفت دولت دوازدهم، چند موضوع در اولویت قرار گیرند. نخست اینکه طرح‌های نیمه‌کاره باقی‌مانده به پایان برسند. به هر طریق ممکن، زمینه‌های مناسب برای سرمایه‌گذاری در توسعه صنایع بالادست نفت براساس حدود ۵۰ پروژه‌ای که شرکت ملی نفت ایران تعریف کرده، محقق شود. افزون بر این موارد، طرح‌های پتروشیمی که برای آن پیش‌بینی ۷۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری شده است، عملیاتی شوند. واقعاً باید دولت و وزارت نفت مجدداً تلاش کنند در ۲ سال اول دولت دوازدهم همه موارد فوق براساس جذب سرمایه و دانش و فناوری روز، به قرارداد تبدیل شوند. واقعاً باید تلاش کرد و از وزیر نفت در این



امیدوارم مهندس زنگنه، همچنان در صنعت نفت حضور داشته باشند تا با کمک دیگر متخصصان و مدیران، بتوانند فعالیت‌های ارزشمندی که آغاز شده را به سرانجام برسانند تا صنعت نفت، به‌صورت پایدار بر ریل توسعه لازم و شتابان قرار گیرد.



رابطه حمایت کرد تا با یاری خدا، بخش زیادی از تأخیرهای توسعه صنعت نفت تا حد ممکن جبران شود. ضمناً ضرورت دارد به طور هم‌زمان نظام مدیریتی و تصمیم‌گیری صنعت نفت ارتقا یافته و به کلاس جهانی نزدیک شود. تعالی و تکریم کارکنان و مدیران نفت نیز باید به عنوان یک اصل محوری مورد توجه و اقدام مستمر قرار گیرد.

ET در حوزه پژوهش و فناوری چطور؟


باید روند اجرایی پروژه‌های پژوهشی که با دانشگاه‌ها آغاز کرده‌ایم، شتاب بیشتری بگیرد. هدف ما از اینکه تلاش کردیم دانشگاه‌ها را وارد فضای عملیاتی صنعت نفت کنیم، دور کردن آنها از انجام تحقیقات انتزاعی و آشنایی با فضای عملی روز فناوری و پژوهش‌های کاربردی در صنعت نفت، مطابق با فعالیت دانشگاه‌های برتر دنیا و در نهایت، تولید دانش و فناوری کاربردی روز مورد نیاز بود که در صنعت نفت دنیا، همواره منشأ تحول بوده‌است. مطمئن هستم بعد از به سرانجام رسیدن ۹ قراردادی که با دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی بستیم، مقدار زیادی از مشکلات مرتبط با فقدان دسترسی مناسب به دانش فنی که در ابتدای این گفتگو نیز به آن اشاره کردم، رفع خواهد شد و در کنار آن، متخصصانی که روی این پروژه‌ها کار کرده‌اند، در صنعت نفت خواهند درخشید. بدین صورت می‌توان به آینده جوانان متخصص صنعت نفت افتخار کرد. باید جوانان را هدف‌دار تربیت کرد و آموزش داد و گرنه به صرف جوانگرایی غیرهدفمند، نمی‌توان برای کشور ارزش افزوده و افتخار ایجاد کرد.

ET مگا پروژه‌های مرتبط با ۱۰ اسرفصل پرمصرف کالاهای صنعت نفت نیز از جمله مواردی است که ساز و کار اجرایی آن با اما و اگرهایی مواجه است. در این مورد چه نظری دارید؟

به سرانجام رساندن ساخت ۱۰ قلم کالای پرمصرف نیز از جمله کارهایی است که باید با جدیت بسیار و اولویت بالا، مدنظر وزیر نفت دولت دوازدهم قرار گیرد، زیرا در صورت تحقق عینی تمامی ابعاد آن، به‌طور قطع در تأمین کالا خود اتکالی تحسین‌برانگیزی حاصل خواهد شد.

ET از جمله مواردی که جناب عالی هم در خلال این گفتگو و هم در گذشته به آن اشاره داشتید، ضرورت نوسازی تجهیزات صنعت نفت است. در این خصوص چه اولویت‌هایی قابل توجه است؟ باید قبول کرد که تأسیسات غالباً فرسوده‌نفتی نیاز به برنامه‌ریزی و توجه و اقدام عاجل برای بازسازی و نوسازی در سطح گسترده دارد. از این مهم به‌دلایل متعدد و خصوصاً محدودیت‌های مالی، غفلت شده است. معتقدم قبل از اینکه این موضوع به یک بحران تبدیل شود، ضرورت دارد به‌عنوان یکی از اولویت‌های دولت برای اداره صنعت نفت مورد توجه قرار گیرد.

ET اگر از شما درخواست شود دوباره مسئولیت اجرایی در سطح وزارت یا معاونت وزیر نفت را بپذیرید، استقبال خواهید کرد؟ امیدوارم از من چنین درخواستی نشود. باید سراغ جوان‌ترهای متخصص و توانمند صنعت نفت بروند و بستر را برای مسئولیت‌پذیری و شکوفایی مدیران میانی آماده کنند. البته ضروری است از تجربه پیشکسوتان صنعت نیز در گروه‌های مشاوره‌ای معین، بهره‌برداری شود.

به‌رحال امیدوارم مهندس زنگنه، همچنان در صنعت نفت حضور داشته باشند تا با کمک دیگر متخصصان و مدیران، بتوانند فعالیت‌های ارزشمندی که آغاز شده را به سرانجام برسانند تا صنعت نفت، به‌صورت پایدار بر ریل توسعه لازم و شتابان قرار گیرد. 

گزینه‌های مطرح برای وزارت نفت دولت دوازدهم، چه کسانی بودند؟

ژنرال جدیدی در کار نیست



با اعلام فهرست وزرای پیشنهادی رئیس دولت دوازدهم، نیمه نخست ماراتن گمانه‌زنی‌ها دربارهٔ مردان کابینه به پایان رسید و رفت و آمدهای نفس‌گیر وزرای پیشنهادی به کمیسیون‌ها و دفاتر نمایندگان مجلس، همچنان ادامه دارد. هرچند کلیدواژه اصلی مباحث در انتخاب وزیران این دوره، بانوان، اقلیت‌های مذهبی و جوان‌گرایی بود و حسن روحانی نیز در نشست اخیر مطبوعاتی خود دربارهٔ تغییرات در کابینه به این موارد اذعان داشت، اما بنابر اعلام معاون اول رئیس‌جمهور، محدودیت‌ها را باید در نظر گرفت و چینش کابینه، حق رئیس‌جمهور است!


به‌طور حتم یکی از مهم‌ترین وزارتخانه‌های ایران، وزارت نفت است و در مجامع نفتی کشور نیز بیش از هر موضوع، سرنوشت وزارت نفت در دولت دوازدهم مورد توجه قرار گرفته است. صنعت نفت در سال‌های اخیر با چالش‌های فراوانی مواجه بوده و همین موضوع بر اهمیت انتخاب وزیر نفت دولت دوازدهم افزوده است؛ سرنوشت قراردادهای جدید نفتی، صادرات گاز و توسعهٔ میادین مشترک نفت و گاز را می‌توان از مهم‌ترین چالش‌های وزارت نفت در دولت آینده برشمرد. با توجه به تمامی این مسائل و جایگاه ایران در مجامع بین‌المللی، انتخاب وزیر کارآمد، متخصص و مسلط به چالش‌های ملی و فراملی نفت، امری ضروری است. درحالی‌که با انتشار زمه‌هایی مبنی بر کناره‌گیری زنگنه از حضور در دولت دوازدهم به دلیل افزایش حملات مخالفان قراردادهای نفتی و قرارداد اخیر با توتال، نام‌هایی همچون سید کاظم وزیر همامانه، حبیب‌الله بیطرف، علی‌قادر، منصور معظمی و سورنا ستاری برای جانشینی او مطرح شد، اما با توجه به معرفی بیژن نامدار زنگنه برای هدایت وزارت نفت و احتمال بالای کسب رأی اعتماد، در ۴ سال آینده نیز شاهد تداوم سیاست‌های نفتی خواهیم بود که پایه‌های آن در دولت دوازدهم بنا نهاده شده است.

بی‌توجهی به منابع انسانی و راه‌های نرفته زنگنه

فروزش، نجابت، نژادحسینیان و... اشاره کرد. حضور هم‌زمان این مدیران در مجموعهٔ نفت، اوج توسعه در صنعت نفت و خصوصاً دوران درخشان صنعت پتروشیمی را رقم زد. البته با حضور مجدد زنگنه در وزارت نفت دولت یازدهم، شاهد حضور مجدد مدیران خوشنام و باتجربه بودیم، هرچند برخی از آنها به همکاری با زنگنه پیش از پایان دولت، خاتمه دادند. از این‌رو طرفداران ابقای زنگنه امیدوارند وزارت نفت در دولت دوازدهم به ثبات بیشتری برسد تا بستر مناسب برای توسعهٔ صنعت نفت، فراهم شود.

کم‌توجهی به منابع انسانی

با وجود آثار مثبت متعدد حضور زنگنه در وزارت نفت که به برخی از آنها اشاره شد، عملکرد زنگنه در بخش‌هایی هم دچار ضعف و کاستی بود که در رأس آنها می‌توان به ساماندهی منابع انسانی صنعت نفت اشاره کرد. بسیاری از کارکنان در بخش‌های مختلف صنعت نفت از بی‌توجهی او به نیروهای انسانی که ابزار و بازوی وزارتخانه برای دستیابی به موفقیت‌ها به‌شمار می‌روند و همچنین وضعیت استخدام نیروها، نارضایتی بسیاری دارند که در این مورد، پیش از انتخابات دوازدهمین دوره ریاست جمهوری وعده‌هایی برای استخدام نیروهای جدید از سوی زنگنه مطرح شد. به باور منتقدان، به سرانجام نرسیدن قراردادهای نفتی نیز یکی از مهم‌ترین ضعف‌های زنگنه به‌شمار می‌رود. اگرچه امضای قرارداد توتال با مخالفت‌های بسیار دل‌پاسان نفتی، طلسم حضور سرمایه‌گذاران خارجی در حوزهٔ بالادست را در میانه‌های تیرماه شکست، اما وزارت نفت راه‌های نرفته زیادی برای اجرایی شدن تفاهم‌نامه‌های متعدد و جذب سرمایه‌گذاران خارجی در پیش دارد.

این وزارتخانهٔ پرحاشیه که به دلیل تخلفات کلان سال‌های پیشین، با چالش‌های بسیاری مواجه بود و حتی دادگاهی شدن نفت‌خواران هم این حواشی را از بین نبرد. قراردادهای نفتی و حتی گم شدن مجموعه‌ای از دکل‌های نفتی تاملت‌ها موضوع بحث‌های خرساز بود که نگاه رسانه‌های گروهی را متوجه این وزارتخانه می‌کرد تا حاشیه‌سازترین وزارتخانهٔ دولت تدبیر و امید، وزارت نفت باشد. همین حاشیه‌های فراوان و حملات سیاسی مداوم مخالفان دولت به وزارت نفت و شخص زنگنه، ظاهراً باعث شده بود از روحانی بخواهد در دولت آینده به او استراحت دهد. این در حالی است که شخص رئیس‌جمهور و حلقهٔ اصلی تصمیم‌گیری‌ها برای چینش مدیران ارشد، بر تداوم حضور زنگنه در وزارت نفت تأکید داشتند. در کنار تمام این موارد، برخی گمانه‌زنی‌ها نیز حکایت از آن داشت که زنگنه نیم‌نگاهی به صندلی معاون اول رئیس‌جمهور دارد. البته زنگنه این موضوع را رد کرد و گفت که چنین احتمالی وجود ندارد. 

شیخ‌الوزرای جمهوری اسلامی ایران، متولد ۱۳۳۱ در کرمانشاه و دانش‌آموختهٔ کارشناسی ارشد عمران از دانشکدهٔ فنی دانشگاه تهران است. فعالیت اجرایی خود را از ۱۳۵۹ در کابینهٔ محمدعلی رجایی، در جایگاه معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی آغاز کرد. در دولت‌های سوم و چهارم به نخست‌وزیری میرحسین موسوی ۵ سال وزیر جهاد سازندگی و یک سال نیز وزیر نیرو بود. در ۸ سال ریاست‌جمهوری هاشمی رفسنجانی به‌عنوان وزیر نیرو فعالیت کرد و در دولت‌های هفتم و هشتم به ریاست سیدمحمد خاتمی نیز ۸ سال عهده‌دار وزارت نفت بود. با آغاز به‌کار دولت نهم و ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد، از اسفند ۱۳۸۵ تا مرداد ۱۳۸۷ به‌عنوان رئیس هیئت مدیره شرکت هپکو فعالیت کرد. او همچنین تا ۲۴ اسفند ۱۳۹۰ عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام جمهوری اسلامی ایران بود.

اعتبار ژنرال

هم‌اکنون سکن وزارت نفت در دستان بیژن زنگنه است. «شیخ‌الوزرا» و «ژنرال» القایی هستند که او را بر بدن‌ها توصیف می‌کنند. بسیاری از کارشناسان انرژی بر این باورند که باتوجه به وضعیت وزارت نفت در دولت دهم و شرایطی که زنگنه در دولت یازدهم این وزارتخانه را تحویل گرفت، عملکرد زنگنه به‌طور نسبی موفق بوده و نمرهٔ قبولی را در دوران وزارت خود دارد. البته برخی نیز معتقدند او یک نابغهٔ دیپلماسی است که در برگرداندن اقتدار به صنعت نفت ایران چه در داخل و چه در خارج از کشور، بسیار کوشا بوده است زیرا وزنهٔ سنگینی در عرصهٔ بین‌المللی نفت است و در اوپک، کاری کرد کارستان. زنگنه به‌دلیل حضور طولانی‌مدت در صنعت نفت، پیشینه و اعتباری ارزشمند در اوپک دارد که در میان وزرای نفت ایران، به‌خصوص بعد از انقلاب، کم‌نظیر بوده است. او بیش از هر وزیر دیگری از شرایط پس از برجام استفاده کرد و طبق وعده‌ای که داده بود، تولید نفت ایران را در مدت کوتاهی به مرز قبل از تحریم‌ها رساند. در شرایطی که بازار جهانی نفت با مازاد عرضه و سقوط قیمت‌ها مواجه بود، نفت ایران به‌خوبی در بازار جذب شد تا موفقیت اقتصادی مهم دولت یازدهم، هم از منظر افزایش درآمدهای ارزی کشور و هم از منظر افزایش رشد اقتصادی، مدیون نفت باشد.

از نکات برجستهٔ عملکرد وزارت نفت در دولت یازدهم، تمرکز بر پارس جنوبی است. وزارت نفت در ابتدای سال جاری با افتتاح ۵ فاز از فازهای پارس جنوبی، تولید از این مجتمع را به‌حدی رساند که حداقل بازارهای داخلی بعد از این دچار مشکل نخواهند شد. مدیریت زنگنه در دولت اول و دوم اصلاحات مصادف شده بود با حضور مدیرانی در صنعت نفت که هر کدام یا سابقهٔ وزارت داشتند یا می‌توانستند یک وزیر باشند که از جملهٔ این افراد می‌توان به ترکان، نعمت‌زاده، وزیر همامانه،



بازگشت دوباره



سید کاظم وزیریهامانه که خود را زاده نفت و عاشق صنعت نفت می‌شمرد، حدود نیم‌قرن سابقه اجرایی و مدیریتی در صنعت نفت دارد و معتقد است برای تداوم روند توسعه و سامان‌دهی اوضاع اقتصادی کشور، حداقل تا ۵۰ سال دیگر به نفت نیاز خواهیم داشت. اگرچه او خدمت به جایی که کشور به آن نیاز دارد را مایه افتخار خود می‌داند و همچون دولت یازدهم، از او به‌عنوان یکی از گزینه‌های جدی برخاسته از بدنه صنعت نفت برای هدایت وزارت نفت نام برده می‌شود، اما معتقد به جوانگرایی هوشمندانه و بازکردن عرصه برای انبوه جوانان و متخصصانی است که افتخارات و دستاوردهای صنعت نفت، مدیون آنهاست.

وزیریهامانه متولد ۱۳۳۴ در یزد و دانش‌آموخته کارشناسی مهندسی مکانیک از دانشگاه علم و صنعت و کارشناسی ارشد مدیریت دولتی است. فعالیت رسمی در صنعت نفت را از ۱۳۵۲ با قبولی در آزمون استخدامی شرکت ملی نفت ایران آغاز کرد و در ۱۳۶۰ به‌عنوان مدیر امور اداری و عضو هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران منصوب شد. در ۱۳۷۰ مدیریت برنامه‌ریزی تلفیقی شرکت ملی نفت ایران را برعهده گرفت. از ۱۳۷۲ با حفظ سمت قبلی، به‌طور همزمان به‌عنوان مدیر برنامه‌ریزی تلفیقی شرکت ملی پالایش و پخش فراورده‌های نفتی ایران و معاونت برنامه‌ریزی و پژوهش وزارت نفت ایران منصوب شد. از ۱۳۷۵ با حفظ کلیه سمت‌های پیشین، مدیرعاملی شرکت ملی پالایش و پخش فراورده‌های نفتی ایران را نیز برعهده گرفت. هامانه در فاصله ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۶ عضو هیئت‌مدیره هر ۴ شرکت اصلی نفت یعنی گاز، پتروشیمی، پالایش و پخش و نفت بود. بعد از حدود ۳ ماه سرپرستی وزارت نفت در دولت نهم، در آذر ۱۳۸۴ با اخذ رأی اعتماد از مجلس شورای اسلامی، سکان هدایت وزارت نفت را برعهده گرفت. با این حال، زمان وزارتش طولانی نبود و در اعتراض به مداخله گاه و بیگاه رئیس وقت دولت، همچنین مخالفت با انتصاب‌های موردنظر احمدی‌نژاد از جمله صدور حکم قائم‌مقامی برای مرحوم علی کردان، با هشدار درمورد وجود اراده راسخ برای شخم‌زدن زمین آباد نفت، از وزارت نفت برکنار شد.

وزیر اسبق نفت اگرچه با پیروزی حسن روحانی، ردای قائم‌مقامی وزارت نفت را برتن کرد، اما او نیز به‌دلیل بروز اختلاف‌نظرهای متعدد، شرایط را برای ادامه کار مساعد ندید و عطای همکاری با بیژن نامدار زنگنه را به‌دلیل کاهش غیررسمی سطح اختیارات رسمی و برخی مسائل دیگر، به لقاییش بخشید. درحالی‌که وزیریهامانه نیز همچون بسیاری از موسسیدان صنعت نفت، بر ضرورت سپردن عاقلانه و هوشمندانه سرنوشت و مناصب مدیریتی صنعت نفت به متخصصان نفتی جوان‌تر و نه افراد ناآشنا و خارج از بدنه نفت تأکید دارد، اما از او به‌عنوان یکی از گزینه‌های اصلی هدایت صنعت نفت در دولت دوازدهم نام برده می‌شود.

وزیر	دولت	ورود به نفت	خروج از نفت
علی اکبر معین فر	دولت موقت	بهمن ۱۳۵۷	مهر ۱۳۵۹
شهید محمد جواد تندگویان	شهید محمد علی رجایی	مهر ۱۳۵۹	آبان ۱۳۶۰
سید محمد غرضی	میر حسین موسوی	مرداد ۱۳۶۰	شهریور ۱۳۶۴
غلامرضا آقازاده	میر حسین موسوی اکبر هاشمی رفسنجانی	شهریور ۱۳۶۴ شهریور ۱۳۶۸	شهریور ۱۳۶۸ شهریور ۱۳۷۶
بیژن نامدار زنگنه	سید محمد خاتمی	شهریور ۱۳۷۶	شهریور ۱۳۸۴
سید کاظم وزیری هامانه	محمود احمدی نژاد	شهریور ۱۳۸۴	مرداد ۱۳۸۶
غلامحسین نوذری	محمود احمدی نژاد	مرداد ۱۳۸۶	شهریور ۱۳۸۸
سید مسعود میر کاظمی	محمود احمدی نژاد	شهریور ۱۳۸۸	اردیبهشت ۱۳۹۰
محمود احمدی نژاد (سرپرست)	محمود احمدی نژاد	۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۰	۱۲ خرداد ۱۳۹۰
محمد علی آبادی (سرپرست)	محمود احمدی نژاد	۱۲ خرداد ۱۳۹۰	۱۹ مرداد ۱۳۹۰
رستم قاسمی	محمود احمدی نژاد	۱۹ مرداد ۱۳۹۰	۲۴ مرداد ۱۳۹۲
بیژن نامدار زنگنه	حسن روحانی	۲۴ مرداد ۱۳۹۲	در حال فعالیت

به وزارت حتی فکر هم نمی کند!

نامی آشنا در وزارت نفت است و از ۱۳۵۹ تاکنون یکی از افراد مؤثر در مراحل تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری صنعت نفت محسوب می‌شود. منصور معظمی متولد ۱۳۳۵ در گلپایگان، دانش‌آموخته دانشگاه‌های صنعتی اصفهان و امیرکبیر و فارغ‌التحصیل دکترای مدیریت بازرگانی است. فعالیت‌های نفتی خود را از مدیریت بخش نفت و گاز سازمان برنامه و بودجه در فاصله زمانی ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۵ شروع کرد و پس از آن، هدایت برخی از شرکت‌های وابسته به وزارت نفت مانند شرکت ملی گاز مایع ایران و پتروشیمی خارک را نیز عهده‌دار بوده است. معظمی که مسئولیت ستاد نفت و انرژی حسن روحانی در انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم را بر عهده داشت، در ۱۳۹۴ پس از حضور دوباره زنگنه در وزارت نفت، برای مدت کوتاهی جانشین خالدی در معاونت امور بین‌الملل و بازرگانی شد و تا میانه‌های دولت یازدهم، معاون برنامه‌ریزی و نظارت بر منابع هیدروکربوری این وزارتخانه بود. با شدت گرفتن اختلاف‌های معظمی با زنگنه، از ادامه فعالیت در صنعت نفت منصرف شد و با کوچ اجباری، تصمیم گرفت دوباره معاون رئیس سابقش شود. این بار اما نعمت‌زاده نه در مقام مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی که بر مسند وزارتخانه عریض و طویل صنعت، معدن و تجارت قرار داشت و معظمی نیز هدایت سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (ایدرو) را بر عهده گرفت که از قضا، بد طولایی نیز در پروژه‌های مختلف نفتی دارد.

از نگاه کارکنان صنعت نفت، او که طی دهه‌های اخیر از مدیران ارشد وزارت نفت بوده، وضعیت بسیار مناسب‌تری نسبت به حبیب‌اله بیطرف، نزدیک‌ترین گزینه مد نظر زنگنه برای جانشینی خود در وزارت نفت داشت. از دیگر سوابق و فعالیت‌های یار غار دیروز و جانشین احتمالی زنگنه، می‌توان به مدیریت برنامه‌ریزی و توسعه و عضویت در هیئت مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی، مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری پتروشیمی، مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره شرکت بازرگانی پتروشیمی در زمان نعمت‌زاده، معاون توسعه منابع انسانی و پژوهش وزارت نفت در زمان وزارت وزیر هامانه، معاون برنامه‌ریزی و نظارت بر منابع هیدروکربوری و مشاورت زنگنه در دولت یازدهم، ریاست کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی تهران و عضویت در هیئت علمی پژوهشگاه صنعت نفت نیز اشاره کرد.

اگر کناره‌گیری خودخواسته یا ناخواسته زنگنه از وزارت نفت در دولت دوازدهم اتفاق می‌افتاد، معظمی را باید جدی‌ترین گزینه برای جایگزینی او محسوب می‌شد که افزون بر سابقه اجرایی و تخصصی در صنعت نفت، حمایت‌های سیاسی قدرتمندی هم نزد حامیان روحانی و البته سران اصلاحات دارد. این درحالی است که معظمی در گفتگو با پایگاه اطلاع‌رسانی «انرژی امروز» چنین اظهارنظر کرده بود: «تاکنون هیچ‌گاه نه به موضوع وزارت نفت فکر کرده‌ام و نه به آن فکر خواهم کرد. بنابراین اصلاً بحث گزینه بودن مطرح نیست.» او سن بالای خود را یکی از دلایل این امر برشمرد و ادامه داد: «افرادی در سن و سال ما بیشتر باید کار مشاوره‌ای انجام دهند تا کار اجرایی. اما اینکه چه اتفاقی خواهد افتاد، خود آقای روحانی تصمیم می‌گیرند.» معظمی با بیان اینکه زمانی که نیروهای توانمندتر و شایسته‌تر از بنده هستند، دور از عدالت است که در این سمت حضور پیدا کنم، رئیس سابق خود را همچنان گزینه برتر برای وزارت نفت را اعلام می‌کند و تأکید می‌گوید: «زنگنه باید تصمیم بگیرد و بماند!»



گذر از شهرداری و نفت برای گذار به نیرو



حبیب‌اله بیطرف متولد ۱۳۳۵ یزد است که هم‌اکنون در کسوت معاون مهندسی، پژوهش و فناوری وزیر نفت و رئیس سازمان نظام مهندسی استان تهران فعالیت می‌کند و از مهم‌ترین گزینه‌های جایگزینی زنگنه محسوب می‌شود. او دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مهندسی عمران از دانشکده فنی دانشگاه تهران است و فعالیت اجرایی خود را از ۱۳۵۸ با مشارکت در راه‌اندازی جهاد سازندگی آغاز کرد. در طول جنگ ایران و عراق به عنوان عضو رسمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به فعالیت ادامه داد. ۴ سال استانداری یزد، ۵ سال معاونت در زمان حضور زنگنه در وزارت نیرو، ۸ سال هدایت وزارت نیرو در دولت‌های هفتم و هشتم به همراه ۲ دوره حضور در هیئت‌مدیره سازمان نظام مهندسی ساختمان را می‌توان از جمله سوابق اجرایی او برشمرد.

هنگامی که سال گذشته پس از سال‌ها فعالیت در وزارت نیرو به وزارت نفت آمد، تعجب بسیاری را برانگیخت. اگرچه بسیاری از اهالی صنعت نفت، حضور او را از همان ابتدا، زمینه‌سازی برای حضور در رأس شرکت ملی نفت ایران و سپس، پوشیدن ردای وزارت نفت قلمداد می‌کردند، اما با معرفی نهایی او برای هدایت وزارت نیرو در دولت دوازدهم، در چند روز آینده شاهد جابه‌جایی دفتر کارش از چهاردهم ساختمان مرکزی قدیم نفت به ساختمان شیشه‌ای وزارت نیرو خواهیم بود. اگرچه بیطرف شایعات حضور در رأس وزارت نفت را نیز هیچ‌گاه رد نکرد، اما آن را تأیید هم نمی‌کرد و صحبت کردن درباره این موضوع را تا قبل از معرفی رسمی اعضای پیشنهادی کابینه دوازدهم، زود هنگام برمی‌شمرد. او ۳ روز قبل از معرفی رسمی کابینه نیز در پاسخ به این پرسش «تازه‌های انرژی» که آیا احتمال دارد هدایت وزارت نفت در دولت دوازدهم را برعهده بگیرد، گفته بود: «من به این پرسش اکنون پاسخ نمی‌دهم، اجازه دهید این بحث بماند.»

به گفته عموم متخصصان صنعت نفت، نشستن یک غیرنفتی در جایگاه وزارت نفت، تهدیدهای مختلفی با خود به همراه دارد، اما بهتر است اگر چنین شخصی به وزارت رسید، حتی‌الامکان افراد غیرنفتی را با خود به همراه نیاورد. بسیاری از متخصصان نفتی معتقدند با وجود حضور چندماهه وزیر اسبق نیرو در وزارت نفت، او همچنان فضای تخصصی صنعت نفت را نمی‌شناسد و حتی فرصت ۴ ساله وزارت احتمالی او در دولت دوازدهم نیز زمان کافی برای تسلط او بر پیچیدگی‌های موجود در این کسب و کار ایجاد نخواهد کرد.

رهایی از فرهنگ بچه پولداری نفتی

معاون علمی و فناوری روحانی بر این باور است که اصلی‌ترین سرمایه ایران، مغز و تفکر جوانان این مرز و بوم است و نه چاه‌های نفت آن و بر همین اساس ناگزیر از اصلاح اخلاق و باورهای نفتی مردم و مسئولان کشور هستیم. سورنا ستاری، دانشیار دانشکده مکانیک دانشگاه صنعتی شریف و معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهور، گزینه مطرح دیگری برای وزارت نفت است. او در ۱۳۸۴ و بعد از برکناری مهدی هاشمی‌رفسنجانی به‌عنوان مدیرعامل سازمان بهینه‌سازی مصرف سوخت انتخاب شد، اما یک سال بعد استعفا کرد. ستاری در مهر ۱۳۹۲ با حکم حسن روحانی در حالی به‌عنوان معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهور منصوب شد که قبل از آن با حکم بیژن نامدار زنگنه به‌عنوان رئیس پژوهشگاه صنعت نفت نیز منصوب شده بود. او در گفتگوی تفصیلی سال گذشته خود با «تازه‌های انرژی» بر این موضوع نیز تأکید داشت که بخش اعظم صنعت نفت باید با راهبری بخش خصوصی به پیش رود و در این میان وزارت نفت باید نقش سیاست‌سازی، نظارت و هماهنگی بخش‌های مختلف را برعهده گیرد تا در یک برنامه چندساله به‌ازای خریدهای خارجی خود، مبلغی برای تحقیق و توسعه و تولید همان محصولات هزینه کند.

از سوابق اجرایی او می‌توان به عضویت در شورای عالی انقلاب فرهنگی، نایب‌رئیس هیئت امنای و عضو هیئت عامل صندوق نوآوری و شکوفایی، رئیس هیئت امنای پارک فناوری پردیس، رئیس هیئت امنای صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران، عضو هیئت امنای مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، رئیس پژوهشگاه صنعت نفت، مدیرعامل سازمان بهینه‌سازی مصرف سوخت، ریاست پژوهشکده نانو تکنولوژی پژوهشگاه صنعت نفت و ریاست گروه انرژی مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی اشاره کرد.



پله پله تا یک قدمی وزارت

یکی دیگر از گزینه‌های محتمل برای وزارت نفت، علی کاردر ۶۳ ساله بود که پس از رکن‌الدین جوادی با به اتاق مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران در طبقه پانزدهم ساختمان قدیمی وزارت نفت گذاشت. او پیش‌تر و در فاصله زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵، معاونت سرمایه‌گذاری شرکت ملی نفت ایران را برعهده داشت. کاردر دانش‌آموخته کارشناسی علوم مالی از دانشگاه صنعت نفت و کارشناسی ارشد علوم مالی از دانشگاه علامه طباطبایی است. کاردر در طول جنگ ایران و عراق از اعضای سپاه پاسداران بود و فعالیت در صنعت نفت را از ۱۳۶۲ با حضور در شرکت ملی نفت ایران آغاز کرد و تاکنون در سمت‌هایی چون مدیر امور مالی شرکت ملی گاز ایران، مدیرعامل شرکت کالای نفت تهران، مدیرعامل شرکت کالای نفت لندن و مدیر امور مالی شرکت ملی نفت ایران فعالیت داشته است. بسیاری کاردر را فردی متخصص در امر جذب سرمایه و کارشناسی خبره در حوزه تأمین منابع می‌دانند که می‌تواند گره از کار صنعت نفت بگشاید. برخی رسانه‌ها ماه گذشته خبر داده بودند که زنگنه با تأکید بر کنار رفتن خود از وزارت نفت، کاردر را برای جانشینی به روحانی پیشنهاد کرده است؛ شایعه‌ای که تأیید نشد و حتی برخی فعالان رسانه‌ای حامی زنگنه آن را «خبرسازی مخالفان زنگنه» خواندند. با این حال احکامی که اخیراً به‌عنوان مأموریت سالانه از سوی زنگنه برای کاردر صادر شد و در رأس آنها امضای ۱۰ قرارداد نفتی و گازی را بر دوش او گذاشت، نشان از آن دارد که وزیر نفت در میان معاونانش، بیشترین امید را برای پیشبرد برنامه‌ها به کاردر دارد.

اگرچه با جابه‌جایی دفتر کاردر از طبقه چهاردهم به طبقه پانزدهم ساختمان مرکزی قدیم وزارت نفت، فاصله او با زنگنه فقط به یک دیوار رسیده است، اما ممکن بود با معرفی او برای هدایت وزارت نفت، همین یک دیوار نیز از بین برود تا مهم‌ترین معاون زنگنه، مسیر وزارت را پله‌پله و دیواره‌دیواره طی کرده باشد که با معرفی نهایی زنگنه، این همسایگی در ۴ سال آینده نیز همچنان تداوم خواهد داشت.



Witteveen + Bos

راهکارهای نوین برای مدیریت و بازچرخانی آب در واحدهای صنعتی

witteveenandbos.com

دفتر ایران (تهران): ۲۶۴۱۳۹۹۷

ناتوانی در جانشین پروری و باز تولید زنگنه!

گزینه‌های دیگری نیز در روزهای منتهی به معرفی رسمی کابینه پیشنهادی دولت دوازدهم توسط برخی رسانه‌ها به‌عنوان جانشین احتمالی بیژن زنگنه مطرح شد که البته به نظر می‌رسید بیش از آنکه واقعی باشند، حاکی از گمانه‌زنی‌های رسانه‌ای و فاقد منبع مشخص هستند. در مجموع به نظر می‌رسد در دولت دوازدهم هم بیژن زنگنه به‌عنوان وزیر نفت مورد اعتماد مجلس قرار گیرد تا کارهای ناتمام خود را تکمیل کند. او امیدوار است در جذب سرمایه‌گذاران خارجی بتواند موفق‌تر باشد و آنها را با اطمینان خاطر بیشتری در دولت دوازدهم برای حضور در صنعت نفت ایران، ترغیب کند. اگرچه طیفی از نفتی‌ها ادامه حضور زنگنه را به دلیل نیاز صنعت نفت به تداوم توسعه لازم می‌دانند، اما نباید از این واقعیت به‌سادگی گذر کرد که تأکید و اصرار بر ماندن دوباره زنگنه در رأس وزارت نفت، حکایت از آفت بزرگ نظام اجرایی و مدیریتی کشور دارد که همچنان نمی‌تواند یا نمی‌خواهد عرصه‌های کلان اجرایی را به مدیران توانمند جوان و متخصصان شایسته میان سال واگذار کند.

به‌راستی چرا با وجود سرمایه‌های انسانی ارزشمند و انبوه متخصصان در سراسر صنعت نفت، نباید اجازه داد زنگنه‌های دیگر یا نسخه‌های روزآمدتری از زنگنه در صنعت نفت قد علم کنند تا ناچار نباشیم همچنان، دست به دامن همان زنگنه‌ای باشیم که در ابتدای دولت یازدهم و حضور دوباره در صنعت نفت، در گفتگو با «تازه‌های انرژی»، بازه سنی مناسب برای مدیران ارشد صنعت نفت را ۴۰ تا ۵۰ سال معرفی کرده بود؟



ماهنامه تخصصی محیط زیست و انرژی‌های تجدیدپذیر

مدیریت سبز و انرژی‌های تجدیدپذیر





«برنامه ما این بود که بتوانیم وزارت‌تخانه‌ها و دستگاه‌های دولتی را جمع‌وجور و از توسعه بی‌ربط آنها جلوگیری کنیم. قرارمان این بود که وزارت نفت کادر کوچکی داشته باشد، همه شرکت‌های تابعه مثل قبل، به فعالیت خود ادامه دهند و وزارت‌تخانه، جنبه ستادی داشته و دفتر و دستک زیادی نداشته باشد. به همین دلیل گفتم یک طبقه از ساختمان فرعی شرکت ملی نفت را در خیابان ویلا خالی کنند و وزارت‌تخانه را آنجا تشکیل دادیم، اما اکنون و برخلاف این فکر اولیه، وزارت نفت چنان گسترده شده که بی‌ربط نیست بگوییم به یک دولت تبدیل شده است.»

اگرچه حفر اولین چاه نفت و استخراج آن در ایران قدمتی بیش از ۱۰۸ سال دارد، اما فقط ۳۸ سال از تشکیل وزارت نفت ایران می‌گذرد. زمانی که مهندس بازرگان تصمیم می‌گیرد وزارت نفت را تأسیس کند، بنابر شناخت و سابقه‌ای که از دکتر علی‌اکبر معین‌فر داشت، او را از سازمان برنامه‌بودجه فراخواند و سکان وزارت‌تخانه جدیدالتأسیس را به او سپرد. معین‌فر ضمن یادآوری خاطراتی از برخوردهای اوایل انقلاب به «تازه‌های انرژی» می‌گوید: «تا آنجا که میسر بود، سعی کردیم از بروز چنین اتفاقاتی در وزارت نفت پرهیز شود و به قول مهندس بازرگان، تلاش کردیم کادر کارشناسی وزارت نفت را که «قیمتی‌تر از نفت» بود، حفظ کنیم.»

نخستین وزیر نفت تاریخ ایران، ضمن مروری بر موضوعات شکل گرفته در هیئت‌دولت وقت، می‌گوید در آن جلسه، هیچ‌کس با تشکیل وزارت نفت مخالفت نکرد؛ در حالی که گفتگو با نخستین وزیر نفت ایران به بهانه معرفی مهندس زنگنه برای سپردن مجدد سکان وزارت نفت در دولت دوازدهم انجام شد، او در پاسخ به این پرسش «تازه‌های انرژی» که در مقام نخستین وزیر نفت، چه توصیه‌ای به بازدهمین وزیر نفت ایران دارد، می‌گوید: «به هیچ وجه با افزایش سطح تولید تا حدودی که تأمین‌کننده برنامه‌های توسعه باشد، مخالفتی ندارم، اما اگر برنامه‌ای در کار نباشد و افزایش سقف تولید برای ارتزاق و رفع نیازهای روزمره مملکت باشد، نتیجه‌ای جز شرایط فعلی برای اقتصاد کشور دربر نخواهد داشت.»

دکتر معین‌فر، ضمن توصیه به وزیر نفت برای گرفتارنشدن در مسابقه میزان تولید نفت بدون توجه به تبدیل سرمایه‌های زیرزمینی به ثروت‌های روزمینی، توسعه زیرساخت‌های کشور و رفاه نسل‌های آینده، افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر در سبد انرژی کشور را نیز از جمله مسائلی برمی‌شمرد که باید مدنظر مسئولان قرار گیرد و از آن مهم‌تر، تبدیل تهدیدهای موجود به فرصت از طریق همراهی مردم: «میدوارم بر فرض اینکه در نفت هم بسته شد، مسئله‌ای برای کشور ایجاد نشود. بیش از اینکه به مشکلات انرژی، انرژی هسته‌ای، نفت و... فکر کنم به مشکلات داخلی می‌اندیشم. اگر مشکلات داخلی مملکت را بتوان رفع کرد و واقعاً بین دولت و ملت، فاصله‌ای نباشد و همدلی کاملی شکل گیرد، این پتانسیل هست که به اقتصاد نفتی و تک‌محصولی در مملکت محدود نباشیم.»

بازخوانی تأسیس و وضعیت کنونی وزارت نفت در گفتگوی اختصاصی «تازه‌های انرژی» با دکتر علی‌اکبر معین‌فر

متخصصان، قیمتی‌تر از نفت هستند



کرده بود. ایشان شخصی بود که جنبه ملی‌گرایش او از سایر جنبه‌هایش بارزتر بود. در ابتدای انقلاب به دلیل عبور از فضای دیکتاتوری در همه جا آزادی مطلق و کامل وجود داشت و آقای نزیه نیز از این آزادی‌ها استفاده می‌کرد و علاوه بر شرکت ملی نفت، فعالیت سیاسی خاص خود را داشت. به همین دلیل با فشارها و مخالفت‌های زیادی مواجه شد. کارگرها را علیه او شورانده و مشکلات زیادی به وجود آورده بودند، اما مهندس بازرگان حاضر نبود که بدون منطق، فردی را جابه‌جا کند و همان‌گونه که تا آخرین لحظه از آقای امیرانتظام دفاع کرد، از حسن نزیه نیز دفاع می‌کرد.

ET با توجه به مسئولیت‌های متعدد مدیرعامل شرکت ملی نفت، روند اجرایی در امور خارجی با چه ترتیبی انجام می‌شد؟

قبل از این جریان و مشکلات به وجود آمده برای نزیه، مهندس بازرگان چندین بار مطرح کرده بودند که شرکت ملی نفت، شرکت ملی گاز و شرکت ملی پتروشیمی باید با هم ادغام شوند. قبل از انقلاب همه این شرکت‌ها زیر نظر شاه بودند. مشکل دیگر این بود که مسائل مربوط به اوپک نیز تحت نظر شاه بود و دفترش در وزارت دارایی بود. همچنین نماینده ایران در اوپک را نیز شاه تعیین می‌کرد. مهندس بازرگان معتقد بود که نخست‌وزیر نباید در کار این شرکت‌ها دخالت مستقیم کند و با این پراکندگی‌ها موافق نبود.

ET بنابر این ایده تأسیس وزارت نفت را باید به مهندس بازرگان نسبت داد؟

ET با توجه به سابقه شما در دولت موقت و اینکه بعد از تشکیل وزارت نفت، نخستین وزیر این وزارت‌تخانه بودید، در ابتدا لطفاً به این مسئله بپردازید که در آن فضا، بنا به چه ضرورتی وزارت نفت تشکیل شد و تأسیس آن چه روندی را طی کرد؟

شرکت ملی نفت ایران قبل از انقلاب اگرچه در ظاهر شرکت مستقلی بود که مجمع عمومی داشت و رئیس مجمع عمومی نخست‌وزیر بود و برخی از وزرا هم عضو آن بودند و آنها مدیرعامل را تعیین می‌کردند، اما در حقیقت تحت نظر مستقیم شخص شاه بود و مدیرعامل هم با نظر او تعیین می‌شد. دکتر منوچهر اقبال با سابقه نخست‌وزیری، انصاری با سابقه وزیر دارایی و عبدالله انتظام از رجال قدیمی، از جمله مدیران عامل شرکت ملی نفت بودند که هرکدام برای خود داعیه‌ای داشتند و از نخست‌وزیری مثل امیراسداله علم یا هویدا نیز حرف‌شنوی نداشتند و با دستور مستقیم شاه تعیین می‌شدند. شرکت ملی نفت چنین وضعیتی داشت و بعد از انقلاب نیز هیجانات زیادی داخل آن وجود داشت.

ET این روند بعد از پیروزی انقلاب چه تغییری کرد؟

دولت موقت که تشکیل شد، مهندس بازرگان، آقای حسن نزیه را برای هدایت شرکت ملی نفت تعیین کرد و من به دلیل سال‌ها سابقه در سازمان برنامه و بودجه، در ابتدا با مهندس بازرگان به عنوان وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه همکاری داشتم. آقای حسن نزیه، مبارزی قدیمی و وکیل دادگستری بود که در فضای نیمه‌باز سال آخر حکومت شاه، کانون وکلای دادگستری را فعال

البته بعضی از کشورهای دیگر نیز فعالیت‌های مربوط به نفت، گاز و صنعت پتروشیمی را یکپارچه کرده بودند. بنابراین اصل فکر از اینجا شروع شد و ایشان معتقد بود که لازم است وزارتخانه‌ای به عنوان وزارت نفت داشته باشیم. فشارهای موجود بر نریز به موجب تقویت این فکر در مهندس بازرگان شد تا به این وسیله، پراکندگی‌ها از بین برود و وزارتخانه، چتری روی شرکت‌های مختلف باشد و کار ستادی انجام دهد. علاوه بر آن، آقای نریز به عنوان مدیرعامل شرکت ملی نفت به فعالیت خود ادامه دهد و فشاری هم اگر باشد، به خود وزارت نفت منتقل شود.

ET تاریخ دقیق تأسیس وزارت نفت را به خاطر دارید؟

اواسط شهریور ۱۳۵۸ ترمیم کابینه انجام شد. بنده وزیر نفت شدم و مهندس عزت‌اله سحابی نیز به عنوان رئیس سازمان برنامه انتخاب شد. بعد از آن اگرچه آقای نریز همچنان مدیرعامل شرکت ملی نفت بود، اما در عمل نتوانست به عنوان مدیرعامل فعالیت کند. هرچند از نظر قانونی در پست خود بود، اما به دلیل این که تحت تعقیب بود، نتوانست به فعالیت ادامه دهد و ناگزیر، از کشور خارج شد و مرحوم دکتر مرشد که آن زمان رئیس شرکت ملی گاز بود، به عنوان مدیرعامل شرکت ملی نفت منصوب شد.

ET آیا افراد یا گروه‌هایی هم بودند که مخالف تشکیل وزارت نفت باشند؟

با تشکیل وزارت نفت هیچ کس مخالفت نکرد. برنامه ما این بود که بتوانیم وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های دولتی را جمع‌وجور و از توسعه بی‌ربط آنها جلوگیری کنیم. قرارمان این بود که وزارت نفت کادر مختصری داشته باشد، همه شرکت‌های تابعه مثل قبل، به فعالیت خود ادامه دهند و وزارتخانه جنبه ستادی داشته باشد و دفتر دستک زیادی نداشته باشد. به همین دلیل وقتی می‌خواستیم وزارتخانه را تشکیل دهیم، گفتم یک طبقه از ساختمان فرعی شرکت ملی نفت را در خیابان ویلا (استاد نجات‌اللهی) خالی کنند و وزارتخانه را آنجا تشکیل دادیم. اما اکنون و برخلاف این فکر اولیه، وزارت نفت آنچنان گسترده شده که تقریباً به یک دولت تبدیل شده است.

ET در ابتدای پیروزی انقلاب، وضعیت تولید و صادرات نفت چگونه بود؟ در زمان شاه، صادرات نفت حدود ۵/۵ میلیون بشکه در روز بود و بعد از عربستان، ایران دومین تولیدکننده و صادرکننده نفت بود، اما در اعتصاب‌های آذر و دی ۱۳۵۷، به‌طور کلی صادرات نفت قطع شد. به دلیل تعطیلی پالایشگاه‌ها و اعتصاب عمومی مشکلات داخلی زیادی به‌وجود آمد و صف‌های طولانی بنزین تشکیل می‌شد. به دلیل چنین مشکلاتی، آیت‌اله خمینی^(ع) نامه‌ای به مهندس بازرگان نوشتند و ایشان را به اتفاق مهندس مصطفی کتیرایی، مرحوم هاشمی رفسنجانی و ۲ نفر دیگر به انتخاب خودشان معین کردند که به مناطق نفت‌خیز بروند و قسمت‌هایی از پالایشگاه‌ها را برای نیاز مردم راه‌اندازی کنند، مشروط به اینکه ارتش از آن استفاده نکند. بعد هم مشابه چنین حکمی را برای دکتر یداله سحابی نوشتند و ایشان را به اتفاق بنده، محمد جواد باهنر و ۲ نفر دیگر به انتخاب خود دکت‌ر سحابی، معین کردند که اعتصاب‌ها را سرپرستی کنیم.

قبل از پیروزی انقلاب، نفت چنین وضعیتی داشت، اما بعد از پیروزی انقلاب، حدود یک ماه توقف صادرات نفت ادامه داشت تا اینکه در روز ۲۹ اسفند و به مناسبت روز ملی شدن صنعت نفت، اولین کشتی برای صادرات با شور و هیجان خاصی بارگیری شد. برنامه دولت بعد از انقلاب این بود که صادرات نفت را کاهش دهد و فقط به مقدار نیاز ضروری دولت به ارز، صادرات انجام گیرد. بنابراین صادرات نفت تقریباً نصف شد و این کار، تأثیر زیادی بر قیمت نفت در بازار گذاشت.

ET این تغییر قیمت‌ها در چه محدودهای بود؟

قبل از انقلاب، آخرین قیمت صادرات نفت ایران حدود ۱۱ دلار بود، اما بعد از اعتصاب‌های ایران و اتخاذ چنین سیاستی، بهای نفت بسیار رشد کرد؛ به‌گونه‌ای

که بودجه ۱۳۵۸ را بر مبنای ۱۸ دلار بستیم. به دلیل تلاطمی که انقلاب ایران در بازار نفت ایجاد کرده بود، به تدریج قیمت عادی به ۲۷ دلار رسید و حتی قیمت تک محموله‌ها به ۴۶ دلار نیز رسید.

ET بعد از انقلاب و زمانی که صادرات نفت شروع شد، آیا مشتریان و کشورهای خریدار نفت ایران به دلیل تغییر و تحولات، خرید نفت از ایران را تحریم نکرده بودند؟

تحریم که نکرده بودند هیچ، به دلیل کاهش تولید، برای خرید سرودست هم می‌شکستند و صف کشیده بودند و این برای یک شرکت، امتیاز بزرگی بود که بتواند مثلاً روزانه ۵ هزار بشکه بیشتر بخرد.

ET در آن یک ماهی که نفت صادر نمی‌شد، بودجه کشور چگونه تأمین شد و آیا برای مخارج کشور با مشکلی مواجه نشدید؟

در زمان پیروزی انقلاب، حدود ۱۰ میلیارد دلار ذخیره ارزی وجود داشت و از این بابت مشکلی نداشتیم. علاوه بر آن، وقتی رابطه دولت و مردم خوب باشد، مردم به کمک دولت می‌آیند. مثلاً مرحوم علی اردلان در مقام وزیر دارایی، لایحه‌ای را به هیئت دولت آورد مبنی بر اینکه مردم، بدهی‌های مالیاتی را با تشخیص خودشان بپردازند. وقتی این لایحه تصویب و اجرا شد، پول بسیار قابل توجهی به صندوق دولت ریخته شد که اکنون شاید بسیار عجیب به نظر برسد. بنابراین در ابتدای شروع به کار دولت موقت، با وجود اینکه دولت شریف‌امامی هزینه بسیار بزرگی را برای ما به یادگار گذاشته بود، اما چرخ دولت به خوبی می‌چرخید. در سال‌های آخر حکومت شاه که ناراضی‌تها افزایش یافته بود و کارمندان دست به اعتصاب می‌زدند، شریف‌امامی برای جلوگیری از ناراضی‌تها و ناآرامی‌ها، حقوق



برنامه اصلی ما، سروسامان دادن به اوضاع شرکت‌های مختلفی بود که بیشتر پیمانکاران خارجی آنها رفته بودند و کارگران نیز بلا تکلیف بودند.

ET با توجه به شرایط بعد از انقلاب و فضای حاکم، آیا با فعالیت پیمانکاران خارجی مخالفت نمی‌شد؟

همین‌طور بود و حتی به دلیل وجود جو ضد خارجی در آن زمان، برخی از تجهیزات پیمانکاران خارجی نیز مصادره شد. اما آرام آرام این مسائل در حال حل شدن بود تا اینکه به دلیل مشکلات موجود بر سر راه دولت موقت، مهندس بازرگان استعفا کرد. بعد از دولت موقت، شورای انقلاب مسئول تشکیل دولت شد.

ET با توجه به این تغییرها، برای اداره وزارت نفت دچار مشکل نشدید؟ دولت، نخست وزیر نداشت و جلسات هیئت دولت را مرحوم بهشتی اداره می‌کرد. کابینه که عوض شد، برخی از اعضای دولت موقت از جمله مهندس سحابی، ناصر میناچی، رضا صدر، بنده و چند نفر دیگر در آن حضور داشتیم. بنابراین در وزارت نفت تغییری ایجاد نشد و تا شهریور ۱۳۵۹، من در وزارت نفت بودم و وقتی به عنوان نماینده مجلس اول انتخاب شدم، تا زمان تصویب اعتبارنامه وزارت نفت را اداره می‌کردم. در مجلس نیز رئیس کمیسیون نفت بودم و آقای غرضی وزیر نفت بود. در این زمان به دلیل وقوع جنگ و شکسته شدن بازار نفت، به مرحله‌ای رسیدیم که قیمت نفت به بشکه‌ای ۷ دلار رسید.

ET آقای دکترا! در چند سال اخیر صنعت نفت، مدیریت نفت و منابع نفتی، به منزله ۳ موضوع جداگانه و در عین حال به هم پیوسته با نشیب و فرازی مواجه بوده‌اند. این در حالی است که نفت به عنوان بزرگ‌ترین منبع درآمد، ارتزاق و امرامعاش ایرانیان، چه در عملکرد دولت و چه در زندگی مردم، نقش تعیین‌کننده‌ای داشته و دارد. جناب عالی به عنوان یکی از پیشکسوتان این حوزه که طبیعتاً در کنار دیگر مسائل مختلف، موضوع مدیریت، منابع و سیاست‌های نفتی را دنبال می‌کنید، به وزیر نفت کابینه دوازدهم چه توصیه‌ای دارید؟ او چه چیزی را باید در اولویت خود قرار دهد و به چه مسئله‌ای باید فوری رسیدگی کند؟

به طور کلی نفت را از منظر بخشی‌نگری نمی‌توانم بررسی کنم. از دید کلی و مملکتی، اعتقادهایی دارم که شاید با آنچه متداول و مرسوم است، تفاوت زیادی داشته باشد. به هیچ‌وجه معتقد نیستم نفت باید منبع درآمد و ارتزاق ملت ایران، آن هم به این شکل باشد. من نفت را ثروت می‌دانم و به اینکه مسابقه‌ای در حال انجام است و ایران باید اولین یا دومین تولیدکننده نفت باشد و از نفت بیشترین استفاده را برای کسب درآمد روزمره و رفع امور جاری مملکت ببرد، زیاد اعتقاد ندارم. به همین ترتیب وقتی بحث تحریم نفتی پیش آمد، گذشته از مشکلات دیگری که این تحریم‌ها در پی دارند، از بابت آن خیلی ناراحت نشدم. اگر واقعیت را بخواهید در مورد افراط در تولید و سیر کردن نیازهای غرب توسط منابع انرژی ایران و اینکه کشورم، وسیله‌ای برای ارضای احتیاجات و نیازهای صنعتی غرب شود، حرف دارم. به اینکه در مسابقه تولید نفت با عربستان سعودی، عراق یا کشوری دیگر وارد شویم و پیروزی در این مسابقه، افتخاری باشد برای افزایش میزان تولید ایران، اعتقاد ندارم. معتمد استفاده از نفت باید به تبدیل این ثروت زیرزمینی به سرمایه‌هایی محدود شود که بیش از این موجود زیرزمینی، بتوانند مفید باشند. به این رویکرد اعتقاد بیشتری دارم تا اینکه از نفت برای مصارف روزمره استفاده کنیم و به منبع رفع نیازهای اجباری و فوری ما تبدیل شود.

ET در این میان، موضوع میادین مشترکی که رقبای ما با سرعت هر چه بیشتر از آنها برداشت می‌کنند، چه می‌شود؟

آنچه گفتم نگرش من درباره منابع مشترکی که ایران با سایر کشورها دارد و اگر از این منابع استفاده نشود، دیگران آن ثروت‌ها را غارت می‌کنند، نبود. موضوع منابع مشترک و اینکه چه مقرراتی باید بر استفاده از آنها حاکم باشد تا حقوق طرفین و حقوق شرکایی که در یک میدان نفت یا گاز هستند، ضایع نشود موضوعی

کارمندان و کارگران را بدون هیچ کارشناسی به میزان قابل توجهی افزایش داده بود و حتی در زمان اعتصاب گسترده نیز این افزایش حقوق اعمال می‌شد. بعد از انقلاب نیز به دلیل اینکه از این لحاظ به مردم فشاری وارد نشود، این افزایش حقوق را قطع نکردیم.

ET با توجه به حضور شما در سازمان برنامه و بودجه، سهم نفت در در بودجه ۱۳۵۸ چقدر بود و آیا همانند بودجه سالیان گذشته، نقش نفت در آن چشمگیر بود؟

به هر حال بودجه، اتکا به نفت داشت و این دلیل اشتباهی بود که از سال‌های بسیار قبل شروع شده بود. کار بودجه‌نویسی جهشی نیست و حتماً تغییر آن باید به صورت تدریجی باشد. به دلیل وجود فضای ناآرام و غیرعادی بهمین، ما در اسفند تازه کار را شروع کردیم و تنها کاری که در مورد بودجه ۱۳۵۸ توانستیم انجام دهیم، این بود که از شورای انقلاب برای سه‌دوازدهم بودجه اجازه گرفتیم؛ به این معنا که سازمان برنامه بتواند بر مبنای ردیف‌های موجود، سه‌دوازدهم بودجه را برای ۳ ماه اول سال به دستگاه‌های دولتی بدهد و طی این ۳ ماه، کل بودجه ۱۳۵۸ را تدوین کند. با این شرایط، تا جایی که امکان داشت، بودجه را جراحی کردیم و تلاش شد حتی المقدور، اتکالی آن به نفت کاهش پیدا کند. اما در هر حال بودجه به ناگزیر، بودجه نفتی بود، اما نه به این شکل که ۱۰۰ درصد نفتی باشد و قرار بر این بود که بودجه کشور به سمتی برود که بعد از مدتی، بی‌نیاز از نفت باشد.

ET زمانی که به عنوان وزیر نفت انتخاب شدید، چه برنامه‌ای برای اداره این وزارتخانه داشتید؟



وقتی رابطه دولت و مردم خوب باشد، مردم به کمک دولت می‌آیند. مثلاً مرحوم علی اردلان در مقام وزیر دارایی، لایحه‌ای را به هیئت دولت آورد مبنی بر اینکه مردم، بدهی‌های مالیاتی را با تشخیص خودشان بپردازند. وقتی این لایحه تصویب و اجرا شد، پول بسیار قابل توجهی به صندوق دولت ریخته شد که اکنون شاید بسیار عجیب به نظر برسد.

دیگر است. در این مورد که چه کارهایی باید کرد تا لافاقل اگر نمی‌توانیم به وضع مقرراتی برای استفاده مشترک و به ترتیبی که اکنون در دنیا رایج است، برسیم و هر کس هر مقدار که از میدان مشترک برمی‌دارد مالک آن مقدار می‌شود و می‌تواند استفاده کند، بحث نمی‌کنم که بگویم باید از آن میدان‌ها برداشت شود و اولویتی داشته باشد، زیرا بحثی دیگر است. به‌طور کلی اعتقاد ندارم خود را به افراط در اضافه‌تولید ذخایر نفتی و منابع دیگر مقید بدانیم.

ET بنابراین چه باید کرد؟

باید تا جایی که می‌توانیم، برنامه‌ریزی مناسبی انجام دهیم و تا جایی که بتوانیم آن وجود دارد، از برداشت‌های صورت گرفته استفاده سرمایه‌ای و کارهای زیربنایی شود، اما بیش از آن را اکل می‌تیم می‌دانم. یعنی اگر تولید بیش از آن مقداری که گفتم، باشد و نتوان نیازهای مملکت را از منابع دیگری جز نفت و گاز تأمین کرد، اکل می‌تیم است. بنابراین مقدار تولید نفت موضوع کلی مملکتی است که فقط در اختیار وزارت نفت نیست. وزارت نفت به صورت بخشی کار خود را انجام می‌دهد و این مسئله در اختیار تصمیم‌گیران مملکت و به وضع کلی کشور مربوط است که می‌خواهیم چه کنیم و از درآمدهای ناشی از نفت چه منافعی می‌خواهیم. در نتیجه باید آن منافع را بررسی کرد و واقعاً اگر منافعی است که جایگزین نفت می‌شوند و به پتانسیل تولیدی مملکت اضافه می‌کنند، آن را اضافه کرد. در غیر این صورت بقیه موارد درآمدها و منافع اضطرابی است. موضوع این است که در مواقع اضطرابی چه باید کرد. اولین کار در مواقع اضطرابی به سیاست کلی مملکت از نظر روابط خارجی برمی‌گردد.

ET شما می‌فرمایید با مسابقه با عربستان، عراق و دیگر کشورهای مخالفید و ایران به رقابت با آنها نیازی ندارد. از نگاه شما با منابع هیدروکربوری و ذخایر نفت و گاز چه باید کرد؟

در مورد منابع نفتی تا حدودی که از نظر اکل می‌تیم مورد نیاز است، همان قدر باید برداشت شود و برای اضافه بر آن باید برنامه‌ریزی شود. برای اضافه بر آن باید مشخص کرد. چه پروژه‌هایی را می‌توان انجام داد که آن پروژه‌ها همان پتانسیل سرمایه‌ای و ثروتی را به همراه داشته باشد. بنابراین جز برای کارهای عمرانی و زیربنایی، اضافه بر مقدار تولید را جایز نمی‌دانم.

ET بنابراین شما با افزایش سقف تولید مخالفید؟

به هیچ وجه با افزایش سطح تولید تا حدودی که تأمین‌کننده برنامه‌ها باشد، مخالفتی ندارم، اما اگر برنامه‌ای در کار نباشد و افزایش سقف تولید برای ارتزاق و نیازهای طبیعی و روزمره مملکت باشد، نتیجه‌ای جز اینکه مملکت را به وضعی که هم‌اکنون به آن رسیده‌ایم دچار کند، نخواهد داشت. یعنی حتی بودجه جاری مملکت به نفت متکی است. گفتن این سخن از سوی من خوب نیست، اما از تحریم نفت، استقبال می‌کنم تا لافاقل بتوان منابع دیگر را مهیا کرد و هزینه‌های ضروری و مورد نیاز آنی را از محل نفت نپرداخت. بنابراین به برنامه‌ریزی دقیق کشوری نیاز داریم. ممکن است آن برنامه‌ریزی دقیق کشوری و کارهای عمرانی، به ما اجازه برداشت‌های بیشتر را دهد؛ البته به صورتی که از خود منابع هم صیانت شود، نه اینکه به منابع لطمه زنیم. نباید هدف این باشد که در تولید، نفر دوم، سوم یا اول شویم. ممکن است نتیجه این باشد و من این را قبول دارم و البته همه مطالبی که عرض کردم منهای منابع مشترک است.

ET اما وزیر کنونی نفت، قدرت صنعت نفت ایران را با میزان تولید روزانه می‌سنجد و معتقد است که مشارکت با کشورهای و شرکت‌های بین‌المللی برای افزایش تولید نفت و گاز، افزایش قدرت ملی و تعاملات بین‌المللی را در پی خواهد داشت. نظر آقای زنگنه بر این است که ایران باید تحت هر شرایطی افزایش تولید داشته باشد و میزان تولید را تا جایی که می‌تواند بالا ببرد.

هر قدر هم بخواهیم افزایش تولید داشته باشیم، در نهایت به پای عربستان می‌رسیم. عربستان برای حفظ دستگاه ملوکیت و خلافتی که برای خود قائل

است و با توجه به نوع حکومت موجود، حاضر است همه ذخایر نفتی خود را بر باد دهد، به دلیل اینکه ذخایر نفتی بسیار زیادی دارد. البته به تدریج ذخایر این کشور کمتر شده است و معلوم نیست کشورهای جدید بتوانند جای آن را پر کنند. یعنی خیلی هنر داشته باشیم، عربستان جدید خواهیم شد. بنابراین مانند عربستان، این کار قابل پذیرش نیست و نمی‌توان چنین موضوعی را پذیرفت. ما در این مسابقه به هیچ وجه برنده نمی‌شویم. اگر هم برنده باشیم برای امر مقدسی برنده نشدیم. بحث ما این است که می‌خواهیم کشوری که در آن دموکراسی جریان دارد، داشته باشیم و نه خلافت عربستانی. بنابراین مسئولان ایران اگر درآمدی از محل فروش نفت کسب می‌کنند، باید آن را ملی تلقی کنند. وقتی از درآمد ملی سخن می‌گوییم، یعنی این درآمد فقط به ملتی که اکنون زنده است تعلق ندارد، بلکه نسل‌های آینده مملکت نیز باید از آن استفاده کنند. این منابع فقط مال ما نیست که برای حفظ ملوکیت خود آن را هزینه کنیم. عربستان برای حفظ ملوکیت خود، همه سرمایه و ثروتی را که نسل‌های بعدی آن کشور باید داشته باشند، به حراج گذاشته است و ما به هیچ وجه حاضر نیستیم در این حراج شرکت کنیم و البته نباید هم شرکت کنیم.

ET اگر منابع حاصله صرف توسعه امور زیربنایی شود، افزایش تولید را جایز می‌دانید؟

وظیفه داریم امور زیربنایی را توسعه دهیم که البته باید برنامه‌ریزی صحیحی داشته باشیم. وظیفه این کار برای تأمین مخارج آن امور حتماً برعهده ماست. در آن موقع افزایش تولید لازم است نه اینکه به صورت عادی تولید را افزایش داد. آن موقع وزارت نفت وظیفه بزرگی برعهده خواهد داشت و بر همین اساس، باید هر چه می‌تواند تولید را اضافه کند، نه به این دلیل که مسابقه بگذارد که بر اثر مسابقه، قدرت سیاسی کسب و آن قدرت سیاسی بتواند دستگاه ملوکیت را اداره کند. باید دید هدف چیست و اگر هدف، تبدیل این افزایش تولید به امور زیربنایی است، بسیار هم مناسب است. امور زیربنایی برای نسل‌های آینده نیز مفید است و سطح رفاه کلی مملکت را چه برای آنهايي که اکنون و در این قرن زنده هستند و چه برای آیندگان تأمین می‌کند. در این صورت افزایش تولید به نظر بنده واجب است. یعنی افزایش تولید در راستای برنامه‌هایی که کشور را به سوی توسعه و پیشینه‌سازی دموکراسی می‌برند، مردم خودشان تصمیم‌گیرنده باشند و در آن به هیچ وجه فعال مایشایی نباشد، امکان پذیر است.

ET بنابراین معتقدید نفت را نباید برای افزایش سطح تولید در نظر گرفت یا اگر هم در نظر گرفته می‌شود، باید برای امور زیربنایی باشد؟
منحصراً باید همین باشد و اگر به استفاده از منابع نفت برای امور جاری و ارتزاق نیاز است، در آن موقع به منزله اکل می‌تیم تلقی کنند و اکل می‌تیم در آنجا نه فقط مجاز است، بلکه واجب می‌شود. درباره ارتزاق فعلی و ملی باید به حداقل اکتفا کرد.

ET شما می‌فرمایید که نفت برای نسل‌های آینده نقش سرمایه‌ای دارد. از آن طرف هم جهان به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر، از انرژی خورشیدی و باد گرفته تا انرژی هسته‌ای حرکت می‌کند. برخی کارشناسان بدبین معتقدند شاید روزی برسد که اصلاً به نفت احتیاجی نباشد، در آن موقع چه باید کرد و اگر نفت ما هیچ خریداری نداشته باشد، تکلیف چیست؟

قبول دارم ممکن است در آینده انرژی‌های تجدیدپذیر، جایگزین استفاده از نفت شوند، یعنی به صورتی پیش رود که تا آینده نزدیک از لحاظ قیمت بتواند با نفت رقابت کند و از خدا می‌خواهم چنین حالتی پیش آید این نوبدی برای بشریت است که انرژی‌های جایگزین توانسته‌اند انرژی فسیلی را کنار بزنند. اما باید توجه داشت نفت فقط برای استفاده در امور انرژی‌بر نیست. به‌طور کلی استفاده از نفت و مواهبی که نفت و انرژی فسیلی در معادن ما دارند، ترقی کرده است و هیچ وقت قیمت آن مواهب صفر نمی‌شود و بحث صفرشدن قیمت نفت مطرح نیست.



اگر مرحوم دکتر مصدق اکنون زنده بود، معلوم نبود دوباره تز اقتصاد منهای نفت را بدهد. نفت هم جزو اقتصاد است، اما نه اینکه اقتصاد به نفت منحصر باشد. آنچه درباره آن صحبت می‌شود و باید بر آن تکیه کرد، این است که نفت نمی‌تواند منبع انحصاری اقتصاد باشد.

ET به استقبال از تحریم‌ها اشاره کردید. به زبان دیگر، برای رسیدن به خیر بزرگ‌تر از یک شرّ استقبال کردید و آن هم حرکت به سمت «اقتصاد منهای نفت» است؛ رویکردی که مرحوم مصدق داشت و بعد از آن هم خیلی از دولت‌ها به آن رسیدند، اما هیچ‌وقت نتوانستند آن را عملیاتی کنند. آیا این تحریم‌ها نباید باعث می‌شد اقتصاد ایران به «اقتصاد منهای نفت» برسد؟

بالاخره از هر شری، خیری را باید توقع داشت و تهدید را به فرصت تبدیل کرد. امیدم این است که بر فرض اینکه در نفت هم بسته شد، مسئله‌ای برای کشور ایجاد نشود، اما مشکل اصلی این مملکت، مشکل سطح دخالت خود مردم است. من بیش از اینکه به مشکلات انرژی، انرژی هسته‌ای، نفت و ناراحتی‌هایی که مملکت دارد فکر کنم، به مشکلات داخلی می‌اندیشم. اگر مشکلات داخلی مملکت را بتوان رفع کرد و واقعاً بین دولت و ملت، فاصله‌ای نباشد و همدلی کاملی شکل گیرد، این پتانسیل هست که به اقتصاد نفتی و تک‌محصولی در مملکت محدود نباشیم. به‌رحال این پتانسیل و نیروی انسانی کافی وجود دارد و هیچ دلیلی وجود ندارد که نتوان کشور را به اقتصاد بدون نفت رساند. هر چند اصطلاح اقتصاد بدون نفت، ممکن است زنده باشد و واقعاً نمی‌شود در اقتصاد به‌طور کلی از نفت صرف‌نظر کرد؛ به‌خصوص در موقعیت فعلی و حتی درآمدهای دیگر که اگر مستقیماً از نفت نباشند، به‌رحال نفت در آنها تأثیر دارد.

ET با توجه به تجربه دکتر مصدق در اداره کشور بدون استفاده از درآمدهای نفتی، همچنین مطرح شدن این موضوع توسط برخی از مسئولان و اقتصاددانان، در این خصوص چه دیدگاهی دارید؟

اگر مرحوم دکتر مصدق اکنون زنده بود، معلوم نبود دوباره تر اقتصاد منهای نفت را بدهد. نفت هم جزو اقتصاد است، اما نه‌اینکه اقتصاد به نفت منحصر باشد. آنچه درباره آن صحبت می‌شود و باید بر آن تکیه کرد، این است که نفت نمی‌تواند منبع انحصاری اقتصاد باشد. اگر چنین باشد به این معناست که ما نفت را برای حفظ ملوکیت امثال سعودی‌ها منحصر می‌کنیم و روزی ۱۰ میلیون بشکه تولید می‌شود و این ۱۰ میلیون بشکه فقط تضمین ملوکیت سعودی است و بس.

ET آقای دکتر! با توجه به نشیب و فرازهای متعددی که بر وزارت نفت در ۴ دهه اخیر رفته است، وضعیت کنونی و ساختار وزارت نفت در مقایسه با زمان تشکیل آن چگونه است و آیا توانسته به اهداف اولیه‌اش برسد؟

هدف اولیه این نبود که سازمان و ساختار وزارت نفت این‌گونه عریض و طویل شود و چنین گسترش‌هایی، چندان با کار اقتصادی و تجاری همخوانی ندارد. اما موضوع بسیار مهم این است که نباید از کادر کارشناسی بسیار خوب وزارت نفت غافل شد که در این سال‌ها، تا حدودی حفظ شده‌اند. در فضای تنگی که اول انقلاب وجود داشت و همه را اخراج می‌کردند، تا آنجا که میسر بود از بروز چنین اتفاقی‌هایی در وزارت نفت پرهیز شد و به قول مهندس بازرگان، تلاش کردیم کادر کارشناسی وزارت نفت را که «قیمتی‌تر از نفت» بود، حفظ کنیم. جالب است بدانید زمانی که بعد از ملی شدن صنعت نفت، مهندس بازرگان از سوی دکتر مصدق به‌عنوان مسئول خلع ید از انگلیسی‌ها و مدیرعامل شرکت ملی نفت انتخاب شد، مانند ابتدای انقلاب جنجال‌های فراوانی وجود داشت. ایشان در آن فضای متشنج مقاله‌ای با عنوان «قیمتی‌تر از نفت» در نشریه داخلی شرکت ملی نفت نوشته بود که به‌دلیل نوشتن آن، بسیار مورد اعتراض قرار گرفت. مهندس بازرگان در این مقاله عنوان کرده بود: «اکنون که انگلیسی‌ها را بیرون کردیم، قیمتی‌تر از نفت برای ما متخصصان هستند، آنها را اذیت نکنید و بگذارید کارشان را انجام دهند.» مسئله مهمی که اکنون باید به آن توجه کرد، میزان تولید نفت است که مقدار زیادی از آن داخل مصرف می‌شود و باید برای این معضل، چاره‌ای اندیشیده شود. ما از نظر مصرف انرژی به نسل آینده ظلم می‌کنیم و بیش از سهم‌مان از آن مصرف می‌کنیم. 

اینچنین نیست که بدین‌ان بگویند، روزگار به موقعی می‌رسد که قیمت نفت به‌دلیل استفاده از پتانسیل انرژی آن کاهش می‌یابد و جای خود را به انرژی‌های جایگزین می‌دهد و این تغییر قیمت به اندازه‌ای است که حتی استخراج آن هم صرف نکند. هیچ بدبینی چنین مطلبی را نمی‌گوید. بنابراین اکنون در دنیا سعی می‌شود قیمت انرژی‌های جایگزین کاهش یابد تا از نفت بی‌نیازتر شوند. موضوع این نیست که این بی‌نیازی وجود نفت را زائد می‌داند، بلکه نفت می‌تواند در بسیاری از موارد صنعتی دیگری که نیاز است، صرف شود.

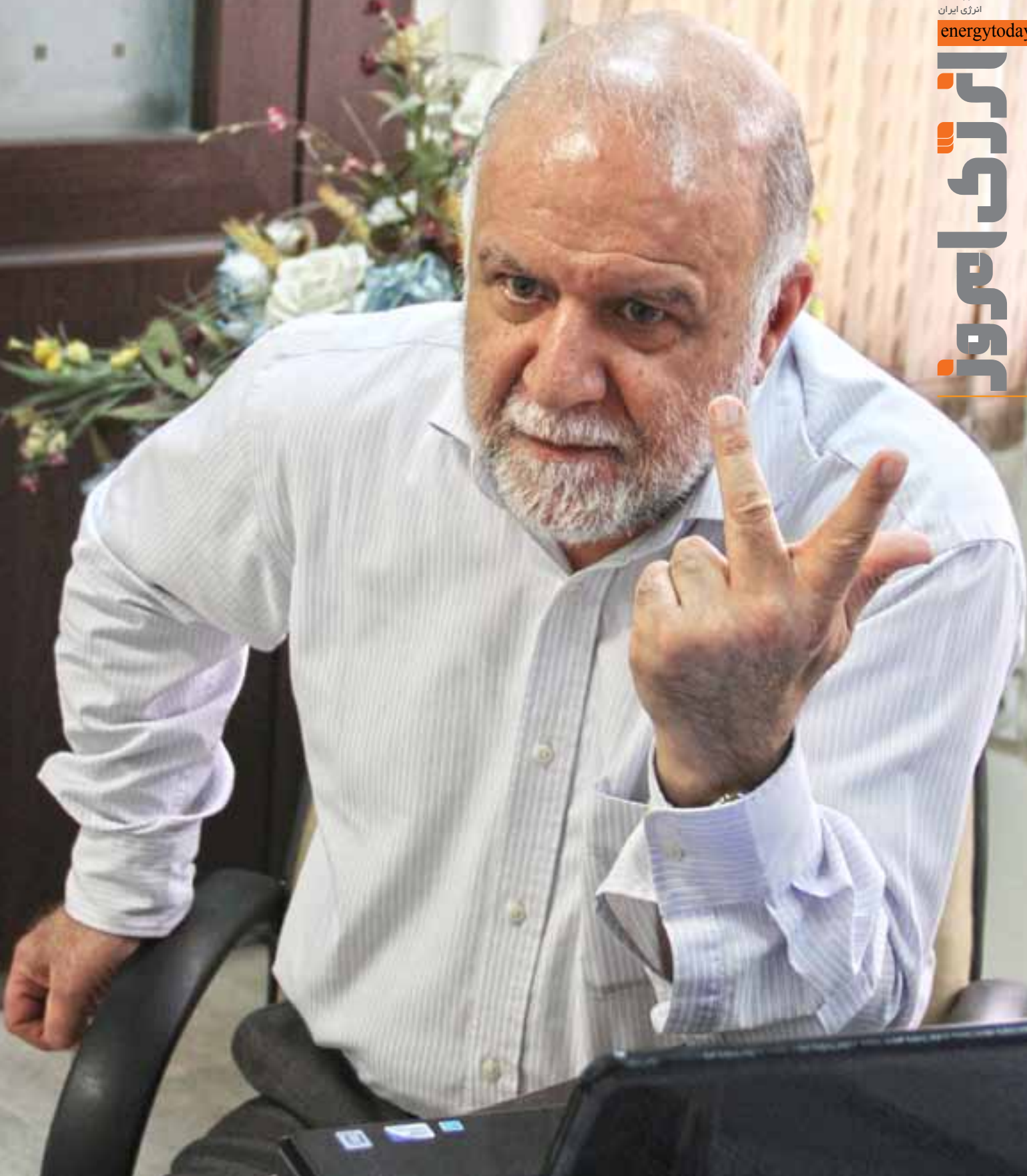
ET موضوع دیگری که اساساً با وجود ورود نفت به چرخه اقتصادی بیان می‌شود، وجود شرکت‌های فعال در حوزه نرم‌افزاری از جمله اپل و مایکروسافت در امریکاست. این شرکت‌های خیلی جلوتر از شرکت‌های نفتی و حتی اسلحه‌سازی حرکت می‌کنند و نقش خود را در تولید ناخالص داخلی و در اقتصاد امریکا نشان می‌دهند. در دنیا هم این موارد به همین شکل دیده می‌شوند، با توجه به کاهش چشمگیر بهای نفت از یکسو و ازسوی دیگر، به حاشیه‌رفتن اقتصاد نفت در کشورهای پیشرفته و به‌خصوص مشتری‌هایی که این نفت را می‌خرند، آیا می‌تواند بر ما تأثیر بگذارد و ما را به حاشیه ببرد؟

ممکن است، ما نمی‌دانیم چه خواهد شد و برای مطالبی که نمی‌دانیم چه می‌شود، نمی‌توان اظهار نظر قطعی کرد، مگر اینکه روند را دید. آیا روند پایین آوردن قیمت نفت، مثلاً از ۵۰ سال قبل به این طرف است. روند به طرف افزایش است یا کاهش که البته در چند سال اخیر، شاهد کاهش چشمگیر بهای نفت بوده‌ایم. انرژی‌های جایگزین هم روندی است که قیمت تهیه آن در حال کاهش است و خوشبختانه در دنیا به شکلی پیش می‌رود که بتواند خود را به قیمت نفت برساند. آخرش این است که بتواند خود را به قیمت نفت برساند، اما فکر نمی‌کنم بشود در دنیا نفت را بی‌استفاده اعلام کرد، اما اقتصاد نفتی دیگر حرف اول را نخواهد زد و این روشن است و ما نیز نباید از سایر موارد پیشرفت غافل شویم. همان‌طور که گفتیم باید کوشش کنیم، ایران این همه پتانسیل انرژی خورشیدی دارد و متأسفانه استفاده نمی‌شود. از بادها فقط به صورت پایلوت که در نیروگاهی مثل منجیل و کهک تأسیس شده، استفاده می‌شود و استفاده از این انرژی ادامه پیدا نکرده است، درحالی‌که هر قدر هم این انرژی‌های پاک خرج داشته باشند، ما نباید از این نظر عقب بیفتیم.

اگر تصمیم بر این است که تا ابد اقتصادی نفتی داشته باشیم، فقط بر آن بناییم و از منابع آن استفاده کنیم، حرف شما صحیح است و در آینده شرکت‌های بزرگ دنیا ما را به حاشیه خواهند راند، اما اگر همان‌طور که آنها در زمینه انرژی جایگزین فعالیت می‌کنند، ما نیز از کشورهای استفاده‌کننده این انرژی‌ها باشیم آسیبی نخواهیم دید. ایران از منابع و پتانسیل‌های انرژی خورشیدی غنی است و کشور این همه سطح ساختمانی دارد. در سطح هر ساختمانی می‌توان سلول مربوط به استفاده از پنل خورشیدی داشت و اگر این روند میان مردم عادت شود، نه‌فقط در استفاده از برق، حتی برای گرم شدن آبی که در حمام استفاده می‌شود، مفید است و دیگر لازم نیست برای گرم شدن این آب، از برق استفاده کنند. حتی نمی‌گوییم از سولار برای تبدیل انرژی نور به برق استفاده کنیم، فقط کافی است صفحاتی باشند تا با این صفحات ساده بتوان زیر هر ساختمانی یک بشکه آب گذاشت و آب گرم را با آن تأمین کرد تا برای این همه مصرف‌های غلط لازم نباشد نیروگاه تأسیس شود. گرما نازل‌ترین نوع انرژی موجود است که درحقیقت آن را به بالاترین سطح ارتقا می‌دهیم و وقتی آن را ارتقا دادیم و به برق تبدیل کردیم، دوباره از آن گرما می‌گیریم و این اشتباه است. بنابراین نباید درجا یزیم و در اقتصاد نفتی خودمان باقی بمانیم تا دیگران از این نفت بی‌نیاز شوند و در استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر پیشرفت کنند، اما ما همچنان محتاج آنها باشیم، درحالی‌که خودمان می‌توانیم از سایر انرژی‌ها استفاده کنیم.



مهندس بازرگان در فضای متشنج آن سال‌ها مقاله‌ای با عنوان «قیمتی‌تر از نفت» در نشریه داخلی شرکت ملی نفت نوشته بود که به‌دلیل نوشتن آن، بسیار مورد اعتراض قرار گرفت. مهندس بازرگان در این مقاله عنوان کرده بود: «اکنون که انگلیسی‌ها را بیرون کردیم، قیمتی‌تر از نفت برای ما متخصصان هستند، آنها را اذیت نکنید و بگذارید کارشان را انجام دهند.»





دولت یازدهم با تمام مشکلات عملکردش به پایان راه رسیده و موفق شد با پیروزی در انتخابات اخیر ریاست جمهوری، بار دیگر مجوز خدمت‌رسانی به مردم را با جلب آرای اکثریت شرکت‌کنندگان به دست آورد. در دولت یازدهم چند وزارتخانه محور تحقق اهداف و برنامه‌های دولت بودند که یکی از آنها وزارت نفت است. وزیر نفت سابقه‌ای بسیار طولانی در اداره وزارتخانه‌ها دارد و به نوعی شیخ‌الوزرای دولت یازدهم و البته دولت‌های جمهوری اسلامی ایران است. به همین دلیل دوستان و مخالفان بسیاری را پیش از دولت یازدهم با خود همراه داشت که شاید بررسی این موضوع، قدم اول در تحلیل محورهای انتقادات و حمله‌ها علیه وزارت نفت باشد.

نگاهی گذرا به استدلال مخالفان بیژن نامدار زنگنه در دولت اول روحانی

دفاعه و جاذبه زنگنه

اختلاف با جنوب

زمانی که زنگنه بر صدر وزارت نفت در دولت‌های هفتم و هشتم نشست، برای غلبه بر لابی و زیاده‌خواهی جنوب دست به اقدام‌هایی زد. غالب این اقدام‌ها اگرچه با اهداف درستی انجام می‌شد، اما بعضاً نتایج درستی به همراه نداشت. برای مثال می‌توان از تقسیم مناطق نفتخیز جنوب به شرکت‌های کوچک‌تر نام برد که اگرچه در نوع خود می‌تواند راهکار درستی برای تغییر ساختار کهنه مناطق باشد، اما به دلیل اینکه جایگاه‌ها و دستور کار استقلال هر کدام از این شرکت‌ها، خصوصاً بهره‌برداران، از بدنه مناطق به درستی تعریف نشد، عملاً نه تنها به کوچک‌سازی و چالاک‌سازی سازمان کمکی نکرد، بلکه باعث افزایش بوروکراسی و سنگینی سیستم هم شد و به نظر می‌رسد این ساختار برای بهتر شدن نیاز به بازنگری دارد.

از موارد دیگری که می‌توان به عنوان شاخصه‌های اختلاف با جنوب نام برد، تلاش برای خصوصی‌سازی شرکت ملی حفاری بود که البته اگر به درستی و با حفظ امنیت شغلی پرسنل، خصوصی می‌شد، حرکت درستی بود. مجموعه این اقدام‌ها باعث شد شمار اندکی که اتفاقاً تریبون‌های رفیعی در دست دارند و منافع گروهی و شخصی‌شان از اقدام‌های زنگنه در جنوب آسیب دیده، به مخالفان سرسخت وزیر تبدیل شوند.

سیاست‌های منابع انسانی

پاشنه آشیل وزارت ژنرال در تمامی دولت‌ها، همواره سیاست‌های منابع انسانی‌اش بوده است. زنگنه در دولت اصلاحات موفق شد عسلیویه و ماهشهری بسازد که نماد پیشرفت‌های صنایع پتروشیمی باشد. او همچنین با عقد قراردادهایی با توتال، انی، استات اویل و حتی اینپکس که البته بنا به دلایل سیاسی هرگز اجرایی نشد، طالبی‌ترین عصر صنعت نفت ایران را رقم زد. همچنین در دولت یازدهم با بازپس‌گیری سهم ایران در اوپک، اخراج چینی‌ها از قرارداد آزادگان، تلاش در راه خودکفایی بنزین، تکمیل و راه‌اندازی فازهای متعدد پارس جنوبی، فاز اول لایه‌های نفتی و ارائه مدل جدید قراردادی برای صنعت نفت کاری کرد کارستان، اما درون سازمان هرگز سیاست‌های منابع انسانی موفق نداشته است.

قرارداد کرسنت

در مورد کرسنت، همین بس که باتوجه به سلامت دستگاه‌های قضایی و اشراف و نظارت آنها بر تمامی عملکرد قراردادی و مالی نفت، خصوصاً این قرارداد، پس از ورود و بررسی‌های نهادهای مختلف، افرادی

که حتی کوچک‌ترین قصوری در انجام وظیفه خود داشتند به طرز شایسته مجازات شدند و احکام لازم برای آنها صادر شد. اما توجه به این نکته ضروری است که پشت قرارداد کرسنت، اهداف متعالی مهمی وجود داشت که با ترازوی برآوردهای مالی قیمت گاز و امثالهم قابل بررسی و درک و فهم نیست. بد نیست به اسناد افشا شده در ویکی‌لیکس اشاره شود که به وضوح عزم ابوظبی و سعودی‌ها را برای ممانعت از اجرای کرسنت بین ایران و شارجه افشا کرده است. بنابراین بهتر است به این جمله بسنده کنیم که کرسنت بیش از آنکه تخلف باشد، دستاویز است. به نظر می‌رسد باتوجه به افشای اسناد جدید، تخلف در اجرای نشدن کرسنت بوده و نه عقد این قرارداد.



مطالبی که در بالا مرور شد، چه در زمان رأی اعتماد و چه در ۴ سال دولت یازدهم، حاشیه پررنگ‌تر از متن وزارت زنگنه بود. به این داستان قطع دست گروه‌هایی که در دولت قبل مجاز بودند پس از فروش محصولات پتروشیمی، پول آن را دیرتر به دولت تحویل دهند را نیز اضافه کنید؛ گروه‌هایی که در مسیر سودجویی سرشارشان از بیت‌المال توسط زنگنه مانع ایجاد شد و طبیعی است که تمام امکانات خود را برای آسیب زدن به وجهه وزیر به کار برند.

این روزها و در آستانه دولت دوازدهم، مخالفان زنگنه از بیم تکیه مجدد او بر کرسی وزارت نفت دست به کار شده‌اند و علاوه بر موارد برشمرده در بالا، مستمسک جدیدی در خصوص حکم صادره از طرف دادگاه جهانی در دادرسی تعدیل قیمت گاز ارسالی به ترکیه یافته‌اند که البته باز هم معذورات وزارتخانه در انتشار اسناد و خلأ اطلاعاتی موجود، فضایی ایجاد کرد تا مخالفان زنگنه با ترکیب واقع و خلاف واقع و آویزان شدن به ناحق به دستاویزی به نام کرسنت، به زنگنه بتازند.

سرانجام ذکر این نکته نیز ضروری است که فقط مشق نانوشته بی‌غلط است و تمامی اختلاف‌هایی که بین زنگنه در دوران وزارتش با گروه‌ها و افراد خاص به وجود آمده، به دلیل عزم راسخ او در پیشبرد اهداف سازمان بوده است. اگرچه سیاست‌گذاری برای نیل به برخی از این اهداف درست نبود، اما به هر حال موضوعی که باعث دفاعه ژنرال برای مخالفان و همچنین جاذبه‌اش برای دوستان می‌شود، همین اراده راسخ و جدیت او در پیشبرد سیاست‌های هدف‌گذاری شده در صنعت نفت است.



اگرچه دستاوردهای متعدد وزارت نفت در دولت یازدهم قابل تقدیر است، اما وزیر نفت در دولت یازدهم هرگز سیاست‌های منابع انسانی موفق نداشته است. گویی پاشنه آشیل وزارت ژنرال در تمامی دولت‌ها، همواره سیاست‌های منابع انسانی‌اش بوده است.

گفتگو: ویدار بانی

بسیاری از قدیمی‌های نفتی معتقدند اگر اختلاف نظر بیژن نامدار زنگنه با هدایت‌اله خادمی در خصوص دکل آبان و جزئیات پروژه‌های واگذار شده به شرکت حفاری شمال پیش نمی‌آمد، مطالبات حفاری شمال از پتروپارس با سرعت بیشتری پرداخت می‌شد و آخرین مصاحبه مطبوعاتی خادمی نیز در مقام منتقد تمام‌قد از زنگنه صورت نمی‌گرفت، او هیچ‌گاه مجالی برای حضور در خانه ملت نمی‌یافت، جبهه منتقدان وزارت نفت در کمیسیون انرژی مجلس تقویت نمی‌شد و مدیر قدیمی دیروز نفت انتقادهای تند و تیز و گاه و بیگاه خود را از صحن علنی مجلس و نشست‌های کمیسیون انرژی مجلس، روانه وزارت نفت نمی‌کرد. خادمی از جمله مخالفان سرسخت وزارت زنگنه و الگوی جدید قراردادهای نفتی محسوب می‌شود، تا جایی که بنا بر اعلام بهروز نعمتی، دیگر عضو کمیسیون انرژی و عضو هیئت‌رئیس مجلس شورای اسلامی، مخالفت خادمی نه با جزئیات IPC، بلکه با اصل قراردادهای نفتی و حضور سرمایه‌گذاران خارجی در صنعت نفت است؛ هر چند بعدها خادمی گفت

که فقط با IPC مخالف بوده است. نایب‌رئیس اول کنونی کمیسیون انرژی مجلس، در حالی که ناکارآمدی مدیران را به همراه فساد افسار گسیخته در اقتصاد ایران، بسیار نگران‌کننده برمی‌شمرد، مهم‌ترین دلیل مخالفت خود با IPC را حذف مجلس از فرایند تصمیم‌گیری عنوان می‌کند و در گفتگو با «تازه‌های انرژی» بر شدت انتقادهای خود می‌افزاید و می‌گوید: «زنگنه سردمدار حذف نیروهای کارآمد از صنعت نفت است و وزارت نفت در دولت یازدهم همه توان خود را صرف IPC کرد و بدین ترتیب، ۴ سال وقت و سرمایه‌های ملی را هدر داد.»

**مشکل اصلی کشور
ناکارآمدی
مدیران است**

**باید از مفاسد اقتصادی
پرده‌برداری شود و در
این زمینه، نباید تعارفی
با چپ و راست و میانه
وجود داشته باشد**

زن‌گنه سردمدار حذف نیروهای خبیرهٔ نفتی است

به آقای روحانی گفتم شما هم
هیچ کاری نکردید!

چرا برای کرسنت پس
از گذشت ۱۵ سال
هنوز حکمی صادر
نشده است؟



تمام وضعیت کنونی مربوط به دولت آقای احمدی نژاد نیست، زیرا از ۳۸ سال گذشته فقط ۸ سال آن مربوط به دولت‌های نهم و دهم و آقای احمدی نژاد و اصولگرایان می‌شود. ۸ سال دولت سازندگی و ۸ سال دیگر دولت اصلاحات نیز در به وجود آمدن وضعیت کنونی سهیم هستند.

ET نقش درآمدهای نفتی را نمی‌توان در روند توسعه کشور و تأمین نیازهای کشور نادیده انگاشت، و در رقابت‌های اخیر ریاست جمهوری شاهد پرنرنگ تر شدن نگاه کاندیداها به بخش‌های مختلف صنعت نفت بودیم. با توجه به مشخص شدن نتیجه انتخابات و گذران آخرین روزهای فعالیت‌های دولت یازدهم، دیدگاه جناب عالی در این خصوص و عملکرد اقتصادی دولت چیست؟

از نظر اقتصادی باید گفت متأسفانه درآمدهای نفتی همچنان همان نقش پرنرنگ خود را در بودجه کشور دارد. نتوانسته‌ایم به سمتی برویم که از درآمدهای حاصل از فروش سرمایه‌های خدادادی و تجدیدنپذیر برای سرمایه‌گذاری بهره ببریم. نفت خام را نمی‌توانیم به ده‌ها یا صدها فرآورده با ارزش افزوده بیشتر تبدیل کنیم و با خام‌فروشی، پول آن را صرف هزینه‌های جاری می‌کنیم. نتوانسته‌ایم از این فضا دور شویم و سهم نفت را در بودجه جاری کشور به رقم قابل قبولی برسانیم.

ET آیا قبول دارید که روند کنونی، حاصل فعالیت‌های چندین دولت در ۴ دهه گذشته است و دولت یازدهم، ادامه‌دهنده رویکردها و روندهای گذشته است و به تنهایی، مسبب وضعیت کنونی نیست؟
خام‌فروشی به این شکل، کاری است که کشورهای عقب‌مانده هم نمی‌کنند. حتی کشورهای خلیج فارس هم بخشی از درآمدهای خود را صرف سرمایه‌گذاری می‌کنند. از نظر عملکرد در حوزه نفت، دولت یازدهم کار خاصی انجام نداده و ابتکاری نداشته است زیرا سرنوشت صنعت نفت به دلیل خام‌فروشی، به خریداران بستگی دارد. وقتی گفتند نفت خام نمی‌خریم، نتوانستیم بفروشیم و وقتی که گفتند می‌خرند، شیرها را باز کردیم و فروختیم. بنابراین هر جا مایل بودند با قیمت‌های ارزان به آنها فروختیم که منابع آن هم وارد ایران شده و صرف هزینه‌های جاری شد.

ET بنابر اعلام مسئولان وزارت نفت برای جلوگیری از خام‌فروشی، پروژه‌های توسعه‌ای برای تبدیل نفت خام و گاز به فرآورده‌های با ارزش افزوده بالاتر در حوزه‌های پالایش و پتروشیمی به بهره‌برداری رسیده یا در حال اتمام است. همچنین اتکای بودجه به نفت نیز از ۴۵ درصد به ۳۰ درصد رسیده و مسئولان اقتصادی دولت یازدهم معتقدند در مقایسه با دولت‌های گذشته، عملکرد بهتری داشته‌اند. نظر شما در این زمینه چیست؟

اینکه دولت مردان می‌گویند اتکای بودجه به درآمدهای نفتی را از ۴۵ درصد به ۳۰ درصد رسانده‌اند، چندان حرف درستی نیست. ضمن اینکه ما هر جا سهم نفت را در بودجه کاهش داده‌ایم، اجباری بوده است، چون نمی‌توانستیم نفت بیشتری بفروشیم. اگر بنابر شرایط بین‌المللی، توان صادراتی ما به یک میلیون بشکه نفت آن هم با قیمت هر بشکه ۵۰ دلار رسید، ناگزیر بودیم همین میزان درآمد را در بودجه قرار دهیم و هر وقت نیز به ما اجازه دادند ۲ تا ۳ میلیون بشکه نفت حتی با قیمت‌های بالای ۱۰۰ دلار صادر کنیم، فروختیم و عواید آن را وارد بودجه کردیم. در مورد پتروشیمی‌ها هم باید بگویم که پتروشیمی فقط یک بخش است. صدها فرآورده دیگر هم می‌توان تولید کرد که ما توان آن را نداریم. ضمن اینکه باید توجه داشت در پتروشیمی هم خام‌فروشی می‌کنیم. باید ده‌ها پالایشگاه داشته باشیم که نفت را به فرآورده‌های مختلف مانند بنزین تبدیل کنیم، اما همچنان کشوری هستیم که مقادیر زیادی بنزین وارد می‌کنیم. پس از انقلاب فقط ۲ پالایشگاه احداث کردیم؛ یک پالایشگاه در زمان وزارت مهندس آقازاده دیگری هم پالایشگاه ستاره خلیج فارس که البته بعد از گذشت بیش از یک دهه از عملیات اجرایی آن، هنوز هم به‌طور کامل راه نیفتاده است.

ET ما قبول داریم که ساخت پالایشگاه ستاره خلیج فارس در ۸ سال دولت نهم و دهم، فقط ۵۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشت و در ۴ سال دولت یازدهم نیز ۵۰ درصد باقی‌مانده آن به اتمام رسید. یعنی سرعت این دولت ۲ برابر دولت گذشته بود. با این حال کارنامه دولت را در بخش نفت، موفقیت‌آمیز نمی‌دانید؟

مشکل اصلی اینجاست که فارغ از دولت‌ها، انگیزه‌ای برای تبدیل مواد خام به فرآورده وجود نداشته است و نگاه من، معطوف به دولت خاصی نیست. در عین حال باید توجه داشت که قبلاً در پارس جنوبی میزان رشد و پیشرفت فیزیکی پروژه‌های در حال اجرا، ماهیانه ۱٫۵ درصد بود، اما در دوره اخیر وزارت آقای زنگنه، این میزان کاهش یافت و به نیم‌درصد رسید. در مورد پتروشیمی که شما از آن حرف می‌زنید، باید دقت کرد که دقیقاً چه کاری انجام می‌شود. در واحدهای پتروشیمی، ما گاز طبیعی را به متانول تبدیل می‌کنیم، در حالی که خود متانول، خوراک و ماده اولیه تولید بسیاری از کالاهای دیگر است. در حوزه پتروشیمی نیز به‌جای اینکه کالایی تولید کنیم که آن را تنی ۲ هزار دلار بفروشیم، محصولی تولید می‌کنیم که آن را تنی ۴۰۰ دلار می‌فروشیم.

تقریباً هیچ!

ET برای تحقق آنچه شما می‌فرمایید، چه باید کرد که تاکنون انجام نشده است؟

اصل موضوع اینجاست که مردم راحت‌طلبی هستیم و ترجیح می‌دهیم مواد خام بفروشیم. این مسئله همانند آن است که به شما ارث خوبی رسیده باشد و دیگر به دنبال کار نروید. یک حالت آن است که ارثیه‌ها را نمی‌توانید بفروشید و پول کمی دارید، اما وقتی بتوانید ارثیه‌ها را بفروشید و پول بیشتری به دست آورید، نمی‌توانید بگویید آن پول را با تلاش به دست آورده‌اید. به این موضوع باید توجه داشت کشوری پیشرفت می‌کند که سرمایه‌های خود را افزایش دهد، اشتغال و تولید ایجاد کند و درآمدهای ملی را با تولید و صادرات افزایش دهد. هم‌اکنون کدام بخش از درآمد ما حاصل تولید و صادرات است؟ تقریباً هیچ! ما به‌طور کلی به خام‌فروشی عادت کرده‌ایم تا سرمایه‌های خود را به حراج بگذاریم و کالاها را از خارج وارد کنیم. متأسفانه هنوز حتی تکمه پیراهن و پارچه را در حجم وسیع وارد می‌کنیم در حالی که بسیاری از کارخانه‌های معتبر ما در صنعت منسوجات، تعطیل شده‌اند.

ET مدیران دولت یازدهم هم صحبت‌های بسیاری در این خصوص دارند و می‌گویند کشوری که ۸ سال با تحریم‌های شدید روبه‌رو بوده و با وجود درآمدهای افسانه‌ای فروش نفت، بسیاری از صنایعش تعطیل شده، نیاز به زمان دارد تا بتواند دوباره قطار توسعه را بار دیگر به ریل اصلی و مطمئن بازگرداند.

اگر می‌گویند تمام وضعیت کنونی مربوط به دولت آقای احمدی نژاد می‌شود، باید در نظر گرفت که در ۳۸ سال گذشته، فقط ۸ سال آن مربوط به دولت‌های نهم و دهم و آقای احمدی نژاد و اصولگرایان می‌شود. ۸ سال دولت سازندگی و ۸ سال دیگر دولت اصلاحات نیز در به وجود آمدن وضعیت کنونی، سهیم هستند.

ET اما بنابر آمارهای رسمی کشور، در هر ۲ دولت سازندگی و اصلاحات، کشور با فضای مناسب‌تری از نظر رشد اقتصادی و توسعه زیرساخت‌ها مواجه بوده و حتی در دوره آقای خاتمی به رشد اقتصادی ۷ درصد هم دست پیدا کردیم.

این چه اقتصادی است که در یک دوره خوب می‌شود و یک دوره بد؟ وضعیت مناسب اقتصادی یعنی اینکه زیرساخت‌ها برای چشم‌آمده شوند. این گونه نیست که پایه‌ای ایجاد شود و با روی کار آمدن دولت و افراد جدید، این پایه



مگر چین که سالی ۲۲ میلیون شغل ایجاد می‌کند، هزار درصد رشد اقتصادی دارد؟ خیر. رشد اقتصادی این کشور، ۷ درصد است. در مناظره‌های انتخاباتی، هیچ یک از کاندیداهای ریاست جمهوری به جز آقای قالیباف، به درست یا غلط، جرئت نداشتند بگویند سالی یک میلیون شغل ایجاد می‌کنند.

دولتهایی سرکار بیایند که برای ما کاری انجام بدهند. به گونه‌ای با دولت‌ها برخورد می‌کنیم که رئیس‌جمهور به جای اینکه از ما رأی بگیرد و به فکر خدمت‌رسانی به مردم باشد و برای رفاه مردم کاری انجام دهد، دچار اشتباه می‌شود و به جای اینکه خدمت‌گزار مردم باشد، خود را ارباب مردم می‌داند. فرقی هم نمی‌کند کدام دولت یا رئیس‌جمهور خود را ارباب مردم بداند. باید بدانیم در فرهنگ ارباب و رعیتی، ارباب قرار نیست خدمتی به رعیت ارائه کند، بلکه این رعیت است که باید برای ارباب بدود. بنابراین دولت‌ها ارباب هستند و هیچ کاری برای مردم نمی‌کنند. عموم ما نیز فکر نمی‌کنیم و از همین شعار و فضا، پیروی می‌کنیم.

شرایط زمانی بدتر و وخیم می‌شود که می‌بینیم جوان ما کارشناسی ارشد دارد و بیکار است، اما مردم نمی‌پرسند چرا با وجود این همه منابع، کاری برای او نیست و باز هم دولتی را که کاری انجام نمی‌دهد می‌خواهند.

به رئیس‌جمهور گفتم که هیچ کاری نکردید!

ET در واقع تمام مشکلات کنونی را متوجه دولت یازدهم می‌دانید؟
من در نطق اخیر خود در صحن علنی مجلس، خطاب به آقای رئیس‌جمهور هم گفتم برای حوزه انتخاباتی ما یعنی باغملک در ۴ سال گذشته هیچ کاری انجام ندادید، همان‌طور که دولت‌های گذشته هم کاری انجام ندادند.

ET در هر حال، مگر نباید به خواست و انتخاب مردم، احترام گذاشت؟
مسئله همین جاست! هیچ‌یک کاری انجام ندادند، اما مردم ما ۷۰ درصد به آقای روحانی رأی می‌دهند. به آقای روحانی گفتم فکر نکنید که همه این مردم چون هیچ کاری در ۴ سال برای آنها انجام ندادید، نمی‌اندیشند و مطالبه‌گر نیستند. حداقل برای آنها که مطالبه‌گری می‌کنند در ۴ سال آینده خدمات کوچکی ارائه کنید.

ET دلیل این مسئله را چه می‌دانید؟

متأسفانه ما به دنبال شعار هستیم، جو ما را می‌گیرد و روی مسئله فکر نمی‌کنیم و نمی‌سنجیم که باتوجه به منابع مالی و انسانی، جایگاه خود را بسنجیم. من نمی‌توانم خودم و کشورم را با افغانستان یا پاکستان مقایسه کنم، حتی ژاپن هم منابع ما را ندارد. وقتی ما در تهران نام یک خیابان را سؤال گذاشتیم، آنها هم نام یک خیابان را در سؤال، تهران گذاشتند. وقتی رئیس‌جمهور آنها به ایران آمد، گفت امیدواریم بتوانیم سؤال را مانند تهران کنیم. در حال حاضر ناراحت هستند که در تهران خیابانی به اسم سؤال وجود دارد و احساس می‌کنند برای آنها افت دارد و باعث سرشکستگی است. چون ما مردم به هیچ، راضی هستیم.

اینکه هم ما کار نکنیم و هم مسئولان کاری برای ما نکنند، معضلی است که باعث می‌شود کشور توسعه پیدا نکند. معمولاً هم به جای اینکه از دولت‌مردان و نمایندگان خود مطالبه‌گری کنیم، دنباله‌رو آنها می‌شویم و می‌گوییم شما ارباب هستید، نه تنها می‌توانید کار نکنید و برای ما قیافه هم بگیرید، بلکه اگر سوار خودرو شدید، حق دارید از ما بخواهید که پشت خودرو شما بدویم. این درست که شما التماس کرده‌اید و از ما رأی گرفته‌اید، اما پشت سر خودرو شما که انتخاباتان کرده‌ایم، به سرعت و با پای پیاده می‌دویم. فکر می‌کنید وقتی پشت سر ماشین مسئولی دویدید، او می‌تواند احساس ارباب بودن نکند؟ ارباب هم که قرار نیست برای نوکر کار کند. این رعیت است که باید برای ارباب بدود و کار کند. این وضعیتی است که ما داریم. در نطق خود هم گفتم روزی که انقلاب شد، نظر امام، رهبری و مردم این بود که تبعیض و فساد از بین رود و وضعیت کشور با آزادی و استقلال، ارتقا پیدا کند. اما اکنون وضعیت ما چگونه است؟ فساد نه تنها کمتر نشده، بلکه به همراه تبعیض‌های طبقاتی و سایر معضلات، افزایش هم پیدا کرده است.

خراب شود. در دوران دولت گذشته هم با وجود قیمت بالای نفت، سرانه درآمد داخلی تغییری نکرد. دلیل آن هم این بود که در آن زمان نفت را بشکهای ۱۰۰ یا ۱۲۰ دلار می‌فروختیم، اما دولت دلار را داخل کشور هزینه نمی‌کرد، بلکه آن را به بانک مرکزی می‌داد و بانک مرکزی به ازای هر دلار، ۱۲۰۰ تومان به دولت می‌داد. در دولت آقای روحانی اگرچه نفت به بشکهای ۵۰ دلار رسید، اما این دولت بابت هر دلار، ۲ هزار و ۵۰۰ تومان یا ۳ هزار و ۵۰۰ تومان از بانک مرکزی می‌گرفت. بنابراین از نظر ریالی تغییری ایجاد نشده است، یعنی قیمت دلار را بانک مرکزی بالا برد. ضمن اینکه ما کشوری هستیم که دومین دارنده گاز و سومین دارنده نفت جهان هستیم. اگر بخواهیم دولت‌های مختلف را با یکدیگر مقایسه کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که هیچ‌کدام عملکرد خوبی نداشته‌اند. کمتر کشوری پیدا می‌کنیم که به اندازه ایران منابع داشته باشد. این در حالی است که کشوری مانند آلمان نفت، اگرچه گاز و منابع طبیعی هم ندارد، اما غول صنعتی اروپاست.

ET آیا مبنای این مقایسه صحیح است؟

البته باید خود را با کشورهایی که به اندازه ما منابع دارند و در گذشته نه‌چندان دور نیز وضعیت مشابهی داشتند، مقایسه کنیم. می‌توانیم خودمان را با کره‌ای‌ها مقایسه کنیم. ۴۰ سال پیش کره آرزو داشت مانند ایران شود، اما حالا ببینید به کجا رسیده است. ما فقط سرمایه‌های خود را هدر داده‌ایم. چین را با ایران مقایسه کنید که منابع ندارد، جمعیت آن هم یک میلیارد و ۴۸۰ میلیون نفر است، اما یک نفر بیکار در این کشور وجود ندارد و هر سال هم ۲۲ میلیون شغل در این کشور ایجاد می‌شود. در مناظره‌های انتخاباتی، هیچ یک از کاندیداهای ریاست‌جمهوری به جز آقای قالیباف، به درست یا غلط، جرئت نداشتند بگویند سالی یک میلیون شغل ایجاد می‌کنند.

فقط قالیباف جرئت ارائه شعار اشتغال‌زایی داشت

ET اما بنابر اعلام اقتصاددانان، برای محقق شدن وعده‌های اقتصادی آقای قالیباف، نیاز به رشد اقتصادی ۲۵ درصد بود که حتی در چین هم که شما آن را مثال زدید چنین سابقه‌ای وجود ندارد!
اینها داستان است. یعنی چین که سالی ۲۲ میلیون شغل ایجاد می‌کند، هزار درصد رشد اقتصادی دارد؟ خیر. رشد اقتصادی این کشور ۷ درصد است.

ET البته عقلای اقتصادی اصولگرا نیز نقدهای بسیاری بر وعده‌های اقتصادی آقای قالیباف وارد می‌دانستند.

من نمی‌گویم آقای قالیباف می‌توانست تمام وعده‌های خود را محقق کند. حرف من این است در این زمینه ناتوان هستیم. شاید اگر آقای قالیباف هم رئیس‌جمهور می‌شد، نمی‌توانست تمام این کارها را انجام بدهد. اما جالب است بدانید کشوری مانند تایوان که شن و ماسه را هم از چین وارد می‌کند، با تولیدات خود به یکی از کشورهای ثروتمند جهان تبدیل شده است. یعنی ما هنوز به کشورهایی مانند تایوان، کره و مالزی نرسیده‌ایم، درحالی که وضعیت منابع این کشورها با ما قابل مقایسه نیست. عملکرد ما واقعاً بد است. کدام کشور را سراغ دارید که این همه جوان بیکار داشته باشد، آن هم با چنین منابعی؟ ما جوانان دهه ۶۰ را از بین بردیم. این جوانان به مرز ۴۰ سالگی نزدیک می‌شوند، اما هنوز بیکار هستند. همان اتفاق برای دهه هفتادی‌ها هم در حال رخ دادن است.

ET اتفاقاً پرسش ما هم این است. مقصر ایجاد این اوضاع، شما مسئولان هستید که در چند دهه گذشته، یا مسئولیت‌های مختلف اجرایی داشته‌اید و یا در مجلس و حوزه‌های نظارتی مسئولیت داشته‌اید و باید از هدررفت منابع، جلوگیری می‌کردید.

اگر چه ما کاری نکردیم، اما مقصر همه مردم هستند. ما علاقه‌ای نداریم

فساد مانند موربانه در حال تخریب کشور است

ET آیا شما معتقدید بعد از گذشت ۴ دهه از پیروزی انقلاب، به هیچ یک از اهداف مورد نظر امام و مردمی که انقلاب کردند، دست نیافته‌ایم؟ خیر. با اینکه استقلال و آزادی را به دست آورده‌ایم، اما در بسیاری از بخش‌های دیگر موفق نبوده‌ایم. اگر چه در حوزه‌های امنیتی و ایجاد دموکراسی موفق بوده‌ایم، اما در لایه‌های مختلف اقتصاد، فساد مانند موربانه در حال تخریب کشور است.

ET به هر حال قبول دارید که اساس این کم‌کاری‌ها و به وجود آمدن شرایط نابسامان کنونی، خود شما مسئولان هستید؟
ما طوری عمل کرده‌ایم که فرزندان بیشتر مسئولان و وزرای دولت‌های مختلف در کشوری که پدران آنها مدیریت آن را برعهده داشته‌اند، حاضر نیستند بمانند و زندگی کنند. بیشتر آنها با پاسپورت‌های اروپایی و امریکایی، خارج از کشور هستند و این، وضعیتی است که با آن روبه‌رو هستیم. جوانان ما امروز نمی‌توانند تشکیل زندگی بدهند و ازدواج کنند، چون درآمدی ندارند و نمی‌توانند خانه اجاره کنند. آیا در چین هم همین‌گونه است؟

ET آیا قبول دارید که دولت در کشور ما، بخشی از ساختار بزرگ‌تری به نام حاکمیت است؟

مسئله نظام با دولت‌ها متفاوت است. دولت‌ها می‌آیند و می‌روند، اما صحبت اینجاست که دولت‌های ما، بسیار بد عمل می‌کنند. هر دولتی هم آمد، اگر دولت قبل یک متر سازندگی کرده بود، مصمم است آن را خراب کند و بگوید که قرار است از نو بسازد. یک متر هم آن دولت می‌سازد و دولت بعد، دوباره مصمم می‌شود همان یک متر را هم تخریب کند. این سیکل باطلی است که در کشور ما وجود دارد.

ET در مجموع و با چنین تصویری که شما از وضعیت جامعه و اقتصاد کشور ترسیم کردید، تصور می‌کنید رأی دوباره مردم برای تداوم دولت آقای روحانی، چه آثاری در روند توسعه و جذب سرمایه‌گذاران خارجی داشته باشد؟

همه امیدوار هستیم که دولت ایشان موفق شود، زیرا موفقیت آقای روحانی و جذب هر چه بیشتر سرمایه‌های خارجی به نفع کشور است. ایشان نیز امروز رئیس‌جمهور همه مردم کشور است. در مورد اینکه انتخاب ایشان موجب سرمایه‌گذاری بشود هم باید بگویم امیدوار هستم چنین اتفاقی رخ دهد.

ET اما شواهد امر و شرایط کنونی، حاکی از روند مثبت جذب سرمایه‌گذاران خارجی است.

واقعیت این است که کشورها و شرکت‌های بین‌المللی این‌گونه معامله نمی‌کنند و مسائل بسیاری را در نظر می‌گیرند.

ناکارآمدی مدیران، اصلی‌ترین مشکل کشور است

ET به طور کلی شما با جذب بیشتر سرمایه‌های خارجی و مشارکت با کشورهای اروپایی موافق هستید؟

مسئله مهم، این است که ما باید روی پای خود بایستیم. توسعه‌نیافتگی ما نه از سوی اروپا و امریکا بوده و نه حاصل تحریم و کمبود فناوری است. مشکل اصلی ما، مدیران ناکارآمدی هستند که در سطوح مختلف، مسئولیت می‌گیرند اما علاقهای ندارند کار کنند و به دنبال کارهای شخصی خود، دوستان و حزبشان می‌روند و اتفاقی نمی‌افتد.

ET یعنی معتقد هستید نیازی به فناوری روز دنیا و سرمایه‌گذاری خارجی نداریم؟

با سرمایه‌ای که داریم، اگر ابتکار داشته باشیم بخش مهمی از مشکلات ما حل‌وفصل می‌شود. مشکل ما فقط سرمایه‌گذاری خارجی نیست. سرمایه‌گذار

خارجی هم که بیاید مگر چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ چند نفر سرکار می‌روند، اما اتفاق عجیب‌وغریبی رخ نمی‌دهد چون به این نتیجه نرسیده‌ایم که باید کار کنیم. اگر بخواهیم کشوری را نام ببریم که بیشترین مخالفت، ضدیت و دشمنی را با امریکا دارد، باید چین را مثال بزنیم. اما ببینید که چین چگونه توسعه پیدا کرده است. چینی‌ها از زمانی که مصمم شدند مشکلاتشان را خودشان حل کنند، شروع به کار کردند. کوه‌ها را می‌تراشند تا زمین برای کشاورزی ایجاد کنند. بنابراین ذهن ما هم واقعا باید با هم معطوف به مسائل داخلی شود. در ۴ سال گذشته اگر کشورهای خارجی قولی داده‌اند، چرا تاکنون عمل نکرده‌اند؟ سرمایه‌گذاری چشمگیری تاکنون از سوی خارجی‌ها انجام نشده و نخواهد شد. اگر بخواهیم کل این دوره را در نظر بگیریم، شاید حدود ۵ میلیارد دلار به‌طور مجموع جذب شده باشد. بنابراین امیدوار هستم این روند گسترش یافته و تداوم پیدا کند. همچنان معتقدم مشکلات اصلی، معطوف به مسائل داخلی است و اگر ما واقعا شروع به کار کنیم، اتفاقی که در چین رخ داد برای ما هم دور از انتظار نخواهد بود.

ET البته چین در سیاست‌های اقتصادی خود، تغییرات بسیاری ایجاد کرد و ساختار بسته اقتصاد دولتی و کمونیستی خود را با بازارهای رقابتی و اقتصاد بین‌الملل، هماهنگ کرد.

مگر سیاست‌های اقتصادی ما اکنون کمونیستی است؟

ضرورت پرده‌برداری از فسادهای اقتصادی

ET شما باید بهتر در جریان باشید که بیش از ۸۰ درصد اقتصاد ایران هم‌اکنون در اختیار دولت، نهادهای عمومی و نظامی و در بهترین حالت، متعلق به خصولتی‌هاست.

مشکل اصلی اینجاست که دولت می‌خواهد همه‌چیز را در کنترل خود داشته باشد و افزون بر آن، نهادهای خصولتی هم تشکیل شده‌اند. مطابق اصل ۴۴ باید قسمت اصلی اقتصاد به بخش خصوصی سپرده شود، اما دولت‌ها بسیاری از شرکت‌ها را به بخش خصولتی واگذار کرده‌اند. چگونه شرکت‌های نفتی را به تأمین اجتماعی واگذار کردند؟ مگر قرار بود تأمین اجتماعی چنین کارها انجام دهد؟ شرکت‌های بسیاری را به «ساتا» واگذار کردند. این کارها را چه کسانی انجام دادند؟ غیر از این است که کار دولت‌ها بود؟ شرکت‌های بزرگ بسیاری واگذار شدند که یا نابود شدند یا در حال ورشکستگی هستند. بنابراین، این اشکال نه از یک دولت و نه از یک ارگان سرچشمه می‌گیرد. متأسفانه فساد اقتصادی در کشور ریشه دوانده است. باید از فساد اقتصادی پرده‌برداری شود و در این زمینه نباید تعارفی با چپ و راست و میانه وجود داشته باشد. متأسفانه چون همه ما درگیر موضوع هستیم، انگیزه و جرئت برخورد با این موارد وجود ندارد. الآن خاوری کجاست؟ چرا برای کرسنت پس از گذشت ۱۵ سال هنوز حکمی صادر نشده است؟

ET به هر حال آنها هم مباحث متعددی در این زمینه دارند و معتقدند برای موضوعی که در گذشته تصمیم‌گیری شده و براساس شرایط آن روز دربردارنده منافع ملی بوده، نمی‌توان و نباید با شرایط امروز و آن هم به صورت یک‌جانبه قضاوت کرد.

بالاخره باید به نظر مراجع عالی قضایی کشور احترام گذاشت، اشتباهات را پذیرفت و با افراد خاطی نیز براساس احکام صادره، برخورد شود.

ET با توجه به مخالفت‌های شدید منتقدان و به خصوص شما نسبت به مدل جدید قراردادهای نفتی، همچنین عقد قرارداد فاز ۱۱ پارس جنوبی با توتال، فکر می‌کنید وزارت نفت در دولت دوازدهم موفق به جذب سرمایه‌گذاران بیشتری برای توسعه میادین نفت و گاز خواهد شد؟



ما طوری عمل کرده‌ایم که فرزندان بیشتر مسئولان و وزرای دولت‌های مختلف در کشوری که پدران آنها مدیریت آن را برعهده داشته‌اند، حاضر نیستند بمانند و زندگی کنند. بیشتر آنها با پاسپورت‌های اروپایی و امریکایی، خارج از کشور هستند.

و کلا تغییری نکرده بودند، ایران محکوم شد. دلیل آن هم این است که که افراد بانگیزه و کاربلد در رأس امور قرار ندارند. آقای زنگنه حتی معاونانی که شخصاً منصوب کردند را کنار گذاشته است. آقای وزیر، معظمی، جواد و دیگران کجا رفته‌اند؟ مگر غیر از این است که آقای زنگنه آنها را کنار گذاشته است؟

ET اما با توجه به روند فزاینده انتقادهای شما برخی بر این باورند که ریشه این گونه اظهار نظرها و مخالفت با وزارت نفت، به اختلاف نظر شما با وزیر نفت در خصوص مسائل شرکت حفاری شمال برمی گردد.

این برداشت صحیح نیست زیرا در سال گذشته و در حالی که در هیئت‌رئیس نیز سمتی نداشتیم، تقریباً به صورت فردی آنچه را که تصور می‌کردم به نفع کشور و حوزه انرژی است، انجام می‌دادم. آنجا که بحث IPC بود با قاطعیت ایستادگی کردم تا اصلاحات انجام شود. اما وقتی بحث فروش گاز و خوراک به پتروشیمی‌ها مطرح شد، نظر وزارت نفت را قبول داشتم و اتفاقاً بر آن اصرار هم کردم. حتی در این زمینه، در مناظره هم حاضر شدم تا آنچه مطابق با نظر وزارت نفت و البته صحیح و در راستای منافع ملی بود، انجام شود. البته جای دیگری که وزارت نفت علاقه‌مند بود بسیاری از نیروها را بازنشسته کند یا پاداش‌های بازنشستگی را کاهش دهد، در جایگاه مخالف وزیر نفت ایستادم که در نهایت باعث شد وزیر هم نامه‌ای برای حمایت از کارکنان منتشر کند. در مجموع باید بگویم سال گذشته بیشتر انفرادی فعالیت می‌کردم، اما با توجه به حضورم در هیئت‌رئیس کمیسیون انرژی در سال جاری، امیدوارم با کار جمعی بیشتر، تصمیم‌گیری‌ها حول منافع ملی و ساماندهی حوزه انرژی ایران باشد.

ET با این تفاسیر، در صورتی که آقای زنگنه بار دیگر برای وزارت نفت معرفی شود، با چه چالش‌هایی در کمیسیون انرژی که رئیس و نواب اول و دوم آن از جناح سیاسی مخالف هستند، مواجه خواهد بود؟ آقای زنگنه به عنوان وزیر این کشور، همواره مورد احترام هستند. هر جا که ایشان عملکردی در راستای منافع ملی داشته و تیم کارآمدی از مدیران شایسته در کنار ایشان باشند، از او حمایت می‌کنیم. در غیر این صورت همانند بسیاری از مباحث، مخالفت‌ها را با جدیت ادامه خواهیم داد. بنابراین رویکرد کمیسیون انرژی بستگی به مواجهه و عملکرد وزیر پیشنهادی دارد. آقای زنگنه زمانی می‌تواند عملکرد قابل قبولی داشته باشد که تیم خوبی همراه ایشان باشد. تیم «بله‌قربان‌گو» نمی‌تواند مشکلات را حل و فصل کند. باید تیم کاردانی وجود داشته باشد که ضمن هماهنگی با وزیر، جسارت گفتن حقایق را هم داشته باشند تا وزیر دچار اشتباه فاحش نشود. باید تلاش کنیم وزارت نفت را به سمتی ببریم که کارهای تخصصی به دست متخصصان و نه شخصیت‌های سیاسی سپرده شود. برای مثال فردی که قرار است مدیرعامل شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب شود، باید باتجربه و کاربلد باشد. این موضوع قابل قبول نیست که مدیریت‌های ارشد و حتی میانی صنعت نفت را به دلیل روابط سیاسی و شخصی، به افرادی که در حوزه‌های غیرمرتبط از جمله ساختمان کار کرده‌اند سپرد. من به شایسته‌سالاری معتقدم و اگر این مسئله اصل قرار بگیرد، نه تنها صنعت نفت، بلکه تمام کشور در مسیر توسعه قرار می‌گیرد. اگر کارها را به دست کاردانان بسپاریم، حتماً پیشرفت خواهیم کرد.

ET از نگاه شما، مجموعه کنونی مدیران ارشد صنعت نفت در دولت یازدهم، واجد چنین شرایطی هستند؟
خیر. تیمی که در ۴ سال گذشته همراه آقای زنگنه وجود داشت، تیمی نبود که جسارت و جرئت حرف زدن داشته باشد. 

واقعیت این است که وزارت نفت و دولت یازدهم در ۴ سال گذشته، توسعه صنعت نفت را محدود به IPC کردند که من هم از منتقدان سرسخت این روند بودم، زیرا معتقدم ۴ سال وقت و سرمایه‌های ملی را هدر دادیم. روند توسعه صنعت نفت نیز در ۴ سال آینده به وزیر منتخب نفت در دولت دوازدهم بستگی دارد.

ET از نگاه شما، وزیر نفت پیشنهادی دولت دوازدهم برای تعامل و جلب نظر کمیسیون انرژی مجلس چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

وزیر نفتی که بتواند و بخواهد، حتماً می‌تواند کار کند. اما اگر بنا بر کار نکردن باشد، مسلماً کاری پیش نخواهد رفت. اگر وزیر پیشنهادی فردی سالم، کاردان و بانگیزه باشد، صنعت نفت حتماً می‌تواند توسعه پیدا کند. برای مثال درست است که به آقای نعمت‌زاده انتقادهای بسیاری وارد است، اما نباید فراموش کرد که روند توسعه صنعت پتروشیمی با همت و تلاش او شکل گرفت، هرچند در ادامه و در مسیر واگذاری‌ها، مشکلات متعددی پدید آمد. بنابراین یک مدیر ارشد اگر بخواهد، می‌تواند کارهای اساسی انجام دهد.

سیاسی کاری در صنعت نفت باید از بین برود

ET مهندس زنگنه را واجد چنین شرایطی می‌دانید؟

اگر دقت کنید، مشاهده خواهید کرد که هیچ‌یک از معاونان آقای زنگنه باقی نمانده‌اند. راجع به توان مدیریتی و کاربلد بودن یا نبودن آنها اظهار نظر نمی‌کنم زیرا انتخاب معاونان برعهده وزیر است، اما می‌گویم وقتی تنگ‌نظر باشید، دامنه دوستان شما کم و کمتر می‌شود. سرانجام نیز تبدیل به انسانی می‌شوید که فقط خودش را قبول دارد، می‌خواهد دیکتاتوری کند و همواره ارباب باشد. در این صورت چه کسانی تمایل دارند اطراف ارباب باشند؟ کسانی که نوک‌رصف هستند و هرچه به آنها بگویید، جوابشان بله قربان و چشم باشد. من به شایسته‌سالاری اعتقاد دارم و نه گروه‌بازی و باندبازی. شایسته‌سالاری یعنی حضور افراد متخصص و سپردن کارها به دست متخصصان. نمی‌توان و نباید مدیر یک شرکت تولیدی در صنعت نفت را از میان افراد صرفاً سیاسی انتخاب کرد. مدیر یک شرکت تولیدی باید از مراحل کارشناسی و پایین رشد کرده و با سیستم آشنا باشد. اطراف وزیر نفت باید مجموعه‌ای از مدیران فنی و اجرایی حضور داشته باشند و نه صرفاً افراد سیاسی. یکی از گرفتاری‌هایی که در وزارت نفت ایجاد شده، سیاست‌زدگی شدید است که باید اصلاح شود.

ET به هر حال همان‌طور که شما هم اشاره کردید، انتخاب افراد و تیم مدیریتی در حوزه اختیارات وزیر است براساس قانون از آن برخوردار شده و فارغ از هر انتخابی، باید در برابر مجلس و رئیس‌جمهور پاسخگو باشد.

اگر انسان‌هایی با وسعت دید بزرگ و دنیادیده باشیم، باید بدانیم با همکاری یکدیگر، می‌توانیم کارها را پیش ببریم و بر مشکلات غلبه کنیم. اینکه بخش اعظمی از نیروهای توانمند و شایسته به دلیل تفاوت دیدگاه‌ها و داشتن نظرات متفاوت، کنار گذاشته شوند، قابل قبول و منطقی نیست. با مروری بر ناکامی‌های اخیر و تداوم حذف بخش اعظمی از توان تخصصی کشور و خصوصاً صنعت نفت، متوجه می‌شویم که توسعه در کشور، امری محال خواهد بود و ایران هیچ‌گاه توسعه پیدا نمی‌کند. متأسفانه آقای زنگنه سردمدار حذف نیروهای فنی و نفتی مخالف خود شده و از ابراز آن هم ابایی ندارد. کنار گذاشتن این نیروها موجب می‌شود کشور ضربه بخورد. شما ببینید در قرارداد گازی با ترکیه، آنها ۲ بار از ایران شکایت کردند. زمانی که افراد توانمند و بانگیزه‌های مانند آقای اوجی مدیرعامل شرکت گاز بودند، ترکیه را در دادگاه محکوم کردند، اما در شکایت بعدی با اینکه



متأسفانه آقای زنگنه سردمدار حذف نیروهای فنی و نفتی مخالف خود شده و از ابراز آن هم ابایی ندارد. کنار گذاشتن این نیروها موجب می‌شود کشور ضربه بخورد. این موضوع قابل قبول نیست که مدیریت‌های ارشد و حتی میانی صنعت نفت را به دلیل روابط سیاسی و شخصی، به افرادی که در حوزه‌های غیرمرتبط از جمله ساختمان کار کرده‌اند سپرد.



مهدی افشارنیک / روزنامه‌نگار حوزه نفت و گاز

جنگال «کرسنت» سال‌هاست که در پیچ و خم مسائل سیاسی همچنان گرفتار است و یکی از مهم‌ترین موقعیت‌های ایران برای ورود به بازار گاز منطقه جنوب خلیج فارس، به دلایل واهی در حاشیه‌های پرهزینه‌ای اسیر شده که ظاهراً رهایی از آنها به آسانی ممکن نیست. در اواسط ۲۰۰۱ میلادی، یک قرارداد گازی بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت اماراتی کرسنت پترولیوم دویی منعقد شد. مذاکرات اولیه این قرارداد از ۱۹۹۷ آغاز شد و در ۲۰۰۱ منجر به تفاهم مشترک شد. طبق مفاد این قرارداد باید روزانه ۵۰۰ میلیون فوت مکعب از گاز میدان سلمان با لوله‌کشی در خلیج فارس به امارات صادر می‌شد. براساس مذاکرات انجام‌شده، ایران متعهد شده بود گاز ترش و فراوری نشده تولیدی در میدان گازی سلمان را برای ۲۵ سال و از آغاز ۲۰۰۵ به امارات متحده عربی صادر کند. حجم صادرات هم قرار بود از ۵۰۰ میلیون فوت مکعب گاز آغاز شود و به تدریج به ۸۰۰ میلیون فوت مکعب در روز برسد. با گذشت چند سال ناگهان درباره مفاد این قرارداد تشکیک شد و اینچنین، «کرسنت» به‌عنوان یکی از مظاهر فساد در برخی نهادها مطرح شد. درخصوص این قرارداد در رسانه‌های مخالف دولت همواره ابهاماتی مطرح می‌شود، اما در مقابل این ابهامات، پرسش‌های مختلفی نیز مطرح است که منتقدان و مخالفان کرسنت از پاسخ به آنها طفره می‌روند.

۱۰ پرسش از دلواپسان جنگالی‌ترین قرارداد صادرات گاز ایران

کرسنت و حقایقی که مخالفان زنگنه بر زبان نمی‌آورند

اول

فرجام نامه روحانی چه شد؟

بارها از مخالفت و نامه‌نگاری حسن روحانی در زمان دبیری شورای امنیت با رئیس‌جمهور وقت، سیدمحمد خاتمی، توسط مخالفان دولت صحبت شده، اما چرا کسی از فرجام این نامه‌نگاری خبر نمی‌دهد؟ حقیقت این است که حسن روحانی با توجه خبرها و حدس و گمان‌های مختلف و از سر نگرانی، نامه‌ای برای رئیس‌جمهور وقت نوشت و در آن نسبت به قیمت این قرارداد، ابراز تردید کرده بود. نتیجه این شد که هیئتی مرکب از حسن روحانی، وزرای اطلاعات، کشور و خارجه و معاونت حقوقی ریاست جمهوری وقت، تعیین شد و همین هیئت بعد از بررسی‌های موضوع و گرفتن گزارش‌های مختلف از وزارت نفت، حکم به اجرای این قرارداد داد که تنفیذ قرارداد هم پس از این نامه انجام شد. درواقع، اگرچه نگرانی آقای روحانی ابراز و البته برطرف شد، اما قسمت دوم این قضیه را دلواپس‌ها تعریف نمی‌کنند.

دوم

مصوبه شورای اقتصاد کجاست؟

هرچند آنها آدرس مصوبه شورای اقتصاد را می‌دهند، اما جالب است بدانید اصلاً شورای اقتصاد چنین مصوبه‌ای درمورد کرسنت ندارد. موضوعی که با تحریف دلواپس‌ها مورد استناد قرار می‌گیرد، نامه‌ای است که زنگنه برای شورای اقتصاد نوشت و در آن پیشنهاد داد اگر این گاز در داخل مصرف شود، بهتر است. این نامه را زنگنه در اوج مذاکرات کرسنت با طرف خارجی نوشته بود که بر روند مذاکرات تأثیر بگذارد و عنوان کند ما برای این گاز مصارف دیگری هم داریم و هدر رفتن آن مطرح نیست که ارزان به شما بدهیم. درواقع شورای اقتصاد مصوبه‌ای در این مورد نداشته و ندارد و جنگال علیه زنگنه به دلیل نامه‌ای است که خود او نوشته است!

سوم

کدام گاز؟

طبق قرارداد ایران باید از دی ۱۳۸۴ گاز را به کرسنت تحویل می‌داد، اما به دلیل تغییر شرایط قیمتی در بازار، وزارت نفت از اسفند ۱۳۸۳ تقاضای تغییر ساختار قیمت قرارداد را مطرح کرده بود که در متن قرارداد نیز آمده در حین این مذاکرات برای تغییر فرمول قیمت، دولت نیز تغییر می‌کند. مشخص می‌شود در دوران اصلاحات، نفتی‌ها پیگیر تغییر قیمت با توجه به شرایط بازار بودند و روند مذاکره باید دنبال می‌شد تا منافع ملی تأمین شود. درواقع اصلاً گازی تحویل نشده بود و چنین امکانی وجود داشت که تغییر ساختار قیمت را با مذاکره به ثمر رساند، اما دولت تازه به جای ادامه مذاکرات، به حرف و جنگال رئیس وقت دیوان محاسبات تن داد که به غلط گفت: «ما ۲۰ میلیارد دلار در کرسنت ضرر کردیم» و بدین ترتیب، نخستین سنگ‌بنای غلط این ماجرا را گذاشت. امروز باید به این پرسش‌ها پاسخ دهند که:

- * مگر اتفاقی افتاده بود که مذاکرات قطع شد؟
- * قطع کردن مذاکرات به نفع کدام طرف تمام شد؟
- * چرا آنهایی که در ۱۳۸۴ مذاکرات را قطع کردند، در ۱۳۸۷ خودشان به مذاکره آن هم در ساختمان وزارت کشور نشستند؟
- * در این ۳ سال چه چیزی تغییر کرده بود؟
- * چه پارامتری کم یا زیاد شده بود که همان مذاکره اسفند ۱۳۸۳ ادامه پیدا نکرد

چهارم

قیمت گاز قطر

هدف اصلی وزارت نفت، ورود به بازار گاز جنوب خلیج فارس بود. قطر نیز چنین قصدی داشت و از ۲۰۰۶ قراردادی با امارات با قیمت ۱۳۰ سنت به ازای هر میلیون



بعد از نامه شورای عالی امنیت ملی، هیئتی مرکب از حسن روحانی، وزرای اطلاعات، کشور و خارجه و معاونت حقوقی ریاست جمهوری وقت، تعیین شد و همین هیئت بعد از بررسی‌های موضوع و گرفتن گزارش‌های مختلف از وزارت نفت، حکم به اجرای این قرارداد داد که تنفیذ قرارداد هم پس از این نامه انجام شد.



بی‌تی‌یو امضا کرد که با احتساب قیمت حمل و نقل گاز به امارات، خالص دریافتی قطر ۸۰ سنت می‌شد. این دقیقاً همان قیمتی بود که سال بعد ایران با شیخ شارجه امضا کرد. نکته مهم این بود که قراردادهای گاز در آن زمان درازمدت بود و برای دوره‌های ۱۵ سال به بالا تعیین می‌شد، اما با عقد قرارداد کرست، نخستین قدم در تغییر ساختار قرارداد گاز ایران برداشته شد و دوره‌های ۷ ساله جایگزین زمان‌های طولانی شد. این در صورتی بود که تغییر شگرفی در قیمت نفت رخ نمی‌داد، اما با رشد قیمت نفت از اسفند ۱۳۸۳، شرکت نفت بند تغییر ساختار بازار و قیمت را طرح کرد و اگر مذاکرات توسط دولت بعد ادامه پیدا می‌کرد، حتماً به نتیجه می‌رسید و قیمت گاز نسبت به قیمت جهش یافته نفت افزایش می‌یافت.

نکته جالب اینجاست که قطر، سال‌هاست با همان قیمت ایران، گاز را بدون دردسر به امارات صادر می‌کند و ما با اینکه متن قراردادی بهتر و حرفه‌ای‌تر از قطر بسته بودیم، نتوانستیم از این موقعیت برای کسب درآمد و بازار بهره ببریم. نکته جالب‌تری که باید مایه عبرت مخالفان شود، این است که قطر هم‌اکنون گاز را به بازار امارات با ۴ دلار کسر قیمت می‌دهد. قیمت امروز تقریباً ۶ دلار به‌ازای هر میلیون بی‌تی‌یو است و قطر با ۲ دلار به امارات گاز می‌دهد، زیرا بندی که ایران در قراردادش با امارات در تجدیدنظر قیمت گنجانده بود را ندارد و قیمت گاز فقط در دوره‌های زمانی مشخص می‌تواند تغییر کند.

مشتم

کجا ایران برنده شده بود؟

دولت فعلی و وزارت نفت با مسئولیت زنگنه در خصوص کرست مقصر است و ایران با روند قبلی در پرونده موفق بود. چرا مستندات این موضوع فاش نمی‌شود و نمی‌گویند چه زمانی ایران برنده شده بود؟ درحالی که شرکت ملی نفت ایران دقیقاً در دولت قبل محکوم به نقض قرارداد شد و البته هنوز هم دادگاه حکمی در خصوص خسارت نداده است، کجای این وضعیت به معنای برنده شدن در ماجرای دادگاه و داوری است؟

* سؤال مهم‌تر این است که اگر قرار بود روند اثبات فساد در پرونده دنبال شود، چرا این همه تأخیر؟

* چرا در ۲۰۱۰ برای مدت کوتاهی به کرست گاز داده شد؟

* در همان سال اگر مشکل فنی خطلوله ادامه پیدا نمی‌کرد، آیا مسئله این همه بغرنج می‌شد؟

دقیقاً رفتارهای متناقض دولت قبل بود که دادگاه را به این نتیجه رساند که شرکت ملی نفت ایران در نقض قرارداد محکوم است، زیرا از سوی ادعای فساد در عقد قرارداد می‌کردند و از سوی دیگر، گاز به کرست داده می‌شد.

بنجم

ماجرای انحصار چیست؟

در مورد الحاقیه ششم، بسیار بحث می‌شود که چرا شرکت ملی نفت ایران به کرست پترولوم انحصار داده است؟ باتوجه به مصرف پایین شارجه، این انحصار فقط برای شارجه بود. درواقع این شرکت برای خود شیخ شارجه است و انحصار، فقط در همان محیط خودش به کرست داده شده بود و برخلاف گفته دلواپس‌ها، برای کل امارات نبود. تمام تلاش ابوظبی بر این بوده و هست که شیوخ امارات را زیر یوغ انحصار انرژی خود نگه دارد و یکی از سرچشمه‌های برهم خوردن قرارداد کرست، همین رویکرد ابوظبی بود که به آن اشاره می‌شود.

نهم

چرا لندن؟

هرچند در خصوص داور قبلی ایرانی در پرونده، کلی حاشیه ایجاد شده است، اما فقط یک سؤال؛ باتوجه به اینکه قوانین لندن در این موارد نسبت به ایران سختگیرانه‌تر است و چنین امکانی وجود داشت که شهری مثل پاریس به‌عنوان مرجع قوانین داوری انتخاب شود، مسئولان وقت چطور راضی شدند لندن به‌عنوان شهر مرجع برای داوری انتخاب شود؟

در عرف انتخاب داوری در دادگاه لاهه سعی می‌شود از چهره‌های مطرح بین‌المللی استفاده شود و ایران پس از استعفای داور قبلی، داور فعلی را انتخاب کرد که پاکستانی است. لازم به یادآوری است که در چنین مواقعی، نباید دم از ملی‌گرایی و این قبیل شعارها زد. در پرونده ملی شدن صنعت نفت، داور ایران در لاهه، بلژیکی بود که اتفاقاً به نفع ایران رأی داد.

ششم

چرا رقبای مخالف بودند؟

مخالفان و دلواپس‌ها به این نکته اصلاً نمی‌خواهند جواب دهند که قطر، ابوظبی، عربستان و آمریکا از این قرارداد راضی نبودند و بنا به اسناد ویکی‌لیکس، در مذاکرات شیخ ابوظبی با سفیر آمریکا قرار می‌شود هر کاری که می‌توانند برای به هم خوردن این قرارداد انجام دهند. با جاری شدن قرارداد کرست، قطر در بازار امارات رقیب پیدا می‌کرد، انحصار ابوظبی بر شارجه از بین می‌رفت و نفوذ ایران در امارات هم قطعاً باعث خشنودی عربستان و آمریکا نمی‌شد. مشخص نیست چه رابطه‌ای بین مخالفان داخلی کرست و خواست شیوخ و قدرت‌های جهانی در به هم خوردن این قرارداد وجود دارد!

آخر

زنگنه چرا سکوت کرده؟

رقبای دولت و مخالفان بیژن نامدار زنگنه به‌خوبی می‌دانند دلیل سکوت این سال‌های دولت و نفت بر سر چه بوده است. این سکوت به این دلیل بود که کرست با سوءاستفاده از هر حرف و سخنی، آنها را به‌عنوان سند به دادگاه ارائه می‌کند. اما با این حال، وقت ارائه لایحه تمام شده و قرار است دادگاه تا چندی دیگر در این خصوص نظر بدهد.

با چنین وضعیتی، آیا وقت آن فرانسیده است که تمام حقایق کرست آشکار شوند!

هفتم

ایران محکوم شده است؟

آیا ایران در داوری محکوم به پرداخت ۱۴ میلیارد دلار غرامت محکوم شده است؟ خیر. اینها همه ادعای مدیران کرست است. داوری ۲ مرحله دارد؛ نخست اینکه چه کسی موجب نقض قرارداد شده و دیگر اینکه خسارت اجرائشدن قرارداد چقدر است. در مرحله نخست، شرکت ملی نفت ایران به نقض قرارداد متهم شده است. این اتفاق در دولت قبل رخ داده و برخلاف گفته دلواپس‌ها، به این دولت ربطی ندارد.



* چرا آنهایی که در ۱۳۸۴ مذاکرات را قطع کردند، در ۱۳۸۷ خودشان به مذاکره آن هم در ساختمان وزارت کشور نشستند؟

* چرا در ۲۰۱۰ برای مدت کوتاهی به کرست گاز داده شد؟

* در همان سال اگر مشکل فنی خطلوله ادامه پیدا نمی‌کرد، آیا مسئله این همه بغرنج می‌شد؟

امیدوارم با دستیابی به تولید بیشتر از **۵ میلیون بشکه**
آرزوی ۴۰ ساله صنعت نفت در دولت دوازدهم محقق شود

آدم خوب بودن، به معنای مدیر و متخصص بودن **نیست!**

مدیران فعلی کشور به نسل‌های آینده **ظلم** می‌کنند

نفت در خاورمیانه، دیپلماسی بردار نیست!

مدیریت عقلایی؛ حلقه مفقوده توسعه ایران

در میان مدیران اقتصادی دولت‌های گذشته، محسن صفایی‌فراهانی همچنان یکی از موفق‌ترین و خوشنام‌ترین‌هاست. او که تا پیش از حضور محمود احمدی‌نژاد در عرصه قدرت، همواره در تمامی دولت‌ها حضور داشته و کارنامه قابل قبولی نیز از خود بر جای گذاشته است، در گفتگوی اختصاصی با «تازه‌های انرژی»، حلقه مفقوده اقتصاد ایران را مدیریت عقلانی و تخصص‌گرایی می‌داند و می‌گوید: «ناآشنایی بیشتر مدیران با مسائل بین‌المللی، خسارت‌های بزرگی به ایران وارد کرده است. در تصویب الگوی جدید قراردادهای نفتی هم با این مسئله مواجه بودیم، زیرا با تأخیر در تصویب این قراردادها زمان به ضرر ایران به پیش می‌رود.» به اعتقاد قائم‌مقام پیشین وزارت اقتصاد و امور دارایی، وزارت نفت پس از برجام یکی از وزارتخانه‌هایی بود که نشان داد به‌طور نسبی، از توانایی بالایی برخوردار است: «وزارت نفت علاوه بر احیای بازارهای از دست‌رفته با سرعت مناسب، ظرفیت تولید نفت و گاز را هم سامان داد که بتواند به ظرفیت صادراتی بالای ۲ میلیون بشکه در ۶ ماه برسد. در بازارهای بین‌المللی انرژی، چنین انتظاری از صنعت نفت ایران وجود نداشت.»

در حالی که عملکرد وزارت نفت در دولت یازدهم و وعده‌های نفتی در انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم، محورهای اصلی گفتگو با نماینده پیشین تهران و عضو کمیسیون اقتصادی مجلس ششم را تشکیل می‌داد، او با شبیه‌سازی مخالفان قرارداد توسعه فرودگاه امام خمینی^(۱) با مخالفان قراردادهای نفتی، اظهار امیدواری کرد وزارت نفت در دولت دوازدهم، بتواند قراردادهای بالادستی را با جذب سرمایه‌گذاران خارجی، هر چه سریع‌تر به سامان برساند تا با دستیابی به تولید روزانه بیش از ۵ میلیون بشکه نفت، آرزوی ۴۰ ساله در صنعت نفت، در دولت دوم دکتر روحانی به واقعیت تبدیل شود.

چالش‌های توسعه صنعتی و تاریخ درآمدهای نفتی در گفتگوی تفصیلی «تازه‌های انرژی» با مهندس محسن صفایی‌فراهانی

نفت و آرزوهای بر باد رفته

ET در حالی که نوسان درآمدهای نفتی را می‌توان از جمله از عوامل بی‌ثباتی اقتصاد ایران برشمرد، مسئولان اقتصاد دولت یازدهم اعلام کرده‌اند اتکای بودجه به درآمدهای نفتی را از ۴۵ درصد به ۳۰ درصد کاهش داده‌اند. در عین حال، مخالفان دولت نیز معتقدند این وضعیت، ناشی از کاهش اجباری فروش و عواید نفتی بوده و با برنامه‌ریزی صورت نگرفته است. این وضعیت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

نفت تا قبل از ۱۳۵۳، نقش مهمی در اقتصاد ایران نداشت. هر چند درآمدهای حاصل از آن کمکی برای سرمایه‌گذاری‌های دولت‌های وقت محسوب می‌شد، اما تعیین‌کننده نبود. از ۱۳۵۳ به بعد با تغییرات زیادی که قیمت نفت در بازارهای بین‌المللی پیدا کرد، درآمد حدود ۲ تا ۲٫۵ میلیارد دلاری مربوط به سال‌های ۱۳۴۸ و ۱۳۴۹ ایران، ناگهان به ۱۲ میلیارد در ۱۳۵۳ رسید و این موضوع، تحولی بزرگ در نظام اقتصادی و بودجه‌ریزی و شرایط توسعه زیرساخت‌های ایران به وجود آورد.

ET در واقع شتاب توسعه و اتکای بودجه‌های سنوالتی کشور به نفت را مرموز شوک نفتی ۱۳۴۸ می‌دانید؟

اگر به سال‌های دورتر، یعنی ۱۳۲۷ و ۱۳۲۸ که سازمان برنامه در دولت قوام تشکیل شد بازگردیم، آقای ابتهاج با جدیت این مسئله را دنبال می‌کرد که درآمدهای نفت، وارد منابع هزینه دولت نشود و فقط برای هزینه‌های سرمایه‌ای صرف شود، اما با افزایش چشمگیر درآمدهای نفتی در ۱۳۵۳، عملاً بخش زیادی از این منابع به هزینه‌های جاری دولت‌ها اختصاص داده شد.

ET اما با پیروزی انقلاب و در سال‌هایی که کشور درگیر جنگ تحمیلی با عراق بود، کاهش شدید تولید نفت را تجربه کردیم.

پس از پیروزی انقلاب تا ۱۳۶۸، کشور درگیر جنگ و شرایط آن متفاوت بود. دوران پس از جنگ را هم اگر بررسی کنیم شرایط را در حال بهبود نمی‌بینیم. مرکز پژوهش‌های مجلس اخیراً گزارشی منتشر کرده که در آن ۳۰ سال اخیر

را در ۷ دوره ۴ ساله، از ابتدای دولت آقای هاشمی تا دولت یازدهم بررسی کرده و با قیمت پایه ارزی ۲۰۱۰، به جمع‌بندی قابل توجهی رسیده است. در وهله نخست، این نتیجه حاصل شده است که میانگین درآمدهای نفتی از ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۲ به‌طور متوسط سالانه به قیمت ثابت حدود ۲۶ میلیارد دلار بوده است. از ۱۳۸۳ این قیمت ناگهان افزایش پیدا می‌کند و در ۱۳۸۴ به بیش از ۴۱ میلیارد دلار و در ۱۳۸۵ به ۶۰ میلیارد دلار می‌رسد رکورد آن نیز متعلق به ۱۳۹۰ است که به ۱۰۷ میلیارد دلار رسید. قیمت‌هایی که از آن صحبت می‌کنم، به قیمت ثابت است و نه قدر مطلق که در آن صورت، همه آنها بیشتر از رقم‌های فوق خواهند بود. این مسئله نشان می‌دهد که در یک دوره، درآمدهای نفتی به‌صورت افسانه‌ای وارد منابع کشور شد و حجم آن بیش از کشش اقتصاد ایران بوده است.

ET آثار این افزایش درآمدها بر روند توسعه چه بود؟

اتفاقاً تحقیق بعدی مرکز پژوهش‌ها نیز معطوف به بررسی اثر همین درآمدها در توسعه اقتصادی کشور بوده است. در واقع بررسی کرده‌اند که رشد و توسعه به نسبت درآمدهای نفتی، چگونه بوده است. مناسب‌ترین آن مربوط به دوره ریاست‌جمهوری آقای هاشمی بوده که به ازای هر ۴٫۲ میلیارد دلار درآمد نفتی، یک درصد رشد اقتصادی عاید کشور شده است. در دوره اول دولت آقای خاتمی، این رقم به ۴٫۹ میلیارد دلار به‌ازای یک درصد رشد می‌رسد. اما تکان‌دهنده‌ترین عدد در دوره ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۱ بوده که به رقم عجیب ۶۷ میلیارد دلار درآمد برای یک درصد رشد می‌رسد. این مقایسه نشان می‌دهد که منابع کشور چه میزان صرف هزینه‌های جاری و چه میزان برای واردات کالاهای مصرفی هزینه شده است. این در حالی است که کشور برای رفع بیکاری شدیداً به سرمایه‌گذاری نیاز داشت، اما متأسفانه این تحقیق نشان می‌دهد چگونه منابع ملی از بین رفته است.

ET این نسبت در دولت یازدهم چه تغییری یافته است؟

هر چند این رقم در دوره آقای روحانی کاهش پیدا کرده، اما هنوز نتوانسته به رقم‌های گذشته برسد. این نسبت در حال حاضر به ۱۴ میلیارد دلار برای یک



نفت تا قبل از ۱۳۵۳، نقش مهمی در اقتصاد ایران نداشت. هر چند درآمدهای حاصل از آن کمکی برای سرمایه‌گذاری‌های دولت‌های وقت محسوب می‌شد، اما تعیین‌کننده نبود.

درصد رشد اقتصادی رسیده که هنوز هم بالاست. این روند نشان می‌دهد تلاش دولت یازدهم برای ممانعت از رفتارهای قبلی است اما تا رسیدن به شرایط مناسب راهی طولانی در پیش است.

ظلم مدیران فعلی به نسل‌های آینده

ET افزایش هزینه‌های جاری، تشدید بیماری‌های هلدنی و از بین رفتن صنایع داخلی، از جمله آسیب‌های بزرگی بود که در دوران دولت نهم و دهم به اقتصاد ایران وارد شد. با این حساب، بازگشت به رقم ۱۴ میلیارد دلار برای یک درصد رشد اقتصادی، نشان از عملکرد نسبتاً موفق دولت یازدهم ندارد؟

به‌طور قطع و یقین دولت یازدهم در مقایسه با دولت‌های نهم و دهم موفق بوده است. رسیدن به ۱۴ میلیارد دلار برای دستیابی به یک درصد رشد اقتصادی، کار بزرگی است و من مکر این موفقیت نیستیم، اما بررسی‌ها نشان می‌دهد درآمدهای ما بیشتر از توسعه، صرف هزینه‌های جاری شده است. این آفتی است که در یک کشور جهان‌سومی وجود دارد. در حالی که اگر منابع مالیاتی و عوارض در حدی باشد که کفاف هزینه‌های جاری را بدهد، درآمدهای نفتی به‌عنوان یک سرمایه بین‌نسلی باید صرف توسعه زیرساخت‌ها و سرمایه‌گذاری جدید شود. در این صورت است که عایدی کشور و منابعی که می‌توانست به توسعه کشور کمک کند، مضاعف می‌شد. در واقع مدیران فعلی کشور به نسل‌های آینده ظلم می‌کنند و منابعی که باید برای آنها سرمایه‌گذاری شود را در این شرایط صرف هزینه‌های جاری کشور می‌کنند.

ET برخی منتقدان دولت می‌گویند رشد اقتصادی بالای ۸ درصدی سال گذشته که از سوی دولت اعلام شده، مقطعی و فقط به دلیل جهش در فروش نفت خام است. نظر شما در این خصوص چیست؟

براساس اعلام مراجع رسمی، رشد سال قبل ۸٫۹ درصد بوده است. در پاسخ به این مورد باید گفت در تمام سال‌های بعد از انقلاب که کشور رشد

اقتصادی داشته، نفت یکی از عوامل تعیین‌کننده بوده است، بنابراین چنین موضوعی فقط مربوط به این دوره خاص نیست. ضمن اینکه باید توجه داشت شرایط لازم برای صادرات بیشتر نفت را چه دولتی توانست فراهم کند؟ در ۱۳۹۳ صادرات نفت به دلیل تحریم به زیر یک میلیون بشکه رسید و قیمت آن نیز شدیداً کاهش پیدا کرد، در حالی که این دولت تلاش کرد و شرایطی را به‌وجود آورد که صادرات بار دیگر به ۲٫۵ میلیون بشکه در روز نزدیک شود که حاکی از موفقیت این دولت است.

ET در واقع این انتقاد را وارد نمی‌دانید؟

نمی‌توان و نباید گفت که چرا دولت این کار را انجام داده است، زیرا اصلاح این روند، وظیفه دولت بوده است. ایران قبل از ۱۳۸۹ صادراتی بیش از ۲٫۵ میلیون بشکه داشت که بعد از آن به زیر یک میلیون بشکه رسید. دولت یازدهم تلاش کرد و وضعیتی را با برجام به‌وجود آورد که فروش نفت افزایش پیدا کند.

ET اما به‌رحال این انتقاد وارد است که وضعیت توسعه و رشد اقتصادی سالانه کشور، همچنان به میزان تولید و بهای فروش نفت خام بستگی دارد.

بخش عمده‌ای از رشد اقتصادی ایران در سال‌های پس از انقلاب که متأسفانه نوسانات بسیاری نیز داشته، همواره مربوط به شرایط بازارهای بین‌المللی نفت بوده است. این یک واقعیت است که ایران هنوز هم صنعتی نشده است. در حالی که تولید ناخالص داخلی ایران حدود ۵۰۰ میلیارد دلار است، کل صادرات صنعتی و غیر نفتی کشور، اگر محصولات پتروشیمی و میعانات گازی که در واقع محصولات نفتی هستند را از آن کسر کنیم، به زیر ۲۰ میلیارد دلار در سال می‌رسد.

نامد بران و چرخه معیوب توسعه نیافتگی

ET اما به‌رحال در تمام دولت‌های بعد از انقلاب، همواره مطرح شده است



براساس اعلام مرکز پژوهش‌های مجلس، مناسب‌ترین بهره‌برداری از درآمدهای نفتی مربوط به دوره ریاست جمهوری آقای هاشمی بوده که به ازای هر ۴٫۲ میلیارد دلار درآمد نفتی، یک درصد رشد اقتصادی عاید کشور شده است.

در دوره اول دولت آقای خاتمی، این رقم به ۴٫۹ میلیارد دلار می‌رسد.

تکان‌دهنده‌ترین عدد در دوره ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۱ بوده که به رقم عجیب ۶۷ میلیارد دلار می‌رسد.

در دولت یازدهم این رقم به ۱۴ میلیارد دلار رسیده است.

ناشی از رخدادهای یک دوره طولانی مدت است. نزدیک به ۴۰ سال است که براساس سیاست‌گذاری‌های نامناسب، شرایط موجود به کشور تحمیل شده است و نفت، همواره شکاف‌ها را پر کرده و هرگاه هم درآمدهای نفتی کاهش یافته، این شکاف‌ها عمیق‌تر شده است.

ET یعنی با شرایط موجود، این چرخه معیوب، همواره تکرار خواهد شد؟ متأسفانه تعیین‌کنندگی نفت در روند توسعه، همواره باقی خواهد ماند، مگر اینکه به سمتی برویم تا درآمدهای نفتی از سید هزینه‌های جاری دولت خارج شود و صرفاً آن را در سید هزینه‌های توسعه‌های ببینیم. اگر این اتفاق رخ دهد، یعنی مدیریت عقلایی شده است. در آن صورت خاطر جمع باشید که صادرات صنعتی ما جایگاه ویژه‌ای در منطقه و جهان پیدا خواهد کرد و حتی می‌تواند جایگزین درآمدهای نفت نیز شود.

استراتژی توسعه نداریم!

ET با توجه به شرایط اقتصادی و سیاسی کشور، به نظر شما این اصلاحات چه زمانی محقق می‌شود و می‌توان نفت را از سید هزینه‌های جاری خارج کرد؟

با توجه به روند موجود، اصلاً مشخص نیست. هنوز در سیاست‌های جاری کشور برای تعامل با دنیا، حضور در زنجیره‌های تولید جهانی و کسب بازارهای مطمئن، هیچ حرکت هماهنگ و یکپارچه‌ای که برآیند مطلوبی داشته باشد، شروع نشده است. عمده صادرات ایران به چند کشور عراق، افغانستان، بخشی از حوزه خلیج فارس، چین و هند محدود می‌شود. یعنی هنوز نتوانسته‌ایم کالای مطلوبی تولید کنیم که در اروپا، خریدار دائمی داشته باشد. این موارد، ضعف‌های بزرگی هستند که در کشور وجود دارند.

ET اصلی‌ترین عوامل این ضعف‌ها را چه می‌دانید؟

بدون تعارف باید گفت که عامل اصلی، فقدان استراتژی اقتصادی میان مدت و بلندمدت است. کشوری که برای خود استراتژی اقتصادی تعیین نکرده ا

که صدها میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و توسعه صنایع صورت گرفته است. این چرخه معیوب توسعه نیافتگی چه زمانی اصلاح می‌شود و آیا می‌توان به بهبود آن امیدوار بود؟

برای بهره‌برداری مناسب از سرمایه‌گذاری هنگفتی که در صنعت انجام شده است، نیاز به روابط خوب بین‌المللی، مدیریت مطلوب، فناوری روزآمد، قیمت تمام‌شده رقابتی و بازارمحور است که البته راه بسیار سخت و ناهمواری در پیش رو داریم.

ET در واقع با وجود سرمایه‌گذاری هنگفت، ناتوان از بهره‌برداری مناسب هستیم.

بنابر گزارش رسمی بانک مرکزی، از ابتدای انقلاب تاکنون بیش از ۱۳۵۰ میلیارد دلار فروش نفت خام داشته‌ایم. اگر با رعایت مواردی که به آن اشاره کردم همه این درآمدها به سرمایه‌گذاری صنعتی تبدیل شده بود، شاید امروز ایران به یکی از کشورهای پرتوان صنعتی منطقه و جهان تبدیل شده بود. ترکیه با کمتر از ۵۰ درصد سرمایه‌گذاری صنعتی ما، صادرات صنعتی‌اش چندین برابر ایران است. بنابراین متأسفانه نتوانسته‌ایم از ماشین‌آلات انبوه خریداری شده به دلیل سوء مدیریت و فقدان بینش صحیح، استفاده مطلوب را ببریم.

ET در واقع علت توسعه نیافتگی را ضعف مدیریت کلان کشور می‌دانید؟ بله این ضعف هم عمدتاً به نظام مدیریتی کشور باز می‌گردد که نظم و پیوستگی سیاست‌گذاری ندارد. نظام مدیریت کشور در تعامل با دنیا، پذیرش و تبادل فناوری و ایجاد بازارهای صنعتی برای کشور در سال‌های گذشته عملکرد خوبی نداشته است. این یک واقعیت تلخ است که در اقتصاد ایران باید به آن توجه ویژه کرد.

ET این مسئله صرفاً به دولت‌ها مربوط می‌شود یا تمام حاکمیت که دولت بخشی از آن به‌شمار می‌رود باید درگیر چنین موضوعی شود؟ این مسئله را نمی‌توان صرفاً به گردن یک دولت انداخت، زیرا چنین وضعیتی



نزدیک به ۴۰ سال است که براساس سیاست‌گذاری‌های نامناسب، شرایط موجود به کشور تحمیل شده است و نفت، همواره شکاف‌ها را پر کرده و هرگاه هم درآمدهای نفتی کاهش یافته، این شکاف‌ها عمیق‌تر شده است.

نظام مدیریت کشور در تعامل با دنیا، پذیرش و تبادل فناوری و ایجاد بازارهای صنعتی برای کشور در سال‌های گذشته عملکرد خوبی نداشته است.

این یک واقعیت تلخ است که در اقتصاد ایران باید به آن توجه ویژه کرد.





مخالفت‌های اخیر با قرارداد توتال، شبیه مخالفت‌ها با توسعه فرودگاه امام خمینی (ع) است که با مخالفت شدید مجلس هفتم مواجه شد و حتی وزیر وقت راه و ترابری را نیز استیضاح کردند. امروز می‌بینید که دولت آقای خاتمی تمام شد، دولت‌های نهم و دهم و یازدهم هم به اتمام رسیدند و منتظر رأی اعتماد کابینه دولت دوازدهم هستیم، اما توسعه فرودگاه امام هنوز عملی نشده است.

نقشه راه برای برون‌رفت از این نابسامانی شدید. ۵ برنامه بعد از انقلاب حدود ۵۰۰ هزار میلیارد تومان پروژه نیمه‌کاره روی دست کشور و مردم گذاشته است. آیا عمق این درد برای کسی مشخص است؟

ET برخی نظریه پردازان معتقدند در کشورهایی که منابع طبیعی سرشاری دارند، تحت تأثیر هیجان ناشی از افزایش ناگهانی درآمدها و نفرین منابع، برنامه‌هایی نوشته می‌شود که اغلب بلندپروازانه و غیرقابل تحقق است. به نظر شما در برنامه‌ریزی‌های ایران هم این مسئله تأثیرگذار بوده است؟

خیر. من تصور می‌کنم کشورهایی که مدیریت غیرعقلانی و ناکارآمد بر آنها حاکم است، دچار چنین مسائلی می‌شوند. برای مثال، نروژ درآمد نفتی بسیار بالایی دارد که بیش از سایر درآمدهای این کشور است، اما با چنین مشکلاتی روبه‌رو نمی‌شود. در حال حاضر آمریکا بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت جهان است. آیا به دلیل اینکه بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت جهان است، چنین مشکلاتی را در اقتصاد این کشور می‌بینید؟ بنابراین چنین مسائلی به عقلانیت و توانایی مدیریت در کشورها بازمی‌گردد که چگونه از منابع خود، بهترین بهره را می‌برند و برنامه‌ریزی بلندمدت و میان‌مدت انجام می‌دهند. آنها با ایجاد فضای رقابتی سالم و فرصت‌های یکسان برای فعالان اقتصادی و کارآفرینان در کنار سیاست‌های توزیعی بهینه، جلو بزرگ شدن دولت را گرفته و امکان رشد و توسعه برای کشور را فراهم می‌آورند.

شعار، شعار و باز هم شعار

ET آقای مهندس! یکی از انتقادهای مهم به دولت یازدهم در جریان رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم، تلاش برای افزایش خام‌فروشی نفت بود. حتی از سوی برخی از کاندیداها راه‌حل‌هایی مانند توسعه صنایع پتروشیمی در استان‌ها هم مطرح شد. شما این انتقاد را چقدر صحیح می‌دانید و برای کاهش خام‌فروشی، چه پیشنهادهایی ارائه می‌دهید؟

افرادی که شما به آنها اشاره کردید، ابتدا باید بگویند که ایجاد پتروشیمی در هر استان براساس کدام مطالعات آمایش سرزمینی پیشنهاد شده است؟ محل تولید خوراک پتروشیمی‌ها، پالایشگاه‌ها و مناطق نفت‌خیز ایران است و محصولات پتروشیمی هم عمدتاً باید محصولات صادراتی باشد که دسترسی به بنادر از پارامترهای اصلی تعیین‌کننده محل تولید است. واحدهای پتروشیمی باید در نزدیک محل تولید و تأمین خوراک ایجاد شود و امکان صادرات آن را هم در نظر بگیرند. اگر زنجیره محصولات پتروشیمی را در ایران به‌صورت کامل ببینید، این صنعت می‌تواند در جهان نقش تعیین‌کننده‌ای در این زمینه برای ایران بازی کند. اما اینکه خام‌فروشی این دولت را مینا بگیریم، متأسفانه پیش از آنکه بحث منطقی باشد، بحثی سیاسی است. اگر سخنرانی‌های ابتدای انقلاب را هم از آرشیوها بیرون بکشید، می‌بینید که این بحث از ۱۳۵۷ به‌طور جدی در سخنرانی‌ها مطرح بوده و گفته می‌شد رژیم شاه، فقط خام‌فروشی می‌کند و اگر حاکمیت به دست ما بیفتد، خام‌فروشی را تعطیل خواهیم کرد! در این ۴ دهه که حاکمیت دست ما افتاد، آیا خام‌فروشی نکردیم؟ آن سالی که خام‌فروشی اتفاق نیفتاده چه زمانی بوده است؟ ما در ۳۸ سال گذشته هرچه توانستیم تولید کنیم، سعی کرده‌ایم صادر کنیم. چه زمانی بوده که تولید را مهار کرده و آن را صادر نکرده‌ایم؟ اگر در دوره‌های این اتفاق رخ داده است، آنگاه می‌توانیم از دولت روحانی نیز ایراد بگیریم که چرا تولید را مهار نکرده‌اید و جلو صادرات نفت خام را نگرفته‌اید. در حال حاضر هم اگر بتوانند میزان تولید نفت را به ۵ میلیون بشکه برسانند باز هم فشار می‌آورند که بیشتر صادر شود. بنابراین این سخنان چیزی بیش از شعار نیست.

ET حالا که امکان تولید محصولات میانی و نهایی با ارزش افزوده بالاتر

را نداریم، آیا اینکه بتوانیم نفت خام بیشتری بفروشیم، لزوماً راه‌کار نامناسبی است؟ اگر افزایش فروش نفت خام با درآمدهای بیشتر برای سرعت بخشیدن به زیرساخت‌های مورد نیاز توسعه صنعتی همراه باشد، باز هم از نظر اقتصادی توجیه ندارد؟

همه اینها بستگی به این دارد که کشور، منابع حاصل از صادرات نفت خود را صرف سرمایه‌گذاری بهینه کند یا خیر! اگرچه بعد از انقلاب در برخی دوره‌ها با منابع ارزی حاصل از نفت، سرمایه‌گذاری‌های صنعتی انجام شده است، اما بسیاری از آنها فاقد توجیه اقتصادی بوده و عمدتاً به دلیل اختلاف قیمت ارز، فقط صرف خرید ماشین‌آلات بسیاری شده است. در بعضی از صنایع، حتی بیش از نیاز منطقه در ایران سرمایه‌گذاری شده که برای آنها هیچ بازاری هم متصور نیست.

ET چه صنایعی؟

سیمان، کاشی سرامیک، ماکارونی، فرش ماشینی و بسیاری از موارد دیگر. این روش سرمایه‌گذاری نه به روند کنونی توسعه کمکی می‌کند و نه برای نسل‌های آینده. در دوره آقای احمدی‌نژاد هم عمدتاً منابع صرف هزینه‌های جاری شد. اینکه چگونه از منابع حاصل صادرات نفت خام استفاده کنیم و سرمایه‌گذاری مناسب انجام شود، باید مورد توجه از کان حاکمیت باشد. در صورت سیاست‌گذاری منطقی و عقلانی و استفاده از شرکای خارجی با نگاه به منافع ملی، مسلماً فروش نفت خام و حتی افزایش آن توجیه اقتصادی خواهد داشت.

نابودی سرمایه‌های ملی

ET معضل دیگر در حوزه صنعت نفت، واگذاری‌های غیراصولی و خصولتی‌شدن بسیاری از شرکت‌های دولتی و به‌ویژه واحدهای پتروشیمی به بهانه اجرایی‌شدن اصل ۴۴ قانون اساسی و توسعه خصوصی‌سازی است. این روند چه تبعاتی برای اقتصاد داشته است؟ از جمله نامناسب‌ترین و بدترین اقدام‌های صورت گرفته، این بود که شرکت‌های تخصصی را به جاهایی واگذار کردند که توانایی مدیریتی و پتانسیل لازم را برای اداره مطلوب آنها نداشتند. یکی از دلایلی که واگذاری‌ها در ایران نتیجه مطلوب نداشته و عملاً موجب شده نتوانیم از آنها بهره‌برداری مناسب داشته باشیم، این است که این واحدها را در اختیار ارگان‌هایی قرار داده‌اند که بستر لازم مدیریتی برای اداره آن صنایع را ندارند. این یک واقعیت است که بهره‌برداری مطلوب از واحد صنعتی، بستر و دانش مناسب را هم لازم دارد. اگر ندانید چه مدیرانی با چه کیفیتی را باید برای اداره آنها انتخاب کنید و از آن مدیران، چه مطالباتی داشته باشید یا برای توسعه آن چه فکری باید کرد و برای ادامه و تکمیل زنجیره فرایندی آن واحد تولیدی چه مسیری باید طی شود، با این واگذاری‌ها عملاً آن بخش از صنعت را از بین برده‌اید. امروز هیچ دولت عقلانی در دنیا چنین کاری انجام نمی‌دهد.

به چه دلیل ما باید پتروشیمی را که یک صنعت روز دنیاست و برنامه‌ریزی تولید و توسعه و بازاریابی آن نیاز به تخصص بالایی دارد، به ارگانی بدهیم که هیچ شناختی از آن ندارد و مثلاً بابت مطالبات به فلان صندوق بازنشستگی واگذار کنیم؟ چرا باید چنین کاری انجام دهیم؟ آنها چه پتانسیلی در این زمینه دارند؟ آیا این اقدامات جز این است که منابع کشور را حس کرده یا آن را از بین برده‌ایم؟ آنها تا بخواهند متخصص شوند و دانش لازم را پیدا کنند، کشور زمانی طولانی را از دست داده است. بنابراین اگر قرار است چنین صنایعی واگذار شوند، باید به بخش‌هایی واگذار شوند که دارای پتانسیل لازم برای ایجاد تحول در آن باشند. اگر پایه‌های اولیه را نداشته باشند، سرمایه کشور را دور ریخته‌اند. درواقع یک سرمایه‌گذاری مطلوب را در اختیار افرادی می‌گذارید که شاید آدم‌های بسیار خوبی باشند، اما مدیر و متخصص نیستند.

ET اما آقای مهندس، در همین دولت نیز بسیاری از مدیران را می‌توان نام

برمی‌آید؟ بدیهی است مادامی که این وضعیت ادامه داشته باشد، شرایط به ضرر اقتصاد ایران به پیش خواهد رفت چون بخش خصوصی امکان رشد پیدا نمی‌کند.

ET پیشنهاد شما در این خصوص چیست؟

شرکت‌های وابسته به نهادهای قدرتمند باید مجبور شوند مانند بخش خصوصی در یک چارچوب قانونی و شفاف و رقابتی وارد بازار شوند. باید آنها هم در قالب قانون تجارت، بدون هیچ‌گونه رانت و حمایت حکومتی کار کنند. تا زمانی که این اتفاق نیفتد، آنها سکان اقتصاد کشور را در دست خواهند داشت. آنهایی که دولت، قانون و مقررات، ضوابط اجرایی و هیچ مکانیزم دیگری را قبول ندارند، بدیهی است نمی‌توانند کمکی به اقتصاد ملی داشته باشند. تا زمانی که این معضل بزرگ حل نشود، نه دولت روحانی و نه هیچ دولت دیگری قادر نخواهد بود تحولی چشمگیر در اقتصاد کشور ایجاد کند. اگر توقع داریم دولت بتواند این اقتصاد لجام‌گسیخته را واقعاً سروسامان دهد، باید برای مهار این نهادها چاره‌اندیشی قانونی و اساسی کند که البته این کار بزرگ، با عزم ملی صورت خواهد گرفت.

شباهت مخالفت با قراردادهای نفتی با توقف توسعه فرودگاه امام (ع)

ET در حالی که ضرورت‌های حضور در بازارهای رقابتی و بین‌المللی، همکاری با شرکای اروپایی و جذب سرمایه‌گذاران خارجی اشاره می‌فرمایید که برخی از اجزای حاکمیت از جمله نمایندگان مجلس و افراد شاخص جبهه اصولگرایان، مخالفت‌های سرسختانه‌ای با حضور سرمایه‌گذاران خارجی، خصوصاً در صنعت نفت دارند. پیروزی دوباره دکتر روحانی چه آثار و پیامی می‌تواند برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، به ویژه در حوزه انرژی داشته باشد؟

این یک واقعیت است که فعالیت‌های اقتصادی در دولت یازدهم وارد مسیر جدیدی شد. در درجه اول، نظم و انضباط مالی برقرار شد و تلاش شد نوسانات قیمت ارز کاهش یابد و به ثبات برسد تا سرمایه‌گذاران دچار سردرگمی نشوند. مجموعه دولت سعی کرد ایران‌هراسی را از بین ببرد و تعامل با دنیا شروع شد. هرچند در این زمینه تحرک زیادی به دلیل دیگر مشکلات داخلی رخ نداد، اما دولت روحانی تلاش کرد دیپلماسی فعال را جایگزین هر نوع تنش کند و این روند برای سرمایه‌گذاران، چشم‌انداز روشنی ترسیم کرد. امروز همکاری صنعتی با اروپا دیگر دشوار نیست. هرچند با امریکا هیچ‌گونه ارتباطی نداریم، اما نگرانی‌هایی درباره ارتباط با اروپا وجود داشت که خصوصاً با عقد قرارداد اخیر حضور توتال در فاز ۱۱ پارس جنوبی، در حال از بین رفتن است. همچنین صنایع، بانک‌ها و کارشناسان اروپایی تمایل بیشتری برای همکاری با سرمایه‌داران و فعالان اقتصادی ایرانی پیدا کرده‌اند. اینها نکته‌های مثبتی هستند که موجب می‌شود با تداوم رویکرد دولت روحانی در ۴ سال بعد، چشم‌انداز روشن‌تری وجود داشته باشد.

ET قراردادهای نفتی از چالش‌برانگیزترین مسائل دولت گذشته بود و هنوز مناقشات مخالفان با الگوی جدیدی این قراردادها ادامه دارد. حتی یکی از نمایندگان اصولگرا درباره تأخیر در تصویب این الگوها گفته بود که اگر ۴۰ سال هم طول بکشد، کشور را نمی‌فروشیم. این نشیب و فرازا در جذب سرمایه‌گذاران خارجی، منفعتی هم برای کشور دارد؟

متأسفانه بسیاری از نیروها در کشور ما بدون اینکه با مسائل و قراردادهای بین‌المللی، اندکی آشنایی داشته باشند به مسائلی ورود می‌کنند که جز ضرر، نتیجه دیگری برای کشور ندارد. اگر دقت کرده باشید در اواخر دولت خاتمی با یک شرکت ترکیه‌ای توافقی صورت گرفته بود که فاز ۲ فرودگاه امام خمینی (ع) را در ۴ سال اجرا کند، هیچ پولی از ایران نگیرد و بازپرداخت هزینه‌ها هم صرفاً از درآمد فرودگاه باشد. همان زمان مجلس هفتم شدیداً

برد که اعتقادی به واگذاری و کوچک‌شدن دولت ندارند یا در بهترین حالت، با حصولتی کردن روند واگذاری‌ها، تلاش می‌کنند کنترل خود بر این شرکت‌ها ادامه دهند. نظر شما چیست؟

در مجموع با واگذاری‌های دولتی، بسیار موافق هستیم. هرچند اعتقاد دارم دولت بهره‌بردار خوبی نیست، اما واگذاری‌ها باید به‌نحوی باشد که به توانمندی و بهره‌وری بیشتری ختم شود، نه اینکه از دولت بدهند به نهادهایی که از دولت ضعیف‌تر هستند. اگر قرار است کشور به توانمندی برسد و به تولید ناخالص داخلی بالای هزار میلیارد دلار دست پیدا کنیم، باید عاقلانه رفتار کرد. برای رسیدن به این توانمندی، هر سرمایه‌گذار خارجی هم که آمد و توانست این شرکت‌ها را به‌درستی بگرداند و به‌نحو مطلوب اداره کند، باید واگذاری را انجام دهیم و حتماً نباید به داخلی‌ها واگذار کنیم.

در فضای رقابتی حضور یابند و شفاف‌سازی کنند

ET اما به‌رحال می‌تواند از اختیارات حاکمیتی و نظارتی خود استفاده کند یا خیر؟

دولت مسئول خصوصی‌شده‌ها نیست. آنهایی مسئول هستند که این دارایی را با فشار از دولت گرفته و به نهادهایی داده‌اند که مطلقاً صلاحیت این کار را نداشته و ندارند. امروز دولت پالایشگاه یا پتروشیمی زیادی ندارد که مایل به تصدی‌گری باشد، ضمن اینکه عمده حصولتی‌ها اصلاً حرف دولت را گوش نمی‌دهند که دولت بخواهد از این طریق در اداره آنها حضور داشته باشد.

ET در کنار مسائلی که به‌عنوان موانع توسعه به آنها اشاره داشتید، می‌توان از فساد اداری و اقتصادی نیز به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین گلوگاه‌های توسعه نام برد. هرچند دولت‌های پس از انقلاب شعارهای بلندوبالایی در خصوص مبارزه با فساد داده‌اند، اما بررسی شرایط کنونی حکایت از ناکامی بسیار در این زمینه دارد و اغلب هم دلیل این ناکامی را محدودیت‌های دولت منتخب می‌دانند. پیشنهاد شما برای کاهش فساد، خصوصاً در صنعت نفت و دولت دوازدهم چیست؟

اگر به سمت شفافیت پیش برویم، می‌توانیم از فساد جلوگیری کنیم. یکی از دلایل فساد گسترده در ایران، حجم بالای اقتصاد در سیستم دولتی و نهادهای حکومتی است. این حجم متأسفانه آن قدر زیاد است که سایر بخش‌های اقتصادی ایران را تحت تأثیر خود قرار داده است. این حجم در حال حاضر به بیش از ۸۰ درصد رسیده که بسیار نگران‌کننده است. زمانی که تمام این سهم در اختیار دولت بود، به‌دلیل مکانیزم‌های کنترلی و حسابرسی وضعیت بهتر بود، اما در حال حاضر نزدیک به ۴۵ درصد این منابع در اختیار ارگان‌هایی قرار گرفته که در آنها متأسفانه نه توان مدیریتی مطلوبی وجود دارد و نه کنترل‌های لازم بر آنها اعمال می‌شود. مهم‌ترین دلیل بستر فساد در ۱۰ سال گذشته که به‌نحو سازمان‌یافته‌ای نیز گسترش یافته و قبح آن در جامعه از بین رفته، نهادهایی هستند که هر روز یک فساد بزرگ در آنها مطرح می‌شود و این برای کشور بسیار نگران‌کننده است.

ET اما آقای رئیسی در جریان انتخابات گفت این نهادها مانند آستان قدس، در واقع کمک حال دولت هستند و به محرومان کمک می‌کنند.

هیچ فردی منکر این قضیه نیست، اما اگر می‌خواهند کمک کنند باید در چارچوب قانون قرار بگیرند. باید رقابت را بپذیرند، در شرایط برابر با بقیه از فرصت‌ها بهره ببرند و در فضای اقتصادی کشور به صورت شفاف حرکت کنند. آنها هم باید ترازنامه فعالیت‌های اقتصادی خود را به‌درستی ارائه کنند، حسابرسی شوند و مالیات پرداخت کنند. از هیچ رانت حکومتی استفاده نکنند و اگر سودی دارند، آن را صرف کار خیر کنند. امروز آن ۴۵ درصدی که ذکر کردم، هم از رانت استفاده می‌کنند و هم از قدرت حکومت. بدیهی است هیچ‌کس نمی‌تواند با آنها مقابله کند. کدام شرکت خصوصی از پس رقابت با یک شرکت وابسته به نهادهایی که قدرت امنیتی، رسانه‌ای و مالی دارند،



باید رقابت را بپذیرند، در شرایط برابر با بقیه از فرصت‌ها بهره ببرند و در فضای اقتصادی کشور به صورت شفاف حرکت کنند. آنها هم باید ترازنامه فعالیت‌های اقتصادی خود را به‌درستی ارائه کنند، حسابرسی شوند و مالیات پرداخت کنند. از هیچ رانت حکومتی استفاده نکنند و اگر سودی دارند، آن را صرف کار خیر کنند.

با این مسئله مخالفت کرد و جلو این کار را گرفت و حتی وزیر وقت راه و ترابری، مهندس خرم، را نیز استیضاح کردند. امروز می بینید که دولت آقای خاتمی تمام شد، دولت‌های نهم و دهم و یازدهم هم به اتمام رسیدند و منتظر رأی اعتماد کابینه دولت دوازدهم هستیم، اما توسعه فرودگاه امام^(۵) هنوز عملی نشده است.

ET اما به هر حال در میان مخالفان، افرادی دیده می‌شوند که سال‌ها سابقه اجرایی در سطوح ارشد دولت و حتی حضور در مجلس را هم دارند و قاعدتاً با چنین مسائلی باید آشنا باشند. دلیل اصلی این مخالفت‌ها را در چه می‌دانید؟

معتمد این مسائل به دلیل ناآشنایی و ندانندگی‌هایی است که ریشه در جای دیگر دارد. نظر شخصی من این است که ریشه این برخوردها در نظارت استصوابی است که موجب می‌شود کشور ما عمدتاً به جای اینکه بتواند از نیروهای توانمند و متخصص استفاده کند، به سراغ نیروهای درجه ۳ و ۴ می‌رود. بدیهی است سطح توان و دانش آنها هم متناسب اداره کشور نیست. به هر حال، ناآشنایی این افراد با مسائل بین‌المللی و قراردادی، خسارت‌های بزرگی را به ایران وارد کرده و می‌کند. امیدوارم دولت بتواند در این دوره با وجود مجلسی که با آن تفاهم دارد، از این مرحله عبور کند و کشور بتواند برای بخش‌های بالادستی نفت به سرعت سرمایه‌گذار جذب کند تا تولید روزانه به بالای ۵ میلیون بشکه برسد. این واقعا توفیقی برای صنعت نفت ایران است که بعد از ۴۰ سال، بتواند تولید خود را به بالای ۵ میلیون بشکه در روز برساند.

ET این مخالفت‌ها در حالی تداوم دارند که عقب‌ماندگی‌های ما در برداشت از میدان‌های مشترک نفت و گاز، علاوه بر موافقان دولت، از سوی گروه دیگری از همین مخالفان، مطرح می‌شود! میدان‌های مشترک نفت و گاز، بدون هیچ‌گونه تعللی باید در اولویت قرار گیرند، ویرا وقتی ایران برداشت نکند، طرف مقابل برداشت می‌کند. میدان مشترک، موجود و موجودیتی نیست که بین آن دیوار کشید و بگوییم اجازه نمی‌دهیم برداشت کنید. چون طرف مقابل با سرعت بالا برداشت می‌کند، ما هم باید این کار را در اولویت قرار بدهیم.

تقابل نفت و دیپلماسی در خاورمیانه

ET البته آقای میرسلیم اعتقاد داشتند دیپلماسی فعال، یعنی اینکه بتوانیم با کشورهایی که میدان مشترک با آنها داریم، برای برداشت از میدان به توافق برسیم.

نفت در خاورمیانه، خیلی دیپلماسی بردار نیست. اگر مخزن مشترکی وجود داشته باشد که مثال بارز آن، پارس جنوبی است، مگر می‌شود جلوی این برداشت‌ها را گرفت که اتفاقاً هر روز هم بیشتر می‌شود؟ تمام این سال‌هایی که قطر در پارس جنوبی بیش از ایران از میدان مشترک برداشت کرد، مگر امکان پذیر بود که با دیپلماسی از آنها درخواست کنیم برداشت نکنند؟

ET در واقع شما هم معتقد به تجهیز صنعت نفت و ضرورت برداشت بیشتر از میدان مشترک هستید؟

بله. با جذب سرمایه و دستیابی به فناوری روزآمد و البته مدیریت بهره‌ور، ما هم باید بتوانیم به اندازه آنها برداشت کنیم. ضمن اینکه آنها شرایط مناسب‌تری از ما دارند، زیرا می‌توانند به‌دور از هیاهوهای داخلی، امتیازهای بیشتری به صاحبان سرمایه و فناوری بدهند و طبیعی است برداشت‌های بیشتر و سریع‌تری نیز انجام می‌دهند. ما نباید این فرصت‌ها را از دست بدهیم. کسانی که چنین سخنانی می‌گویند، به نظر من توجهی به اصل موضوع ندارند.

ET فارغ از دولت‌های مستقر و وزرای نفت، در واگذاری و انجام پروژه‌های نفتی، مسائلی همچون فناوری روزآمد و استفاده از حداکثر توان

داخلی و به‌کارگیری پیمانکاران داخلی همواره جزو چالش‌های این پروژه‌ها بوده است. دیدگاه شما از رویکرد مناسب وزارت نفت با بخش خصوصی و به‌ویژه پیمانکاران، چیست و چه مواردی در فرایند همکاری آنها با دولت یا شرکت‌های خارجی باید لحاظ شود؟

این یک واقعیت است که در ۲۵ سال اخیر، پتانسیل مناسبی برای اجرای بخشی از پروژه‌های پایین دست صنعت نفت در کشور ایجاد شده، اما در بخش بالادست شاید به این میزان توانایی نرسیده‌ایم. همچنان که روسیه نیز بعد از سال‌ها فعالیت در صنایع نفت و گاز، در مقایسه با شرکت‌های پیشرو غربی، توان فناوری و مهندسی پایین‌تری در بخش بالادستی دارد. یعنی آن فناوری که در اختیار برخی از کشورهای غربی است در بسیاری از کشورها وجود ندارد. برای اینکه به راندمان بهینه و بهره‌برداری صیانتی از مخازن نفت و گاز برسیم، باید از مخازن خود به‌تحو مطلوبی استفاده کنیم. نباید عوام‌زدگی را وارد مباحث بحث صنعتی و تخصصی کنیم، زیرا این بحث‌ها سلیقه‌ای نیست. صنعت نفت به اجبار باید به سراغ صاحبان فناوری‌های برتر برود تا بتواند به نتایج مطلوب برسد. اگر در ایران شرکت‌هایی وجود دارند که دارای این توانایی هستند، طبیعی است که در قیمت رقابتی اولویت با آنهاست، اما اگر چنین پتانسیلی ندارند، نباید معطل شویم. اینکه بگوییم باید از تهران تا بندرعباس برویم، اما ترجیح می‌دهیم به جای سوار شدن به هواپیما با گاری برویم، به نظر من عاقلانه و منطقی نیست. در این دوره و زمانه اگر امکان سوار هواپیما شدن وجود داشته باشد، اینکه بگوییم می‌خواهیم در همه موارد خودکفا شویم، با گاری مسافرت کنیم و کار یک‌ساعته را در چند ماه انجام دهیم، عقلانی نیست.

فرصت‌هایی که نباید از دست بروند

ET اما شاهدیم که همچنان بسیاری از منتقدان قراردادهای نفتی، از جمله فرمانده قرارگاه خاتم‌الانبیا^(ع) بر این موضوع تأکید دارند که با اتکا به توان داخلی، نیازی به حضور شرکت‌های خارجی در صنعت نفت نیست.

کسانی که این صحبت‌ها را می‌کنند، باید اجازه دهند مدیران و کارشناسان متخصص و توانمند مرتبط با این زمینه‌ها تصمیم بگیرند. قرار نیست در هر مقوله‌ای، همه آدم‌ها حق تصمیم‌گیری داشته باشند. سرنوشت تصمیم‌گیری‌های این چنینی، مشابه فرودگاه امام^(۶) می‌شود که با گذشت بیش از ۱۲ سال از آن زمان، وضعیت بسیار نامناسبی دارد. این در حالی است که قرار بود ۸ سال پیش، توسعه پیدا کند و فرودگاه مناسبی برای کشور و منطقه شود، اما آن فرصت و بسیاری از این گونه فرصت‌ها را از دست دادیم که نباید این روند، تداوم یابد.

آرزوی ۴۰ ساله

ET عملکرد وزارت نفت و مهندس زنگنه در دولت یازدهم را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

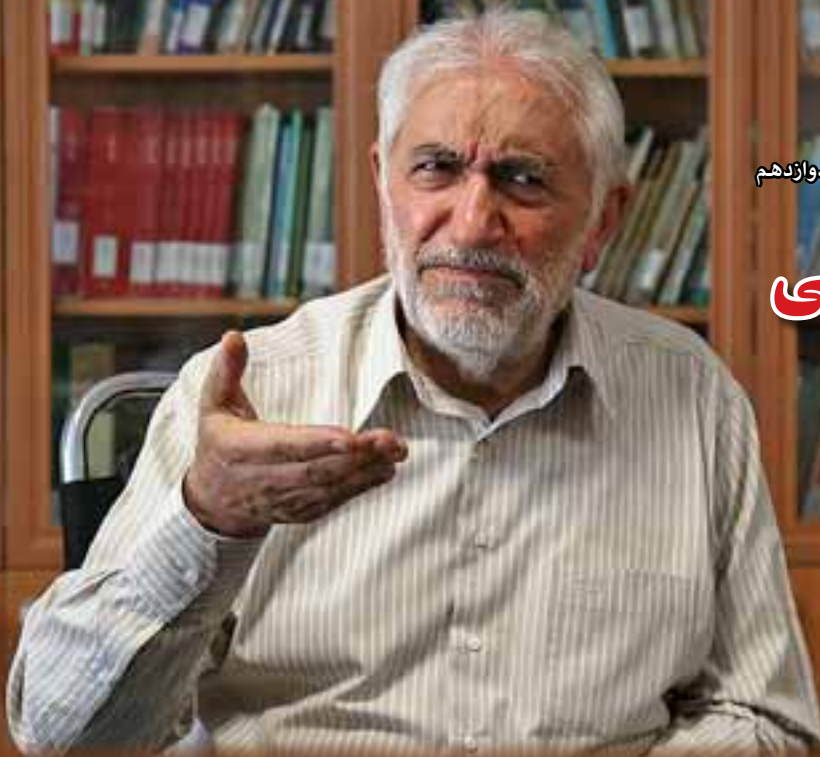
وزارت نفت پس از برجام، یکی از وزارتخانه‌هایی بود که نشان داد به‌طور نسبی از توانایی بالایی برخوردار است. هم توانست بازارهایی را که از دست داده بود با سرعت خوبی احیا کند و هم ظرفیت تولید را سامان داد که بتواند به ظرفیت صادراتی بالای ۲ میلیون بشکه در ۶ ماه برسد. این در حالی است که در بازارهای بین‌المللی انرژی، انتظار چنین تحرکی از شرکت ملی نفت ایران وجود نداشت. معتقدم وزارت نفت در این زمینه عملکرد خوبی داشته است.

ET بنابراین با حضور مهندس زنگنه در دولت دوازدهم نیز موافق هستید؟
بله. امیدوارم وزارت نفت در دولت دوازدهم قراردادهای بالادستی را سریع‌تر به سامان برساند تا تولید نفت بالای ۵ میلیون بشکه در روز محقق شود. امیدوارم در این دولت و بعد از ۴۰ سال از پیروزی انقلاب اسلامی این رویا به واقعیت تبدیل شود. 🇮🇷



کدام شرکت خصوصی از پس رقابت با یک شرکت وابسته به نهادهایی که قدرت امنیتی، رسانه‌ای و مالی دارند، برمی‌آید؟ شرکت‌های وابسته به نهادهای قدرتمند باید مجبور شوند مانند بخش خصوصی در یک چارچوب قانونی و شفاف و رقابتی وارد بازار شوند.

به سرمایه‌های انسانی و متخصصان نفتی توجه بیشتری شود



گفتگو: نسیم زرین

وزیر نفت دولت‌های شهید رجایی و مهندس موسوی، بیژن نامدار زنگنه را شخصیتی کارآمد، باتجربه و سازنده می‌داند. او در خصوص وزیر پیشنهادی نفت در کابینه دولت دوازدهم به «تازه‌های انرژی» می‌گوید: «من و آقای زنگنه از سال‌های ۵۹ و ۶۰ همکار بودیم. من ۱۶ سال وزیر بودم و ایشان نیز وزیر بودند در کارهای مختلف با یکدیگر همکاری می‌کردیم و در سالیان متوالی با او همراه بودم و به صراحت می‌توان گفت، ایشان جزو عناصر سازنده کشور هستند و علاوه بر شخصیت متعادل و کارآمد، درایت کافی در امور مختلف دارند. زنگنه شخصیتی سازنده و بسیار مؤثر در امور توسعه کشور محسوب می‌شود که هم در جهاد سازندگی و هم در وزارتخانه‌های نیرو و نفت، تجارب بسیاری دارد و بهترین گزینه برای هدایت وزارت نفت در دولت دوازدهم محسوب می‌شود.»

بسیاری از مشکلات حل خواهد شد. در نتیجه بانک‌ها به افرادی که می‌خواهند سرمایه‌گذاری کنند، وام می‌دهند.»

وزیر اسبق نفت با تأکید بر اهمیت برخورداری ایران از سرمایه‌های انسانی بسیار متخصص که باعث می‌شود در عموم رشته‌ها، کشوری بسیار قوی باشد، ادامه می‌دهد: «معتقدم متخصصان و جوانان تحصیلکرده بسیار زیادی در کشور داریم و در صورتی که مدیریت شوند، بسیار مفید خواهند بود؛ تعریف من از فناوری، ارتقای دانش عملیاتی و توانمندسازی نیروهای انسانی است، نه صرف واردات فناوری، خرید ابزار و تجهیزات فیزیکی.»

ورود خارجی‌ها یعنی نفوذ!

غرضی در خصوص ورود شرکت‌های خارجی به ایران و آغاز همکاری‌های مشترک در صنعت نفت، تصریح کرد: «باید توجه داشت تا هنگامی که توانایی جذب منابع مورد نیاز از سرمایه‌های ملی در ایران فراهم نشود و به خارجی‌ها تکیه شود، آنها نفوذ می‌کنند و اختلاف‌ها و عقب‌ماندگی‌های ما بیشتر خواهد شد، همچنان که در تمام تاریخ صنعت نفت و بیش از ۱۰۸ سال فعالیت، این روند ادامه داشته است.»

او در پاسخ به چرایی مرتفع نشدن این دغدغه‌ها در سالیان اخیر، می‌گوید: «اعتقاد بنده این است که ایران دستگاه‌های وسیعی از قدرت سیاسی، اقتصادی و اداری دارد و در صورتی که اختلاف‌های داخلی دارندگان قدرت کاسته شده، این امکانات موجودیت پیدا می‌کنند و در اداره جامعه مؤثر خواهند بود. تجربه مدیریتی من در سال‌های گذشته، این موضوع را ثابت کرده است.»

حرف اول را در دنیا بزند، آن هم به دلیل وجود سرزمین بزرگ ایران، وجود پتانسیل‌های بسیار زیاد کشف‌نشده که مبتنی بر منابع انسانی بسیار توانمند است. بر همین اساس آقای زنگنه با توجه به اینکه سال‌ها در این سمت بوده است، اگر به ایشان کمک شود، می‌تواند منافع ملی کشور را بیش از پیش گسترش دهد و این امر به نفع نسل‌های آینده کشور نیز خواهد بود.»

به سرمایه و فناوری خارجی نیاز نداریم!

اگرچه با امضای قرارداد وزارت نفت با توتال برای توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی در هفته‌های گذشته، انتقادها و فشارهای بسیاری بر وزارت نفت وارد آمد، اما غرضی نگاه دیگری به روند همکاری‌های نفتی ایران با فرانسه و همچنین حضور کشورهای اروپایی در صنعت نفت ایران دارد: «نظر من با کسانی که موافق و یا مخالف مجموعه سیاست‌های جاری صنعت نفت هستند متفاوت است. معتقدم ایران به ۳ موضوع نیازمند نیست: سرمایه، فناوری و مدیریت خارجی. در واقع معتقدم به هر ۳ موردی که اشاره کردم، اصلاً نیازی نداریم.»

او با اشاره به اینکه در کتاب خود با عنوان «تبارشناسی دولت، رنج‌های ملت» اقتصاد ایران را با کشورهای امریکا، ترکیه و دیگر کشورها مقایسه کرده است، بر این موضوع تأکید دارد که با شواهد مختلف، بیان کرده است ایران محتاج این ۳ عامل نیست: «این نظر من است و معتقدم اگر دولت بتواند هزینه پول که اکنون حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد است را به سطحی متعادل، یعنی ۳ تا ۴ درصد که در بیشتر مناطق دنیا و کشورهای صنعتی نیز متداول برساند،

غرضی معتقد است وزارت نفت قدیمی‌ترین ساختار و وزارت صنعتی کشور است که نیروی انسانی عظیمی در آن پرورش یافته است. طی بیش از ۱۰۸ سال فعالیت این صنعت، همواره نیروهای بسیار کارآمدی تربیت شده‌اند و توانایی بسیار زیادی در این وزارت صنعتی وجود دارد که در سایر بخش‌ها نمی‌توان چنین ظرفیتی یافت و بر همین اساس، ضروری است توجه ویژه‌ای به متخصصان صنعت در دولت دوازدهم شود.

نفت نیازمند کمک قدرت سیاسی کشور است

وزیر اسبق نفت با تأکید بر اینکه وزارت نفت نیازمند کمک‌های اساسی است، می‌گوید: «جناح‌های سیاسی کشور و دولت می‌توانند بسیار کمک حال نفت باشند. قدرت سیاسی کشور به هر میزان به وزارت نفت کمک کند، منافع ملی بهتر جمع خواهد شد، تا جایی که این روند نه تنها در اوبک می‌تواند بسیار کارآمد باشد، بلکه در روند توسعه داخلی نیز می‌تواند بسیار کمک‌کننده و مؤثر باشد.»

او بر این باور است که دولت، مجلس و قوه قضاییه اگر قصد و اراده محکمی برای صیانت بیش از پیش و گسترش منافع ملی داشته باشند، بهترین جایگاه برای این مهم، وزارت نفت است: «وزارت نفت این توانایی را دارد که تا چندین برابر موجود کار کند، اکتشاف کند و بتواند هزینه‌ها را پایین بیاورد. معتقدم به جای اینکه بی‌پی و شل در صنعت نفت دنیا حرف اول را بزنند و ما هم محتاج آنها باشیم، قدرت سیاسی کشور می‌تواند وزارت نفتی داشته باشد که باعث شود صنعت نفت ایران،

ارزیابی مجلس از عملکرد وزارت نفت؛ از روند مثبت توسعه پارس جنوبی تا تعلل در پالایشگاه ستاره خلیج فارس

اراده محکمی برای همکاری با بخش خصوصی وجود ندارد

اسداله قره‌خانی / سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس



از زمان تشکیل مجلس دهم و آغاز فعالیت‌های کمیسیون انرژی، بخشی از فعالیت‌ها روی وزارت نفت متمرکز شد. بر همین اساس از مسئولان، معاونان و وزیر نفت دعوت کردیم که برنامه‌های دستگاه‌هایی که در اختیار دارند را ارائه دهند. عمده برنامه‌های وزارت نفت معطوف به میادین مشترک، تولید بنزین عاری از آلاینده‌ها، افزایش تولید نفت و قرار دادن ایران در جایگاه قبلی در اوپک بود. برای تحقق یافتن این اهداف، بحث دعوت از شرکت‌های بین‌المللی مطرح و بر اجرایی شدن نسل جدید قراردادهای نفتی (IPC) تأکید شد. اگرچه این موضوع با چالش‌های متعددی مواجه شد، اما با پیگیری نمایندگان و کمیسیون‌های مختلف مجلس، اصلاحاتی صورت گرفت و در نهایت، مسئولان وزارت نفت آن را مبنای کار قرار دادند.



در مورد انجام این حرکت در بخش‌های دیگر مانند خارگ نیز داده شده و فعالیت‌های ارزشمند دیگری نیز صورت گرفته، اما هنوز با جایگاه مطلوب در این حوزه فاصله داریم و همچنان شاهد آن هستیم که شعله گازهای همراه به سمت آسمان حرکت می‌کند که با این کار، هم سرمایه ملی هدر می‌رود و هم محیط‌زیست آلوده می‌شود.

در بخش بانکرینگ نیز اگرچه ظرفیت‌های بسیاری موجود است، اما این توفیق را نداشتیم که سود بانکرینگ در خلیج فارس را به کشور منتقل کنیم و همچنان منافع این فعالیت به سمت امارات و کشورهای دیگر سرازیر می‌شود و آنها بهترین بهره را از این بخش می‌برند. همچنین در بخش لجستیک دریایی نیز باید از ظرفیت‌های موجود، استفاده مناسبی کنیم و بهره لازم را ببریم. البته اخیراً شنیده‌ام برای توسعه این بخش از پیمانکاران خارجی استفاده کرده‌اند که این موضوع را پیگیری خواهیم کرد.

توجه بیشتر به بخش خصوصی

ضرورت بسیار مهمی که باید به آن بیش از هر زمان دیگری توجه داشته باشیم، این است که بخش خصوصی باید حضور پررنگ‌تری در اقتصاد کشور داشته باشد. بخش خصوصی دارای ظرفیت‌هایی است که متأسفانه وزارت نفت توجه مناسبی به آنها ندارد و غیر شفاف بودن بسیاری از قوانین نیز مزید بر علت شده است. آنطور که مشهود است، در بدنه وزارت نفت ظاهراً اراده محکمی برای همکاری با بخش خصوصی وجود ندارد و به بهانه‌های مختلف کارشناسی، استانداردهای فنی، الزام‌های زیست‌محیطی و سایر موارد مربوط به کیفیت، مانع ورود بخش خصوصی واقعی به پروژه‌ها می‌شوند. البته ناگفته نماند سیستم‌های اداری و اقتصادی از جمله تأمین اجتماعی نیز تمایل چندانی به کار با بخش خصوصی ندارند و در زمینه کار با شرکت‌های داخلی، سختگیری‌های بی‌موردی می‌کنند که متأسفانه برای خارجی‌ها چنین نیست. در این میان بدنه وزارت نفت نیز متأسفانه توجه شایسته‌ای به سازندگان داخلی و تمایلی به استفاده از محصولات آنها ندارد که این مورد، از مهم‌ترین انتقادهای مربوط به عملکرد وزارت نفت است. 

تسریع در روند توسعه پارس جنوبی را می‌توان اصلی‌ترین فعالیت درخور تقدیر وزارت نفت برشمرد. بعد از برجام، سرعت پیشرفت فیزیکی پروژه‌ها در فازهای مختلف آنچنان بیشتر شد تا میزان برداشت گاز ایران با قطر برابر شود. از دیگر اقدامات خوبی که بدنه وزارت نفت اجرایی کرد، افزایش تولید نفت از حدود ۲ میلیون بشکه به بیش از ۳.۵ میلیون بشکه است. در بخش تولید گاز پارس جنوبی هم اکنون ۶۰۰ میلیون مترمکعب گاز برداشت می‌شود که این مقدار با برنامه‌های اعلام شده مطابقت دارد. در تولید بنزین یورو ۴ نیز بخشی از کلان‌شهرها از این بنزین استفاده می‌کنند و طبق برنامه‌ریزی وزارت نفت، به‌زودی همه بنزین تولیدی در کشور دارای استاندارد یورو ۴ خواهد شد.

انتقاد از روند کند پیشرفت پالایشگاه ستاره خلیج فارس

در این میان، اما انتقادی که به وزارت نفت وارد است، پیشرفت کند پروژه پالایشگاه میعانات گازی ستاره خلیج فارس است. در این پروژه که باید این روزها شاهد بهره‌برداری کامل از آن باشیم، فقط یک فاز، آن هم با ابهام پیش رفته و توسعه و تولید در فازهای ۲ و ۳ و تولید بنزین با اکتان بالا، همچنان با مشکل روبه‌رو است و از برنامه عقبیم.

اگرچه در موضوع ضریب بازیافت، مطالعاتی انجام شده، اما نمی‌توان در حال حاضر اشاره‌ای به این زمینه داشت، زیرا قرارداد مشخصی در هیچ‌یک از شرکت‌های نفت مرکزی، فلات قاره و حتی مناطق نفت خیز جنوب منعقد نشده است که شاهد افزایش تدریجی ضریب بازیافت از مقدار نامناسبی همچون ۱۵ درصد به بیش از ۳۰ درصد باشیم. برای دستیابی به این هدف باید کارهای عملیاتی صورت بگیرد تا نتیجه مطلوب حاصل شود.

ضرورت توجه ویژه به گازهای همراه

جمع‌آوری گازهای همراه، همچنان یکی از معضلات بخش تولید در صنعت نفت محسوب می‌شود. آن‌جایی که بسیار آلوده‌کننده است و از سال‌های گذشته، حرکت‌هایی برای جمع‌آوری آن صورت گرفته بود، اما در عمل توفیقی کسب نشده بود و خوشبختانه به‌تازگی در غرب کارون ۵۰۰ میلیون متر مکعب گاز جمع‌آوری شده است. البته گزارش‌هایی



در بدنه وزارت نفت ظاهراً اراده محکمی برای همکاری با بخش خصوصی وجود ندارد و به بهانه‌های مختلف کارشناسی، استانداردهای فنی، الزام‌های زیست‌محیطی و سایر موارد مربوط به کیفیت، مانع ورود بخش خصوصی واقعی به پروژه‌های می‌شوند.

هفتاد و نهمین همایش ملی مشاوران
فردا

انترک



گفتگو: زهرا علی‌اکبری

با گذشت ۴ سال از عمر دولت یازدهم، هر کدام از دستگاه‌های اجرایی و وزارتخانه‌ها عملکردی را در کارنامه خود ثبت کرده‌اند که با مقایسه آن با برنامه‌های ارائه‌شده در ابتدای دولت، می‌توان ارزیابی مناسبی از عملکرد آنها ارائه داد. وزارت نفت یکی از بخش‌های اصلی اقتصادی و صنعتی ایران محسوب می‌شود که مدیران آن معتقدند بعد از برجام توانسته‌اند بهترین بهره‌برداری را از گشایش‌های سیاسی داشته باشند، تا جایی که با افزایش تولید و صادرات نفت خام، به جایگاه قبل از تحریم‌ها دست یافته‌ایم. این در حالی است که برخی کارشناسان در این زمینه عنوان می‌کنند با وجود رفع تحریم‌ها، این وزارتخانه نتوانسته آنطور که باید و شاید، عملکرد مناسبی داشته باشد. محمدعلی خطیبی، نماینده سابق ایران در هیئت عامل اوپک، از جمله منتقدان عملکرد بیژن نامدار زنگنه محسوب می‌شود که در گفتگو با «تازه‌های انرژی»، به نقد و بررسی عملکرد وزارت نفت دولت یازدهم پرداخته است.

محمدعلی خطیبی، نماینده سابق ایران در اوپک: تبلیغات وزارت نفت بسیار بیشتر از عملکرد آن است

بازنشسته‌ها باید بروند تا جوانان بیایند

تحریم، بیشتر از دولت یازدهم بوده است. اگر این جمله را در حد ادعا هم در نظر بگیریم، بررسی‌های عملکردی نشان می‌دهد فقدان برنامه‌ریزی در بخش‌های بالادستی و پایین‌دستی باعث ناکارآمدی شده است. به‌عنوان مثال در بخش واردات بنزین زمانی که تحریم شدید مسئولان وقت اقدام به تولید بنزین در واحدهای پتروشیمی کردند که با رفع تحریم‌ها اعلام شد آن بنزین، آلاینده بود و از مدار تولید خارج شد. دوباره واردات را از سر گرفتند، در حالی که اگر همان رویه را ادامه می‌دادیم امروز در تولید بنزین خودکفا بودیم. سؤال من این است که اگر واقعاً آلاینده‌ها از چرخه تولید داخلی حذف شد، دلیل آلودگی‌های فعلی چیست؟ واردات بنزین در دولت فعلی حدود ۶ برابر شده که با بحث اقتصاد مقاومتی و خودکفایی هم خوانی ندارد. پیشرفت پالایشگاه ستاره خلیج فارس که قرار بود باعث خودکفایی بنزین شود، در آن دولت خیلی بیشتر بود و این در حالی است که با وجود گشایش‌های سیاسی و اقتصادی ناشی از برجام، روند پیشرفت این پالایشگاه بسیار کند است. با افزایش مصرف بنزین، حذف کارت سوخت در دولت پیگیری شد که این کار بسیار اشتباهی بود و باعث شد واردات ما روند صعودی طی کند.

وزارت نفت اعلام کرده واردات بنزین برای پاسخگویی به مصرف انجام می‌شود و اگر این کار صورت نگیرد، موضوع حالت امنیتی پیدا می‌کند.

با توجه به معرفی اعضای پیشنهادی رئیس‌جمهور برای کابینه دولت دوازدهم از جمله مهندس زنگنه برای وزارت نفت، ارزیابی شما از عملکرد این وزارتخانه در دولت یازدهم چیست؟

در زمانی که تحریم‌های نفتی برقرار بودند، کار خاصی از وزارت نفت ندیدیم و در واقع، شاهد ادامه روند فعالیت‌های دولت قبل بودیم. بعد از لغو تحریم‌ها نیز با توجه به افزایش سهمیه ایران در اوپک، هرچند می‌توانستیم نفت بیشتری صادر کنیم، اما این امر محقق نشد. به‌همین دلیل تفاوت چندانی بین دولت دهم و یازدهم مشاهده نمی‌شود. اگرچه تبلیغات وزارت نفت در دولت یازدهم بسیار وسیع بود، اما باید قبول داشت در بعد عملکردی ضعف‌های زیادی داشت. قبل از تحریم‌ها تولید نفت ما بالای ۴ میلیون بشکه در روز بود، اما با رفع تحریم‌ها نتوانستیم به این میزان برسیم که به نظر می‌رسد این یک ضعف بزرگ در بدنه وزارت نفت باشد.

اینکه با وجود رفع تحریم‌ها نتوانستیم به میزان سابق تولید نفت برسیم، ریشه در کاهش سرمایه‌گذاری خارجی دارد یا به مسائل داخلی برمی‌گردد؟

مشکلات ریشه در خیلی چیزها دارد. آقای رستم قاسمی، وزیر سابق نفت، چندی پیش اعلام کرد که درصد پیشرفت پروژه‌های پارس جنوبی در دولت قبل و دوران



آقای زنگنه اعلام کرد کمتر از ۴ میلیون بشکه در روز را قبول نمی‌کنیم، اما سهمیه‌ای که آنجا توافق کردند، ۳ میلیون و ۷۹۰ هزار بشکه است و نه ۱۴ درصد که ۴ میلیون بشکه می‌شود؛ در صورتی که گفتند ما آزادی عمل گرفتیم که اینطور هم نیست.

نظر شما در این باره چیست؟

این وظیفه وزارت نفت است که برای کاهش مصرف، اقدام‌هایی انجام دهد، اما در این بخش هم شاهد کوتاهی‌های زیادی بودیم. الان هم واردات، هم مصرف و هم آلودگی‌ها بیشتر شده است. این کار باعث می‌شود وابستگی ما به بنزین بیشتر شود و آنها حداکثر استفاده را از این اهرم فشار داشته باشند. باید در نظر داشته باشیم که واردات بنزین برای برخی در دولت یازدهم کاسی ایجاد کرده و به همین دلیل است که تولید، جایی در وزارت نفت ندارد و بیشتر به فکر کاسی این افراد بودند.

ET در کنار موضوع بنزین، برخی کارشناسان نسبت به حوزه نیز گاز انتقادهایی مطرح می‌کنند؛ از توزیع در بخش خانگی گرفته تا کرسنت و صادرات مجانی به ترکیه. نظر شما در این باره چیست؟

در مورد توزیع گاز که برخلاف ادعای هراسانه مسئولان تا افت دما را شاهد هستیم، برخی مناطق با قطعی گاز روبه‌رو می‌شوند. این یکی از مواردی است که شعار با عملکرد هم خوانی ندارد. در زمینه صادرات گاز هم کار جدیدی نشده و همه اقدام‌ها مربوط به دولت قبل است. مثلاً توافق صادرات گاز به عراق مربوط به دولت قبل بود و مراحل بسترسازی آن هم در همان دولت انجام شد. صادرات عمان هم به همین شکل بود. تمام آنها در دولت قبل انجام شده و در دولت فعلی هیچ صادرات جدیدی به چشم نمی‌خورد.

ضرر و زیانی که در مورد قرارداد کرسنت در این دولت به ما وارد شد بسیار هنگفت است و در جای خودش قابل بحث است. قضیه کرسنت در دولت قبل در حال حل شدن بود. در دادگاه این موضوع ثابت شد که فساد صورت گرفته و دادگاه هم قبول کرده بود و پرونده کرسنت در حال بسته شدن بود، اما متأسفانه در این دولت با روی کار آمدن افرادی که در بحث کرسنت واقعا گناهکار بودند، پرونده آنها به جریان افتاد و محکوم شدیم و خسارت سنگینی هم باید بپردازیم. همین‌طور خسارتی که باید به ترکیه بدهیم و الان به جای پول نقد، گاز مجانی به ترکیه می‌دهیم. دلیل آن هم این است که توانستیم انطور که باید و شاید در دادگاه‌های بین‌المللی از حقوق و منافع ملی دفاع کنیم و محکوم شدیم. یعنی هم در بحث کرسنت محکوم شدیم و هم در بحث صادرات گاز به ترکیه. اینها نشان می‌دهند دولت و وزارت نفت خیلی در مورد عملکردشان تبلیغ می‌کنند، اما متأسفانه فقط محکومیت نصیب ما شده است.

ET در حوزه دیپلماسی و مناسبات بین‌المللی از جمله امور مربوط به اوپک که جناب عالی نیز مدتی مسئولیت آن را برعهده داشتید، وضعیت چگونه بود؟

واقعا دیپلماسی فعالی را در وزارت نفت ندیدیم، به ویژه در بحث اوپک و سقوط قیمت‌ها که مجدداً این دولت با آن روبه‌رو شد. دلیل هم این است که در ابتدای کار، وزیر نفت با حضور در اولین جلسه اوپک به ملاقات وزیر نفت عربستان رفت و بعد از آن دیدار، اعلام شد که سیاست ما بسیار نزدیک به سیاست عربستان است. در حالی که سیاست عربستان «سهام بازار» و سیاست ما در بیش از ۳ دهه «دفاع از قیمت» بوده است. در اوپک همیشه ۲ قطبی بین جناح ما و عربستان حاکم بوده که جناح عربستان به دنبال سهم بازار بوده، اما جناح ایران و کشورهای حامی ایران در اوپک به دنبال قیمت نفت بوده‌اند. در ابتدای این دولت دیدیم که جای ما تغییر کرد، یعنی به سمت جناح عربستان و سهم بازار رفتیم. همین تغییر رویکرد ایران در اوپک باعث شد قیمت نفت سقوط کند و دیگر کسی نبود که به دنبال حفظ قیمت باشد. به هر حال مدت زیادی قیمت نفت پایین بود و عربستان از سادگی ما استفاده کرد، آن هم با این ترفند که ما با سهم بازارمان جلو شیل اوپل آمریکا را بگیریم و آنها را از بازار خارج کنیم. دیدیم که بیش از ۲ سال نه تنها شیل اوپل آمریکا از بازار خارج نشد، بلکه کشورهای عضو اوپک هم درآمد بسیار زیادی را از دست دادند. در این بین به دلیل افت قیمت، لطمه اصلی به خود ایران بازگشت.

ET طبق اظهارات وزیر نفت، یکی از دستاوردهای برجام، افزایش صادرات نفت خام ایران به بازارهای جهانی بود. با این اظهار نظر موافق هستید که برجام، دستاوردهای بسیاری برای صنعت نفت ایران داشته است؟

هر چند بعد از اینکه برجام اجرایی و صادرات ما آزاد شد، بیش از ۲ برابر زمان تحریم نفت صادر می‌کنیم، اما به دلیل کاهش قیمت، هنوز درآمد ما کمتر از شرایط دولت قبل با وجود تحریم‌هاست. قبلاً یک میلیون بشکه نفت به قیمت ۱۱۰ تا ۱۱۵ دلار صادر می‌کردیم، و الان حدود ۲٫۵ میلیون بشکه نفت صادر می‌کنیم، اما با قیمت حدود ۴۰ دلار. یعنی هنوز درآمد ما حتی به شرایط تحریم که یک میلیون بشکه صادرات داشتیم نیز نرسیده است. دلیل چنین مسئله‌ای هم این است که بارها آقای

وزیر مصاحبه کرد که باید قیمت را فدا کنیم و سیاست سهم بازار را دنبال کنیم. با توجه به چرخش سیاست ما، اوپک به روزی افتاد که خیلی‌ها می‌گویند این سازمان دیگر تأثیرگذار نیست. در این میان تلاش بعضی کشورها مثل الجزایر و ونزوئلا و فشاری که روسیه به عربستان آورد، باعث شد مدیریت بازار به بازار نفت برگردد و روسیه الان به عنوان یک عضو غیراوپک در حال همکاری است. در دوران سقوط قیمت‌ها، تلاشی از وزیر نفت و وزارت نفت ایران ندیدیم که ریزنی کنند، یارگیری کنند یا برای اینکه قیمت نفت روند صعودی داشته باشد، فشار بیاورند. در دنیای واقعیت، نام این کار را دیپلماسی نمی‌گذارند.

ET شما به تبلیغات گسترده و ضعف عملکرد در بدنه وزارت نفت اشاره کردید. اگر دولت هیچ اقدامی انجام نداده است، چطور شاهد آن هستیم که بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران و حتی منتقدان صنعت نفت، دستاوردهای وزارت نفت را قابل تقدیر می‌دانند؟

اگرچه دولت و وزارت نفت به دلیل رسانه‌های زیادی که در اختیار دارد، تبلیغات زیادی انجام داد، اما وقتی عملکرد دولت و وزارت نفت را بررسی می‌کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که برخلاف ادعاهایی که می‌شود، واقعا در عمل ما نه دیپلماسی فعالی دیدیم و نه تلاشی تأثیرگذار برای بهبود اوضاع. حتی آقای وزیر ادعا کردند ما به کمتر از سهمیه تاریخی کشورمان قانع نخواهیم بود. سهم ما در اوپک حدوداً ۱۴ تا ۱۴٫۵ درصد است، اما الان سهمیه‌ای که دریافت کردند ۱۱ تا ۱۱٫۵ درصد است. یعنی سهم خودمان را هم از دست دادیم و ادعای وزارت نفت در مورد برگشت به سهم خودمان درست نبود. در حوزه دیگر، خود آقای وزیر اعلام کرد ما سهم قبلی را می‌توانیم به دست بیاوریم و کمتر از ۴ میلیون بشکه در روز را قبول نمی‌کنیم، اما سهمیه‌ای که آنجا توافق کردند، ۳ میلیون و ۷۹۰ هزار بشکه است و نه ۱۴ درصد که ۴ میلیون بشکه می‌شود. همان ۳ میلیون و ۷۹۰ هزار بشکه را به عنوان سهمیه به ایران دادند، در صورتی که گفتند ما آزادی عمل گرفتیم که اینطور هم نیست. در ۴ سال گذشته، به غیر از قرارداد توتال که در آخرین روزها و با اما و اگرهای فراوان به امضا رسید، هیچ قراردادی در حوزه وزارت نفت بسته نشد و هیچ کاری از نظر عملیاتی در فازهای اجرایی صورت نگرفت. هیچ کدام از شرکت‌های بین‌المللی در ایران سرمایه‌گذاری نکردند. هر چه بود برای این شرکت‌ها توقع ایجاد کردیم و امتیازهایی در نظر گرفتیم تا بیایند. جالب اینجاست که هیچ کدام از این شرکت‌ها هنوز به ایران فکر نمی‌کنند، در حالی که مقام‌های ایرانی هر روز قراردادهای جذاب‌تری برای خارجی‌ها در نظر می‌گیرند.

ET تدوین و ارائه نسل جدید قراردادهای نفتی، یکی از اقدام‌های وزارت نفت بود که با انتقادهای زیادی نیز همراه شد. به نظر شما مشکل این قراردادها چیست و آیا با اجرایی شدن آن، روند توسعه بالادست صنعت نفت تسریع خواهد شد؟

باید توجه داشت که قبلاً با همان قراردادهای بیع متقابل، بسیاری از شرکت‌ها با ما کار می‌کردند و میادین ایران توسعه پیدا کردند. وقتی ادعا می‌شود قراردادهای جذابی داریم، مشخص است همه دست نگه می‌دارند. بعد از این ماجرا از IPC رونمایی شد که متأسفانه در بسیاری از بندها، منافع ایران ضعیف دیده شده بود. کارهایی هم که در این حوزه انجام شده بیشتر در قالب تفاهم‌نامه یا توافق‌نامه بود و به جز توتال که در آخرین روزهای عمر دولت یازدهم به امضا رسید، قراردادی که منجر به عملیات اجرایی شود نداشتیم. این در حالی است که در برخی از میادین مشترک، ما فعالیت‌ها را تعطیل کرده‌ایم. یک میدان مشترک با عربستان داشتیم که قبلاً به‌ر صورت کاری در آن انجام می‌شد. درست است که طرف عربستان سود بیشتری داشت اما بالاخره حرکتی در این حوزه داشتیم ولی الان به‌طور کلی تعطیل شده است.

ET دلیل این موارد را چه می‌دانید و برای موفقیت وزارت نفت در دولت دوازدهم، چه مواردی را توصیه می‌کنید؟

بحث من کارشناسی است و کاری به مسائل سیاسی ندارم. بافت مدیریتی حاکم بر صنعت نفت، پتانسیل مناسب اجرایی ندارد. آنها عموماً افراد از کار افتاده‌ای هستند که انرژی چندانی برای کار ندارند. باید افرادی مسئولیت بپذیرند که جسارت تصمیم‌گیری داشته باشند و سابقه کارهای عملیاتی داشته باشند. ما بیشتر به متخصصان جوان نیاز داریم نه افراد بازنشسته که اتفاقاً حقوق‌های بالا نیز طلب می‌کنند.



بافت مدیریتی حاکم بر صنعت نفت، پتانسیل مناسب اجرایی ندارد. آنها عموماً افراد از کار افتاده‌ای هستند که انرژی چندانی برای کار ندارند. باید افرادی مسئولیت بپذیرند که جسارت تصمیم‌گیری داشته باشند و سابقه کارهای عملیاتی داشته باشند. ما بیشتر به متخصصان جوان نیاز داریم نه افراد بازنشسته که اتفاقاً حقوق‌های بالا نیز طلب می‌کنند.

گفتگو: ویداریانی

می‌گفتند زنگنه را به دلیل امضای قرارداد کرسنت به زندان می‌اندازیم، علی‌اکبر صالحی را در قلب رآکتور اراک و زیر سیمان دفن می‌کنیم و محمدجواد ظریف را هم محاکمه خواهیم کرد. این توصیه دکتر سعید لیلانز، اقتصاددان و عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی، از برخورد با موفق‌ترین مردان دولت تدبیر و امید است: «اگر برخی وزرای لایق و درخشان دولت یازدهم، مانند زنگنه در برخی مواقع از غیبت خود در دولت دوازدهم سخن می‌گفتند، به دلیل فشارهای شبه‌قانونی و سیاسی است که در ۴۰ سال گذشته بی‌سابقه بوده و مأموریتی ناممکن را برای آنها رقم می‌زند.» لیلانز در گفتگو با «تازه‌های انرژی» با اشاره به اینکه در چنین شرایطی و با وجود موفق‌ترین کارنامه‌ها، حتی آبروی این وزرا نیز در معرض خطر قرار گرفته است، از مأموریت ناممکن دولت یازدهم می‌گوید: «زنگنه تا آخرین نفس باید بماند، چون به نقطه بلوغ مدیریتی و اوج خود رسیده و ملت ایران هم آنقدر پولدار نشده‌اند که اجازه دهند زنگنه خانه‌نشین شود.»

سعید لیلانز: دولت روحانی موفق بوده است

آن قدر پولدار نیستیم که اجازه دهیم زنگنه برود

کابینه، خبرهایی مبنی بر کناره‌گیری این افراد از قبول مسئولیت در دولت دوازدهم منتشر می‌شد.

اگر می‌بینید این ۴ وزیر نمی‌خواستند یا علاقه‌ای برای قبول مسئولیت در دولت دوازدهم نداشتند، به این معنا نیست که بقیه وزرا مشتاق به ادامه کار هستند. همانطور که شاهد هستیم، به دلیل فشارهای سیاسی، فشارهای شبه‌قانونی و جناحی موانع بسیاری برای دولت ایجاد شده است. فشارهایی که با استفاده از ابزارهای قانونی بر دولت آقای روحانی وارد شد در ۴۰ سال پس از انقلاب بی‌سابقه بوده است. این دولت آمده بود تا اقتصاد، ساختار اجتماعی و سیاسی

۴ وزارتخانه موفق بوده‌اند، مخالف هستیم و مجموع عملکرد دولت روحانی را موفق می‌دانم.

اما به هر حال قبول دارید که موفقیت‌های دولت در این بخش‌ها، نمود بیشتری در جامعه داشته است؟

باید توجه داشت که مجموعه عملکرد دولت، یکپارچه است، اما همانطور که شما هم اشاره کردید، موفقیت دولت روحانی در این ۴ وزارتخانه نمود بیشتری پیدا کرده که آن هم به دلیل تمرکز دولت در این حوزه‌ها بوده است.

در عین حال، شاهد آن بودیم که در روزهای منتهی به معرفی افراد پیشنهادی برای

اگرچه فهرست پیشنهادی رئیس‌جمهور برای کابینه دولت دوازدهم به صورت عمومی نیز اعلام شده، اما گفته می‌شود برخی از وزرا که در دولت یازدهم کارنامه موفق تری در مقایسه با دیگران داشته‌اند، مانند وزرای بهداشت، کشاورزی، اقتصاد و نفت، تمایل ندارند به فعالیت‌های خود ادامه دهند. ارزیابی شما از دلایل حضور یا غیبت این وزرا در دولت دوازدهم چیست؟

من با فرض مستتر در پرسش شما که دولت آقای روحانی ۴ وزارتخانه موفق داشته، موفق نیستیم. معتمد دولت‌ها در مجموع یا موفق هستند یا ناموفق. آقای روحانی را هم در مجموع عملکرد دولتش موفق می‌دانم. اگر می‌بینیم برخی از وزارتخانه‌ها در مقایسه با برخی دیگر موفق‌تر هستند، به دلیل اولویتی بوده که خود دولت تعیین کرده است. یعنی رویکرد دولت به تمرکز فعالیت‌ها در این حوزه گسترده‌تر بوده است. رویکرد دولت آقای روحانی در صنعت نفت، دیپلماسی و بهداشت و درمان، بسیار موفق بوده است.

در واقع شما معتقد به ارزیابی یکپارچه دولت هستید و نه ارزیابی تفکیکی بخش‌ها؟

نباید از یاد ببریم که شبکه و نظام بهداشت و درمان در ۱۳۹۲، در حال فروپاشی و انهدام بود، صنعت نفت حال و روز اسف‌باری داشت و مناسبات بین‌المللی ایران نیز در بدترین روزهای خود به سر می‌برد. البته این موفقیت‌ها به این معنا نیست که این وزارتخانه‌ها به طور بخشی موفق بوده‌اند، بلکه دولت روحانی موفق بوده است. برای مثال اگر دولت یازدهم و وزارت دارایی رشد درآمدهای مالیاتی را ۲ رقمی نکرده بودند، چطور ممکن بود وزارت بهداشت بتواند به اهداف خود در زمینه بهبود عملکرد بیمارستان‌ها و بهداشت کشور دست پیدا کند؟ اگر آقای روحانی در حوزه دیپلماسی کار نمی‌کرد و بر دیپلماسی ایران تمرکز نکرده بود، وزارت نفت چطور ممکن بود به تنهایی در زمینه احیای صنعت نفت که فوق‌العاده به مسائل دیپلماتیک وابسته است، موفق عمل کند؟ بنابراین من با فرض مستتر در سؤال شما که فقط



کار کردن در دولت و در نظام اجرایی ایران، روزبه‌روز سخت‌تر و به نوعی «مأموریت ناممکن» می‌شود. مدیران لایق ما و مدیرانی که می‌توانند کشور را با تجربه و دانش مدیریتی که دارند از ورطه سقوط نجات دهند روزبه‌روز تحت فشارهای بیشتری قرار می‌گیرند تا ناکارآمد شوند و آبروی خود را از دست بدهند.



چرا از رفتن زنگنه می‌گویند؟

ناصر مولایی / مدیر توسعه منابع انسانی
شرکت ملی نفت ایران



برخی گروه‌ها و رسانه‌ها که اقبال عمومی مردم ایران و مشارکت گسترده‌شان در انتخابات و همراهی دوباره با دولت تدبیر و امید را برنمی‌تابند و کارها، برنامه‌ها و مردان

بزرگ دولت را نشانه گرفته‌اند، بعد از مشخص شدن نتیجه انتخابات ریاست جمهوری و تا آخرین روزهای قبل از اعلام رسمی وزرای پیشنهادی دکتر روحانی برای دولت دوازدهم، آن هم در شرایط جدید منطقه، به جای تقدیر و سپاس از خدمات دولت و به‌ویژه شیخ‌الوزرای آن، کم‌لطفی کرده و منویات خود را بیان می‌کنند و مرتب از تغییر مردان فعال دولت سخن می‌گفتند.

البته این هجمه‌ها طبیعی است و همه می‌دانند که مهندس زنگنه، تمام‌قد برای اعتلای نظام و دولت کوشیده و هوشمندی و قدرت کاریزمای ایشان نه در وزارت نفت که در اوپک نیز جایگاه ایران را در این سازمان مهم اقتصادی تحکیم و فزونی خواهد بخشید. افزایش تولید نفت و دستیابی به سهم دوران قبل از تحریم در بازار نفت، کار بزرگ ایشان بود. اعتقاد و باور مدیران و کارکنان شریف صنعت نفت به سلامت، پشتکار، توانمندی و مدیریت مهندس زنگنه، به‌ویژه در شرکت‌های تولیدی و توسعه‌ای از یک سو و برنامه‌های راهبردی و کارکردگرای ایشان از دیگر سو، همچنین شایستگی‌های مذاکره و راهبردی ایشان در اوپک این موفقیت بزرگ را رقم زد.

برای تداوم این موفقیت‌ها و انجام کارهای بزرگ‌تر توسعه‌ای و تولیدی، به‌ویژه برنامه افزایش تولید نفت خام در حوزه غرب کارون، افزایش تولید گاز از فازهای باقی‌مانده پارس جنوبی، افزایش ضریب بازیافت و ازدیاد برداشت از مخازن نفت و گاز، توسعه و افزایش بهره‌برداری از میادین مشترک، افزایش تولید میعانات گازی، انتقال فناوری، توسعه صنایع پایین‌دستی به‌ویژه پتروشیمی و توانمندسازی ظرفیت‌های مدیریتی صنعت نفت، نیازمند ثبات مدیریت کلان وزارت نفت و اجرای برنامه‌های پیش‌گفته هستیم که البته شاهد آن هستیم که مورد توجه تصمیم‌گیرندگان دولت تدبیر و امید نیز قرار گرفته است. 🇮🇷

اجازه دهیم عربستانی‌ها، روس‌ها و امریکایی‌ها خودشان به ایران اعتراض کنند، نه اینکه کارشناسان یا کارشناس‌نماهای داخلی تبدیل به زبان‌گویای آنها شوند.

ET انتخاب دوباره و تداوم دولت آقای روحانی چه تأثیری بر سرمایه‌گذاری اقتصادی در ایران دارد؟

ملت ایران برای پیشبرد اهداف خود قاطع است و در این زمینه ما از نقطه برگشت‌ناپذیری عبور کرده‌ایم. دیگر ایران به‌عقب باز نخواهد گشت و این اتفاق بزرگ، پیامی برای دنیا و به‌ویژه سرمایه‌گذاران است. من چندان به اینکه سرمایه‌گذار داخلی یا خارجی باشد اهمیتی نمی‌دهم، بلکه معتقدم بخش خصوصی باید کار را به عهده بگیرد.

ET در آخرین روزهای دولت یازدهم، شاهد امضای قرارداد توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی با توتال بودیم. در خصوص اینکه گفته می‌شود قرارداد با توتال فقط یک قرارداد اقتصادی نیست و پیامدهای سیاسی و دیپلماتیک مهمی برای ایران به همراه دارد، چه دیدگاهی دارید؟

مهم‌ترین پیامد امضای قرارداد توتال با ایران این است که نشان داد برجام را همه دنیا از جمله ایالات متحده و اروپا پذیرفته‌اند. نکته دوم این است که اروپا در مواجهه با اقتصاد ایران در حال جدا کردن مسیر خود از امریکاست و این، بزرگ‌ترین دستاورد دولت آقای روحانی بوده است. روزی مقام معظم رهبری فرموده بودند جامعه بین‌المللی یک دروغ بزرگ است که این حرف بسیار درستی بود و من به‌شدت به این فرمایش ایشان معتقد هستم. عقد قرارداد توتال با ایران این حرف را ثابت می‌کند، چون ما موفق شدیم اجماع بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران را بشکنیم. اجماعی که به دلیل رویکرد آقای احمدی‌نژاد علیه ایران ایجاد شده بود را توانستیم بشکنیم و امضای قرارداد با توتال آن را ثابت کرد.

ET ارزیابی شما از عملکرد آقای زنگنه در وزارت نفت دولت یازدهم چیست؟

آقای زنگنه به نقطه اوج همه توان مدیریتی، اقتصادی و دیپلماتیک و فنی متمرکز در یک نفر در تاریخ صنعت نفت ایران، حداقل بعد از انقلاب، رسیده است و ما باید تا آخرین نفس زنگنه از او استفاده کنیم. ملت ایران هزینه‌های گزافی را متحمل شده تا یک نفر مانند بیژن نامدار زنگنه پرورش یابد و به این نقطه برسند که نقطه تمرکز و تالاقی ۳ وجه فنی، اقتصادی و دیپلماتیک است. در ایران خبره‌تر از آقای زنگنه نداریم و ملت ایران هم آنقدر پولدار نشده‌اند که بتوانند اجازه دهد بازنشسته شود و به خانه بازگردد. 🇮🇷

و وضعیت دیپلماتیک ایران را نه از لبه پرتگاه، بلکه درحالی که سقوط کرده بود، نجات دهد، اما در همان زمان فعالیت اصلی بسیاری از گروه‌ها و جریان‌های سیاسی متمرکز بر سنگ‌اندازی و کارشکنی در کار این دولت بود. حتی شاهد آن بودیم که درباره به زندان انداختن آقای زنگنه برای قرارداد کرنت صحبت می‌کردند. این در حالی است که می‌دانیم مسئله کرنت اساساً یک مسئله ساخته‌شده از سوی جناح راست است و اگر خسارتی به کشور وارد شده، به دلیل مدیریت آنها بوده است. همچنین صحبت از دفن کردن رئیس سازمان انرژی اتمی در سیمان بود، درحالی‌که او بهترین عملکرد را داشته است. صحبت از محاکمه آقای ظریف در حالی مطرح می‌شد که به نظر من بعد از نصراله انتظام، بهترین وزیر خارجه تاریخ ایران و نه تنها جمهوری اسلامی بوده، دکتر ظریف بوده است.

ET دلیل اصلی این فشارها را چه می‌دانید؟

این وضعیت به دلیل این است که کار کردن در دولت و در نظام اجرایی ایران، روزبه‌روز سخت‌تر و به نوعی «مأموریت ناممکن» می‌شود. مدیران لایق ما و مدیرانی که می‌توانند کشور را با تجربه و دانش مدیریتی که دارند از ورطه سقوط نجات دهند روزبه‌روز تحت فشارهای بیشتری قرار می‌گیرند تا ناکارآمد شوند و آبروی خود را از دست بدهند. این مسئله برای مدیران لایق ما دلسردکننده است و فقط به همین ۴ وزیری که اسم برید هم محدود نمی‌شود.

ET در جریان رقابت‌های انتخاباتی اخیر، «خام فروشی» اتهامی بود که بارها و بارها از سوی مخالفان دولت یازدهم مطرح شد و یکی از راه‌های جلوگیری از خام‌فروشی را هم افزایش ظرفیت پتروشیمی‌ها عنوان کردند. شما این انتقاد به دولت را صحیح می‌دانید؟

خوشبختانه در دولت آقای روحانی ظرفیت پتروشیمی ایران ۹ میلیون تن افزایش پیدا کرده است. بنابراین، این ادعا که ما خام‌فروشی می‌کنیم، بسیار نادرست است. اما اینکه ظرفیت تولید و صادرات نفت خام ایران به سطح قبل از تحریم‌ها بازگشته، اساساً رویکردی ژئوپلیتیک است. یعنی بیش از آنکه اهمیت اقتصادی داشته باشد، اهمیت ژئوپلیتیک دارد. در زمان جنگ ایران و عراق یکی از پافشاری‌های جمهوری اسلامی ایران این بود که تولید نفت ایران نباید هرگز از تولید نفت عراق کمتر باشد. دلیل این امر فقط مسائل اقتصادی نبود، بلکه مسائل ژئوپلیتیک هم در این مسئله دخیل بودند. بنابراین، اینکه میزان تولید نفت ایران را به جایگاه مناسبی در سطح بین‌المللی بازگردانیم و از سهم بازار نفت عربستان، عراق و امریکا کم کنیم و به سهم بازار ایران اضافه کنیم، نباید موجب ناراحتی آقای رئیسی و دیگران شود.



مهندس نصرت‌اله سیفی / مدیر عامل سابق شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت

مدیریت مصرف انرژی یکی از مهم‌ترین مقوله‌های امنیتی، اقتصادی و زیست‌محیطی در سراسر جهان محسوب می‌شود و بر همین اساس، بیش از ۲ دهه است که در ایران نیز توجه ویژه‌ای به این امر می‌شود. این موضوع با اکثر سیاست‌های کلی نظام مانند اصلاح الگوی مصرف، اقتصاد مقاومتی و حفاظت محیط‌زیست تطابق کامل دارد. مقدار صرفه‌جویی هدف‌گذاری شده در بند ۷ از سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف که از سوی مقام معظم رهبری در ۱۳۸۸ ابلاغ شده است، حدود ۸ میلیارد و ۶۰۰ میلیون بشکه معادل نفت خام است که به دلیل بی‌توجهی، حدود ۳ میلیارد و ۶۰۰ میلیون بشکه معادل نفت خام از دسترس خارج شده است. با وجود تلاش‌های ۴ سال اخیر، به دلیل ساختار فعلی، امکان کسب نتیجه‌ای بهتر از آنچه تاکنون به دست آمده، وجود نخواهد داشت. بنابراین برای رسیدن به اهداف بسیار جذاب از جمله خلق ۸۷۰ میلیارد دلار ثروت با آزادسازی انرژی معادل ۵ میلیارد بشکه معادل نفت، ۳ میلیون فرصت اشتغال پایدار و کاهش معادل یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون تن کربن ناشی از انتشار آلاینده‌ها، لازم است در روش‌های اجرایی بازنگری شود؛ در غیر این صورت و از آنجا که زمان منتظر ما نمی‌ماند، مقادیر بیشتری از امکان باز یافت ثروت از ضایعات انرژی از دست می‌رود و هر روز که در انجام اقدامات ضروری تأخیر رخ دهد، عدم‌النفع ملی بزرگ‌تر از آنچه هست، خواهد شد.

مرووری بر عملکرد دولت یازدهم در اجرای سیاست‌ها و قوانین ناظر بر مصرف انرژی

هزاران گرفته

نسبت به میزان مرجع، کاهش یافته است. در ایران، قبل از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی «سازمان انرژی‌های نو» به عنوان زیرمجموعه سازمان انرژی اتمی در زمینه استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر فعالیت داشت و پس از انقلاب هم فعالیت محدود خود را ادامه داد. از اواخر دولت مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، بحث لزوم توجه به افزایش بی‌رویه مصرف انرژی مطرح شد و در اواخر دولت دوم ایشان «سازمان بهره‌وری انرژی» زیر نظر وزارت نیرو تأسیس شد. همچنین در اواخر دولت اول آقای خاتمی «شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت» زیر نظر وزارت نفت تأسیس شد و فعالیت‌های متعددی را آغاز کرد. برخی از طرح‌های عمده اثرگذار این سازمان شامل توقف تولید پیکان، توسعه CNG در سید سوخت حمل و نقل و حذف استفاده از لامپ‌های رشته‌ای بوده است. در دهه اخیر بهینه‌سازی مصرف انرژی از اهمیت دوچندانی برخوردار شد، تا جایی که سیاست‌ها، قوانین و آیین‌نامه‌های متعددی تهیه و ابلاغ شده است (شکل شماره ۵).

پتانسیل کاهش مصرف در ایران

بر اساس اسناد بالادستی متعدد ملی و بین‌المللی، کاهش مصرف و افزایش بهره‌وری انرژی، از اهداف و برنامه‌های مهم دولت‌های اخیر بوده، هست و خواهد بود. با مدیریت صحیح مجموعه اقدام‌ها برای کارایی انرژی، قسمت مهمی از مشکلات اقتصادی، اشتغال‌زایی و محیط‌زیست

(محاسبات تراز انرژی کشور در شکل ۲، مربوط به ۱۳۹۳ است و سهم هر بخش اقتصادی با فرض تسهیم به نسبت بیان شده است).

دولت و مصرف انرژی در گذر زمان

تمام کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، دارای برنامه‌های کاهش مصرف انرژی و انتشار گازهای گلخانه‌ای هستند. این مهم به‌طور خاص بعد از جنگ اعراب و رژیم اشغالگر قدس در اوایل دهه ۵۰ هجری شمسی آغاز شد و هم‌اکنون نیز پایه بسیاری از راهبردهای امنیتی آمریکا و اروپا محسوب می‌شود.

«شدت انرژی» در اغلب کشورهای جهان در حال کاهش است و حتی کم‌مصرف‌ترین کشورها هم برنامه ملی کاهش مصرف انرژی خود را تدوین کرده‌اند و در حال اجرای آن هستند. این در حالی است که شدت انرژی در ایران طی سالیان گذشته، روندی افزایشی داشته و مقدار مصرف انرژی نیز برخلاف برنامه‌های بالادست، افزایشی بوده است (شکل شماره ۴).

در نیم قرن اخیر تحولات شگرفی در تمام بخش‌های تولید و مصرف انرژی به‌وجود آمده است، به‌نحوی که مصرف ویژه انرژی (مصرف انرژی به‌ازای واحد تولید کالا و خدمات) در برخی تجهیزات تا یک‌بیستم یعنی ۵ درصد

طرح‌های اجرایی در بخش‌های تولید و مصرف انرژی، در تمام زیربخش‌های اقتصاد شامل صنعت، ساختمان، حمل‌ونقل، کشاورزی و خدمات گسترده است و افزون‌بر ایجاد اشتغال در سطح وسیع دانش‌آموختگان، گردش مالی در سطح کلان و خرد و صیانت از محیط‌زیست، باعث آزادسازی ۳٫۵ میلیون بشکه انرژی معادل نفت خام در روز می‌شود که امنیت عرضه انرژی صنایع کشور را در صورت تحقق رشد اقتصادی مورد نظر دولت، تضمین خواهد کرد. همچنین انرژی مازاد نیز قابلیت فروش در بازارهای خارجی را دارد تا بدین ترتیب، پشتوانه مناسبی برای ارتقای دیپلماسی انرژی کشور در عرصه‌های بین‌المللی محسوب شود



با وجود قوانین، آیین‌نامه‌ها، سازمان‌ها، منابع انسانی و صرف هزینه و وقت فراوان، تاکنون نه تنها از شدت انرژی کاسته نشده، بلکه افزایش نیز یافته است.





و قیمت حامل‌ها که مهم‌ترین عامل در مدیریت انرژی محسوب می‌شود، ثابت ماند.

بعد از روی کار آمدن دولت نهم، طرح توسعه خودروهای گاز سوز که باعث ارتقای جایگاه جهانی ایران در این صنعت شد، تنها طرحی بود که با جدیت و موفقیت نسبی دنبال شد و ضمن برداشتن عواید اقتصادی، باعث شد در دورهٔ تشدید تحریم‌ها، فشار کمتری برای تأمین بنزین به عنوان سوخت خودروهای سبک به کشور وارد آید.

در این دوره سایر طرح‌های بهینه‌سازی با شیب ملایم پیش رفت و در بسیاری از موارد نیز راکد ماند یا در سایهٔ افزایش قیمت‌ها و امید به اینکه با افزایش قیمت، مصرف‌کنندگان به دنبال بهینه‌سازی خواهند رفت، به حاشیه رانده شدند.

از دیگر سو قانون هدفمندی یارانه‌ها که می‌توانست فرصتی طلایی برای دولت دهم باشد و یک بار برای همیشه، معضل قیمت غیراقتصادی و غیرواقعی انرژی در ایران را ریشه‌کن کرده و مفاسد عمدهٔ ناشی از آن مانند قاچاق سوخت را رفع کند، نه تنها به درستی اجرا نشد، بلکه به نحوی که شاهد بودیم در پایان دولت دهم، افزون بر اینکه قیمت‌های غیرواقعی و یارانه‌ای پابرجا ماند، پرداخت یارانهٔ مستقیم به آحاد مردم نیز به آن اضافه و مزید بر علت شد.

رخداد مهم دیگر در اوایل دولت دهم نیز ابلاغ سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف از سوی مقام معظم رهبری و به تبع آن، تصویب قانون اصلاح الگوی مصرف توسط مجلس شورای اسلامی بود. رئیس دولت دهم احتمالاً با توجه به اهمیتی که برای اثربخشی قانون هدفمندی یارانه‌ها قائل شده بود، از ابلاغ قانون اصلاح الگوی مصرف خودداری کرد، اما براساس قانون اساسی،

انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی (ساتبا) اشاره کرد. با توجه به نتایج حاصله، نمایان است که اقدامات انجام شده تاکنون به‌جز چند پروژهٔ خاص مانند جایگزینی سوخت مایع با گاز طبیعی (در گذشته برای خودروها و اخیراً نیز برای نیروگاه‌های برق و صنایع و تا حدی بخش خانگی) و جایگزینی لامپ‌های کم‌مصرف با لامپ‌های رشته‌ای، موفق نبوده و ادامهٔ این روند که منطبق بر برنامه نیست، باعث خسران بسیار خواهد بود.

مرور کلی بر اقدام‌های دولت‌ها قبل از دولت یازدهم

عمده‌ترین فعالیت‌های مدیریت مصرف قبل از دولت یازدهم عبارتند از اجرای برنامه‌های آگاه‌سازی، تعیین استانداردهای مصرف، سرمایه‌گذاری در تحقیق، توسعه و شناسایی طرح‌های کاهش مصرف، اجرای طرح‌های نمونه، اجرای طرح‌های کلان و آزادسازی قیمت حامل‌های انرژی. به‌غیر از برنامهٔ آزادسازی قیمت حامل‌های انرژی که آن هم ماحصل طرحی پژوهشی در اوایل دههٔ ۸۰ بود تقریباً تمامی اقدام‌های فوق در دولت‌های هفتم و هشتم آغاز شد که از آن جمله می‌توان به حذف تولید پیکان به‌عنوان پرمصرف‌ترین خودرو کشور و جایگزینی آن با خودرو تندر به‌عنوان محصول دارای فناوری ناوگان حمل‌ونقل شهری و همچنین خودروهای شخصی، تولید و توسعهٔ پنجره‌های دوجداره، تولید و توزیع لامپ‌های کم‌مصرف و از این قبیل موارد اشاره کرد. در همین دولت برنامهٔ افزایش تدریجی و با شیب ثابت قیمت حامل‌های انرژی نیز پیشنهاد شد که با تغییر ترکیب نمایندگان مجلس شورای اسلامی در انتخابات ۱۳۸۲، این برنامه متوقف شد

کشور مرتفع می‌شود که با اصل «حصول بیشترین نتیجه با کمترین هزینه» نیز مطابقت خواهد داشت و هیچ جایگزین کلان دیگری مانند توسعهٔ گردشگری نیز نمی‌تواند با آن رقابت کند.

با وجود قوانین، آیین‌نامه‌ها، سازمان‌ها، منابع انسانی و صرف هزینه و وقت فراوان، تاکنون نه تنها از شدت انرژی کاسته نشده، بلکه افزایش نیز یافته است. حجم برنامه‌ریزی شدهٔ کاهش شدت انرژی تا پایان برنامهٔ ششم توسعه به میزان ۵۰ درصد سال پایه (۱۳۸۹) بوده که به‌معنای کاهش مصرف ۵ میلیارد بشکه معادل نفت خام به ارزش متوسط ۸۷۰ میلیارد دلار، با فرض ثابت ماندن شدت انرژی در ۱۴۰۰ به مدت ۱۰ سال است. برای جلوگیری از هدررفت این ثروت، ۱۹۲ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مورد نیاز است که می‌تواند ۳ میلیون شغل پایدار در بخش انرژی کشور ایجاد کند (با فرض حدود ۲ میلیارد ریال سرمایه‌گذاری برای هر شغل). البته مبالغ صرفه‌جویی شده، خود سرمایهٔ هنگفتی برای ایجاد مشاغل غیرانرژی مدنظر حاکمیت خواهد بود.

با این حجم جلوگیری از مصرف غیربهینهٔ انرژی، به‌صورت تجمعی یک میلیارد و ۸۰۰ تن معادل کربن کمتر گازهای گلخانه‌ای تولید می‌شود که اقدامی ارزشمند در راستای کمک به تعهدات انجام شده در کنوانسیون پاریس ۲۰۱۵ محسوب می‌شود.

اقدام‌های ناموفق و موفق

هم‌اکنون به‌جز وزارتخانه‌های نفت و نیرو، چندین دستگاه اجرایی نیز به‌صورت مستقیم مأموریت اجرای اقدام‌های بهینه‌سازی را برعهده دارند که از آن جمله می‌توان به شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت، سازمان بهره‌وری و سازمان

رئیس مجلس در پایان ۱۳۸۸ آن را برای اجرا به دستگاه‌های ذی‌ربط ابلاغ کرد. اجرای هم‌زمان، برنامه‌ریزی شده و هماهنگ این قانون، فرصتی استثنایی برای کشور به‌شمار می‌رفت تا با داشتن آنها به‌مثابه ۲۰۰ میلیارد دلار به‌صورت منطقه‌ای خطر و دور باطل یارانه سوخت و شفاف نبودن بخش عظیمی از اقتصاد ایران، رها شویم و زمینه‌های اقتصاد مقاومتی فراهم شود که در عمل، چنین اتفاقی رخ نداد.

مرور کلی بر اقدام‌های دولت یازدهم

دولت یازدهم با توجه به کمبود بودجه، خالی بودن خزانه و تکلیف پرداخت ماهانه یارانه‌های مستقیم که دیگر جزء مطالبات مردم شده است، در عمل امکان سرمایه‌گذاری برای اجرای طرح‌های بهینه‌سازی و انرژی‌های تجدیدپذیر را نداشت و به‌همین دلیل، اجرای برنامه‌های بهینه‌سازی مصرف انرژی را بر اساس تأمین مالی از روش‌های دیگر پیگیری کرد.

در قسمت برق و برای توسعه برق تجدیدپذیر با افزودن مبلغ اندکی به بهای هر کیلووات‌ساعت برق مصرف‌کنندگان، بودجه‌اندکی برای خرید تضمینی برق تجدیدپذیر تأمین شد که اخیراً به مرز ۵ هزار میلیارد ریال در سال رسیده و می‌تواند کفاف پرداخت خرید تضمینی یارانه‌ای حدود یک مگاوات برق تجدیدپذیر را بدهد که در عمل، نقش ناچیزی در تولید برق کشور دارد. البته شرکت توانیر هم در پی انجام اقدام‌هایی برای کاهش تلفات شبکه، بدون تکیه بر بودجه و از طریق مدیریت بوده که به‌دلیل فقدان منبع مستقل برای صحت‌گذاری، امکان اظهارنظر در خصوص کاهش تلفات مورد ادعای این شرکت میسر نیست.

تولد بند «ق»

در قسمت نفت، حرکت به‌نحوی دیگر انجام شد. با ارائه طرح ابتکاری بودجه ۱۳۹۳ و گنجاندن بندی در احکام قانون، مقرر شد شرکت ملی نفت ایران بازگشت سرمایه‌گذاری در بخش بهینه‌سازی را تضمین کند، مشروط بر آنکه این سرمایه‌گذاری باعث کاهش مصرف شود. مقدار تضمین بازگشت سرمایه به میزان موفقیت سرمایه‌گذار در کاهش مصرف بستگی داشت و به این ترتیب بند «ق» تبصره «۲» قانون بودجه ۱۳۹۳ متولد شد. وزارت نفت در همان سال توانست حدود ۲۹ میلیارد دلار طرح بهینه‌سازی به شورای اقتصاد تقدیم کند که حدود ۲۳ میلیارد دلار آن به تصویب رسید و ۲ طرح توسعه مترو تهران و ۸ کلان‌شهر به ارزش حدود ۶ میلیارد دلار باقی ماند. برای درک بهتر از اندازه بودجه تصویب شده، جالب است بدانیم که در همان سال، کل بودجه توسعه تمامی فازهای پارس جنوبی از محل بند «ق» ۳۲ میلیارد دلار بود. این حرکت باعث شد مجلس شورای اسلامی



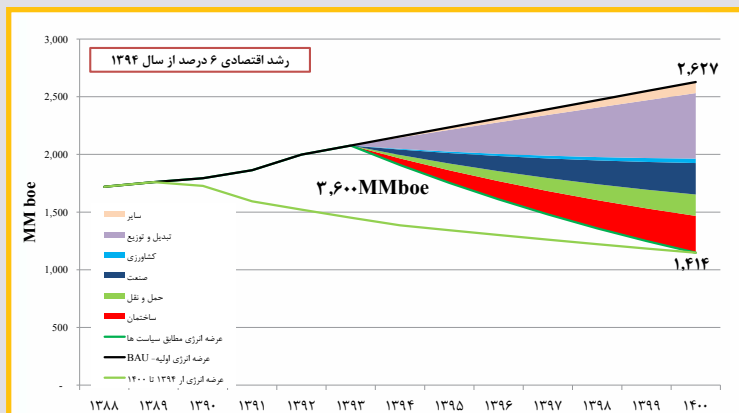
شرکت توانیر در پی انجام اقدام‌هایی برای کاهش تلفات شبکه، بدون تکیه بر بودجه و از طریق مدیریت بوده که به‌دلیل فقدان منبع مستقل برای صحت‌گذاری، امکان اظهارنظر در خصوص کاهش تلفات مورد ادعای این شرکت میسر نیست.

روش فوق را که نوعی بیع متقابل است، به‌صورت یک قانون دائمی در قالب ماده ۱۲ قانون «رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور» در ۱۳۹۴ به تصویب رساند که تقریباً سقفی برای آن وجود ندارد (یکصد میلیارد دلار به‌اضافه ۵۰۰ هزار میلیارد ریال برای هر سال).

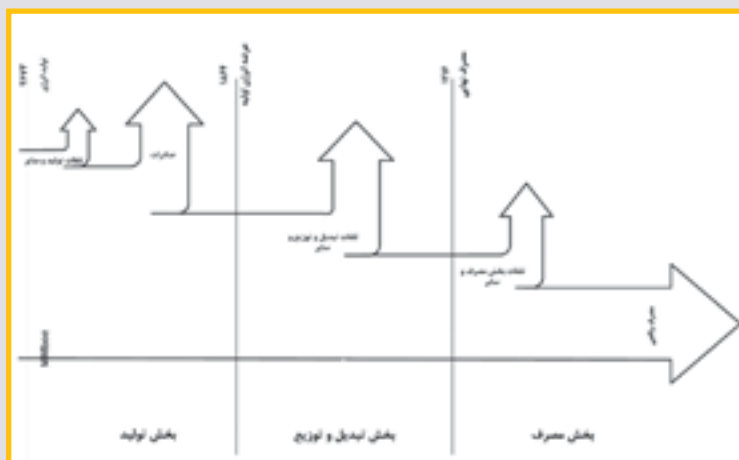
وزارت نفت و روند اجرایی بند «ق»

اما عملکرد وزارت نفت در مورد این مصوبات

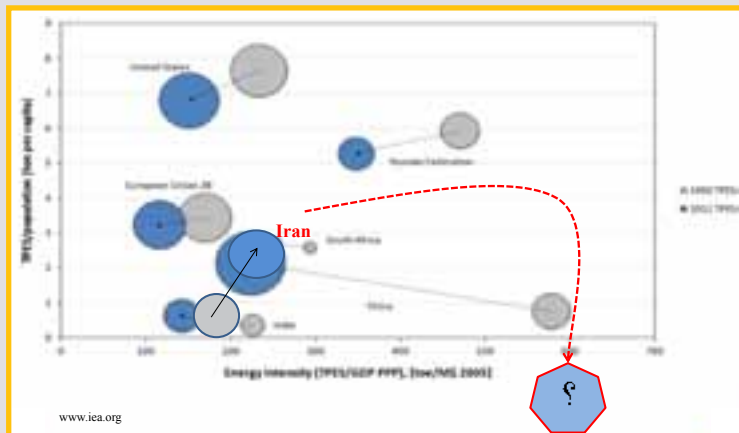
را می‌توان به ۲ قسمت تقسیم کرد. قسمت نخست که شامل ۲ طرح «گازرسانی به سیستم‌ها و بلوچستان» و «گازرسانی به شهرها و روستاهای دور از شبکه» است، به‌جز سال اول که با مشکل روبه‌رو شد، دارای پیشرفت نسبی است. در این ۲ طرح با تغییراتی در قانون، شرکت ملی گاز ایران به‌عنوان مجری وارد عمل شد و از آنجا که سرمایه‌گذاری در مایملک این شرکت بوده و باعث



شکل ۱- پیش‌بینی صرفه‌جویی مصرف انرژی از ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰



شکل ۲- جریان تراز انرژی کشور (۱۳۹۳)



شکل ۳- مقایسه روند شدت انرژی و عرضه انرژی در چند کشور



باید توجه داشت که گازرسانی در عمل، یک روش جایگزین است و باعث کاهش مصرف نمی‌شود. هرچند با جایگزینی سوخت ارزان‌تر با سوخت گران‌قیمت، اثر مثبتی بر اقتصاد انرژی دارد و تا حدی نیز از انتشار آلاینده‌های زیست‌محیطی جلوگیری می‌کند.

شورای اقتصاد نیز رسیده بود، طرح‌هایی مرتبط با دستگاه‌های دیگر و مالکان خصوصی محسوب می‌شوند. این طرح‌ها شامل جایگزینی ۱۴۰ هزار دستگاه تاکسی فرسوده بنزینی با تاکسی‌های نو گازسوز یا برقی، جایگزینی ۶۵ هزار تریلی و کامیون فرسوده با نو، جایگزینی ۱۷ هزار دستگاه اتوبوس شهری فرسوده گازوئیلی با نو گازسوز، برقی کردن چاه‌های آب کشاورزی که از موتور پمپ گازوئیلی استفاده می‌کنند، ارتقای بهره‌وری ۶۵۰ هزار موتورخانه ساختمان‌های مسکونی، اداری و تجاری در سطح کشور و در نهایت، توسعه حمل‌ونقل ریلی کشور است.

اجرای این طرح‌ها که هر کدام باعث حرکت بزرگی در بخش‌های مختلف اقتصاد از جمله ساختمان، حمل‌ونقل، صنعت و کشاورزی می‌شوند، از ابتدا با مشکلات اجرایی و ناهماهنگی روبه‌رو شد. با وجود سعی و تلاش فراوان دستگاه‌های اجرایی دولت، این طرح‌ها همچنان با مشکلات اجرایی مواجه هستند و برخلاف ۲ طرح گازرسانی، نتیجه ملموسی که منجر به بازپرداخت به سرمایه‌گذاران باشد، گزارش نشده و در واقع، منجر به صرفه‌جویی یا بهینه‌سازی مصرف انرژی نشده است. در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴، اقدام‌هایی نیز برای تصویب طرح‌های پیشنهادی جدید شده که منجر به تصویب یک طرح توسط شورای اقتصاد به نام «طرح تولید موتور درون‌سوز کم‌مصرف برای نصب بر خودروهای داخلی» در ۱۳۹۵ شد.

دلایل موفق نبودن دولت یازدهم در اجرای طرح‌های ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید که عمده‌ترین طرح‌های بهینه‌سازی مصرف کشور هستند، در گزارش‌های مختلف که بهترین و جامع‌ترین آن گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی است، ذکر شده و خوانندگان محترم می‌توانند به آن گزارش رجوع کنند.

بهره‌وری انرژی و هزار راه نرفته

نتیجه‌ای که از این مرور سریع حاصل می‌شود، این است که با وجود توجه دولت‌های گذشته و کنونی به مقوله بهره‌وری و در رأس آن، بهره‌وری انرژی، نتیجه مطلوبی حاصل نشده و افزایش مصرف توأم با افزایش شدت انرژی اتفاق افتاده است. به عبارت دیگر، این اقدام‌ها موفقیت‌آمیز نبوده‌اند. ادامه این روند، تاثیر مخرب جدی بر اقتصاد کشور خواهد داشت و نیاز به توجه ویژه و اضطراری دولت دوازدهم دارد. البته در صورت اجرای صحیح و مستمر طرح‌های مصوب و تعیین و تدوین برنامه‌های جدید، شاهد تاثیر به‌سزایی در استحکام اقتصاد و امنیت ملی همچون تولید فرصت‌های شغلی و ثروت و بهبود محیط زیست خواهیم بود.

داشت که گازرسانی در عمل، یک روش جایگزین است و باعث کاهش مصرف نمی‌شود. هرچند با جایگزینی سوخت ارزان‌تر با سوخت گران‌قیمت، اثر مثبتی بر اقتصاد انرژی دارد و تا حدی نیز از انتشار آلاینده‌های زیست‌محیطی جلوگیری می‌کند.

قسمت دوم طرح‌های وزارت نفت در بهینه‌سازی و مدیریت مصرف که به تأیید

توسعه دارایی‌های آن می‌شود، انگیزه کافی برای اجرا دارد. هرچند گزارش دقیقی از پیشرفت این پروژه ارائه نشده، اما پیش‌بینی‌ها تا پایان ۱۳۹۵ بالغ بر ۴ هزار میلیارد ریال سرمایه‌گذاری بوده که باعث آزادسازی مقادیر معتدلی سوخت مایع شده و از محل فروش آن حداقل نیمی از سرمایه‌گذاری در این طرح عودت داده شده است. البته این طرح‌ها همچنان در حال اجرا هستند. باید توجه

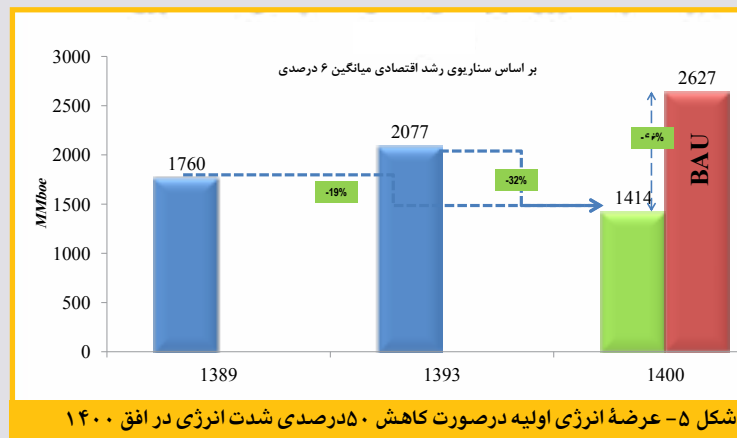
جدول صرفه جویی تجمیعی انرژی با رشد اقتصادی ۲.۵ درصد

۱۳۸۹-۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰
۲۴۷	۷۲۸	۱,۴۳۱	۲,۳۴۲	۳,۴۵۲	۴,۷۵۲	۶,۲۳۲	۶,۲۳۲

جدول تجمیعی صرفه جویی انرژی با رشد اقتصادی ۶ درصد

۱۳۸۹-۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰
۱۹۰	۵۴۳	۱,۱۱۴	۱,۸۳۸	۲,۷۳۰	۳,۷۸۵	۴,۹۹۸	۶,۹۹۸
۵۴	۱۵۸	۳۰۸	۵۰۲	۷۳۶	۱,۰۰۹	۱,۳۱۸	۱,۳۱۸
۲۱	۶۳	۱۲۵	۲۰۷	۳۰۸	۴۲۹	۵۶۸	۵۶۸
۲۸	۱۱۳	۲۲۲	۳۶۵	۵۴۱	۷۴۷	۹۸۳	۹۸۳
۵	۱۴	۲۸	۴۶	۶۸	۹۴	۱۲۴	۱۲۴
۸۱	۲۳۸	۴۷۰	۷۷۲	۱,۱۴۲	۱,۵۷۸	۲,۰۷۸	۲,۰۷۸

بخش ساختمان شامل کلیه معارف خانگی و بخش تجاری است.
شکل ۴- پتانسیل صرفه‌جویی انرژی در بخش‌های مختلف



۵,۰۰۰ میلیون بشکه معادل نفت خام
۲,۲۰۰ میلیون بشکه معادل نفت خام - رشد اقتصادی ۲.۵ درصد

پتانسیل صرفه جویی انرژی تا سال ۱۴۰۰

۱۸۰۰ میلیون تن معادل کربن
کاهش انتشار

۱۹۲ میلیارد دلار
۲۳۰ میلیارد دلار - رشد اقتصادی ۲.۵ درصد
بازار سرمایه گذاری

۸۷۰ میلیارد دلار
ارزش صرفه جویی تا سال ۱۴۰۹

۳,۰۰۰,۰۰۰
فرصت شغلی پایدار

۵۰٪ کاهش شدت انرژی

شکل ۶- نتایج اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف در بخش‌های مختلف

گفتگو: پروین فغفوری

ساخت داخل و حمایت دولت از سازندگان ایرانی فعال در فضای کسب و کار صنعت نفت را می توان موضوعی سهل و ممتنع برشمرد؛ سهل به این دلیل که تقریباً هیچ مدیر و مسئول دولتی را نمی توان یافت که با این موضوع مخالف باشد و ممتنع از آن رو که به ادعان بسیاری از مدیران بخش خصوصی که فقط با ۳۰ درصد از ظرفیت خود در حال تولید هستند و درهای صنعت نفت و کشور به روی محصولات خارجی که مشابه داخلی دارند، همچنان باز است!

مهندس «دیار عصمتی» که مسئولیت راهبری امور نفت شرکت پمپیران را بر عهده دارد، در گفتگو با «تازه های انرژی» اگر چه بر ضرورت حمایت بیش از پیش و پشتیبانی دولت از سازندگان داخلی تأکید می کند، اما معتقد است مدیران و متخصصان پمپیران، به دور از هیاهوهای تبلیغاتی، روزآمدی و ساخت تجهیزات با کیفیت، همگام با استانداردهای جهانی را اصلی ترین وظیفه خود می دانند. گروه پمپ سازی ایران بیش از یک هزار نفر پرسنل دارد و ۴۵۰ نفر از آنها در شرکت پمپیران در شهر تاریخی و زیبای تبریز مشغول به کار هستند، به عنوان بزرگ ترین عضو از هلدینگ گروه پمپ سازی ایران، انواع پمپ های گریز از مرکز در استانداردهای بین المللی API 610، ISO 5199 و NFPA 20 و ISO 9908 برای صنایع نفت، گاز، پتروشیمی و نیروگاهی در این شرکت طراحی و تولید می شود.

شکست انحصار و چالش های تولید پمپ های صنعتی در گفتگو با مهندس دیار عصمتی، مدیر امور نفت شرکت پمپیران

در صنعت نفت، نیازی به واردات پمپ نداریم



به پمپیران سفارش داده شده اند. این محصولات شامل پمپ های سری BB1 و BB3 هستند که تا ۲ سال قبل، فقط از شرکت های اروپایی و امریکایی تأمین می شدند و هم اکنون از نقطه آغازین طراحی، ریخته گری، ماشین کاری، مونتاژ و آزمون عملکرد، کلیه مراحل در مجموعه شرکت پمپیران و توسط متخصصان جوان، انجام می پذیرد.

این محصولات در چه طیفی تولید می شوند و آیا سابقه استفاده در صنعت نفت ایران را هم دارند یا صرفاً در مرحله تولید قرار گرفته اند؟

دامنه تولید این محصولات تا ظرفیت ۵ مگاوات در شرکت پمپیران انجام شده و رفرنس های خیلی خوبی نیز در میداین نفتی و مخازن داریم که این محصولات، نصب شده و در حال بهره برداری هستند.

استقبال مسئولان و بازدید کنندگان از ارائه این محصولات در نمایشگاه چگونه بود؟

در حاشیه نمایشگاه صنعت نفت در سیال جاری و در حضور مدیران ارشد شرکت ملی نفت ایران، رونمایی از پمپ سری BB3 صورت گرفت که این پمپ به سفارش شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب برای انتقال نفت خام، طراحی، تولید و تست شد.

عمق ساخت داخل این محصول چقدر است و آیا دانش فنی مربوط به آن را کاملاً در اختیار دارید؟

وجه تمایز قرارداد مربوط به این محصول، نظارت مرحله ای کارفرما بر تمام مراحل طراحی، تولید و تست بود که در حقیقت، بومی سازی این محصول را تصدیق می کند. این پمپ، جزو محصولات شاخص شرکت پمپیران است که موفق به دریافت گواهی دانش بنیان از معاونت محترم علمی و فناوری ریاست جمهوری نیز شده است.

برگزاری نمایشگاه بین المللی صنعت نفت ایران را می توان از جمله رویدادهای مهمی برشمرد که تمامی بازیگران دولتی و بخش خصوصی فعال در فضای کسب و کار صنعت نفت در آن حضور پیدا می کنند. این موضوع در برنامه های پمپیران چه جایگاهی دارد و در نمایشگاه امسال، چه دستاوردهایی داشتید؟

هدف اصلی مجموعه پمپیران، معرفی و عرضه توانمندی ها و دستاوردهای جدید شرکت برای متخصصان و همچنین برقراری ارتباط بیشتر و نزدیک تر با مشتریان بالقوه و بالفعل است. حضور مشتریانی که خرید انجام می دهند، اعم از پیمانکاران و کارفرمایان، این فرصت طلایی را ایجاد می کند تا ضمن آشنایی دقیق تر با توانمندی سازندگان داخلی تجهیزات، انتظارات و نیازمندی های مشتریان از نزدیک و بدون واسطه به سازندگان منتقل شود. از سوی دیگر چون فضای کسب و کار بسیار رقابتی شده است، تمام شرکت کنندگان کوشش می کنند با آخرین فناوری ها و شاخص ترین محصولات در نمایشگاه حضور داشته باشند و این میدان رقابتی، قطعاً کمک شایانی به گزینش شرکای تجاری توسط مشتریان خواهد داشت.

نمایشگاه صنعت نفت ایران، نخستین نمایشگاه در سطح خاورمیانه و پنجمین نمایشگاه در سطح جهانی است. بر همین اساس، مجموعه پمپیران هم با آخرین محصولات خود در این نمایشگاه حضور پیدا کرد.

در این نمایشگاه، تأکید شما بر ارائه کدام گروه از محصولات بود؟

هدف گذاری ما ارائه محصولاتی بود که بنا به نیاز امروز صنعت نفت کشور و به ویژه در حوزه انتقال نفت خام مورد درخواست شرکت های معظم نفتی



پمپ های سری BB1 و BB3 که تا ۲ سال قبل، فقط از شرکت های اروپایی و امریکایی تأمین می شدند و هم اکنون از نقطه آغازین طراحی، ریخته گری، ماشین کاری، مونتاژ و آزمون عملکرد، کلیه مراحل در مجموعه شرکت پمپیران و توسط متخصصان جوان، انجام می پذیرد.

وضعیت اقتصاد کشور به سمتی سوق پیدا کند که پروژه‌ها فعال تر شوند. نه تنها ما، بلکه سایر سازندگان و تأمین کنندگان به این امید در چنین رویدادهایی حضور می‌یابیم که کسب و کار در تمامی حوزه‌ها، خصوصاً صنعت نفت، رونق بیشتری بگیرد و پروژه‌ها، فعال تر شوند. البته فضای کنونی کشور، فضای مثبت و امیدوارکننده‌ای نسبت به آینده است. با توجه به دستاوردهای متعدد مجموعه پمپیران در سال‌های متمادی، به دنبال این هستیم که اعلام کنیم در حال حاضر دیگر نیاز به واردات پمپ نیست. ما و سایر تولیدکنندگان این تجهیزات می‌توانیم تمام پمپ‌های مورد نیاز را کشور را طراحی، تولید و تأمین کنیم. در شرکت پمپیران، پیچیده‌ترین پمپ‌ها را طراحی و تولید کرده‌ایم.

ET آیا ارتباط و تعامل با سازندگان معتبر دارای دانش فنی روزآمد در دستور شرکت قرار دارد و زمینه‌ای برای تعامل با شرکت‌های خارجی در نمایشگاه فراهم شده است؟

باید توجه داشت که پمپ، تجهیزیتی مشکل از مجموعه‌ای از اقلام مختلف مانند الکتروموتور، نشتبند مکانیکی و کوپلینگ است. به هر حال برخی از اقلام در داخل کشور تولید نشده و قاب‌ل تأمین نیستند. بر همین اساس نوع ارتباط ما با شرکت‌های خارجی نیز در واقع برای جمع کردن مجموعه پمپ است. فارغ از مسئله تأمین، با چند شرکت مطرح بین‌المللی هم بحث انتقال دانش و مشارکت پروژه‌های را بزرگ را در نمایشگاه انجام دادیم تا بتوانیم این پروژه‌ها را که به لحاظ مالی نیاز به پتانسیل بیشتری دارد، با همکاری شرکایی که هم تجربه بیشتر و هم پتانسیل مالی وسیع‌تری دارند، به جلو ببریم. به همین دلیل نیز تعاملات مختلفی هم برای تأمین قطعات و هم در زمینه مشارکت با شرکت‌های معتبر خارجی داشته‌ایم.

ET از جمله چالش‌های اصلی حمایت از ساخت داخل، رویکرد مدیران دولتی در اجرایی کردن قوانین مصوب در این زمینه است. در این خصوص چه دیدگاهی دارید و آیا از عملکرد دولت یازدهم در حوزه حمایت از ساخت داخل، رضایت دارید؟

اگرچه قوانین حمایتی بسیار خوبی تصویب شده و دولت نیز به این موضوع توجه دارد، اما متناسب با قوانین و شرایط موجود، اهتمام بیشتری نیاز داریم و این توجهات باید عملیاتی شوند. واقعیت این است که قوانین حمایتی متعددی وجود دارد، اما کماکان واردات در حجم وسیعی انجام می‌شود، آن هم بدون اینکه دلیل شفافی برای این نوع واردات وجود داشته باشد. تقریباً هر روزه و از طریق انجمن‌ها و وزارت صنایع درگیر این موضوع هستیم تا تجهیزیتی که در داخل ساخته می‌شود را از آن طرف مرزها تأمین نکنیم. خلاصه مطلب این است که از قوانین رضایت داریم، هر چند هنوز به‌طور کامل عملیاتی نشده‌اند.

تا ۱۵ تأمین‌کننده دیگر به شبکه زنجیره تأمین و تولید ما افزوده می‌شود. بر همین اساس با قاطعیت بیان می‌کنم که پمپیران در حال حاضر بین ۱۰۰ تا ۱۰۰ هزار شغل مستقل به وجود آورده است، زیرا ۳۰۰ تأمین‌کننده با شبکه زنجیره عرضه مستقل خود به شبکه پمپیران ملحق می‌شوند.

ET با توجه به ارتقای سطوح روابط کشور با جامعه بین‌الملل و گشایش‌های بعد از برجام، استقبال و حضور شرکت‌های خارجی نیز در نمایشگاه بیشتر شده است. در این خصوص چه دیدگاهی دارید و این روند، چه فرصت‌هایی را برای صنعت نفت ایران در پی خواهد داشت؟

همان‌طور که اشاره کردید، مشاهدات و ارزیابی ما نیز مراجعه بیشتر را در نمایشگاه امسال نشان می‌دهد و افزایش شمار شرکت‌کنندگان خارجی بیانگر این مطلب بود، اما امیدواریم در ماه‌های آینده

افزون بر پمپ سری BB3، محصول مهم دیگر ما که در نمایشگاه ارائه شد، پمپ کوپلینگ BB1 با ظرفیت آب‌دهی ۱۱ هزار مترمکعب بر ساعت بود که به سفارش یکی از شرکت‌های پتروشیمی طراحی و ساخته شده است. محصول سوم نیز بویلر فیدپمپ یا همان پمپ تغذیه دیگ بخار است که تولید و طراحی آن به سفارش نیروگاه حرارتی خیام انجام شد.

ET آقای مهندس! در فضای کنونی اقتصادی و کسب کار کشور، افزون بر دانش فنی و تولید محصولات مورد نیاز صنایع مختلف کشور، اشتغال‌زایی برای جوانان و متخصصان نیز اهمیت به‌سزایی دارد. در این خصوص چه دستاوردهایی داشته‌اید؟ پاسخ این سؤال را با مثالی ارائه می‌کنم؛ پمپیران در حال حاضر ۴۵۰ نفر پرسنل دارد، همچنین حدود ۳۰۰ تأمین‌کننده فعال داریم و به‌ازای هر محصولی که اضافه می‌شود حدود ۱۰



اگرچه قوانین حمایتی بسیار خوبی تصویب شده و دولت نیز به این موضوع توجه دارد، اما متناسب با قوانین و شرایط موجود، اهتمام بیشتری نیاز داریم و این توجهات باید عملیاتی شوند. واقعیت این است که قوانین حمایتی متعددی وجود دارد، اما کماکان واردات در حجم وسیعی انجام می‌شود، آن هم بدون اینکه دلیل شفافی برای این نوع واردات وجود داشته باشد.

روابط عمومی پژوهشگاه صنعت نفت

اختلاط نفت خام و فرآورده، امروزه نقش به‌سزایی در توسعه فعالیت بخش‌های مختلف صنعت نفت دارد. استفاده از این فناوری باعث می‌شود مشخصات مختلف ماده نفتی به مقداری مطلوب تغییر یابد تا امکان انتقال بهتر آن فراهم شده یا فرایند نفتی مشخصی تسهیل شود. علاوه بر این، باعث خواهد شد تا نفت خام و فرآورده با مشخصات مطلوب مشتری وارد بازار فروش شود. بر همین اساس توسعه فناوری اختلاط پیوسته نفت خام و فرآورده در پژوهشگاه صنعت نفت از سال‌ها پیش در دستور کار قرار گرفت. از جمله اهداف مورد نظر پژوهشگاه صنعت نفت در این راستا می‌توان به تأمین خوراک با کیفیت ثابت برای پالایشگاه‌های نفتی، تأمین و تضمین کیفیت فرآورده‌های نفتی تولیدی پالایشگاه‌های مختلف و همچنین تنوع بخشی به سبد نفت صادراتی کشور با تولید نفت‌های خام با مشخصات مختلف اشاره کرد.

توسعه سیستم اختلاط پیوسته نفت خام در پژوهشگاه صنعت نفت



با مشخصات نزدیک به مشخصات نفت خام‌های تولیدشده در خاور میانه اشاره کرد.

سودآوری بالا

او با بیان اینکه در دنیا، کشورهای آمریکا، مکزیک، هلند، ونزوئلا و هند سیستم‌هایی براساس این فناوری توسعه داده و برای تولید نفت خام و برش‌های نفتی مختلف استفاده کرده‌اند، می‌افزاید: «سودآوری استفاده از این سیستم به قدری است که در صورت بازاریابی مناسب نفت تولیدی می‌تواند در کمتر از ۲ ماه استفاده از آن، سرمایه‌گذاری ثابت مورد نیاز را مستهلک کرد.» زاهدی با بیان اینکه تاکنون پژوهشگاه صنعت نفت مطالعات امکان‌سنجی، طراحی مفهومی و طراحی پایه سیستم اختلاط پیوسته نفت خام را انجام داده است، می‌گوید: «با جمع‌بندی و اعمال تغییرات مورد نیاز این ۲ فعالیت، طراحی تفصیلی این سیستم با همکاری جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت مدرس آغاز خواهد شد.»

این محقق پژوهشگاه صنعت نفت، توسعه فناوری اختلاط را حاصل تلاش جمع‌کننده‌ای از کارشناسان و محققان در بخش‌های مختلف پژوهشگاه صنعت نفت می‌داند که طبیعتاً طراحی سیستم برآمده از این فناوری در زمینه صادرات نفت خام حاصل تلاش و همکاری مشترک و مستمر بخش‌های مختلف شرکت پایانه‌های نفتی ایران شامل اداره‌های تحقیق و توسعه، عملیات و مهندسی ساختمان با پژوهشگاه صنعت نفت بوده است.

توسعه شرکت پالایش و پخش توسعه داده شد و بعد از گذراندن مراحل و آزمون‌های مختلف، سرانجام در شواری عالی انفورماتیک کشور به ثبت رسید. در این میان تجربه‌های مختلفی در زمینه اختلاط بهینه نفت خام در پالایشگاه‌های مختلف کشور، با استفاده از این نرم‌افزار حاصل شد.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه صنعت نفت، ضمن اشاره به هدف اصلی این نرم‌افزار، تصریح کرد: «در حقیقت با استفاده از نرم‌افزار توسعه داده شده، می‌تواند با در اختیار داشتن چند خوراک نفتی یا فرآورده نفتی به نسبت اختلاط بهینه این مواد برای رسیدن به محصولی با کیفیت مشخص، دست یابد.»

بهینه‌سازی اختلاط نفت و فرآورده

او با بیان اینکه این نرم‌افزار بومی، توانایی شناسایی خواص نفت خام و برش‌های نفتی با استفاده از چند خاصیت پایه را نیز دارد، محاسبه خواص مخلوط حاصل از چند نفت خام یا برش نفتی، بهینه‌سازی اختلاط نفت خام و برش‌های نفتی برای صادرات، تولید و توزیع در کشور را از مهم‌ترین مزایای این نرم‌افزار برمی‌شمرد و ادامه می‌دهد: «تولید نفت خام‌های مختلف از مجموعه محدودی از نفت خام‌ها، از جمله مزایای استفاده از این سیستم محسوب می‌شود. استفاده از این سیستم در بخش صادرات نفت خام می‌تواند باعث گسترش سبد صادراتی کشور نیز شود. بدین صورت که با اختلاط نفت خام با نسبت‌های مشخص و محاسبه‌شده می‌تواند نفت خام مورد نیاز مشتریان مختلف در بازار بین‌المللی را تأمین و علاوه بر آن، نوسانات قیمت نفت خام‌های مختلف را نیز مدیریت کرد.»

استقبال پایانه‌های نفتی

بنا بر اعلام زاهدی، وجود این مزیت باعث شد همکاری نتگانگی میان پژوهشگاه صنعت نفت و شرکت پایانه‌های نفتی ایران برای طراحی سیستم پیوسته اختلاط نفت خام در پایانه صادراتی خارگ از مدت‌ها پیش آغاز شود. در این سیستم با استفاده از نفت خام‌های در دسترس در محدوده نفت خام‌های فوق سبک با API ۵۶ و نفت خام فوق سنگین با API ۱۸، امکان تولید طیف گسترده‌ای از نفت خام‌ها وجود خواهد داشت که از جمله می‌توان به تولید نفت خام‌هایی

دکتر سرود زاهدی عبقری، مدیر پروژه و استادیار پژوهشی پژوهشگاه توسعه فرایند و فناوری تجهیزات پژوهشگاه صنعت نفت، در گفتگو با «تازه‌های انرژی» با بیان اینکه در ایران نیز با توجه به تغییرات کیفیت نفت خام و لزوم تنوع بخشی به سبد صادراتی و مدیریت مناسب تولید در پالایشگاه‌های نفتی، توسعه فناوری اختلاط از سال‌ها پیش در دستور کار قرار گرفته است، می‌گوید: «از ۱۳۸۷ با هدف توسعه سیستم مزبور در پژوهشگاه توسعه فرایند و فناوری تجهیزات فعالیت‌های گسترده‌ای با همکاری سایر بخش‌های پژوهشگاه صنعت نفت از جمله پژوهشگاه توسعه فناوری‌های پالایش و فرآورش نفت آغاز شده است.»

مدرن‌سازی روش اختلاط

او با بیان اینکه اختلاط نفت خام و فرآورده با ۲ شیوه اختلاط در مخزن (سیستم ناپیوسته) و اختلاط در خط انجام می‌شود، ادامه می‌دهد: «روش اختلاط در مخزن (ناپیوسته)، شامل انتقال هم‌زمان حجم معینی از هریک از جریان‌های مخلوط‌شونده از مخازن ذخیره به مخزن محصول است که عملیات اختلاط جریان‌ها و همچنین یکنواخت‌شدن محصول، در مخزن و با استفاده از هم‌زن‌های مکانیکی یا پمپ‌هایی با جریان برگشتی انجام می‌شود. این روش، روش سنتی اختلاط است که با صرف انرژی و زمان زیاد، سودآوری پایینی دارد. در مقابل آن، روش اختلاط در خط (پیوسته) به عنوان روشی مدرن مطرح است که در آن اختلاط با استفاده از تجهیزات اختلاط‌گر در خط انجام می‌شود.»

زاهدی با اشاره به اینکه استفاده از این شیوه ضمن تسریع در فرایند اختلاط، باعث کاهش مصرف انرژی نیز خواهد شد، می‌افزاید: «فرایندهای پیوسته به گونه‌ای طراحی می‌شوند که اغلب در هنگام انتقال نفت خام و فرآورده، اختلاط صورت می‌گیرد و همین امر، باعث می‌شود که از این شیوه در مراحل مختلف تولید، انتقال و فرآورش نفت خام به راحتی بتوان استفاده کرد.»

مدیر این پروژه با تأکید بر اینکه از ۱۳۸۷ مطالعات گسترده‌ای در زمینه توسعه سیستم اختلاط پیوسته نفت خام و فرآورده آغاز شده است، ادامه می‌دهد: «در اولین گام نرم‌افزار RIPI Blend با حمایت پژوهش و



استفاده از این سیستم در بخش صادرات نفت خام می‌تواند باعث گسترش سبد صادراتی کشور نیز شود. بدین صورت که با اختلاط نفت خام با نسبت‌های مشخص و محاسبه‌شده می‌تواند نفت خام مورد نیاز مشتریان مختلف در بازار بین‌المللی را تأمین و علاوه بر آن، نوسانات قیمت نفت خام‌های مختلف را نیز مدیریت کرد.



نخستین کنفرانس ملی فرماندهی عملیات اطفای حریق

1st National Conference on Fire Fighting Command

18, 19 JULY 2017

محورهای کنفرانس

- ◀ اصول فرماندهی عملیات اطفای حریق
- ◀ سلسله مراتب فرماندهی عملیات اطفای حریق
- ◀ مدیریت استرس در فرماندهی عملیات اطفای حریق
- ◀ تحلیل و بررسی الگوهای رفتاری انواع حریق
- ◀ نقش تکنولوژی‌های نوین در اطفای حریق
- ◀ نقش سیستم‌های اعلام و اطفای هوشمند در کنترل حریق
- ◀ نقش الزامات پدافند غیر عامل در کنترل و اطفای حریق
- ◀ نقش و جایگاه فرماندهی عملیات در طرح واکنش شرایط اضطراری و مدیریت بحران
- ◀ مبانی استعدادیابی، آموزش و تربیت فرماندهان عملیات اطفای حریق
- ◀ مدیریت ارتباطات در عملیات اطفای حریق
- ◀ مدیریت ازدحام / تعامل با ساژمان‌های درگیر حادثه
- ◀ مدیریت دود، پساب و پسماندهای محثه حریق
- ◀ مدیریت منابع مصرفی و تجهیزات عملیات اطفای حریق

۲۷ و ۲۸ تیر ماه ۱۳۹۶ 

سالن همایش‌های بین‌المللی دانشگاه علم و فرهنگ

با مجوز ISC (پایگاه استنادی علوم جهان اسلام)

آخرین مهلت ارسال خلاصه مقاله: ۳۱ خرداد

آخرین مهلت ارسال اصل مقاله: ۱۰ تیر

پانل‌های پیش‌رفته، کارگاه‌های آموزشی تخصصی
نمایشگاه جانبی تکنولوژی‌های نوین در اطفای حریق

حامیان معنوی کنفرانس



برگزارکنندگان



حامیان رسانه‌ای



تازه‌هاکارتک

حامیان مالی کنفرانس



آدرس دبیرخانه:

تهران، بزرگراه اشرفی اصفهانی، نرسیده به همت، خیابان پارک، خیابان بهار، دانشگاه علم و فرهنگ
شماره تماس: ۵-۰۲۱۴۴۲۳۸۱۷۱ (داخلی ۳۹۲) و ۰۲۱-۷۷۷۵۱۱۸۶ فکس: ۰۲۱-۴۳۸۵۸۳۶
www.ncffc.usc.ac.ir



چالش‌ها و راهکارهای حضور فعالان بخش خصوصی در صنعت نفت کشور در شرایط پساتحریم

بخش خصوصی از صنعت نفت، حذف شده است

مهندس محمدرضا طیب‌زاده / عضو هیئت مدیره انجمن اپک



تجربه سال‌های اخیر نشان داده است پیمانکاران خارجی که یا به میل خود به پروژه‌های ما وارد شده‌اند، در صورت بروز برخی مسائل سیاسی از جمله تحریم با خروج از پروژه‌ها، کارهای عمرانی کشور را بر زمین گذاشته‌اند و در چنین شرایطی، متأسفانه مجربان و کارفرمایان ما هر وقت خروج پیمانکاران خارجی اتفاق می‌افتاد، به ناچار روی خوش به پیمانکاران ایرانی نشان می‌دادند. این مسئله را می‌توان به عنوان یکی از آثار مثبت تحریم‌ها برای بخش خصوصی (اگرچه تحریم در همه ابعاد آن قابل قبول نیست و مردود است) برشمرد. در شرایط فعلی، دولت با طراحی و ارائه نسل جدید قراردادهای نفتی (IPC) برای اجرای پروژه‌های کلان صنعت نفت با دعوت از پیمانکاران خارجی نشان داده است که همچون گذشته، به حضور آنها تمایل دارد. اگرچه همه انجمن‌های صنفی پیمانکاری این دیدگاه دولت را تأیید می‌کنند، اما حداقل درخواست‌هایی نیز از سوی بخش خصوصی مطرح است که در این نوشتار برخی از آنها به بحث و نظر گذاشته می‌شود.



تأمین مالی از دیرباز به عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی اجرای پروژه‌های عمرانی کشور به شمار آمده است که در این ارتباط، چالش‌های متعددی در این حوزه قابل توجه است. در ۲ دهه اخیر، تأخیر در تأمین و تخصیص منابع مالی (بودجه‌بندی و بودجه‌ریزی) در روند اجرا و نبود مسیر و امتداد صحیح نقدینگی پیمانکاران (Cash Flow) در انجام پروژه‌ها، منابع عمومی و منابع عمرانی (طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای) از عمده مشکلات اجرای پروژه‌ها بوده است. این نقیصه بزرگ، موجب افزایش بی‌رویه مدت اجرای پیمان‌ها شده، به طوری که متأسفانه زمان متوسط اجرای پروژه‌های عمرانی در کشور بالای ۱۰ سال گزارش شده است. مطالعات میدانی انجام‌شده توسط ذی‌نفعان دولتی از جمله سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و سازمان بازرسی کل کشور، به روشنی نشان داده که ناتوانی کارفرمایان در تأمین منابع مالی از عوامل اصلی و چالشی بازدارنده در اجرای به‌موقع پروژه‌ها بوده است. به نظر می‌رسد با توجه به شرایط جاری کشور، مشکلات عدیده دولت در تأمین منابع مالی پروژه‌ها و انتقال مسئولیت تأمین منابع مالی به عهده پیمانکاران، بدون آماده‌سازی بسترهای قانونی لازم، می‌تواند یک تهدید بالقوه برای کسب و کار پیمانکاری و صنعت احداث باشد.

در این حوزه اطلاع و آگاهی عموم کارفرمان و پیمانکاران از روش‌های تأمین

الزام قوانین بالادستی حاکم برای حضور بخش خصوصی

تأمین مالی از دیرباز به عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی اجرای پروژه‌های عمرانی کشور به شمار آمده است که در این ارتباط، چالش‌های متعددی در این حوزه قابل توجه است. در ۲ دهه اخیر، تأخیر در تأمین و تخصیص منابع مالی (بودجه‌بندی و بودجه‌ریزی) در روند اجرا و نبود مسیر و امتداد صحیح نقدینگی پیمانکاران (Cash Flow) در انجام پروژه‌ها، منابع عمومی و منابع عمرانی (طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای) از عمده مشکلات اجرای پروژه‌ها بوده است. این نقیصه بزرگ، موجب افزایش بی‌رویه مدت اجرای پیمان‌ها شده، به طوری که متأسفانه زمان متوسط اجرای پروژه‌های عمرانی در کشور بالای ۱۰ سال گزارش شده است. مطالعات میدانی انجام‌شده توسط ذی‌نفعان دولتی از جمله سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و سازمان بازرسی کل کشور، به روشنی نشان داده که ناتوانی کارفرمایان در تأمین منابع مالی از عوامل اصلی و چالشی بازدارنده در اجرای به‌موقع پروژه‌ها بوده است. به نظر می‌رسد با توجه به شرایط جاری کشور، مشکلات عدیده دولت در تأمین منابع مالی پروژه‌ها و انتقال مسئولیت تأمین منابع مالی به عهده پیمانکاران، بدون آماده‌سازی بسترهای قانونی لازم، می‌تواند یک تهدید بالقوه برای کسب و کار پیمانکاری و صنعت احداث باشد.

۱- برخورداری از دانش پیشرفته و توانا در تولید علم و فناوری؛



تأخیر در تأمین و تخصیص منابع مالی پروژه‌ها، موجب افزایش بی‌رویه مدت اجرای پیمان‌ها شده، به طوری که متأسفانه زمان متوسط اجرای پروژه‌های عمرانی در کشور بالای ۱۰ سال گزارش شده است.



ساختار و چارچوب فضای شرکت‌های بیمه‌ای حال حاضر کشور با نرم و استانداردهای بین‌المللی همچون بیمه‌های «اساچه»، «کوفک»، «هرمس»، «لویدز» و نظایر آن، شباهتی ندارد.

- ۲- دست یافتن به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه؛
- ۳- تحقق رقابت‌پذیری اقتصاد کشور در سطح بازارهای داخلی و خارجی؛
- ۴- ایجاد سازوکار انگیزشی برای توسعه صادرات نفتی و رفع موانع تولید قابل رقابت در عرصه بازارهای جهانی؛
- ۵- ایجاد فضای مناسب، امن و اطمینان‌بخش برای فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی با تکیه بر احترام به حقوق مالکیت دارایی‌های مادی و غیرمادی؛
- ۶- توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی به‌عنوان محرک اصلی رشد اقتصادی؛
- ۷- توسعه حضور بخش‌های تعاونی و خصوصی در همه بخش‌های اقتصادی و محدود کردن تصدی دولت در فعالیت‌های اقتصادی در سقف عناوین مصرح در اصل قانون اساسی و حداکثر حضور کارآمد در قلمرو امور حاکمیتی.

۲- سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه

- در این سند نظرها و دیدگاه‌های مقام معظم رهبری برای اجرایی شدن برنامه ششم توسعه کشور به رئیس محترم جمهوری اسلامی در حوزه‌های مختلف از جمله امور اقتصادی، فناوری، ارتباطات و اطلاعات، اجتماعی، دفاعی و امنیتی، سیاست‌های خارجی، حقوقی و قضایی، فرهنگی، علم، فناوری و نوآوری ابلاغ شده که به مواردی از آنها که به‌نحوی در این مقاله اثرگذار هستند فهرست‌وار اشاره شده است:
- ۱- بهبود مستمر فضای کسب‌وکار و تقویت ساختار رقابتی و رقابت‌پذیری بازارها؛
 - ۲- تغییر نگاه به نفت و گاز و درآمدهای حاصل از آن از منبع تأمین بودجه عمومی به منابع مالی و سرمایه‌های زاینده اقتصادی؛
 - ۳- حمایت از تأسیس شرکت‌های غیردولتی برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اکتشاف (نه مالکیت)، بهره‌برداری و توسعه میادین نفت و گاز کشور به‌ویژه میادین مشترک در چارچوب سیاست‌های کلی اصل ۴۴؛
 - ۴- دانش‌بنیان کردن صنایع بالادستی و پایین‌دستی نفت و گاز با تأسیس و تقویت شرکت‌های دانش‌بنیان برای طراحی، مهندسی، ساخت، نصب تجهیزات و انتقال فناوری به‌منظور افزایش خودکفایی.

۳- سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

- ۲۴ محور اشاره شده در این سند و به‌خصوص محورهای اشاره شده در ذیل، تأکید بر وجود حداقل چند شرط برای ایجاد فضای کسب و کار در همه بخش‌های کشور و به‌خصوص برای بخش خصوصی دارد:
- الف- بسترسازی برای ایجاد تولید در فضای کسب و کار با تکیه بر اقتصاد دانش‌بنیان و تقویت ارکان اجرایی در کشور، به‌خصوص تأکید بر فضای بخش خصوصی، چه معطلمه براساس اصل ۴۴ قانون اساسی، سند چشم‌انداز نظام تا افق ۱۴۰۴ را تبیین فرمودند که در تمام این متون، اشاره به توانمندی بخش خصوصی و احتراز از هر نوع ایجاد مانع برای این اهداف شده است.
 - ب- تأکید بر شفاف‌سازی و سالم‌سازی روابط اقتصادی به‌منظور حذف شرایط فسادزا در حوزه‌های پولی و تجاری و اصولاً هر عاملی که در فضای کسب و کار در قانون تجاری کشور در این مورد اثرگذار است.
 - پ- تقویت نهادهای داخلی در صنعت نفت کشور، به‌منظور قطع وابستگی کامل نفت که شروع این نگاه کلان در عمل با ایجاد شرایط لازم برای تقویت نهادهای بخش خصوصی در اجرای پروژه‌های صنعت نفت متبلور خواهد شد.
 - ت- پیشسازی اقتصاد دانش‌بنیان و اجرای نقشه جامع علمی کشور، مقابله با ضربه‌پذیری درآمد حاصله از نفت و گاز، افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز، افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش در صنعت نفت، افزایش منابع صندوق توسعه ملی از طریق منابع صادره از نفت و گاز مندرج در بندهای ۲، ۳، ۱۳، ۱۵، ۱۸ از اولویت‌های مهم ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی محسوب می‌شود.

۴- قانون برنامه ۵ ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران

در بند «ب» ماده ۲۱۴ قانون فوق‌الذکر روش‌های ورود پیمانکاران برای اجرای

- پروژه‌ها با آورد و تأمین منابع مالی به صورت ذیل پیش‌بینی شده است:
- روش‌های اجرایی مناسب از قبیل:
 - تأمین منابع مالی، ساخت، بهره‌برداری و واگذاری؛
 - تأمین منابع مالی، ساخت و بهره‌برداری؛
 - طرح و ساخت کلید در دست؛
 - مشارکت بخش عمومی خصوصی؛
 - ساخت، بهره‌برداری و مالکیت را با پیش‌بینی تضمین‌های کافی به کار گیرد (نقل از متن).

در این دستورالعمل به روش‌های project financing & investment models اشاره شده است که به‌طور عموم در این روش‌ها، «سرمایه‌پذیر» یعنی کارفرمایان در مقابل «شرکت» یا «سرمایه‌گذار» پیمانکار حضور دارند. سرمایه‌گذار موظف است از منابع مالی مختلف داخلی و خارجی برای پروژه‌های نسبتاً طولانی مدت تا ۲۰ سال نسبت به آورد سرمایه اقدام کند. شایان ذکر است، بر موارد فوق‌الذکر در قانون دائمی احکام ۱۳۹۶ نیز عیناً تأکید شده است.

۵- قوانین بودجه سالیانه کشور

در قوانین بودجه سالیانه کشور از ۱۳۹۱ با نگاه به موضوع بند «ب» ماده ۲۱۴ قانون برنامه ۵ ساله پنجم، توسعه روش‌هایی پیشنهاد شد که در قوانین بودجه ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ (مواد ۹۰ و ۱۰۲) تأمین منابع مالی به پیمانکاران و در قالب ایجاد «شرکت پروژه» محول شد. به‌دلیل وجود مشکلات عدیده در اجرایی شدن موارد فوق‌الذکر، در ماده واحده قانون بودجه ۱۳۹۳ اقدام به درج بند «ق» (تبصره ۲) با تخصیص ۱۰۰ میلیارد دلار از منابع ارزی کشور و در اختیار قرار دادن آن به وزارت نفت شد. همچنین در ماده ۱۲ «قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور» ۱۳۹۴ و برای اجرا و پیگیری بند «ق»، در ردیف فوق تأکید شد در کلیه وزارتخانه‌ها، به‌ویژه وزارت نفت و نیرو، سالانه تا سقف ۱۰۰ میلیارد دلار به‌صورت ارزی توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی خارجی یا داخلی با اولویت بخش‌های خصوصی یا تعاونی با نگاه به صرفه‌جویی کاهش هزینه یا تولید کالا یا خدمات، به‌خصوص برای نفت و گاز و میادین نفتی، اقدام شود.

۶- قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار

طبق قانون «بهبود مستمر محیط کسب و کار» مصوب شانزدهم بهمن ۱۳۹۰ مجلس شورای اسلامی، به رئیس‌جمهور وقت ابلاغ شد که اجرا و عمل به این قانون به عنوان یک قانون بالادستی و لازم‌الاجرا برای کلیه ذی‌نفعان حاضر در قانون، الزام‌آور است و درخواست مشخص بخش خصوصی و همه NGOهای مرتبط در این حوزه، عمل به آن توسط همه مسئولان و ذی‌نفعان اشاره شده و مصرح در آن است.

همچنین با توجه به اهمیت اجرای پروژه در حوزه‌های زیربخش قوه مجریه در بخشنامه اخیر معاون اول ریاست جمهوری به شماره ۵۲۲۰۷/۱۳۸۸۱ مورخ نهم بهمن ۱۳۹۵ با تأکید بر این قانون، به‌خصوص اجرای مواد ۲ و ۳ الزام به اجرای قانون توسط زیربخش‌های دولت، تأکید شده است.

ذی‌نفعان حاضر در قانون در مقابل بخش خصوصی (۲۱ ذی‌نفع):

- ۱- «اتاق» در این قانون «اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران» و «اتاق تعاون مرکزی جمهوری اسلامی ایران» به عنوان متولی اصلی اجرای این قانون معرفی شده است (موضوع بند الف ماده ۱ و مواد ۴، ۵، ۱۱، ۱۷)؛
- ۲- «شورای گفتگو» موضوع ماده یک بند «ج» و به استناد ماده ۷۵ قانون برنامه ۵ ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۵، ۱۰، ۱۳۸۹؛
- ۳- «وزارت اقتصاد و دارایی» موضوع مواد ۴ و ۲۷؛
- ۴- «دولت» (قوة مجریه) موضوع مواد ۲، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷ و ۲۹؛
- ۵- «تشکل‌های اقتصادی» موضوع ماده ۵، بند «ج» ماده ۱۱ و ماده ۱۲؛
- ۶- «شهرداری‌ها» موضوع ماده ۱۶؛
- ۷- «بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» موضوع تبصره ذیل ماده ۲۳؛

در این حوزه، عمل به قانون و اقدام به معرفی نماینده وزیر (معاون وزیر) برای تبادل با بخش خصوصی است.

۷- تصویب نامه هیئت وزیران در خصوص شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز (IPC)

تصویب نامه‌های هیئت وزیران به شماره‌های ۱۰۴۰۸۹ / ت ۵۲۴۴۵ هـ مورخ ۱۳۹۴/۸/۱۱، شماره ۵۲۳۶۷/ت/۵۷۲۲۵ هـ مورخ ۱۳۹۵/۵/۱۶ و شماره ۶۹۹۷۸/ت ۵۲۳۲۱ هـ مورخ ۱۳۹۵/۶/۱۰ استناد به مندرجات ماده ۱۳۸ قانون اساسی، محور اصلی ورود وزارت نفت به فرم جدید قراردادهای حاکم بر پروژه‌های بالادستی E&P (قراردادهای IPC) است. قراردادهای جدید نفتی در حقیقت همان قراردادهای Buy back قبلی با ایجاد فضای ترغیبی بیشتر برای حضور پیمانکاران E&P/IPC/Developer در فضای پروژه‌های بالادستی ایران است. ماهیت این قرارداد با تمرکز بر ۳ عامل مهم تأمین منابع مالی (Money Management)، به‌کارگیری فناوری روز در مدت تعهد قراردادی و مهم‌تر از دو مورد قبلی، اعمال مدیریت روز پیمانکاران بین‌المللی در پروژه‌های بالادستی کشور است. بنابراین ورود به رتبه‌بندی بین‌المللی برای پیمانکاران ایرانی برای استفاده از منابع خارجی امری اساسی است. در قراردادهای جدید نفتی به ۲ موضوع مهم پیشینه‌کردن سهم داخلی (APPENDIX M) و انتقال فناوری (APPENDIX N) توجه ویژه شده است.

نگاهی به نقش حوزه‌های مالی، بیمه‌ای و بانکی در صنعت احداث

متأسفانه باید اعلام کرد ساختار و چارچوب فضای شرکت‌های بیمه‌ای حال حاضر کشور با نرم و استانداردهای بین‌المللی همچون بیمه‌های «ساجه»، «کوفک»، «هرمس»، «لویدز» و نظایر آن، شباهتی ندارد و علاوه بر آن، بانک‌های کشور نیز به دلیل وجود قوانین دست و پاگیر بالادستی (قوانین بانک مرکزی) نمی‌توانند در کنار پیمانکاران بخش خصوصی حضور شفاف و موثری داشته باشند. در همین راستا می‌توان رئوس چالش‌های جدی (نه محدود به آنها) برای حضور فعالان بخش خصوصی را اینچنین مطرح کرد:

تاکون بانک‌ها اعتقاد بر این داشتند که حوزه وظایف آنها فقط دادن ضمانت‌نامه شرکت در مناقصه، ضمانت‌نامه تضمین انجام تعهدات، ضمانت‌نامه پیش پرداخت و ضمانت‌نامه مربوط به حسن انجام کار در برابر پروژه‌های عمرانی خلاصه می‌شود. پیمانکاران با ورود به حوزه بانکی و بسته به اعتبار و سابقه خود، برای تأمین اعتبار در اجرای پروژه‌ها (Self Financing) عمل می‌کنند. شرایط هزینه‌های بانکی (کارمزدها یا میزان وثایق برای دریافت ضمانت‌نامه‌ها) با نظام‌های بین‌المللی انطباق ندارد و به دلیل بالا بودن مقادیر آن با توجه به نرهای بین‌المللی، این هزینه‌ها باید به‌اجبار به‌عنوان هزینه‌های بالاسری پیمانکاران (Over Head) منظور شود و در نتیجه، بار مالی مضاعفی به پروژه وارد می‌شود.

در شرایط کنونی و براساس نظام فنی-اجرایی کشور، حوزه اثر پیمانکاران با ورود به پروژه‌های EPC / BOO/BOT/PPP و نظایر آن، بسیار وسیع‌تر از پروژه‌های ۳ عاملی است و طبعاً مشکلات مالی برای دریافت منابع مالی بسیار گسترده‌تر خواهد بود.

در ادامه این نوشتار، درخواست‌های بخش خصوصی از سیستم‌های مالی و بانکی کشور تقدیم خواهد شد.

چالش‌های بخش خصوصی در شرایط حال و پسانتحریم برای تأمین منابع مالی

به دلیل شرایط خاص دوران تحریم کشور در یک دهه گذشته و نبود ارتباط کامل با منابع مالی و اعتباری در خارج از کشور، پروژه‌های عمرانی کشور با چالش‌های فراوانی مواجه شدند بر همین اساس، تأمین منابع مالی برای اجرای پروژه‌های عمرانی کشور دچار چالش جدی در این حوزه شد و به همین دلیل، کارفرمایان برای حضور پیمانکاران در صنعت احداث، تأمین منابع مالی را به‌عنوان اولویت اول تلقی کرده‌اند. در همین راستا، پرسش‌ها و چالش‌هایی (نه محدود به آنها) به شرح ذیل، قابل

- ۸- «دستگاه اجرایی» زیربخش‌های قوه مجریه، موضوع مفاد ۳، ۱۵، ۲۳، ۲۴ و ۲۷؛
- ۹- «مرکز آمار ایران» موضوع ماده ۶ و بند «خ» ماده ۱۱؛
- ۱۰- «وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی» موضوع ماده ۱۸؛
- ۱۱- «سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور» موضوع ماده ۱۹؛
- ۱۲- «وزارت صنعت، معدن و تجارت» موضوع ماده ۸؛
- ۱۳- «وزارت امور خارجه» موضوع مفاد ۹ و ۱۰؛
- ۱۴- «وظایف وزرا و روسای دستگاه‌های اجرایی» (قوة مجریه) موضوع تبصره یک ماده ۱۱ و ماده ۱۴؛
- ۱۵- «شورای رقابت» موضوع تبصره ماده ۱۹؛
- ۱۶- «وزارت نفت» موضوع ماده ۲۵؛
- ۱۷- «وزارت جهاد کشاورزی» موضوع ماده ۲۵؛
- ۱۸- «وزارت نیرو» موضوع ماده ۲۵؛
- ۱۹- «شورای تأمین استان» موضوع ماده ۲۶؛
- ۲۰- «سازمان هواشناسی و سازمان حفاظت محیط زیست» موضوع ماده ۲۶؛
- ۲۱- «شورای اصناف کشور» موضوع بند «ب» ماده ۱۱؛

دیدگاه‌های مهم درباره بندهای منتخب متن قانون

ماده ۲:

۱- این ماده مهم، دولت را مکلف کرده است هنگام بررسی موضوع‌های محیط کسب و کار برای اصلاح و تدوین مقررات و آیین‌نامه‌ها، نظر کتبی اتاق و حتی آن دسته از تشکلات که عضو نیستند را دریافت کند.

۲- در ذیل این ماده، حضور یا حضور نیافتن ذینفعان بند یک این ماده در جلسات تصمیم‌گیری هیئت دولت را برعهده دولت گذاشته و این حضور با خواست و نظر دولت تأکید شده است.

این نگاه با احقاق حق بخش خصوصی به‌نحوی در تضاد است و به همین دلیل باید حق دفاع به‌عنوان سخنگوی بخش خصوصی به «شورای گفتگو» داده شود.

ماده ۳:

این ماده، نگاهی بسیار منطقی و اصولی برای تعریف و تثبیت جایگاه بخش خصوصی دارد. در این ماده به صراحت به دستگاه اجرایی مصرح در قانون تکلیف شده است که هنگام تدوین یا اصلاح مقررات و قوانین، نظر تشکلات اقتصادی استعلام و به آن توجه شود.

ماده ۱۱:

این ماده در حقیقت یکی از مهم‌ترین مفاد این قانون در مورد تثبیت نقش و حضور «شورای گفتگو» را تعریف کرده است. نظر به اهمیت ۳ بند «الف»، «ج» و «چ» به‌عنوان ۳ بند مهم این ماده، در ذیل نقل از متن شده است:

بند الف- پیشنهاد اصلاح، حذف یا وضع مقررات اعم از آیین‌نامه، بخشنامه، دستورالعمل، شیوه‌نامه یا رویه اجرایی برای بهبود محیط کسب و کار در ایران به مسئولان مربوطه، براساس گزارش تهیه شده از سوی دبیرخانه این شورا.

بند ج- پیگیری گزارش اتاق‌ها درباره امتیازهای موجود در قوانین و مقررات و رویه‌ها برای بنگاه‌های با مالکیت غیر از بخش‌های خصوصی و تعاونی و زمینه‌سازی برای حذف یا تعمیم این امتیازات به منظور اجرای کامل و مؤثر ماده (۸) قانون اجرای سیاست‌های اصل (۴۴).

بند چ- ارائه پیشنهاد در مورد قراردادهای دستگاه‌های اجرایی با فعالان اقتصادی بخش‌های خصوصی و تعاونی به منظور ایجاد ترازوی و منع تحمیل شرایط ناعادلانه به طرف مقابل در این قراردادها.

ماده ۱۴:

این ماده، دستگاه‌های اجرایی و به‌خصوص وزرا در هیئت دولت را موظف کرده است برای بهبود محیط کسب و کار و اجرای صحیح این قانون، یکی از معاونان خود را به‌عنوان مسئول بهبود محیط کسب و کار به ذی‌نفعان بخش خصوصی معرفی کند. درخواست بخش خصوصی از همه مسئولان محترم دولت و به‌خصوص وزرا

Witteveen Bos
راهکارهای نوین برای مدیریت و بازچرخانی آب در واحدهای صنعتی
witveenandbos.com
دفتر ایران (تهران): ۲۶۴۱۳۹۹۷

ماهنامه تخصصی محیط زیست و انرژی‌های تجدیدپذیر
مدیریت
انرژی‌های تجدیدپذیر



به دلیل بالا بودن هزینه‌های بانکی با نظام‌های بین‌المللی این هزینه‌ها باید به‌اجبار به‌عنوان هزینه‌های بالاسری پیمانکاران منظور و در نتیجه، بار مالی مضاعفی به پروژه وارد می‌شود.



توانمندی بخش خصوصی واقعی ایران در انجام مسئولیت‌های قراردادی و اجرای پروژه‌های بزرگ گازی عسولویه توسط پیمانکاران بخش خصوصی در ۲ دهه و به خصوص دوران تحریم در مقابل با عملکرد پیمانکاران دولتی و غیر خصوصی و در حالی که شرایط مساوی با آنها نداشت، به روشنی مشخص شده است.

دکر و بحث است:

۱- آیا بانک‌های کشور و به‌ویژه بانک‌های خصوصی، تمایل دارند به‌عنوان بازوی تأمین‌کننده مالی پروژه‌ها در کنار کنسرسیوم پیمانکاران و در قالب روش EPCF قرار گیرند؟

۲- باتوجه به حجم و سطح پروژه‌های بزرگ کشور از جمله پروژه‌های گازی عسولویه و محدود بودن حجم امکانات مالی داخلی بانکی کشور، بانک‌ها نیاز مبرم به جمع‌آوری امکانات مالی (Syndicate کردن بانک‌ها) دارند. انجام این خواسته بخش خصوصی تا چه میزان از نظر قوانین داخلی بانکی در کشور ممکن است و آیا بانک‌های داخلی ما براساس قوانین بانک مرکزی در این مورد تجربه عملی و ملموسی برای ورود به پروژه‌های کلان دارند؟

۳- آیا ادغام تعهد تأمین منابع مالی توسط دولت به پیمانکاران و رودرو قرار گرفتن پیمانکاران با بانک‌ها، صحیح و منطقی است یا اینکه بهتر است پیمانکاران با ورود به وظایف مشخص خود در حوزه صنعت احداث در اجرای پروژه‌ها، توان خود را در این محور صرف کنند و تأمین منابع مالی پروژه‌ها به روش‌های مختلف از جمله افتتاح اعتبار اسنادی ارزی/ریالی، به بانک‌ها و دولت محول شود؟

۴- این اعتقاد تا چه میزان صحیح و عملی است که: الف- دولت به پیمانکاران تأکید می‌کند از فضای موجود، یعنی تأمین منابع مالی توسط پیمانکاران، حداکثر استفاده را داشته باشد.

ب- با قطع وابستگی به سیستم پرداخت‌های دولتی، ارتباط مالی خود را با دولت حذف کنند و با بانک‌ها طرف باشند.

۵- در نرم‌های بین‌المللی و استانداردهای جهانی، شرکت‌های پیمانکاری برای دریافت پشتیبانی مالی از بانک‌ها پس از ورود به مناقصات، برنده شدن و عقد قرارداد با کارفرمایان، با قرار دادن «قرارداد امضا و تأیید شده کارفرما» (قراردادهای Bankable) روی میز بانک‌ها، به‌راحتی اقدام به دریافت منابع و پشتیبانی مالی برای ورود به اجرای پروژه‌ها می‌کنند. آیا در حال حاضر چنین شرایطی در کشور ما جاری است؟

۶- در کشور ما چه عواملی برای جلوگیری از تحقق شرایط فوق وجود دارد و چرا این رویه بسیار پسندیده و بین‌المللی در ایران قابل پیاده شدن نیست؟ آیا قوانین بالادستی حاکم بر فضای قراردادهای بخش پیمانکاری مانع این امر است یا قوانین بالادستی بانکی مانع از ارائه چنین امکاناتی به بخش خصوصی می‌شود؟

۷- از دیرباز بحث تأمین منابع مالی پروژه‌ها از مشکلات و معضلات اصلی و جدی بوده و علاوه بر آن باز به دلیل تخصیص نیافتن به موقع منابع مالی به پروژه‌ها، پرداخت کارکرد ماهانه پیمانکاران و به‌طور کلی، مطالبات مالی آنها در مقابل قرارداد و کارفرمایان همواره با تأخیر مواجه است. این امر موجب برهم خوردن جریان گردش نقدی (Turnover Cash Flow) پیمانکاران و در نهایت، تأخیر در اجرای پروژه‌ها و منجر به بروز مشکلات عدیده‌ای بین طرفین قرارداد می‌شود. کدام موانع باعث شده است موضوع افتتاح اعتبار ریالی (LC ریالی)، باوجود تأکیدهای روشن در قوانین بالادستی از سال‌های قبل و به‌خصوص در قانون برنامه ۵ساله پنجم توسعه کشور، به‌درستی و به‌طور کامل عملی نشود؟ چه مشکلی بین کارفرمایان، مجریان و بانک‌ها در این مورد وجود دارد که این مسئله بسیار مهم عملی نمی‌شود و کدام عوامل مانع از انجام این مورد مهم می‌شوند؟

۸- اگرچه قراردادهای، به‌خصوص در صنعت نفت، گاز و پتروشیمی به‌صورت ارزی مندرج در اسناد قانونی قرارداد نوشته می‌شود و در این ارتباط کارفرمایان موظف هستند بدون درج هیچ پیش‌شرطی در قرارداد و اجبار پیمانکار به قبول شرایط دیگر، ارز با منبع خارجی مورد نیاز پروژه‌ها را با شرایط مطمئن (Secured means of payment) در اختیار پیمانکاران قرار دهند، اما متأسفانه در قراردادهای کارفرمایان اعلام می‌کنند مبلغ قرارداد را هر وقت تمایل داشتند به‌صورت معادل ریالی، آن هم به نرخ تسعیر ارز رایج بانکی که قطعاً با بازار آزاد متفاوت است، ارائه دهند که این امر با ماهیت مالی برای اجرای قرارداد ارزی پیشنهادی پیمانکار تفاوت‌های جدی دارد.

۹- پیمانکاران در تأمین کالا و تجهیزات پروژه‌ها در قرارداد ریالی نیز نیاز به ارز با منبع خارجی دارند و حتی سازندگان تولیدات داخلی (Local Content) همواره

درخواست ارز خارجی برای تأمین بخشی از کالای با مبدأ داخلی دارند. در این زمینه که پیمانکاران را دچار چالش کردند، چه راهکاری باید اندیشیده شود؟

۱۰- در دوران تحریم، افتتاح اعتبار اسنادی ارزی (LC) توسط بانک‌های داخلی به‌تأیید سازندگان خارجی نمی‌رسید و به همین دلیل پیمانکار باید با روش Back to Back پس از باز کردن اعتبار اسنادی در یکی از بانک‌های مورد تأیید سازندگان خارجی از منابع چینی، ترک، روس، بلاروس و نظایر آن از طریق Commissionerها کار را دنبال می‌کرد که طی کردن این مسیر برای پیمانکار، بار مالی ۱۰ درصد و در بعضی موارد بیشتر را علاوه بر شرایط قرارداد در برداشت که باعث جدل‌های قراردادی جدی پیمانکاران با کارفرمایان می‌شد. آثار این شرایط در فضای پساتحریم باید کاملاً رفع شود.

۱۱- کاهش ارزش پول ملی در مقابل ارزهای خارجی در سال‌های اخیر چالش دیگری در بخش مالی پروژه‌ها به‌وجود آورد. اگرچه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی بخشنامه‌ای در این مورد صادر کرده (موضوع بخشنامه نحوه تأثیر آثار ناشی از افزایش قیمت ارز)، اما اعمال چنین بخشنامه‌هایی پاسخگوی نیازهای واقعی پیمانکاران نخواهد بود.

۱۲- پیمانکاران در شرایط حال و پساتحریم به دنبال دریافت قراردادهای Bankable هستند که با نرم‌های بین‌المللی هم‌خوان است؛ بدین معنا که کارفرمایان باید قراردادهای را در حوزه توزیع ریسک و مسئولیت به نحوی تقسیم کنند که همه ریسک‌ها متوجه پیمانکار نباشد. در شرایط فعلی بانک‌های داخلی و خارجی نمی‌توانند برای تأمین منابع مالی در کنار پیمانکاران قرار بگیرند. به این موضوع نیز باید توجه شود که تعریف قرارداد Bankable چیست؟

۱۳- بانک‌های خصوصی و دولتی، در شرایط حال درک هم‌خوان با فضای پیمانکاری در صنعت احداث برای تأمین منابع مالی و حضور در کنار آنها و به صورت عضوی از کنسرسیوم یا JOINT VENTURE ندارند و به‌طور معمول اعلام می‌کنند که به‌دلیل قوانین بالادستی بانکی (قوانین بانک مرکزی) چنین شرایطی جاری نیست.

۱۴- پیمانکاران بخش خصوصی درخواست دارند دریافت تضامین از پیمانکاران، به صورتی که هم‌اکنون در قوانین جاری کشور است، به نحوی با قوانین بین‌المللی هم‌خوان شود. به‌عنوان نمونه هزینه‌های ضمانت‌نامه پیمانکاران یا دریافت وام از بانک‌ها (Self Financing) قابل مقایسه با هزینه‌های مشابه در پروژه‌های بین‌المللی نیست و سیستم بانکی باید برای آن راهکار عملی ارائه دهد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بخش خصوصی باوجود تمام تأکیدهای موجود در قانون اساسی (اصل ۴۴)، دیدگاه‌ها و ارشادهای مقام معظم رهبری در تعیین و ابلاغ سند چشم‌انداز افق ۱۴۰۴ و دستورالعمل‌های بعدی از جمله قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴، هنوز جایگاه صحیح و روشنی ندارد. در یک دهه گذشته بخش خصوصی با حضور نابرابر شرکت‌های دولتی، نیمه‌دولتی و شبه‌دولتی تقریباً از صحنه حضور در پروژه‌های صنعت احداث و به‌خصوص پروژه‌های صنعت نفت، حذف شده که این مسئله جای تأمل جدی دارد که در همین راستا، موارد ذیل قابل توجه و تعمق هستند:

۱- بانک‌های عامل حاضر در فضای اقتصاد کشور، به‌خصوص بانک‌های بخش خصوصی، باید با تجمع و ایجاد سندیکاهای بین‌بانکی در کنار پروژه‌های عمرانی قرار گیرند و روش‌های حضور آنها نیز با توجه به حوزه قوانین و اثر بخشی آنها (به‌خصوص قوانین بانک مرکزی) تعریف و به‌کار گرفته شود.

۲- نقدینگی سرگردان در بازار کسب و کار می‌تواند پس از جمع‌آوری توسط بانک‌ها به مسیرهای صحیح، یعنی ساخت و ساز و کارآفرینی سوق داده شود. این امر به‌طور قطع با همت دولت، تشویق مردم برای حضور و هدایت پول‌های سرگردان به حوزه بانکی کشور و با علاقه و پشتیبانی بانک‌ها میسر است. نگارنده اعتقاد دارد با توجه به اقتصاد کاملاً دولتی در شرایط حال کشور، نمی‌توان به یک‌باره پیمانکاران را به سمت تأمین منابع مالی و قبول تعهد در این مورد ملزم کرد و باید در این حوزه با داشتن یک «نقشه راه»، روش‌های تأمین منابع مالی برای پیمانکاران بخش خصوصی توسط قوای مقتنه و مجریه، قانونمند شود.

نه تنها برای مردم آنها هیچ فایده‌ای نداشت، بلکه باعث عقب‌افتادگی از قافله پیشرفت جهانی شد و در پی آن فضای فساد و رانت در این کشورها حاکم شد. **۱۲-** قوای مقننه و مجریه باید دست در دست یکدیگر در پی ایجاد بسترهای لازم برای شکوفایی هرچه تمام‌تر بخش خصوصی باشند و قوانینی پیشنهاد و مصوب کنند که فقط در مسیر حرکت بخش خصوصی معنا داشته باشد. «قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار» در زمره این قوانین است و بخش خصوصی درخواست دارد ارگان‌های مختلف موظف در قوای مجریه و قضاییه در این قانون به درستی به وظایف محول شده عمل کنند.

۱۳- بخش خصوصی راه خود را به خوبی می‌شناسد. به تجربه ثابت شده که هر وقت دولت، بخش خصوصی را باور و از آن پشتیبانی کرده، این بخش توانمند شده و جایگاه خود را تثبیت کرده است. این توانمندی در انجام مسئولیت‌های قراردادی و اجرای پروژه‌های بزرگ گازی عسلیوه توسط پیمانکاران بخش خصوصی در ۲ دهه و به خصوص دوران تحریم در مقابل با عملکرد پیمانکاران دولتی و غیرخصوصی و در حالی که شرایط مساوی با آنها نداشت، به روشنی مشخص شده است.

۱۴- با تمام تأکیدهای موجود در قوانین بالادستی و به خصوص فرمایشات مقام معظم رهبری در دستورالعمل‌های موجود ایشان، باز هم به نظر می‌رسد بخش کارفرمایی دولتی به درستی جایگاه بخش خصوصی را قبول نمی‌کند. به باور نگارنده پاشنه آشیل نیز همین جاست و انتظار بخش خصوصی بر این است که برای گذار از شرایط فضای دولتی به بخش خصوصی تا افاق ۱۴۰۴ مورد نظر مقام معظم رهبری، چشم‌ها را باید شست و جور دیگر باید دید.

۱۵- تجربه سال‌های اخیر به ما نشان داده این پیمانکاران خارجی بوده‌اند که به میل خود یا به پروژه‌های ما وارد شده‌اند یا بر اثر مسائل سیاسی از جمله تحریم‌ها، از پروژه‌ها خارج شده و کار پروژه‌های عمرانی کشور روی زمین مانده است. متأسفانه مجریان و کارفرمایان ما فقط در صورتی که خروج پیمانکاران خارجی اتفاق می‌افتد روی خوش به پیمانکاران ایرانی نشان می‌دادند. این امر می‌تواند یکی از آثار مثبت تحریم‌ها برای بخش خصوصی به شمار آید؛ هرچند تحریم در همه ابعاد آن قابل قبول نیست و مردود است.

بخش خصوصی از مدیران دولتی صنعت نفت، چه می‌خواهد؟

در شرایط حال دولت برای اجرای پروژه‌های کلان صنعت نفت، با طراحی و ارائه نسل جدید قراردادهای نفتی موسوم به IPC، با دعوت از پیمانکاران خارجی تمایل به حضور آنها دارد. همه آنجمن‌های صنعتی پیمانکاری این دیدگاه دولت را تأیید می‌کنند، اما حداقل درخواست‌های بخش خصوصی به شرح ذیل است:

۱- حتی الامکان پیمانکاران خارجی نباید همچون گذشته و به صورت تام‌الاختیار به پروژه‌ها وارد شوند و شرکت‌های بخش خصوصی ایران، پیمانکاران دست دوم و سوم آنها در پروژه‌ها محسوب شوند. بدون شک پیگیری این روش توسط دولت‌مردان، همچون گذشته پیمانکاران ایرانی را به حاشیه می‌راند. پیمانکاران ایرانی، توانمندی و لیاقت خود را در اجرای انواع پروژه‌های صنعتی کشور به خصوص در صنعت نفت، گاز و پتروشیمی (پروژه‌های کلان گازی عسلیوه) به خوبی نشان داده‌اند. بنابراین نوع حضور بخش خصوصی در برابر پیمانکاران خارجی باید به درستی تعریف شود.

۲- در قراردادهای جدید نفتی (IPC) سرمایه‌گذاران و پیمانکاران خارجی قرار است به صورت Developer/IOC به کشور وارد شوند. باید جایگاه پیمانکاران باتجربه خصوصی صنعت نفت در این نوع قراردادها با پیمانکاران فوق‌الذکر یا Operatorهای آنها تعریف و ملحوظ شود.

بخش خصوصی مجدانه از مسئولان محترم ذی‌ربط در قوای مجریه و مقننه می‌خواهد با بسترسازی و وضع قوانین لازم برای حضور پیمانکاران ایرانی، البته با حضور نمایندگان انجمن‌های صنعتی، در تهیه و تدوین این قراردادها عمل شود. شعار ما همواره این است: «بخش خصوصی می‌تواند».

به گفته پدر معنوی‌ام، استاد گرانقدر دانشکده فنی دانشگاه تهران، زنده‌یاد مهندس احمد حامی: «این مملکت عاشق می‌خواهد. نگویید نمی‌شود، بپرسید چگونه می‌شود؟»

۳- به نظر می‌رسد هم‌اکنون بر پیگیری روش‌های اجرای پروژه‌ها با تأمین منابع مالی توسط پیمانکاران تأکید شده است. با توجه به قوانین سال‌های اخیر و افزایش ریسک‌های سرمایه‌گذاری، هم از طریق بانک‌های داخلی و هم از طریق بانک‌های خارجی، انجام این موضوع سهل به نظر نمی‌رسد و بنابراین باید ورود پیمانکاران به انجام پروژه‌ها براساس روش‌های مندرج در بند «ب» ماده ۲۱۴ قانون برنامه ۵ساله یا قانون دائمی احکام سال جاری اشاره شده در این مقاله، قانونمند شود. در این مورد نیاز به بازنگری در چارچوب و ساختار نظام بانکی کشور دیده می‌شود.

۴- به‌طور متقابل، انجمن‌های صنفی مختلف پیمانکاری می‌توانند با ایجاد صندوق‌های مالی برای پشتیبانی حضور خود (Equity Found) به خصوص در خارج از کشور در خدمت کسب و کار و توسعه صنعت قرار گیرند. دستیابی به این امر نیازمند تدوین قانونی برای تعریف روابط بین بخش خصوصی و بانک‌های دولتی و خصوصی است. بانک‌های کشور می‌توانند در این مورد پیش قدم شوند و بخش خصوصی را راهنمایی کنند.

۵- روش‌های عملی تأمین منابع مالی در شرایط پسانتحریم با توجه به بازار پول و سرمایه در کشور توسط منابع خارجی باید قانونمند شود. اعضای حاضر در نگاه‌های کسب و کار همچون اعضا و تشکل‌های صنفی که از فعالان حوزه‌های نفتی هستند با چه مکانیزمی باید وارد بازارهای بین‌المللی شوند و منابع پولی آزادی که آماده سرمایه‌گذاری هستند را جذب کنند؟ مجلس و دولت چگونه می‌توانند در این حوزه بسترسازی کنند؟

۶- چه ساختارهایی برای کاهش ریسک سرمایه‌گذاران خارجی در کشور با نگاه‌ها و نرم‌های بین‌المللی در حوزه قوای مقننه و مجریه با قبول حق صیانت و حاکمیتی برای نظام در حوزه‌های پروژه‌های کلان بالادستی نفت، گاز و پتروشیمی می‌تواند ملاک باشد تا بتوان یک قرارداد Bankable روی میز بانک‌ها و مؤسسات مالی و بین‌المللی توسط پیمانکاران بخش خصوصی، خصوصاً در چارچوب قراردادهای جدید نفتی قرار داد؟

۷- فعالان بخش خصوصی انتظار دارند روش‌های تأمین منابع مالی از منابع خارجی برای رونق فضای کسب و کار داخلی کشور، البته با پشتیبانی و حمایت کامل دولت، فراهم شود. آنها بسیار امیدوارند با برداشته شدن شرایط کامل تحریم، فضای مناسب و رقابتی کسب و کار بخش خصوصی در صنعت نفت و گاز و پتروشیمی کشور به صورت عملی فراهم شود.

۸- با توجه به میزان سرمایه‌گذاری کلان در پروژه‌های صنعت نفت کشور، به خصوص در پروژه‌های بالادستی و به‌منظور تأمین منابع مالی برای پیمانکاران بخش خصوصی ایرانی برای ایجاد فضای چانه‌زنی بیشتر با طرف‌های خارجی، پیشنهاد ما این است که ایجاد بانک توسعه صنعت نفت مجدداً در دستور کار وزارت نفت قرار گیرد و این بانک در خدمت پروژه‌های صنعت نفت کشور فعالانه عمل کند.

۹- از چالش‌های جدی انجمن‌های صنفی، غیرشفاف بودن قراردادهای تنظیمی بین آنها و کارفرمایان دولتی است. در نظام دولتی حاکم بر اجرای پروژه‌های کشور، بخش دولتی باید اقدام به تهیه و تنظیم قراردادهای متعادل و نه یک‌جانبه کند تا علاوه بر اینکه حوزه ریسک و مسئولیت طرفین در آن کاملاً روشن باشد، ساختار و چارچوب قراردادها نیز به‌صورتی باشد که هیچ‌یک از طرفین اجازه ورود به حوزه اختیار یا حذف طرف دوم را نداشته باشد.

۱۰- بخش خصوصی در حوزه شفاف نبودن قراردادها دچار مشکلات جدی است. این امر به‌طور خاص در قوانین موجود مالیاتی با تأکید بر مالیات بر ارزش افزوده (VAT) و ملزومات مربوط به حوزه تأمین اجتماعی با فضای غیرشفافی (در بخش‌های مختلف E/P/C) در حوزه‌های کلان جاری صنعت نفت کشور مواجه است.

۱۱- بخش خصوصی معتقد است شکوفایی فضای کسب و کار در کشور، مانند تمام کشورهای صنعتی جهان و به‌خصوص کشورهای تازه پیشرفته در فضای صنعت و کسب و کار همچون چین، هند، کره جنوبی، مالزی، ترکیه و برزیل با اتکا به بسط و گسترش بخش خصوصی صورت گرفته و ما نباید تجربه شکست‌خورده ۱۰۰ سال اخیر کشورهای دارای اقتصاد دولتی را تکرار کنیم. عملکرد این کشورها

پیمانکاران خارجی
نباید همچون گذشته و
به صورت تام‌الاختیار
به پروژه‌ها وارد شوند
و شرکت‌های بخش
خصوصی ایران،
پیمانکاران دست دوم و
سوم آنها در پروژه‌ها
محسوب شوند.



توسعه بازرگانی و روند فعالیت‌های هلدینگ پتروشیمی خلیج فارس در گفتگو با محمدحسین کاکویی نژاد

خلق ارزش افزوده و ایجاد فرصت از طریق تجارت

گفتگو: امیرعلی فرجی

با تشکیل هلدینگ صنایع پتروشیمی خلیج فارس، نگاه‌های بسیاری معطوف به روند فعالیت‌های این مجموعه شد، تا جایی که این تصور به وجود آمد که بدیل شرکت ملی صنایع پتروشیمی به دور از ساختارهای پیچیده دولتی ایجاد شده است. بعد از گذشت چند سال از فعالیت‌های هلدینگ و در میانه‌های مرداد ۱۳۹۴، به دلیل گستردگی فعالیت‌های بازرگانی، تأسیس و آغاز فعالیت‌های شرکت «تجارت صنعت خلیج فارس» به عنوان بازوی بازرگانی این هلدینگ در دستور کار قرار گرفت که حضور موفق آن در عرصه‌های بین‌المللی و کسب جایگاه مناسب در بازار در مدت زمانی کوتاه، باعث شد کارشناسان از این شرکت به عنوان رقیب شرکت بازرگانی پتروشیمی یاد کنند. مهندس «محمدحسین کاکویی نژاد» در گفتگو با «تازه‌های انرژی» اصلی‌ترین دلایل تشکیل این شرکت را چنین برمی‌شمرد: «شرکت تجارت صنعت خلیج فارس به عنوان بازوی فروش محصولات پتروشیمی شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس و در قالب یکی از شرکت‌های زیرمجموعه این هلدینگ، ۲ سال پیش تأسیس شد و در حال حاضر حدود یک سال و نیم است که به صورت رسمی، فروش محصولات در بازارهای داخلی و خارجی بزرگ‌ترین مجموعه پتروشیمی کشور را بر عهده دارد.»



خواهد شد. بنابراین هلدینگ به منظور دستیابی به اهداف یکپارچه‌سازی، خلق ارزش جدید در بازارهای بین‌المللی و استفاده از فرصت موجود مانند تأمین بستر مورد نیاز برای دسترسی به منابع مالی، توسعه مشارکت‌ها، حضور به‌عنوان یک بازرگان بزرگ در دنیا، تأمین کالا و خدمات به حداقل قیمت، نگرش به آینده برای شناسایی و روند بازار و برندسازی، «شرکت تجارت صنعت خلیج فارس» را تأسیس کرد.

ET با توجه به چنین نگرش و بینشی، چه مأموریت و چشم‌اندازی برای شرکت ترسیم کرده‌اید؟
مأموریت شرکت، تأمین و تجارت فرآورده‌ها و تجهیزات مرتبط با صنایع نفت، گاز و پتروشیمی در بازارهای داخلی و خارجی و سرمایه‌گذاری در زنجیره ارزش بازرگانی است. البته اصلی‌ترین نقاط اتکالی شرکت نیز کارکنان متخصص و توانمند، فناوری‌های نوین اطلاعاتی، ارائه خدمات متمایز بازرگانی و مالی، همچنین ارزش آفرینی و رضایت‌مندی پایدار ذینفعان به شمار می‌آید.

ET با توجه به گستردگی ساختار ستادی و تولیدی هلدینگ صنایع پتروشیمی خلیج فارس و تداوم روند روبه‌رشد فروش محصولات آن، اساساً رویکرد مدیران ارشد هلدینگ برای استقبال واحد بازرگانی و تأسیس شرکت «تجارت صنعت خلیج فارس» چه بود و کدام نیازها باعث آن شد تا فعالیت‌های بازرگانی هلدینگ همانند شرکت بازرگانی پتروشیمی در ساختار دولتی شرکت ملی صنایع پتروشیمی، به صورت مستقل انجام شود؟

اصلی‌ترین دلیل تشکیل شرکت، در بینش ارزش‌آفرین مدیران هلدینگ خلیج فارس نهفته است. برای هر سازمانی ضروری است که از یک اصل و دیدگاه ویژه برای ارزش آفرینی برخوردار باشد که یک مورد از این راه‌ها، ایجاد ارزش در نفوذ وظیفه‌ای و خدماتی شرکت‌هاست. تکمیل زنجیره ارزش با تمرکز بر خدمات بازرگانی افزون بر رهبری کسب و کارها، سبب کاهش هزینه‌ها و در نتیجه افزایش سودآوری



در مدت یک‌سال گذشته، به بیش از ۴۰ کشور جهان صادرات مستقیم داشته‌ایم و درصدد هستیم این تعداد را به ۵۰ کشور افزایش دهیم.

از نظر ما، مشتری اعم از داخلی و خارجی، مهم‌ترین ناظر بر فعالیت‌های شرکت محسوب می‌شود و ایجاد ارتباطی پایدار، صادقانه و مبتنی بر منافع طرفین، در سرلوحه فعالیت‌های شرکت قرار دارد.

ET تأسیس و شروع فعالیت‌های شرکت به چه زمانی برمی‌گردد؟

این شرکت در مرداد ۱۳۹۴ تأسیس شده و از دی ۱۳۹۴ نیز وارد فاز عملیاتی شده است. به‌طور رسمی از ابتدای ۱۳۹۵ تمامی محصولات شرکت‌های زیرمجموعه هلدینگ خلیج فارس در بازارهای داخلی و صادراتی توسط این شرکت به فروش می‌رسد.

ET اگرچه زمان اندکی از آغاز رسمی فعالیت‌های شرکت می‌گذرد، اما بسیاری از متخصصان صنعت پتروشیمی بر عملکرد موفق آن تأکید می‌کنند، تا جایی که عنوان می‌شود شما رقیب شرکت بازرگانی پتروشیمی هستید. دستاوردهای اصلی شرکت خود را چه چیزهایی می‌دانید؟

«شرکت تجارت صنعت خلیج فارس» در حالی آغاز به فعالیت کرد که سیاست خصوصی‌سازی در زمان تحریم‌ها، صنعت پتروشیمی را تحت تأثیر قرار داده بود. این در حالی بود که به دلیل تحریم‌ها، فعالان این صنعت در جهان از تغییرات ایجاد شده آگاهی کافی نداشتند و در درک فضا با ابهام مواجه می‌شدند. بر همین اساس اولین گام ما به‌عنوان وجهه تجاری هلدینگ خلیج فارس، تبیین وضعیت موجود و برندسازی بود. با حضور در سمینارها، نمایشگاه‌ها و جلسات متعدد با بازیگران بزرگ صنعت پتروشیمی در جهان، موفق شدیم جایگاه هلدینگ را معرفی و در خصوص فعالیت خود، آگاهی‌بخشی لازم را انجام بدهیم و خوشبختانه امروزه در سطح بین‌المللی، به‌خوبی شناخته شده‌ایم.

ET در چنین مدتی، سطح مبادلات شما چه تغییراتی داشته و هم‌اکنون با چه کشورهایی روابط اقتصادی برقرار شده است؟

خوشبختانه روند مثبت فعالیت‌های شرکت به‌گونه‌ای بوده که در مدت یک‌سال فعالیت هدفمند و مستمر، به بیش از ۴۰ کشور جهان صادرات مستقیم داشته‌ایم. **ET** با توجه به روند فعالیت‌های شرکت و گشایش‌های بعد از برجام، آیا در آینده شاهد ارتقای مناسبات سطح تجاری شرکت خواهیم بود؟

بله. پیش‌بینی می‌کنیم با بهبود زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری شرکت، مقاصد صادراتی در سال آینده افزایش یافته و موفق شویم به بیش از ۵۰ کشور صادرات مستقیم داشته باشیم.

ET اما در برهه‌ای اعلام شد که مشکلات متعددی برای نقل و انتقال ارز و بازگشت منابع مالی به کشور، خصوصاً برای فعالان صنعت پتروشیمی به‌وجود آمده است. شما با چه مشکلاتی مواجه بودید؟

همان‌طور که اشاره کردم، با توجه به وجود زیرساخت‌های مناسب و برقراری ارتباطات بازرگانی مؤثر، در این مدت همچنین تلاش شد مدیریت جریان وجوه نقد و وصول مطالبات به‌نحو مطلوبی انجام شود. **ET** از جمله چالش‌های صنعت پتروشیمی در

چند سال گذشته، جذب منابع مالی برای تکمیل روند توسعه واحدهای تولیدی به‌شمار می‌رود. در این خصوص چه تمهیداتی اندیشیده شد؟

علاوه‌بر موفقیت‌هایی که در حوزه فروش و انتقال منابع درآمدی داشتیم، به دلیل وجود مالکیت کالاهای متنوع در مجموعه هلدینگ، موفق به خلق فرصت‌های مناسبی برای تأمین مالی از طریق پیش‌فروش یا عقد قراردادهای بلندمدت محصولات شدیم که یکی از بهترین و کم‌هزینه‌ترین روش‌های تأمین مالی محسوب می‌شود. با انجام مذاکرات لازم در خصوص تأمین مالی از این طریق با شرکت‌های بزرگ بین‌المللی، زمینه ورود حجم قابل توجهی سرمایه خارجی به کشور را نیز فراهم کرده‌ایم. از طرف دیگر به دلیل بهره‌گیری از روش‌های روزآمد بازاریابی و واکنش سریع به تغییر در بازارها، محصولات ما با نرخ بهتری در مقایسه با شرایط گذشته به فروش می‌رسند که سودآوری مجموعه نیز تحت تأثیر این عوامل، افزایش یافته و روند بهبود آن قابل مشاهده است. همچنین به‌دلیل استفاده از روش‌های نوین معامله و به‌کارگیری زیرساخت‌های موجود، انواع قراردادهای جدید نیز در این شرکت در حال استفاده است که این موضوع منجر به تقویت ارتباط با مشتریان شده و جایگاه شرکت را در بازار ارتقا داده است.

ET این مواردی که اشاره فرمودید، عملیاتی نیز شده‌اند یا در حال برنامه‌ریزی برای اجرای آنها هستید؟

به‌عنوان مثال برای اولین بار در تاریخ بورس ایران، قرارداد بلندمدت با مشتریان نهایی در بورس کالا امضا کردیم که گامی روبه‌جلو محسوب شده و می‌تواند الگوی مناسبی برای سایر فعالان صنعت پتروشیمی نیز باشد.

ET با توجه به تمرکز فعالیت‌های شرکت در حوزه بازرگانی و هدف‌گذاری برای توسعه ارتباطات در عرصه بین‌الملل، دیدگاه شما در ارتباط با ارتقای جایگاه برند هلدینگ صنایع پتروشیمی خلیج فارس چیست و تأثیر آن را در فعالیت بازرگانی بین‌المللی شرکت چگونه ارزیابی می‌کنید؟

برند، نام یا نشانه‌ای است که کالا یا خدمتی را از سایر کالاها و خدمات متمایز می‌کند و به‌طور عموم برای کالاهای مصرفی، کاربرد بیشتری دارد. محصولات تولیدی مجموعه هلدینگ خلیج فارس نیز به‌طور عمده، کالای واسطه‌ای است و خریداران آن نیز صاحبان صنایع و کارخانجاتی هستند که اطلاع دقیق و کاملی از آنچه متمایل به خرید آن هستند، دارند و به اعتبار و جایگاه فرسوده نیز آگاه هستند. بر همین اساس تمرکز اصلی شرکت ما بر برندسازی، معرفی هلدینگ خلیج فارس و توانایی‌ها و امکانات آن به‌عنوان یک مجموعه عظیم تولیدی در کشور است.

باید توجه داشت که تمام محصولات هلدینگ خلیج فارس، افزون بر اینکه در واحدهایی تولید می‌شوند که دارنده معتبرترین لیسانس‌های دنیا هستند، کیفیت آنها نیز مطابق با بالاترین استانداردهای بین‌المللی بوده و بر همین اساس با استقبال بالایی مشتریان خارجی و داخلی مواجه هستیم. بنابراین تلاش شرکت بر این است با ارائه خدمات متمایز و مطلوب بازرگانی به مشتریان، اعم از داخلی و خارجی، بتوانیم در ارتقای هرچه بیشتر برند مجموعه و کسب اعتبار بین‌المللی مؤثر باشیم.

ET آیا در مجموع می‌توان گفت که بخش عمده‌ای از روند روبه‌رشد فعالیت‌های بازرگانی و تقویت برند هلدینگ، مرهون فعالیت‌های «شرکت تجارت صنعت خلیج فارس» است؟ همین‌طور است. تجمع سید کالایی در فضای صادراتی، حمایت و پشتیبانی از صنایع پایین‌دستی، ورود به سیستم حمل‌ونقل دریایی، دستیابی به اطلاعات بازارهای هدف و دستیابی فوری به منابع ناشی از فروش و آغاز تأمین تجهیزات مورد نیاز مجتمع‌ها، همگی از آثار ایجاد این شرکت به‌شمار می‌آیند. در کنار چنین فعالیت‌هایی، حمایت از صنایع پایین‌دستی از طریق عقد قراردادهای بلندمدت با مشتریان برتر و دارای امکانات تولیدی و نظارت و هماهنگی بورس کالای ایران نیز در دستور کار قرار گرفته است.

ET شاخص‌های انتخاب چنین مشتریانی چه مواردی بوده است؟

خوش‌نامی، حجم خرید در سال‌های گذشته و میزان اعتبار، ملاک‌های انتخاب آنها بوده است و هدف اصلی از چنین رویکردی، ایجاد بستری امن برای دسترسی به مواد اولیه مورد نیاز تولیدکنندگان پایین‌دست با سوابق درخشان براساس ضوابط بورس کالا است. علاوه بر آن از نظر ما، مشتری اعم از داخلی و خارجی، مهم‌ترین ناظر بر فعالیت‌های شرکت محسوب می‌شود و ایجاد ارتباطی پایدار، صادقانه و مبتنی بر منافع طرفین، در سرلوحه فعالیت‌های شرکت قرار دارد.

ET با توجه به نوپا بودن شرکت، برای تداوم و افزایش موفقیت‌ها در بلندمدت چه برنامه‌هایی در نظر دارید؟

مهم‌ترین برنامه شرکت، به‌روزرسانی و تدوین استراتژی، چشم‌انداز و جهت‌گیری شرکت متناسب با رخدادهای آینده است و بر همین اساس برنامه‌ریزی استراتژیک آغاز شده و در حال اجراست. ایجاد زیرساخت‌های تجارت، توسعه شبکه بین‌المللی تجارت در کشورهای مختلف، حضور مؤثر در بازارهای هدف و توسعه بازارهای جدید، ایجاد بسترهای لازم برای تأمین مالی ارزان از منابع خارجی، ارتباط پایدار و مبتنی بر اصول حرفه‌ای با مشتریان داخلی و خارجی وفادار، ایجاد شبکه تحقیقاتی و اطلاعاتی برای درک مناسب‌تر بازار، از جمله برنامه‌های مهمی محسوب می‌شوند که در حال اجرایی شدن هستند. 🇮🇷



۲۳ و ۲۴ آبان ۱۳۹۶
2017 November 14 & 15



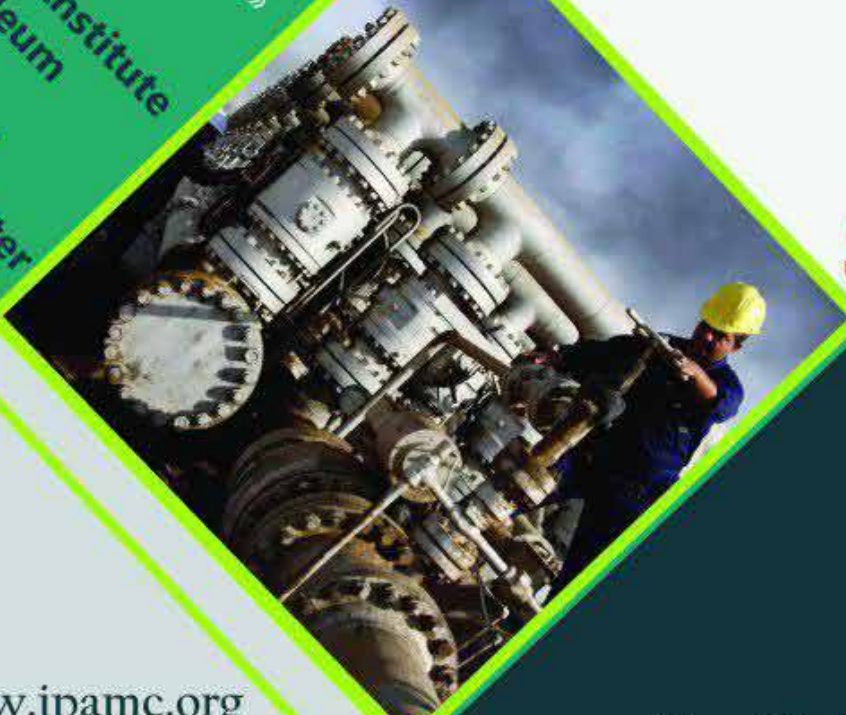
دوازدهمین همایش بین المللی
مدیریت دارایی های فیزیکی
(مدیران فنی و نگهداری و تعمیرات)

نفت، نیرو
صنعت
ساختمان
حمل و نقل

12th International Physical Management Conference

مرکز همایش های بین المللی
پژوهشگاه صنعت نفت - تهران
(۵ سالن همزمان)

Research Institute
of Petroleum
Industry
International
Convention Center



گروه پژوهشی صنعتی آریانا
Arvana
Industrial & Research Group
آموزش، مشاوره و نشر مدیریت

PAM Co.
Physical Asset Management Company

Website: www.ipamc.org
Email: info@ipamc.org

تلفن: ۰۸۸۴۷۲۸۰۸ داخلی ۲۱۰
فکس: ۸۹۷۸۵۵۱۷

آدرس دبیرخانه: خیابان مطهری، بعد از تقاطع
سپهرودی، کوچه حاتمی، پلاک ۷، طبقه ۲

باور مدیران و متخصصان شرکت ملی گاز ایران به مسئولیت‌های اجتماعی در راهبردهای

خلق ارزش‌های اجتماعی و انسانی پارادایم نوین در صنعت گاز



مجید بوجارزاده / سخنگوی شرکت ملی گاز ایران



بعد از طرح و اشاعه نظریه «نسل سوم بازاربایی» با تأکید بر ارزش‌های انسانی و اجتماعی از سوی «فیلیپ کاتلر» به عنوان پارادایم غالب در فضای کسب و کار جهانی که در آن بر توسعه مفاهیم آرمان‌ها، ارزش‌ها و روح انسانی تأکید شده است، این موضوع در چند سال اخیر نه به عنوان یک «انتخاب» بلکه «ضرورت» گریزناپذیری برای شرکت‌ها و سازمان‌هایی رخ نمایانده است که قصد دارند حضور خود را در بازارهای پیچیده هزاره سوم، تداوم بخشیده، موقعیت رقابتی خود را حفظ کنند و شاخص‌های عملکرد خود ارتقا دهند. در نسل سوم بازاربایی، نه تنها نیازها و ارزش‌های مادی مشتریان، بلکه نیازهای روزافزون اجتماعی با تأکید بر عدالت اجتماعی، چالش‌های زیست‌محیطی و خودشکوفایی در سبب ارزش آفرینی شرکت‌ها، جایگاهی رفیع می‌یابد و بر این مبنا، شرکت‌ها افزون بر تلاش‌های گسترده برای تسخیر ذهن و قلب مشتریان، در تلاشی گسترده سعی در برقراری پیوندهای روحی با مشتریان و جامعه با توجه به نیازهای انسانی و روحی آنان دارند. در واقع، دستیابی به رضایت‌مندی و وفاداری مشتریان از مجرای توجه به نیازهای توانمند و معنوی و مادری، همچنین جلب نظر موافق افراد جامعه از طریق احترام به ارزش‌های انسانی و اجتماعی و پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی تحقق می‌یابد و بر همین اساس، سازمان‌های پیشرو از جمله شرکت‌های معتبر فعال در فضای کسب و کار صنعت نفت و گاز در دهه اخیر، مأموریت، چشم‌انداز و ارزش‌های انسانی و اجتماعی وسیع‌تری را همراه با سبد گسترده‌ای از محصولات و خدمات متنوع، ارائه می‌دهند.

بر اساس چنین رویکرد و چنان الزاماتی است که با هدف تقویت نظام بنگاهداری در صنعت گاز، بازنگری در چشم‌انداز، مأموریت، ساختار و راهبردهای سازمانی شرکت ملی گاز ایران در آغاز ششمین دهه از فعالیت‌های این شرکت، در دستور کار تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران این شرکت قرار گرفته و سعی بر آن است در تدوین اساسنامه جدید شرکت نیز به این مسائل، توجه ویژه‌ای صورت گیرد. از جمله راهبردهای مؤثر و مورد تأکید مدیران ارشد صنعت نفت در این رهگذر، توجه ویژه و بیش از پیش به «مسئولیت‌های اجتماعی» در بالاترین سطوح ممکن است؛ راهبردی که اگرچه از دیرباز در سراسر صنعت نفت و ۵ دهه فعالیت شرکت ملی گاز ایران کشور به آن توجه می‌شد، اما با تأکید بر بازنگری و نظام‌مندشدن فرایندهای اجرایی، قرار است طرحی نو در انداخته شود تا افزون بر انجام اثربخش فعالیت‌های جاری و مرسوم صنعت نفت و گاز و با هدف ارتقای جایگاه و ساختار سازمانی آن در اکوسیستم اقتصاد و صنعت کشور، نام و نشان و برند شرکت ملی گاز ایران از سوی یکایک ایرانیان، گرمی داشته و به عنوان نماد و الگوی خدمت‌گذاری با کیفیت، ارزش‌مدار و انسان‌محور، همواره به آن افتخار شود.

اگرچه سومین همایش مسئولیت‌های اجتماعی صنعت نفت در واپسین روزهای دولت یازدهم برگزار و تمام مسئولان ارشد صنعت نفت بر توجه ویژه به این مهم تأکید داشتند، این روزها و در آغازین لحظات فعالیت دولت دوازدهم، آثار خدمات‌رسانی شرکت ملی گاز ایران را بیش از هر زمان دیگری می‌توان در تمام بخش‌ها و مناطق جغرافیایی کشور مشاهده کرد؛ از جنوبی‌ترین نقاط میهن اسلامی در سواحل نیلگون خلیج فارس تا آخرین نقاط مرزی با همسایگان شمالی و از شرق تا غرب ایران اسلامی، نشان و نشانه‌های صنعت گاز را می‌توان در بخش‌های مختلف خانگی، صنعتی، نیروگاهی و حمل و نقل به خوبی مشاهده کرد. پوشش تقریباً کامل گازرسانی به مناطق شهری و روستایی، افزایش کم‌سابقه گازرسانی به نیروگاه‌ها، رفع نیازهای واحدهای صنعتی و بخش حمل و نقل و در واقع، ارتقای ضریب امنیت تأمین انرژی مورد نیاز کشور، اقدامی بسیار ارزشمند از سوی جهادگران و متخصصان صنعت گاز محسوب می‌شود. تحقق وعده‌های گازی دولت یازدهم با آغاز بهره‌برداری از پروژه‌های گازرسانی به سیستان و بلوچستان و افتتاح خطلوله دامغان - نکا برای ارتقای رفاه و آسایش هموطنان عزیزمان که سالیان متعددی در انتظار چنین روزهایی بودند، در کنار توسعه شبکه گازرسانی به سراسر کشور، بخشی از دستاوردهای ارزشمندی است که می‌توان و باید آنها را یکی از مصادیق بارز مسئولیت‌های اجتماعی وزارت نفت و در پی آن، شرکت ملی گاز ایران برشمرد.

افزون بر انبوه دستاوردهای توسعه گازرسانی به بخش‌های مختلف کشور که بار اصلی آن بر دوش دولت یازدهم قرار گرفت، تلاش برای کاهش تدریجی و به صفر رساندن حجم فرسنگ و جلوگیری از سوزاندن شدن گازهای همراه در پالایشگاه‌های گاز، ایجاد زیرساخت‌ها و امکان‌پذیر شدن افزایش صادرات گاز به کشورهای منطقه، ایجاد زیرساخت‌های لازم برای ارتقای شاخص‌های رفاه اجتماعی و توسعه اقتصادی یا دسترسی به گاز طبیعی به عنوان سوخت پاک و ارزان قیمت و در مجموع، ایجاد فرصت‌های شغلی برای متخصصان، تولیدکنندگان و تأمین‌کنندگان گروه عظیمی از خدمات و تجهیزات ایرانی را می‌توان مصادیق بارزی از باور مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت ملی گاز ایران برشمرد.

مسئولیت اجتماعی در شرکت ملی گاز ایران، یک باور سازمانی به‌شمار می‌رود که هدف اصلی آن، خلق ارزش‌های مشترک بین ذی‌نفعان استراتژیک شرکت است. از نگاه مدیران و متخصصان صنعت گاز، مسئولیت اجتماعی یک پروژه محسوب نمی‌شود که آغاز و پایانی داشته باشد و هیچ‌گاه این مهم، جدا از فعالیت‌های مستمر و روزانه پنداشته نمی‌شود. بر همین اساس است که بنابر اعلام دکتر روحانی، با توسعه تولید، پالایش و سهل‌الوصول کردن دسترسی به گاز طبیعی در سراسر کشور، امنیت انرژی در جمهوری اسلامی ایران در دولت یازدهم، عینیت یافت. این رویکرد ارزشمند و باور مدیران و متخصصان صنعت گاز به مسئولیت‌های اجتماعی شرکتی، به طور قطع و یقین در سالیان پیش‌رو و آغاز دور جدید فعالیت‌های صنعت گاز در دولت دوازدهم، بیش از پیش تقویت خواهد یافت و شرکت ملی گاز ایران فراتر از اهداف اقتصادی و قانونی خود، تأکید بر جنبه‌های اجتماعی، انسانی و زیست‌محیطی را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار خواهد داد تا همچون دولت یازدهم، توسعه خدمات و خلق ارزش‌های اجتماعی و انسانی از سوی شرکت ملی گاز ایران، به عنوان مصادیق عینی مسئولیت‌پذیری اجتماعی وزارت نفت و دولت دوازدهم، قلمداد شود.



Witteveen + Bos

راهکارهای نوین برای مدیریت و بازچرخانی آب در واحدهای صنعتی

witteveenandbos.com

دفتر ایران (تهران): ۲۶۴۱۳۹۹۷

ماهانما تخصصی محیط زیست و انرژی‌های تجدیدپذیر

محرک سبز
و انرژی‌های تجدیدپذیر

و انرژی‌های تجدیدپذیر

و انرژی‌های تجدیدپذیر

و انرژی‌های تجدیدپذیر

و انرژی‌های تجدیدپذیر

و انرژی‌های تجدیدپذیر

و انرژی‌های تجدیدپذیر

و انرژی‌های تجدیدپذیر

و انرژی‌های تجدیدپذیر

و انرژی‌های تجدیدپذیر

و انرژی‌های تجدیدپذیر

و انرژی‌های تجدیدپذیر

و انرژی‌های تجدیدپذیر

و انرژی‌های تجدیدپذیر

و انرژی‌های تجدیدپذیر

و انرژی‌های تجدیدپذیر

و انرژی‌های تجدیدپذیر

و انرژی‌های تجدیدپذیر

و انرژی‌های تجدیدپذیر

و انرژی‌های تجدیدپذیر

و انرژی‌های تجدیدپذیر

و انرژی‌های تجدیدپذیر

و انرژی‌های تجدیدپذیر

و انرژی‌های تجدیدپذیر

و انرژی‌های تجدیدپذیر

و انرژی‌های تجدیدپذیر

و انرژی‌های تجدیدپذیر

و انرژی‌های تجدیدپذیر

و انرژی‌های تجدیدپذیر

و انرژی‌های تجدیدپذیر

و انرژی‌های تجدیدپذیر

و انرژی‌های تجدیدپذیر

و انرژی‌های تجدیدپذیر

و انرژی‌های تجدیدپذیر

و انرژی‌های تجدیدپذیر



وزیر نفت: ۲ هزار میلیارد تومان در طرح‌های توسعه صنعت نفت به مسئولیت‌های اجتماعی اختصاص می‌یابد

پیوند نفت و جامعه

فاطمه سادات نجفیان

دستیابی به موفقیت‌های متعدد در توسعه گازرسانی به سراسر کشور در چند سال گذشته که با تایید و تشویق مسئولان ارشد نظام و نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی نیز همراه شد، روی دیگری نیز با خود به همراه داشت و آن گذر از توسعه کمی به توسعه کیفی با تاکید بر مسئولیت‌های اجتماعی صنعت گاز بود. راهبردی که همزمان با ورود به ۵۰ سالگی فعالیت‌های صنعت گاز، بارها از سوی مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران به آن اشاره و تاکید شده است. مسئولیت‌های اجتماعی از ۳ بعد جامعه، محیط زیست و اقتصاد معنا و مفهوم می‌یابد. با نگاهی گذرا به فعالیت‌های شرکت ملی گاز ایران در سال‌های اخیر می‌توان دریافت گرچه وظیفه ذاتی شرکت ملی گاز در مسئولیت‌های اجتماعی نهفته است، اما این شرکت علاوه بر وظایف خود، توجه خاصی به این مقوله داشته و آن را در برنامه‌های خود مد نظر قرار داده است.

از آنجایی که مسئولیت‌های اجتماعی اهمیت و جایگاه خاصی در وزات نفت و به خصوص شرکت ملی گاز ایران دارد، در بیست و هفتمین روز از تیرماه به سالن همایش‌های بین‌المللی پژوهشگاه صنعت نفت رفتیم تا در سومین همایش مسئولیت اجتماعی صنعت نفت با شعار «سیاست‌گذاری، اقدام موثر و گزارش‌دهی» از نزدیک شاهد فعالیت‌های این وزارتخانه باشیم.

این همایش با حضور مهندس بیژن زنگنه، وزیر نفت و مدیران و کارشناسان ارشد صنعت نفت در پنل‌ها و کارگاه‌های تخصصی و در ۲ روز برگزار شد. این همایش در حالی برگزار شد که صنعت نفت در طول عمر خود، خواسته یا ناخواسته با موضوعات و اقداماتی از جنس مسئولیت اجتماعی شرکت عجین بوده و حمایت‌ها و کمک‌های عمرانی، اقتصادی اجتماعی و رفاهی گسترده‌ای به مناطق نفتی و غیرنفتی داشته است. با این حال، این گونه اقدامات به طور سیستماتیک و شفاف ثبت و گزارش نشده و به استقرار و نهادینه‌سازی این مسئولیت در صنعت عظیم نفت نیز توجه جدی صورت نگرفته است.

از این رو تاکید اصلی همایش سوم بر اهتمام شرکت‌های نفتی به گزارش‌دهی عملکرد مسئولیت اجتماعی‌شان بود. امید است این راه در آینده هموارتر شود و موضوع مسئولیت اجتماعی صنعت نفت به تدریج و با آگاهی روز افزون در این صنعت نهادینه شود و ثمرات آن، هم نصیب صنعت و هم مردم و محیط زیست به ویژه در مناطق عملیاتی شود.

افزایش «حوزه اجتماعی از نظر دانش بسیار عمیق است و در پیوند عمیقی با مشاورت اجتماعی وزارت نفت قرار گرفته و فعالیت‌های بسیار خوبی را به ویژه در غرب کارون انجام داده که نتایج بسیار خوبی برای ما داشته است.» وزیر نفت با تاکید بر بها دادن به مسائل اجتماعی به همه مدیران توصیه کرد: «ما باید با محیط

اینکه مفهوم مسئولیت اجتماعی در صنعت نفت در ۴ سال گذشته بسیار رشد کرده گفت: «من به همکارانم در صنعت نفت توصیه می‌کنم با دانشگاه‌ها پیوند قوی برقرار کنند.»

او با تاکید بر اینکه مدیران صنعت نفت، مشاوران صاحب صلاحیت در بخش اجتماعی داشته باشند،

حضور تمام اهالی نفت در این مراسم، نشان از سربلندی این صنعت در زمینه مسئولیت‌های اجتماعی داشت. مسئولیت‌هایی که گرچه در ذات این صنعت وجود دارد، اما مسئولان این وزارتخانه بیش از حدود وظایف خود در آن سهیم هستند. مهندس بیژن زنگنه در این مراسم با اشاره به



را داشته باشیم کارمان راحت تر پیش می رود و بهتر می توانیم در مسیر مأموریت اصلی خود قدم برداریم.»

توجه ویژه صنعت نفت به توسعه اجتماعی در دولت یازدهم

مشاور وزیر نفت در امور اجتماعی گفت: «خدمات صنعت نفت به مناطق نفت خیز به گونه ای بوده که توانسته علاوه بر توسعه صنعتی، منجر به توسعه اجتماعی منطقه نیز شود.»

دبیر همایش با تشکر از مهندس بیژن زنگنه گفت: «با افتخار اعلام می کنیم که حمایت های همه جانبه وزیر نفت از مسئولیت های اجتماعی صنعت نفت به بار نشسته و بیش از ۳۰ فقره گزارش پایدار شرکتی با همت دست اندر کاران خانواده صنعت نفت و همکاری دبیرخانه همایش دریافت شده است. اکنون می توان ادعا کرد که در ۴ سال فعالیت دولت تدبیر و امید، صنعت نفت توانسته در مسیر توسعه اجتماعی، همپای توسعه صنعتی گام های موثری بردارد.»

مشاور اجتماعی وزیر نفت تصریح کرد: «درست است که در اساسنامه شرکت ملی نفت ایران موظف شدیم در حوزه های جغرافیایی خود نسبت به ایفای مسئولیت اجتماعی در قالب توسعه پایدار و حفظ محیط زیست مستقیماً یا از طریق شرکت های طرف قرارداد در چارچوب بودجه سنواتی شرکت اقدام کنیم، اما آنچه در مجموع ارائه شده حتی از تکالیف قانونی نیز فراتر رفته و به حق برگ زرین دیگری در کارنامه صنعت نفت ایران خلق کرده است.»

طالبیان یادآور شد: «همکاران ما افزون بر فعالیت های تولیدی برابر سیاست اعلامی وزارت نفت، از ارائه خدمات به مناطق دورافتاده حتی پیرامون خطوط لوله نیز غفلت نکرده اند و از ظرفیت ها برای آموزش و توانمندسازی نیروهای بومی علاقه مند در حرفه های مهارتی و فنی استفاده کرده اند.»

همه بنشیند، اما نتیجه آن برای مردم است.»

وزیر نفت افزود: «صنعت نفت باید تلاش کند مردم به این باور برسند که هر چه طرح های بیشتری در منطقه آنها اجرا شود، آثار مثبت بیشتری نیز برای زندگی خودشان و فرزندانشان خواهد داشت.»

او در ادامه گفت: «اگرچه هزینه های مطالعاتی انجام مسئولیت اجتماعی را نباید دست کم گرفت، اما برای انجام طرح ها باید به طور حتم از مشاور و ناظر استفاده کرد.»

زنگنه با قفردانی از دست اندر کاران اجرای مسئولیت اجتماعی در صنعت نفت خاطر نشان کرد: «ما باید به این مقوله توجه ویژه داشته باشیم و این در مدیریت، یک امر واجب و لازم است.»

وزیر نفت با اشاره به اینکه در زمینه مسئولیت اجتماعی تجربیات بسیاری در دنیا وجود دارد، تأکید کرد: «ما در کنار استفاده از تجربه دیگران می توانیم با ایجاد روابط خوب و عمیق با مردم مناطق عملیاتی، تجربه خود را بیشتر کنیم.»

مسائل کیفی در انتخابات به کمیت تبدیل می شود

زنگنه با اشاره به اینکه هر موضوع کیفی در انتخابات به کمیت تبدیل می شود، افزود: «۹۹ درصد کارکنان در سکوی های نفتی، ۸۷ درصد مردم عسلویه و نخل تقی، ۸۵ درصد کارکنان مجتمع های پتروشیمی و ۸۷ درصد کارکنان پالایشگاه ها به دکتر روحانی رأی دادند که این میزان رأی در شهرهای خوزستان که نفتی بودند تماماً نسبت به شهرهای غیر نفتی بالاتر بود. این مسئله نشان می دهد که عملکرد نفت نه تنها باعث دلزدگی مردم نشده بلکه باعث علاقه مندی بیشتر آنها نیز شده است.»

وزیر نفت در پایان یادآور شد: «فترت درست، علاقه مندی را به نظام، سیاست های نظام و عملکرد مدیران افزایش می دهد و هنگامی که این دلبستگی

اطرافمان همزیستی مسالمت آمیز داشته باشیم و اگر این همزیستی را بیذیریم، این موارد سبب می شود فکر کنیم و راه حل بیابیم.»

۲ هزار میلیارد تومان برای توسعه مسئولیت های اجتماعی صنعت نفت

زنگنه با اشاره به اینکه مشغله کاری مدیران صنعت نفت در دوران بهره برداری پروژه ها بسیار زیاد است، پیشنهاد کرد بهتر است از همان ابتدای طراحی یک پروژه، مسائل اجتماعی نیز دیده و مطالعه شود. وزیر نفت با اشاره فعالیت جدید وزارت نفت در ۲ منطقه غرب کارون و منطقه عمومی پارس جنوبی گفت: «ما براساس این مطالعات، ۲ برنامه ۵ ساله طراحی کردیم که این برنامه ها به مرور اجرا می شوند. البته اجرای همه آن با وزارت نفت نیست و بخشی را تنها تأمین منابع می کنیم.»

او با اشاره به اینکه به تازگی در شورای اقتصاد تصویب شد که ۳ درصد از عواید طرح هایی که در این ۲ منطقه اجرا می شود صرف مسئولیت اجتماعی این منطقه شود، تصریح کرد: «اگر ۲۰ میلیارد دلار طرح و پروژه اجرا شود، ۳ درصد آن معادل ۶۰۰ میلیون دلار می شود، یعنی بیش از ۲ هزار میلیارد تومان می تواند هزینه شود و این غیر از مبالغی است که در اجرای طرح هزینه می شود و توسعه و اشتغال ایجاد می کند. این مبلغ برای کاهش فاصله ها و توانمندسازی مردم است.»

اولویت به نام مسئولیت اجتماعی

بالاترین مقام این وزارتخانه با بیان اینکه وزارت نفت نمی تواند به طور مستقیم درگیر همه امور مربوط به مسئولیت اجتماعی مانند انتقال برق به مناطق باشد، به راه سازی بپردازد و یا حتی امور مربوط به شهرداری را در مناطق عملیاتی انجام دهد، اظهار داشت: «ما به آنها در انجام این امور کمک می کنیم، هر سازمانی وظیفه خود را انجام می دهد و قرار نیست وزارت نفت جای



تأکید مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران بر نظام‌مند شدن فرایندهای اجرایی مسئولیت‌های اجتماعی در صنعت نفت

صیانت از جامعه و محیط زیست، اولویت صنعت گاز

توانمندسازی، خدمت‌گزاری را تعریف کردیم، او با بیان اینکه خدمت به مردم مایه افتخار است، گفت: «آنچه به توسعه پایدار مناطق می‌انجامد، توانمندسازی است نه خدمت‌گزاری صرف.» عراقی امکانات ارائه شده از سوی وزارت نفت در مناطق عملیاتی را در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی نسبت به پیش از آن بسیار زیاد و غیرقابل مقایسه خواند و گفت: «با این وجود همچنان صنعت نفت بدهکار است زیرا هیچ‌گاه استراتژی و قاعده مشخصی بر میزان ارائه خدمات حاکم نبوده است.» معاون وزیر نفت در امور گاز با اشاره به هدفمند شدن مسئولیت اجتماعی خاطرنشان کرد: «خوشبختانه کار خوبی در مدیریت نظارت بر عمران مناطق نفت‌خیز در حال انجام است و با بودجه‌بندی،

نقش متقابل دستگاه‌های حاکمیتی و جوامع محلی در مناطق نفتی که بیست و هشتم تیرماه در سالن کاسپین مرکز همایش‌های بین‌المللی پژوهشگاه صنعت نفت برگزار شد، به عنوان رئیس این پنل با اشاره به نابسامانی حوزه مسئولیت اجتماعی صنعت نفت طی دهه‌های گذشته گفت: «خوشبختانه فعالیت‌های این صنعت در این حوزه طی سال‌های اخیر، نویدبخش هدفمند و نظام‌مند شدن این فعالیت‌هاست.»

مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران خاطرنشان کرد: «حاکمیت مفاهیمی مانند عدالت اجتماعی، محرومیت‌زدایی و... پس از انقلاب و تصدی‌گری نفت در آن برهه، ایفای مسئولیت‌های اجتماعی را در صنعت نفت به سمتی سوق داد که به جای

به باور بسیاری از متخصصان، تلاش‌های شرکت ملی گاز ایران در دوران تحریم و پساتحریم به اندازه‌ای بوده که باعث شده این صنعت با اتکا به خود، در مسئولیت‌های اجتماعی نیز نقش موثری داشته باشد. این تأثیر به اندازه‌ای است که پروژه‌هایی همچون جاده‌سازی، سدسازی، ساخت مدرسه و بیمارستان با همت و تلاش این شرکت به انجام رسیده و شرکت ملی گاز ایران سهم و نقش مشهودی در آن داشته است.

با این توصیف از عملکرد شرکت ملی گاز ایران در زمینه مسئولیت‌های اجتماعی، مهندس عراقی، مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران، در دومین روز از سومین همایش مسئولیت‌های اجتماعی، در پنل تخصصی مسئولیت اجتماعی صنعت نفت و



که اقدامات صورت گرفته منجر به افزایش انتظارات غیرمنطقی و عدم توسعه پایدار در این مناطق شود.» به گفته عراقی، رعایت دستورالعمل‌ها و استانداردهای ایزو ۲۶۰۰۰، ارائه گزارش‌های پایداری اقدامات شرکت‌ها در چارچوب معیارهای گزارش‌دهی، بهینه‌کاو از تجربیات شرکت‌های بزرگ جهانی و فعال کردن کانون‌های تصمیم‌گیری به صورت فراگیر در صنعت نفت در زمینه مطالعه و بررسی طرح‌ها و درخواست‌های مربوط به حوزه CSR و سیاست‌گذاری‌های مربوطه در این حوزه از الگوهای مناسب در زمینه عملیاتی کردن مسئولیت اجتماعی هستند. او با اشاره به نقش مسئولیت اجتماعی در برندسازی شرکت‌ها خاطر نشان کرد: «توجه به کاهش آلودگی‌های زیست‌محیطی، کمک به رونق بازار اشتغال از طریق آموزش‌های فارغ‌التحصیلان و برون‌سپاری فرآیندهای کسب و کار شرکت در راستای توانمندسازی پیمانکاران نقشی به سزا در برندسازی شرکت‌ها دارد.»

لزوم بین‌المللی کردن استانداردهای مسئولیت اجتماعی در ایران

عراقی با اشاره به اینکه هم‌اکنون یکی از مهم‌ترین مواردی که سبب موفقیت شرکت‌ها می‌شود، شهرت آن شرکت در جامعه است، اظهار کرد: «بر همین اساس، بسیاری از شرکت‌های بزرگ دنیا مسئله مسئولیت اجتماعی (CSR) را به عنوان یکی از دلایل موفقیت خود مطرح می‌کنند.» او با اشاره به اینکه CSR در شرکت‌های مختلف متفاوت است و همه به یک شکل عمل نمی‌کنند، گفت: «این موضوع بستگی به شرایط و نیازهای آن منطقه و با توجه به توانمندی و علاقه شرکتی که در آنجا فعالیت می‌کند، تعریف می‌شود.»

مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران با بیان اینکه مسئولیت اجتماعی در ذات کاری شرکت ملی گاز ایران نهفته شده، تصریح کرد: «جایگزینی سوخت‌های میان‌تقطیر که در واقع کمک به محیط‌زیست است، اشتغال‌زایی در مناطق عملیاتی، تبدیل سوخت نیروگاه‌ها به سوخت طبیعی و کاهش آلودگی هوا و... که سرانجام به توسعه کشور کمک می‌کند، از جمله مسئولیت‌های اجتماعی شرکت است.»

معاون وزیر نفت با اشاره به اینکه چنانچه CSR سبب توسعه منطقه عملیاتی نشود، خیلی پایدار نیست، اضافه کرد: «از جمله مواردی که در دنیا کمک می‌کند شرکتی برای مردم و سازمان‌ها قابل اعتماد شود، بحث محیط‌زیست و حفظ آن و پس از آن، ایجاد توسعه پایدار در منطقه و به تبع آن در کشور است.» به گفته عراقی توسعه پایدار و حفظ محیط‌زیست از ارکان اصلی CSR به شمار می‌آیند که از اولویت‌های ماموریت شرکت ملی گاز ایران نیز محسوب می‌شوند. مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران با اشاره به اینکه باید تلاش کنیم استانداردهای CSR را بین‌المللی کرده و در این زمینه شاخص‌های خود را بهینه کنیم، تصریح کرد: «همه ما، چه ارگان‌های دولتی و چه غیردولتی، در مقابل کل جامعه و آیندگان مسئولیم. ما باید در کارهای خود رضایت

انسان‌ها را در نظر بگیریم؛ نه تنها انسان‌های این نسل، بلکه انسان‌های آینده را. بدین معنا که همه سازمان‌ها موظفند کاری که انجام می‌دهند هم برای نسل حاضر و هم برای نسل آینده مفید باشد.»

عراقی افزود: «ما باید نه بر اساس روش بلکه بر اساس یک منش باورمان شود که نسبت به بشریت مسئولیت داریم و به آنها خدمت می‌کنیم. این همان بحث توانمندسازی کمک به بشریت و توسعه است.»

مسئولیت اجتماعی؛ جزء جدایی‌ناپذیر سازمان‌ها

رئیس سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت که یکی دیگر از اعضای این پنل بود، با تشریح رویکردهای مسئولیت اجتماعی در این سازمان گفت: «وزارت نفت در برخی مناطق مثل جم و خارک جایگزین وزارت بهداشت است و تنها بیمارستان‌های موجود در این مناطق، بیمارستان‌هایی هستند که متعلق به صنعت نفت هستند.»

حیب‌الله سمیع با بیان اینکه مسئولیت اجتماعی امروزه به عنوان جزء جدایی‌ناپذیر برنامه‌های راهبردی سازمان‌ها مطرح است خاطر نشان کرد: «سلامت و آموزش ۲ رکن اساسی هستند که اگر به خوبی تامین شوند، تمایل کارکنان به سکونت در مناطق بیشتر می‌شود و بر مردم بومی نیز آثار مطلوبی می‌گذارد.» به گفته او، میزان استفاده مردم بومی غیرشرکتی از خدمات بهداشت و درمان در مناطقی مانند خارک و بوشهر بیش از کارکنان نفت است و گاهی تنها اهالی بومی از برخی امکانات مانند دیالیز استفاده می‌کنند.

سمیع با اشاره به نقش صنعت نفت در خدمت‌رسانی در پارس جنوبی اظهار کرد: «لازم است سازمان تامین اجتماعی با ۳۶ میلیون بیمه شده در این منطقه حضور فعال‌تری داشته باشد.» رئیس سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت گفت: «متأسفانه برخی شرکت‌های خصوصی در مناطق عملیاتی توجهی به بحث مسئولیت اجتماعی ندارند و خود را در قبال نیروهای بومی مسئول نمی‌دانند که این رویکرد نیازمند اصلاح است.»

اهدای تندیس به برترین‌ها

در پایان دومین روز از سومین همایش مسئولیت اجتماعی صنعت نفت، به پاس قدردانی و تشکر به برخی از شرکت‌های برتر در حوزه مسئولیت‌های اجتماعی در شاخه‌های مختلف، تندیس به رسم یادبود اهدا شد. در میان شرکت‌های گاز استانی، شرکت گاز استان اصفهان موفق به دریافت تندیس طلایی برای فعالیت‌های ارزنده‌اش در حوزه مسئولیت‌های اجتماعی شد. همچنین شرکت‌های گاز استان اصفهان، مازندران، کردستان و گیلان، شرکت پالایش گاز فجر جم و نیز شرکت ذخیره‌سازی گاز طبیعی به پاس تدوین و ارائه نخستین گزارش عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، موفق به دریافت لوح تقدیر همایش شدند.

شرکت گاز استان لرستان نیز برای گزارش برتر در زمینه مسئولیت اجتماعی، موفق به کسب لوح تقدیر و تندیس نقره‌ای این همایش شد.

برنامه‌ریزی و تعیین چارچوب، مسئولیت اجتماعی در صنعت نفت در حال هدفمند شدن و نظام‌مندی است.» او با اشاره به مسئولیت اجتماعی در اسناد بالادستی گفت: «این موضوع در قانون برنامه ۵ ساله ششم توسعه، تبصره ذیل ماده ۸۰ اساسنامه شرکت ملی نفت ایران، تبصره ذیل ماده ۴۱ اساسنامه پیشنهادی شرکت ملی گاز و مصوبه هیئت دولت مبنی بر طرح آمایش نواحی تأثیرپذیر از حوزه کاری پارس جنوبی آورده شده است.» عراقی با اشاره به نقش دستگاه‌های حاکمیتی همسو با مسئولیت اجتماعی اظهار داشت: «اقدامات در سطح صنعت تاکنون موجب افزایش تصدی‌گری شرکت‌های نفتی در حوزه CSR مربوط به این مناطق شده است.»

مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران گفت: «سطح فعالیت‌ها باتوجه به رشد تصدی‌گری موجب ایفا شدن نقش دستگاه‌های حاکمیتی در مناطق شده و کمک‌های موردی یا پراکنده به صورت خودجوش و سنتی و براساس توقعات منطقی و غیرمنطقی مناطق و جوامع محلی صورت گرفته است. فقدان الگوی مناسب و روشی توأم با استاندارد موجب شده

جایگزینی سوخت‌های میان‌تقطیر که در واقع کمک به محیط‌زیست است، اشتغال‌زایی در مناطق عملیاتی، تبدیل سوخت نیروگاه‌ها به سوخت طبیعی و کاهش آلودگی هوا و... که سرانجام به توسعه کشور کمک می‌کند، از جمله مسئولیت‌های اجتماعی صنعت گاز است.



توسعه امنیت انرژی کشور با بهره‌برداری از خط انتقال «دامغان-کیاسر-ساری-نکا» در آخرین روزهای دولت یازدهم

خدا حافظی شمالی‌ها باز مستان‌های سرد

فاطمه سادات نجفیان

اگرچه تصور بر این است که استان‌های شمالی سرمای زیادی به خود نمی‌بینند، اما در همین استان‌های سرسبز و گرم، مناطقی کوهستانی و سردسیر وجود دارد که تفاوت دمای آن نقاط با مراکز استان‌ها گاه تا بیش از ۶۰ درجه می‌رسد. شهرها و روستاهایی سرد که بر بلندای کوه‌ها قرار دارند. همین مسئله تلاش کارکنان شرکت ملی گاز ایران را معنایی عمیق‌تر می‌بخشد تا با طراحی و گذر از راه‌های هموار و ناهموار طبیعی، قدم به قدم زمین را برای لوله‌گذاری بخرانند تا ثمره آن آرامش و آسایش بیش از پیش مردمان باشد. «با بهره‌برداری از خط انتقال دامغان-کیاسر-ساری-نکا، دیگر نگران افت فشار در استان‌های شمالی نخواهیم بود.» دی ماه سال گذشته بود که مهندس تربتی، مدیرعامل شرکت مهندسی و توسعه گاز، با بیان این جمله در بازدید از این پروژه بدر امید را در دل مردم استان‌های شمالی کاشت. این بدر در دهم مردادماه جوانه زد و به مردم این استان‌ها نوید روزهای گرم در زمستانی سرد را داد و مردم این خطه نیز خوشحالی خودشان را با شعار «روحانی متشکریم، زنگنه متشکریم» در سراسر مسیر خط انتقال نشان دادند. این پروژه در نوع خودش از پروژه‌های ویژه خطوط لوله به حساب می‌آید که از دامغان شروع می‌شود و با عبور از رشته کوه البرز به دریا می‌رسد و در بالاترین نقطه ۲ هزار و ۲۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. در بعضی نقاط هم به ۲۰ متر زیر سطح دریا می‌رسد و این اختلاف ارتفاع، نشان‌دهنده دشواری‌های این عملیات است. از دیگر اهداف راهبردی این پروژه مدیریت صادرات گاز از کشورهای همسایه برای استان مازندران بود که با آغاز بهره‌برداری از این پروژه، از این پس مدیریت تامین گاز این استان‌ها بر اساس منافع ملی کشور انجام می‌شود.


این خط انتقال اگرچه اهداف نهایی تغییر و تثبیت عرضه گاز در استان‌های شمالی را در دستور کار داشته، اما در میسر خود شهرها و روستاهای مختلف را نیز تحت پوشش قرار داده است. این خط در طول مسیر خود ۵۵ بار با رودخانه تهن تقاطع داشته و در این مناطق، لوله با استفاده از روش CCW از زیر رودخانه عبور کرده است. اولویت احداث این خط لوله رفع نیازهای خانگی مردم است، اما صنایع این استان‌ها نیز از این خط انتقال بهره‌مند شده‌اند و صاحبان صنایع و تولیدکنندگان می‌توانند به پشتوانه دسترسی به انرژی ارزان و پایدارتر به اهداف بلندتر در بخش تولید بپردازند. با توسعه صنایع به واسطه دسترسی به انرژی، ایجاد شغل نیز به منافع خط انتقال گاز در استان‌های مازندران، گلستان و گیلان افزوده می‌شود تا گاز با حجم و فشار مورد نیاز به خانه مردم برسد. با بهره‌برداری از این پروژه، به واسطه جایگزینی گاز با سوخت‌های مایع، سالانه بیش از ده‌ها هزار دلار صرفه‌جویی ارزی برای کشور حاصل می‌شود.



«امیدوارم این پروژه باعث خیر و برکت برای مردم باشد. همه در استان عزم خود را جزم کردند که به این پروژه کمک کنند و گرچه سختی‌های بسیاری داشت اما با کمک همه به نتیجه رسید.»

به سوی تجارت جهانی گاز

حسن منتظر تربتی، مدیرعامل شرکت مهندسی و توسعه گاز نیز در این مراسم با بیان اینکه افتتاح این خط انتقال گاز علاوه بر بی‌نیاز ساختن کشور از گاز همسایه شمالی، ما را در بحث صادرات گاز و گرفتن سهم از تجارت جهانی نیز جلو برده است، به جزئیات این پروژه اشاره کرد و گفت: «مسیر این خط انتقال گاز از حوالی قوشه دامغان به صورت انشعاب از کیلومتر ۲۵۰ خط انتقال گاز ۴۸ اینچ دوم شمال - شمال شرق آغاز شد و پس از عبور از شهرهای کیاسر، ساری و نگاه، ضمن تقویت سیستم انتقال گاز از جنوب به شمال کشور، موجب پایداری شبکه گازرسانی و کاهش مخاطرات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی ناشی از کمبود گاز در استان‌های شمالی کشور می‌شود.» تربتی گفت: «این خط انتقال گاز به طول ۱۷۰ کیلومتر با قطر ۴۲ اینچ و با ظرفیت انتقال گاز ۴۰ میلیون مترمکعب در روزه، منشعب از خط انتقال گاز ۴۸ اینچ دوم شمال - شمال شرق کشور به منظور تقویت، پایداری و انعطاف پذیری سیستم انتقال گاز شمال کشور ایجاد شده است.»

مدیرعامل شرکت مهندسی و توسعه گاز خاطر نشان کرد: «خط انتقال گاز دامغان - کیاسر - ساری - نکا دارای ۱۲ ایستگاه شیر بین راهی، ۸ ایستگاه انشعاب، ۳ ایستگاه حفاظت کاتدیک، یک ایستگاه ارسال توپک، یک ایستگاه دریافت توپک و یک ایستگاه CGS است. در احداث این خط انتقال گاز، حدود ۱۴ هزار و ۵۰۰ شاخه لوله ۴۲ اینچ به وزن ۸۴ هزار تن و بالغ بر ۲۰۰ تن الکتروود برای جوشکاری مورد نیاز بود که به طور کلی از کارخانجات داخلی تأمین شد و به همراه سایر اقلام مورد نیاز با ۵ هزار تریلر به محل کارگاه‌های پروژه حمل شده است.» این پروژه از ۱۳۹۲ وارد مرحله عملیاتی شد و از ۱۳۹۴ شتاب بیشتری به خود گرفت و در کل با ارزش ۸۲۰ میلیارد تومان به به همت پیمانکاران و مشاوران داخلی به انجام رسید. 

استان مازندران و گلستان نداریم. انتظار دارم مسئولان استان تلاش کنند از این گاز به‌عنوان سوخت استفاده نکنند بلکه به‌عنوان خوراک صنایع استفاده شود تا اشتغال گسترده را به همراه داشته باشد.»

زنگنه با بیان اینکه در ۳ سال گذشته به ۹ هزار روستا در این دولت گازرسانی شد، گفت: «در یک سال و نیم تا ۲ سال آینده نیز به ۵ هزار روستا گازرسانی می‌شود.»

وزیر نفت حضور خود در استان مازندران را تعهد به وعده‌اش به نمایندگان مجلس دانست و یادآور شد: «نمایندگان مجلس در دیداری که با هم داشتیم عنوان کردند مردم در زمستان خیلی آسیب دیدند و کاری نکنید که دوباره به آنها فشار وارد شود. این حرف خیلی برایم ناراحت‌کننده بود.»

وفای به عهد صنعت گاز

مهندس عراقی، مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران نیز با بیان اینکه با افتتاح این خط، چند اتفاق خوب می‌افتد، گفت: «اول اینکه شرکت ملی گاز مقرر است به قولی که به دولت، مردم و مسئولان داد، عمل کرد. این امر، اعتماد و اطمینان و باور به همراه می‌آورد.»

او خاطر نشان کرد: «مزیت دیگر افتتاح این خط این است که وابستگی ما را به واردات گاز کم می‌کند، رابطه ما را با کشور همسایه به یک رابطه تجاری تبدیل می‌کند و می‌توانیم با کشورهای همسایه براساس محاسبات تجاری، روابط کاری و واردات و صادرات داشته باشیم، نه بر اساس نیاز.»

مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران خاطر نشان کرد: «خوشبختانه با این افتتاح دیگر مردم مازندران، گلستان و گیلان در سرما و گرما هیچ‌گونه کمبود گاز نخواهند داشت. البته این به این معنا نیست که صرفه‌جویی لازم را نداشته باشند.» این طرح در ۱۳۹۴ توسط شورای اقتصاد تصویب شد و با اختصاص بودجه از منابع داخلی شرکت ملی گاز تصمیم به اجرای آن گرفته شد.

عراقی با بیان اینکه احداث این خط لوله کار بسیار سختی بود اظهار کرد: «در مسیر انجام این طرح با مسائل محیط زیستی، باتلاق‌ها، کوهستان‌ها و میراث فرهنگی مواجه بودیم.»

او با تبریک به مردم منطقه شمال گفت:

زمستان سال گذشته بود که با دستور ویژه وزیر نفت، پروژه خط انتقال گاز دامغان - کیاسر - ساری - نکا سرعت گرفت و دهم مردادماه امسال این خط انتقال با حضور مهندس بیژن زنگنه در روستای پنبه‌چوله به بهره‌برداری رسید. با بهره‌برداری از این خط انتقال روزانه ۴۰ میلیون متر مکعب گاز از این خط عبور می‌کند و در دسترس مردم این منطقه قرار می‌گیرد تا دیگر شاهد سرمای زمستان و کمبود گاز نباشند.

این خط انتقال گاز دارای ۱۲ ایستگاه شیر بین راهی، ۸ ایستگاه انشعاب، ۳ ایستگاه حفاظت کاتدیک، یک ایستگاه ارسال توپک و یک ایستگاه CGS است. با بهره‌برداری از این خط، گاز استان مازندران علاوه بر مسیرهای قبلی به طور مستقیم از شبکه سراسری خطوط لوله و از گاز تولیدی عسلویه تأمین شده و پایداری و تقویت شبکه تأمین گاز استان‌های شمالی را به دنبال خواهد داشت.

تضمین امنیت انرژی در شمال کشور

«برای من به عنوان وزیر، مایه سرشکستگی بود که ما دارای بیشترین ذخایر گازی دنیا باشیم ولی همچنان در برخی استان‌ها، مشکل کمبود گاز وجود داشته باشد.» مهندس زنگنه دهم مردادماه با بیان این مطلب در افتتاح خط انتقال دامغان - کیاسر - ساری - نکا در سالن آمفی تئاتر هتل بادله ساری در حضور مهندس عراقی مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران، مهندس حسن منتظر تربتی مدیرعامل شرکت مهندسی و توسعه گاز ایران، برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و جمعی از مسئولان استانی و کشوری گفت: «افتتاح خط لوله دامغان - کیاسر - ساری - نکا امنیت انرژی و تأمین گاز استان‌های شمالی را برقرار ساخت.»

زنگنه در ادامه از مردم، مسئولان و نمایندگان استان‌های شمالی کشور تشکر و قدردانی کرد و با بیان اینکه مردم مازندران در روزهای سرد زمستان خیلی با ما همکاری کردند، گفت: «ما واقعا مشکل داشتیم و مردم و مسئولان استان‌های شمالی با همراهی‌شان به ما کمک کردند.»

وزیر نفت با بیان اینکه خوشبختانه با همکاری دوستان، امروز در زمینه انرژی در این استان در وضع خوبی قرار داریم، تصریح کرد: «برای نخستین بار اعلام می‌کنم مشکلی برای تأمین خوراک گاز صنایع

ماهنامه تخصصی
محیط زیست و
انرژی‌های تجدیدپذیر

مدیرمسئول
وانرژی‌های تجدیدپذیر



وزیر نفت: برای نخستین بار اعلام می‌کنم مشکلی برای تأمین خوراک گاز صنایع استان مازندران و گلستان نداریم. انتظار دارم مسئولان استان تلاش کنند از این گاز به‌عنوان سوخت استفاده نکنند بلکه به‌عنوان خوراک صنایع استفاده شود تا اشتغال گسترده را به همراه داشته باشد.

گام های بلند شرکت گاز گیلان برای توسعه پایدار استان



مهندس ظهیری مدیرعامل شرکت گاز گیلان

را در جهت ارایه خدمات بهینه به جامعه و مشترکین سرلوحه کار خود قرار داده است. راه اندازی مرکز مکانیزه امداد، تولید و توزیع صورتحساب آنلاین و امکان پرداخت تلفنی صورتحساب از جمله آنها می باشد.

عملکردهای شاخص در مسئولیت های اجتماعی

گاز گیلان به عنوان یک شهروند خوب شرکتی برای حفظ ارتباط با جامعه از طریق شفافیت در عملکرد و گزارش دهی قصد دارد ارتباط مطلوبی با شهروندان ایجاد نماید و همکاری مثبتی برای توسعه پایدار جامعه داشته باشد. از این رو ارتباطات گسترده با جامعه را ترویج می دهد و در فعالیتهای اجتماعی به صورت فعال شرکت می کند.

فعالیت های اجتماعی

شرکت گاز استان گیلان در راستای مسئولیت اجتماعی خود و در جهت توسعه فرهنگ غنی اسلامی و پاسداشت حرمت شهدا اقدام به بازسازی مزار شهدای دهنه سر سپیدرود آستانه اشرفیه به عنوان چهاردهمین مزار بازسازی شده کرد و همچنین علیرغم برگزاری نماز جماعت در سطح اداره مرکزی و ادارات شهرستان، نمازخانه بین راهی را در محوطه اداره گاز لاهیجان برای بهره مندی عموم مردم و مسافران احداث نموده است. این شرکت خود را ملزم به ارتقای سطح علمی کشور عزیزمان ایران می داند و در همین راستا دبستان دولتی اسطوخ جنان منطقه رحمت آباد رودبار را از نعمت گاز بهره مند ساخته است. انعقاد تفاهم نامه همکاری با بیمارستان بین المللی قائم (عج) رشت، بیمارستان رسول اکرم رشت، اداره کل حفاظت محیط زیست گیلان، اداره کل آموزش

در راستای اجرای ماموریت های موضوع فعالیت شرکت، شرکت گاز استان گیلان تعامل خوبی با جامعه بیرونی (سایر دستگاه های اجرایی) نظیر استانداری، شهرداری، محیط زیست، ناجا، سازمان های حفار و... دارد. این شرکت از طریق واگذاری کلیه امور اجرایی پروژه های شبکه گذاری، انشعاب، پشتیبانی، امداد، تعمیرات و نظارت) به پیمانکاران واجد شرایط، ماموریت های خویش را به انجام می رساند. شرکت گاز استان گیلان با توسعه خدمات گازرسانی در گستره استان علاوه بر ایجاد آسایش و رفاه عمومی و کمک به حفظ جنگلها و محیط زیست، موجبات خوشنمایی شرکت را در بین طیف وسیعی از مشترکین فراهم نموده است.

این شرکت با وظیفه تحقق اهداف تعیین شده در بخش گاز کشور مبنی بر جایگزینی گاز طبیعی با سایر سوخت ها از طریق توسعه شبکه گازرسانی و هدایت جامعه به سمت جایگزینی گاز طبیعی در محدوده استان، هم اکنون با ۵۱ اداره گاز در سطح استان گیلان مشغول خدمت رسانی به مشترکین و مردم می باشد. هم اکنون بالغ بر ۲۰ هزار کیلومتر شبکه گذاری و ۵۵۰ هزار انشعاب در استان اجرا و نصب شده است و ۹۹،۹۶ درصد خانوارهای شهری و ۹۵ درصد خانوارهای روستایی از نعمت گاز بهره مند هستند و شرکت در حوزه های نیروگاهی، صنایع، CNG، تجاری و خانگی بالغ بر ۹۷۰ هزار مشترک دارد. با توجه به روند رو به اتمام عملیات توسعه ای و هم راستا با سیاست های شرکت ملی گاز ایران در نیمه دوم فعالیت قرن خود، این شرکت اصلاح فرایندها و ارتقای کیفیت

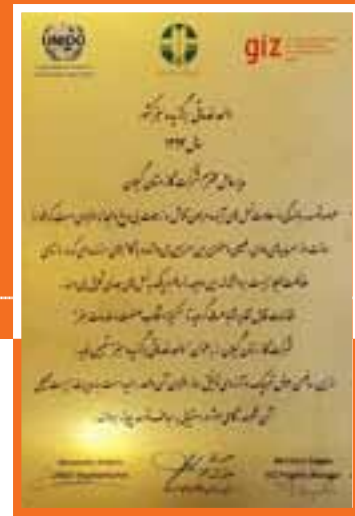
معرفی شرکت

در راستای اهداف نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران درخصوص بهره مندی آحاد جامعه از سوخت پاک، گازرسانی در استان گیلان در قالب منطقه ۳ گازرسانی و فروش آغاز گردید و ۳ شهر آستارا، منجیل و لوشان، قبل از برنامه ۵ ساله اول از نعمت گاز بهره مند شدند. با گسترش گازرسانی به شهرها، گازرسانی و فروش منطقه ده گیلان در سال ۱۳۶۹ ایجاد شد و در تاریخ ۱۳۷۷/۹/۲۹ شرکت گاز استان گیلان (سهامی خاص) به ثبت رسید و به عنوان یکی از شرکت های تابعه شرکت ملی گاز ایران، با هدف توسعه جایگزینی گاز با سایر سوخت های فسیلی آغاز به کار نمود. موضوع فعالیت شرکت «دریافت، توزیع، خرید و فروش، حق العمل کاری گاز طبیعی، مطالعه، تهیه و تنظیم، اجرا، حفاظت و اداره عملیات مربوط به احداث خطوط فرعی و شبکه های توزیع گاز طبیعی و تاسیسات مربوطه در استان گیلان» می باشد.

با برنامه ریزی منسجم، گازرسانی به مشترکین خانگی، تجاری و صنعتی روند رو به رشد خود را طی نمود بنحویکه در سال ۹۳ گازرسانی به شهرهای استان (به جز شهر تاریخی ماسوله به دلیل حفظ بافت منحصر به فرد معماری و تاریخی آن) به اتمام رسید. هم اکنون شرکت گاز استان گیلان علاوه بر گازدار نمودن ۵۱ شهر استان، موفق به گازرسانی به ۱۸۷۲ روستای استان شده است و با اتمام پروژه های در حال اجرا در قالب فاز دوم بند «ق» تمامی روستاهای بالای ۲۰ خانوار استان که قابلیت گازرسانی دارند، از نعمت گاز بهره مند خواهند شد.



ارائه آموزش های ایمنی و مصرف صحیح گاز به دانش آموزان مدارس



آنکه با توسعه گازرسانی به روستاها کمک شایانی به جلوگیری از تخریب جنگلها نموده است. موارد ذیل از اقدامات بارز شرکت در زمینه رعایت جنبه های زیست محیطی می باشد:

- استقرار سیستم مدیریت زیست محیطی بر اساس استاندارد ایزو ۱۴۰۰۱
- اجرای دقیق برنامه های صوت سنجی و بوسنجی
- انعقاد تفاهم نامه با سازمانی محیط زیست در خصوص مطالعات زیست محیطی در اجرای پروژه های گازرسانی
- مدیریت دقیق پسماندها و ضایعات اجرای پروژه
- اجرای طرح بوزدایی از بشکه های مرکاپتان از طریق انتقال به استان زنجان
- اجرای دقیق برنامه های بازدید از پروژه ها
- الزام به رعایت الزامات استاندارد ایزو ۱۴۰۰۱ توسط پیمانکاران همکار از طریق بازرسی مداوم و دوره ای
- تخصیص فضای سبز در محل ادارات و ایستگاهها
- نظرسنجی از مشترکین اطراف ایستگاه های TBS در خصوص کنترل بو و صدای ایستگاه
- کسب تندیس زرین خدمات سبز در هجدهمین همایش ملی صنعت و خدمات سبز در محل سازمان حفاظت محیط زیست با حضور رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، نماینده یونسکو، نماینده GIZ آلمان و جمعی از صاحبان صنایع سبز
- عدم گزارش حادثه زیست محیطی تا کنون
- آنالیز مخاطرات زیست محیطی به صورت سالانه
- کاشت نهال و بزرگداشت روز درختکاری.

تقویت تعادل کار و زندگی

- استقرار نرم افزار تخصیص مهمانسرا با هدف رعایت عدالت واگذاری
- ارتقاء و تعدیل مدرک تحصیلی بخش زیادی از کارکنان
- شناسایی و طبقه بندی دانش و شایستگیهای کارکنان
- ارزیابی اثربخشی رویکردهای منابع انسانی از طریق اجرای نظرسنجی های مختلف
- برگزاری جلسات ملاقات با مدیریت و رفع شکایات و گله مندی ها
- شناسایی قابلیت های کارکنان در حوزه مسائل اجتماعی فرهنگی ... به منظور بهره گیری از آن در برنامه ها و اقدامات خود در راستای ترویج مسئولیت پذیری اجتماعی
- تخصیص تسهیلات رفاهی، معاینات پزشکی و ارزشیابی عملکرد مطابق با بخشنامه های ابلاغی
- ارتقای ایمنی و بهداشت شغلی کار با استقرار و رعایت الزامات استانداردهای ایزو ۱۴۰۰۱ و ۱۸۰۰۱

عملکردهای شاخص زیست محیطی

شرکت گاز استان گیلان در طول مدت فعالیت خویش همواره تلاش نموده تا کمترین میزان آسیب را به محیط زیست و منابع طبیعی وارد نماید و علاوه بر کاشت نهال در محوطه ادارات و ایستگاهها، اقدام به افتتاح نهالستان با ۶۵۰ اصله نهال در شهر لاهیجان به یاد و خاطره ۶۵۰ شهید این شهرستان کرده است. همچنین اهدای صدها اصله نهال به کارکنان در روزهای درختکاری از جمله اقدامات شرکت در راستای فرهنگ سازی برای حفظ محیط زیست و جنگل می باشد. ضمن

و پرورش استان گیلان، سازمان آتش نشانی شهرداری رشت و صدا و سیما استان گیلان و همچنین برگزاری دوره های آموزش مصرف بهینه گاز و رعایت نکات ایمنی در مدارس با اولویت مدارس روستایی از اقدامات برجسته شرکت گاز استان گیلان در زمینه ارتقای سطح همکاری های اجتماعی این شرکت می باشد.

برگزاری مراسم شام و افطاری در آسایشگاه معلولین و سالمندان شهرستان رشت، بسترسازی برای فعالیتهای اجتماعی کارکنان از جمله اهدا خون و بازدید از خانه سالمندان، تشکیل داوطلبانه گروه های ورزشی چون کوهنوردی و دوچرخه سواری و کمک به توسعه و گسترش آن و مشارکت در همایش ها و برگزاری مراسم در مناسبت های ملی و مذهبی از دیگر فعالیت های اجتماعی در شرکت گاز استان گیلان می باشد.

شرکت گاز استان گیلان خود را متعهد می داند ضمن فراهم کردن محیط کاری سالم و ایمن برای کارکنان، توانمندسازی کارکنان را برای بهبود عملکرد شرکت در دستور کار خود قرار دهد که این فرآیند، توانمندسازی کارکنان قراردادی و سایر شرکای زنجیره تامین را نیز شامل می شود. این شرکت علیرغم وجود محدودیت های بالادستی در اجرای برنامه منابع انسانی سعی نموده است در حد امکان و اختیارات قانونی عدالت سازمانی را در کلیه حوزه های کاری برقرار نماید.

فعالیت های حوزه کارکنان

- اخذ نظر کارکنان در خصوص اهداف، استراتژیها و برنامه های تعیین شده رضایت شغلی
- برگزاری گلگشت های خانوادگی به منظور



▲ بازسازی مزار شهدای دهنه سر سپیدرود شهرستان آستانه اشرفیه



▲ احداث نمازخانه بین راهی در لاهیجان

ماهنامه تخصصی محیط زیست و انرژی های تجدیدپذیر

مدیر سبز
و انرژی های تجدیدپذیر



دکتر سمیع: فعالیت‌های درمان صنعت نفت در سراسر کشور، الگوی خاصی برای وزارت بهداشت و درمان کشور است

بهداشت و درمان، پیشرو در مسئولیت‌های اجتماعی

۳۲۰ هزار نفر شاغل و خانواده‌های آنان و ۲۲۰ هزار نفر بازنشسته و خانواده در سراسر کشور است.

اتوبوس‌های سلامت و توجه ویژه به مردم مناطق نفت خیز

دکتر سمیع معتقد است، وقتی صنعت نفت در منطقه‌ای گسترش قابل توجهی پیدا می‌کند، در ازای آن آلاینده‌های محیطی باعث بروز مشکلاتی برای مردم آن منطقه می‌شود و طبیعی است که مطالباتی از سوی مردم منطقه برای دریافت خدمات بهداشت و درمان مطرح شود: «در زمینه فعالیت‌های پیشگیرانه، به ویژه در بُعد مسائل آموزشی به مردم بومی منطقه، در راستای پیشگیری از مشکلات مربوط به بیماری‌ها، اصلاح الگوی تغذیه، بیماری‌های پیشگیرانه غیرواگیر و پیشگیری از بیماری‌های دهان و دندان، اتوبوس‌های سلامت را در مناطق مختلف از جمله گچساران و مناطق عملیاتی و محروم دیگر فعالیت

فعالیت‌های بهداشتی و درمانی را بخش جدایی‌ناپذیری از صنعت نفت برمی‌شمرد و بر همین اساس، تاریخچه تشکیل سازمان بهداشت و درمان صنعت را مقارن با آغاز تولید نفت در مسجد سلیمان عنوان می‌کند. مدیرعامل سازمان بهداشت و درمان صنعت معتقد است روند کارهایی که در سازمان انجام می‌شود، همواره الگوی خاصی برای وزارت بهداشت و درمان کشور بوده است: «محور فعالیت‌های سازمان، ابتدا بهداشت و پیشگیری و بعد درمان است و این روند، همواره الگوی خاصی برای وزارت بهداشت و درمان کشور بوده است.» در کنار اقدام‌های درمانی در صنعت نفت، مجموعه‌ای از فعالیت‌های پیشگیرانه نیز با هدف جلوگیری از بروز حوادث و بیماری‌های روحی و جسمی در صنعت نفت انجام می‌شود، تا جایی که هم‌اکنون سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت، در حال خدمات‌رسانی به بیش از

هم‌زمان با روند توسعه و اعتلای صنعت نفت جمهوری اسلامی ایران، توجه به سلامت کارکنان و البته مسائل اجتماعی و زیست‌محیطی مناطق نفت‌خیز همواره در دستور کار مدیران ارشد صنعت نفت قرار داشته است. این نگرش اگرچه در گذشته نیز به خوبی مشاهده می‌شد، اما با آغاز به کار وزارت نفت در دولت یازدهم، رنگ و بوی دیگری به خود گرفت؛ تا جایی که مهندس زنگنه با انتخاب مشاور وزیر در امور اجتماعی و حضور پررنگ در ۳ دوره همایش «مسئولیت‌های اجتماعی صنعت نفت»، باور خود را به ضرورت پیگیری و توجه ویژه به مسائل انسانی، اجتماعی و زیست‌محیطی نمایان ساخت.

الگویی برای وزارت بهداشت

براساس اعلام «دکتر حبیب‌الله سمیع» در گفتگو با «تازه‌های انرژی» با اشاره به اینکه ویژگی‌ها و مخاطراتی که در ذات فعالیت‌های صنعت نفت نهفته است،



ماهنامه تخصصی
محیط زیست و
انرژی‌های تجدیدپذیر

مدیریت سبز
و انرژی‌های تجدیدپذیر

مذاکراتی با شرکت‌های بیمه انجام داده است تا برای ایجاد زمینه مناسب و استفاده این نیروها از خدمات سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت، قراردادی منعقد شود.»

او با اشاره به استقبال کارکنان از طرح درمان غیرمستقیم، تصریح می‌کند: «با اجرای این طرح ظرفیت‌های خالی به خصوص در بخش سرپایی ایجاد شده است و بر همین اساس، کارکنان قرارداد مدت موقت و پیمانکاری را در اولویت استفاده از این ظرفیت‌ها قرار داده‌ایم.»

تله‌مدیسین و گسترش پوشش درمانی با ارائه خدمات «مراقبت در منزل»

مدیرعامل سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت، مراقبت در منزل را یکی دیگر از راهکارهای توسعه خدماتی درمانی می‌داند که در بیمارستان مرکزی تهران آغاز شده و در اهواز نیز در دستور کار قرار دارد. براساس اعلام دکتر سمیع، در این مراکز، برخی از خدمات درمانی برای بیمارانی که نیاز به بستری ندارند، اما باید تحت مراقبت باشند تا پایان زمان درمان، ارائه می‌شود.

او با تأکید بر اینکه اقدام‌های لازم برای خرید آمبولانس‌های مجهز به تله‌مدیسین برای بیمارستان نفت تهران در حال انجام است، ادامه می‌دهد: «خرید یک دستگاه اتوبوس آمبولانس نیز در عسلویه در دستور کار قرار دارد تا علاوه بر اینکه، بتوان مصدومان بیشتری را در زمان کوتاه‌تری منتقل کرد، از آنها به‌عنوان یک مرکز درمانی سیار برای انجام خدمات معاینات دوره‌ای در مناطق عملیاتی استفاده کنیم.»

بخش فقط برای پاسخگویی به نیازهای درمانی مردم بومی آن منطقه راه‌اندازی شده است.» او با اشاره به اینکه حدود ۸۰ درصد خدمات ارائه‌شده در بخش‌های دیگر که شامل سرپایی و بستری به مردم بومی مناطق نفت‌خیز از جمله جزیره خارگ است، می‌افزاید: «بعد از خارگ و بوشهر در آغاچاری، مسجدسلیمان، آبادان و ماهشهر و به‌صورت محدود در گچساران سرویس‌هایی در حوزه بهداشت و درمان به مردم بومی ارائه می‌دهیم که این امر مکمل سایر فعالیت‌های صنعت نفت در حوزه مسئولیت‌های اجتماعی محسوب می‌شود.»

ارائه خدمات درمانی به پیمانکاران و کارکنان قرارداد مدت موقت

مدیرعامل سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت با اشاره به ظرفیت‌های خالی ایجاد شده در امکانات این سازمان، از تلاش برای ایجاد راهکارهای لازم به‌منظور برقراری زمینه‌های مناسب ارائه خدمات درمانی به نیروهای قرارداد مدت موقت و پیمانکاری خبر می‌دهد و می‌گوید: «هرچند باید توجه داشت این کارکنان، تابع قانون کار و بیمه تأمین اجتماعی هستند، اما سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت تلاش کرده تا راهکارهای مناسب برای ارائه خدمات به این نیروها در نظر بگیرد.»

دکتر سمیع با اشاره به اینکه ریزنی‌های متعددی برای فراهم کردن بیمه تکمیلی هماهنگ نیروهای قراردادی و پیمانکاری انجام شده است، می‌افزاید: «سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت

کرده‌ایم تا برنامه‌های آموزشی مختلفی برای مردم بومی این مناطق اجرا شود.»

خدمات ارائه‌شده از سوی سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت در حالی رو به گسترش است که در برخی از مراکز نفت‌خیز مانند جزیره خارگ، وزارت بهداشت به‌عنوان متولی اصلی سلامت کشور حضور ندارد و وظیفه تأمین سلامت نه تنها کارکنان صنعت نفت، حتی مردم بومی منطقه نیز بر عهده سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت قرار گرفته است. دکتر سمیع در این خصوص می‌گوید: «یکی از پروژه‌هایی که در هفته دولت سال گذشته در منطقه خارگ افتتاح شد، بخش دیالیز بیمارستان خارگ بود، در حالی که ما بیمار دیالیزی شرکت نفتی در جزیره خارگ نداریم و این



تجلیل از عملکرد پالایشگاه آبادان در سومین همایش مسئولیت‌های اجتماعی صنعت نفت

مسئولیت‌های اجتماعی، سر لوحه فعالیت‌های قدیمی‌ترین پالایشگاه ایران و خاور میانه

اجرای پروژه‌های بهبود، اجرای پروژه سیستم آب یک‌بار گذر، تدوین روش طرح اقتضایی مقابله با آلودگی دریایی، اجرای الزام‌های مدیریت پسماند حضور در جایزه مدیریت سبز، تصفیه‌خانه بیولوژیک فاضلاب، استقرار استاندارد ایزو ۵۰۰۰۱ و کاهش آلاینده‌های رودخانه اروند با احداث واحد پساب جدید، تعهدات خود را در این حوزه محقق کرده است.

این شرکت همچنین با توانمندسازی منابع انسانی، توجه به ذینفعان اجتماعی و پذیرش مسئولیت اجتماعی از جمله ارتباط و تعامل با رسانه‌های محلی، استانی و کشوری، نگهداری مساجد و زینبیه‌های پالایشگاه، نظرسنجی از مردم، سازمان‌ها، ارگان‌های شهری، پیمانکاران و تأمین‌کنندگان کالا، برگزاری آیین‌های مذهبی

۸ اسکله، مخازن فرآورده‌های نفتی، تجهیزات بارگیری، مخلوط‌کننده‌های نفتی، وسایل بارگیری دریایی و آزمایشگاه، نفتکش‌هایی با ظرفیت حداکثر ۱۰۰ هزار تن را در خود جای می‌دهند.

عملکردهای شاخص در زمینه مسئولیت‌های اجتماعی

شرکت پالایش نفت آبادان با اقدام‌های زیست‌محیطی متعدد در زمینه‌های آب، برق، بخار، گاز، آموزش، فناوری، خاک، مدیریت پسماند، فضای سبز، فرهنگ‌سازی، پرداخت حق برداشت از رودخانه، پالایش آلاینده‌های زیست‌محیطی ناشی از فعالیت‌های شرکت در ایجاد و توسعه و نگهداری فضای سبز، استقرار استانداردهای ایزو ۱۴۰۰۱ و HSE، کنترل و کاهش آلاینده‌های زیست‌محیطی از طریق

شرکت پالایش نفت آبادان به‌عنوان نخستین پالایشگاه نفت کشور در سال ۱۳۹۱ هجری شمسی با ظرفیت اولیه ۲۵۰۰ بشکه در روز، فعالیت خود را آغاز کرد. در حال حاضر پالایشگاه آبادان با ظرفیت حدود ۴۲۰ هزار بشکه در روز به‌عنوان بزرگ‌ترین پالایشگاه کشور، عهده‌دار تولید محصولات متنوعی از قبیل گاز مایع، بنزین، نفت سفید، نفت گاز، انواع حلال‌های نفتی، گوگرد، سوخت جت، نفت کوره، نفتا، پنتان، بنزین هواپیماهای ملخ‌دار و... است.

پالایشگاه آبادان از ۴ فاز عملیاتی تشکیل شده است که فازهای ۱ و ۳ در حال فعالیت و ۲ فاز دیگر در حال راه‌اندازی هستند. این پالایشگاه دارای یک بندر استراتژیک صادرات فرآورده‌های نفتی در بندر ماهشهر است که با در اختیار داشتن



منطقه یک پالایشگاه؛
 ▶ پروژه مدیریت پسماند؛
 ▶ خرید تجهیزات مقابله با آلودگی های دریایی؛
 ▶ تعویض برنرهای کوره های واحدهای عملیاتی؛
 ▶ پروژه نصب آنالیز روی کوره ها؛
 ▶ طرح اقتضایی مقابله با آلودگی دریایی؛
 ▶ پروژه بهسازی و نوسازی پایپ تراک ها؛
افتخارات زیست محیطی
 ▶ کسب رتبه نخست واحد محیط زیست میان شرکت های پالایش و پخش در سال ۹۴؛
 ▶ کسب عنوان نخست واحد بهداشت HSE میان شرکت های پالایش و پخش در سال ۹۴؛
 ▶ کسب مقام دوم واحد ایمنی HSE میان شرکت های پالایش و پخش در سال ۹۴؛
 ▶ کسب رتبه دوم اداره HSE میان شرکت های پالایش و پخش در سال ۹۴؛
 ▶ دریافت گواهینامه تقدیر سطح ۲ مدیریت سبز از انجمن مدیریت سبز ایران در سال ۹۴؛
 ▶ دریافت گواهینامه سطح بلوغ پروژه نشان بلوغ HSE از انجمن مدیریت سبز ایران در سال ۹۴؛
 ▶ دریافت لوح سپاس از سومین همایش مسئولیت اجتماعی صنعت نفت در تیرماه ۱۳۹۶.

و... رویکرد فرهنگ سازی در راستای ایجاد تعالی سازمانی را در پیش گرفته است.
ممیزی انرژی و اقدامات زیست محیطی
 ▶ برگزاری مسابقه پوستر انرژی؛
 ▶ انجام ممیزی داخلی انرژی؛
 ▶ تعویض مشعل های واحد ۸۰؛
 ▶ دریافت تندیس نقره ای و همچنین لوح تقدیر مدیر برتر انرژی؛
 ▶ راه اندازی تصفیه خانه منطقه ۳ پالایشگاه؛
 ▶ دریافت گواهینامه ایزو ۱۴۰۰۱ ورژن ۲۰۱۵ از شرکت DQS آلمان؛
 ▶ اجرای برنامه C.C.I.C.P؛
 ▶ برنامه هوشمندسازی تزریق مواد شیمیایی برای اولین بار در سطح پالایشگاه ها؛
 ▶ اجرای برنامه I.O.W برای اولین بار در سطح پالایشگاه ها؛
 ▶ تولید بنزین یورو ۴ و توزیع در سطح شهرستان های آبادان و خرمشهر از تیرماه ۹۵.
انجام پروژه های زیست محیطی
 ▶ اجرای پروژه SS در پالایشگاه آبادان مستمر از سال ۹۱ تا کنون؛
 ▶ طرح توسعه واحد تصفیه خانه سباب صنعتی در

و جلسات، حضور فعال در مناسبت های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شهرستان آبادان، جوابگویی به انتظارات، اطلاع رسانی از طریق سایت شرکت، مشارکت بنیادی برای برپایی موزه صنعت نفت با نگهداری و جمع آوری قطعات و دستگاه های قدیمی، نگهداری اماکن و بقایای جنگ تحمیلی برای ایجاد باغ موزه دفاع مقدس، مشارکت در زمینه های کمک رسانی به نهادهای و مؤسسات خیریه، تأمین و واگذاری منازل سازمانی به نهادهای و ارگان های دولتی، تأمین نیازهای برقی، ارائه خدمات شهری و... به نتایج اجتماعی برجسته ای دست یافته است.
 افزون بر این موارد، شرکت پالایش نفت آبادان در راستای حفظ و ارتقای ارزش های سازمانی، به خصوص مشارکت در راستای هم افزایی کارکنان در دستیابی به اهداف کلان شرکت، با پیاده سازی برنامه هایی همچون ترویج نظام پیشنهادها، ارائه خدمات آموزشی، مشاوره ای و مددکاری به کارکنان و خانواده ها، اقدام های فرهنگی از قبیل تهیه و توزیع بروشور و پوستر، برگزاری دوره های آموزشی با موضوع آسیب های اجتماعی، تشکیل جلسات کمیته پیشگیری از آسیب های اجتماعی



صنعت نفت با بیش از یک قرن فعالیت، بیشتاز ایفای مسئولیت‌های اجتماعی بوده است. ایجاد زیرساخت‌های اساسی برای توسعه شهرنشینی در همان ابتدای فعالیت این صنعت در مناطق جنوبی کشور موجب شد شهرهای مسجدسلیمان، آبادان، آغاچاری و اهواز به عنوان شهر اولین‌ها معرفی شوند و با توجه به رویکرد توسعه‌ای، مردم محلی یا به اصطلاح همسایگان تأسیسات، از این توسعه منتفع شوند، زیرا صنعت نفت با رویکرد عدالت‌محوری و انجام مسئولیت‌های اجتماعی همواره بر توانمندسازی جوامع محلی تأکید کرده است. در این میان شرکت پایانه‌های نفتی ایران نیز در هم‌سویی با انجام مسئولیت‌های راهبردی خود در زمینه دریافت، ذخیره‌سازی، انتقال و صادرات نفت خام و میعانات گازی از انجام مسئولیت‌های اجتماعی نیز غافل نبوده است. این شرکت از طریق یکی از مدیریت‌های زیرمجموعه خود با عنوان مدیریت عملیات عمومی خارگ، با تمرکز بر عملیات غیرصنعتی، به خصوص در بخش خدمات‌رسانی شهری، عمرانی و محیط‌زیست، به جزیره خارگ و اهالی محترم آن به عنوان یک منطقه نفت خیز و استراتژیک خدمات‌رسانی می‌کند. در این زمینه گفتگویی با مهندس سید پیروز موسوی، مدیرعامل شرکت پایانه‌های نفتی ایران انجام شده است که با هم می‌خوانیم.

هم‌افزایی صنعت و جامعه محلی در جزیره خارگ در گفتگویی «تازه‌های انرژی» با مهندس پیروز موسوی

پایانه‌های نفتی، پایه تحول اقتصادی در خارگ

دست نکشید.
ET آیا موافق هستید که اوج این دلبستگی را می‌توان در دوران دفاع مقدس مشاهده کرد؟ از نگاهی می‌توان پاسخ مثبت به این پرسش داد. البته هرچند در اواخر جنگ راهبردهایی مثل انتقال کشتی به کشتی نفت در بخش‌های دورتر خلیج فارس به‌عنوان روش‌هایی با مخاطره کمتر برای صادرات نفت انجام شد، اما تأسیسات بارگیری و صادرات نفت در تمام سال‌های دفاع مقدس و در مواجهه با

برای کشور درآمد ایجاد می‌کنیم. جزیره خارگ در هر بخشی که مرور کنیم پیشانی و سنگر نخست صنعت نفت است. در ۲۸۸۰ روز جنگ تحمیلی، این جزیره ۲۸۳۴ بار مورد هجوم دشمن قرار گرفت. تقریباً همه زیرساخت‌های نفتی این جزیره، چه در بخش پایانه‌ها و چه در بخش تولید که شرکت نفت فلات‌قاره مسئولیت آن را برعهده دارد، بارها تا مرز نابودی کامل پیش رفت، اما جزیره خارگ زنده و با اراده از نقش خود در حیات زنجیره صنعت نفت

ET اگر اجازه بفرمایید، گفتگو را با آثار شرکت پایانه‌ها در جزیره خارگ آغاز کنیم. خودتان چقدر حس تعلق خاطر به این جزیره نفتی دارید؟ فکر می‌کنم همه اهالی صنعت نفت به این جزیره حس خاصی دارند می‌توان گفت که این جزیره مثل خانه نفتی‌هاست؛ جایی است که ثمره رنج و تلاش کارکنان صنعت نفت، این سرمایه ملی نهفته در اعماق زمین را به دست خریدار می‌سپاریم و



به‌عنوان فردی که با این منطقه و شرایط کار و زندگی در آن ارتباط دارم، فکر می‌کنم بهترین توصیف، هم‌زیستی متعهدانه پایانه‌ها و جزیره خارگ است.



باور کنید من وقتی می بینم همکارانم و خانواده هایشان در سطح جزیره و همگام با اهالی بومی زندگی می کنند، این حس را پیدا می کنم که خارگ تابلویی از هم گرایی ملی ایرانی هاست. این مسئله در حقیقت جنبه پنهان اثرگذاری حضور شرکتی چون پایانه های نفتی و همان مسئله ای است که من آن را «اثر همسایگی» می نامم.

سکونت دارند و طبیعی است که این جمعیت تقریباً همه نیازهای اقتصادی روزانه خود را از این جزیره تأمین می کنند. همین مسئله در وهله نخست باعث ایجاد شغل در جزیره خارگ شده است؛ مشاغلی که خود اهالی خارگ یا در نهایت از سطح استان آن را انجام می دهند. این امر باعث رونق اقتصادی اهالی می شود و طبعاً زمینه ساز بهبود شرایط و شاخص های رفاه هم می شود. این مسئله در حقیقت جنبه پنهان اثرگذاری حضور شرکتی چون پایانه های نفتی و همان مسئله ای است که من آن را «اثر همسایگی» می نامم.

باور کنید من وقتی می بینم همکارانم و خانواده هایشان در سطح جزیره و همگام با اهالی بومی زندگی می کنند، این حس را پیدا می کنم که خارگ تابلویی از هم گرایی ملی ایرانی هاست.

ET در واقع مسائل اجتماعی را در کنال مسائل اقتصادی و اشتغال به صورت توأمان در نظر می گیرد؟

وقتی می بینم همسر یا فرزند همکارانمان به مرور لهجه و زبان اهالی اینجا را یاد می گیرند، مگر می شود این را اثری غیر از همزیستی متعهدانه یک ملت در کنار هم نام گذاشت؟ وقتی می بینم فارغ از همه تفاوت ها، حتی فارغ از تفاوت های مذهبی، شیعه و سنی اینچنین مهربان و زبر پرچم مقدس جمهوری اسلامی در کنار هم و در یک جزیره ۳۵ کیلومتر مربعی زندگی می کنند و اصلاً تفاوت های قومی و مذهبی و اینطور مسائل را از یاد برده اند، آیا این اثری غیر از همزیستی و همسایگی دارد؟

ET در چنین شرایطی، می توان گفت که مسئولیت های اجتماعی شما به مراتب گسترده تر از آنچه مرسوم است، خواهد شد؟

در کنار این مسائل باید توجه داشت که بحث مسئولیت اجتماعی با نگاه ویژه ای در اینجا توسط شرکت پایانه ها پیگیری می شود. انواع خدماتی که وظیفه ماست به اهالی ارائه می شود، بحث استفاده از امکانات و تجهیزات یا مثلاً اقدام هایی در زمینه توسعه فرهنگی جزیره خارگ از طریق گسترش فضاها و امکانات کتابخوانی ایجاد کرده ایم، تسهیل ایاب و ذهاب دریایی مردم، تأمین آب شرب جزیره، تأمین مقداری از برق مورد نیاز شهری، حمل مصالح و اقلام و مایحتاج روزمره مردم، برگزاری اردوهای دانش آموزی، انجام گسترده فعالیت های فرهنگی، ورزشی و آموزشی، افزایش حدود ۱۱۰ هکتار فضای سبز و دیگر فعالیت های بزرگ در حوزه مسئولیت های اجتماعی را در وهله نخست، جزو وظایف خود می دانیم. حتی اعتقاد داریم براساس رسالت و مسئولیت های ذاتی، سایر متولیان کشور نیز باید با حضور در جزیره خارگ به وظیفه و مسئولیت ملی خود به مردم شریف خارگ نیز کمک کنند. برای مثال تهیه آب، شبکه ارتباطی، لوله کشی و نصب کنتور آب در خارگ توسط شرکت پایانه های نفتی ایران انجام شده است، اما متأسفانه هیچ سازمان و ارگان دولتی هنوز آمادگی تحویل این همه زیرساخت های اساسی آب جزیره را اعلام نکرده است.

البته جنبه عمومی دارد و مختص خارگ نیست. در عسلیویه و نکا هم همین روش را داریم، اما درباره خارگ به دلیل اینکه در هم تنیدگی شرکت پایانه ها با اجتماع محلی و شرایط اقلیمی جزیره زیادتز است، شاید این مسئله بیشتر به چشم بیاید.

ET این در هم تنیدگی محل کار و زندگی با چه فرصت ها و تهدیدهایی مواجه است؟

ما در یک محیط جزیره ای با وسعت ۳۵ کیلومتر مربع در حال کار هستیم. این جزیره اهالی بومی دارد که از دید ما، جزیره خانه آنهاست و ما در حقیقت کنار خانه آنها به کار مشغولیم. بنابراین لازم است حق و حرمت همسایگی را مراعات کنیم. این جزیره همچنین محیط زیست طبیعی نیز دارد که آن هم برای ما محترم است. در بحث محیط زیست جانوری این جزیره تعداد بسیار زیادی آهو دارد که در پناهگاه حیات وحش خارگ و تحت نظارت سازمان حفاظت محیط زیست نگهداری می شوند. در این خصوص ما هم به عنوان یکی از بازیگران اصلی فعالیت صنعتی در جزیره خارگ، نهایت همکاری و حمایت را از این زیستگاه داریم.

ET آقای موسوی اجازه بدهید این بحث را کمی تعمیق دهیم، الان سال هاست که مفهومی مدرن در فعالیت های اقتصادی با عناوین مختلف مثل مسئولیت اجتماعی یا مسئولیت شرکتی رایج شده است. آیا شما از این دیدگاه فعالیت های پتان را ساماندهی می کنید؟

پاسخ به این پرسش، هم بله است و هم خیر. می گویم خیر، چون اعتقاد دارم خیلی قبل از اینکه مفهوم مدرن مسئولیت اجتماعی وارد صنعت و اقتصاد شود، ما حقوق و آداب همسایگی را در اسلام و در اخلاق ایرانی داشته ایم. اینکه صرفاً بخواهیم از باب منظر مسئولیت اجتماعی به قضیه نگاه کنیم، کافی نمی دانم، ما باید در وهله نخست این واقعیت را بپذیریم که در حال کار در جوار خانه دیگران هستیم و نباید به روند زیست آرام آنها آسیبی بزنیم. همچنین کار و فعالیت های ما نباید نافع به حال این همسایگان باشد. اگر اینطور نباشد در حقیقت دست به استعمار زده ایم. اگر شرکت پایانه ها مهم ترین تأسیسات در جزیره خارگ است، باید توجه داشت که این مسئله چه آثار مثبتی بر جزیره خارگ دارد؟ برای اهالی خارگ «نعمت» بوده ایم یا «قمت» و آیا قدر همسایگانمان را دانسته ایم؟

فکر می کنم اول باید به این مفاهیم بپردازیم، چون خیلی عمیق تر از مفهوم مدرن CSR است و هم جنبه ایرانی و اسلامی دارند که پذیرش آن هم برای همه ما روان تر است. اما از بُعد دیگر به شما می گویم که بله، ما در پایانه های نفتی ایران هم به مقوله مسئولیت اجتماعی بسیار متعهد هستیم و آن را در اولویت های کاری خود لحاظ می کنیم. برای اینکه این بحث مشخص تر شود، به شما می گویم که شرکت پایانه های نفتی ایران در حقیقت پایه تحول اقتصادی در جزیره خارگ است. هم اکنون شمار زیادی از همکاران ما به همراه خانواده در این جزیره

بالاترین ضریب مخاطره ناشی از جنگ، به کار خود ادامه داد. شاید به همین دلیل که این جزیره نماد و سمبل مقاومت در صنعت نفت است، اصولاً حس خاصی را در ذهن و قلب کارکنان نفت برمی انگیزاند. در واقع این جزیره نوعی کاریزما در نام و کارنامه خود دارد که برای همه کارکنان نفت و تاریخ مقاومت کشور، غرور آفرین است.

بستن شیرهای صادرات نفت به منزله آخرین ضربه به پیکر رژیم ستم شاهی بود. این موارد در کنار نقش مهم جزیره خارگ و کارکنان صنعت نفت در پیروزی انقلاب، تأمین بودجه مالی جنگ و اقتصاد مردم در دوران دفاع مقدس از طریق استمرار و پایداری در صادرات نفت خام، نشان از جایگاه راهبردی این جزیره حیات بخش دارد. در دوران جنگ نیز با تمام محدودیت ها، صدام خیلی تلاش کرد که نام ایران را از بازار نفت جهان حذف کند. او می دانست که ایران به عنوان یک کشور مهم تولیدکننده نفت، بخشی از اعتبار جهانی اش را به دلیل حضور ممتد در عرصه بازار نفت کسب کرده است و اگر بتواند نام ایران را برای مدتی از بازارهای نفت حذف کند، ضربه بزرگی به کشور زده است. به همین دلیل شما شاهد این حجم حمله هوایی به خارگ هستید که در تمام تاریخ جنگ بی نظیر است.

ET اما با این همه حوادث، شاهد این موضوع بودیم که در خلال جنگ تحمیلی، وقفه ای در حوزه صادرات نفت خام به وجود نیامد!

اگر ۸ سال جنگ تحمیلی را ۲۸۸۸ روز در نظر بگیریم با این حجم حمله هوایی می توان گفت که خارگ تقریباً هر روز باید بمباران می شد، اما در همین شرایط می بینید که حتی برای یک روز هم صادرات نفت ایران قطع نشد که این مسئله را نمی توان شبیه مسائل عادی برری کرد. در پاسخ به سؤال نخستی که مطرح کردید، باید بگویم من هم جزو یکی از هزاران کارمند صنعت نفت ایران به این جزیره تعلق خاطر دارم. علاوه بر این چون سال هاست محل خدمت در این جزیره قرار دارد، این حس تعلق بیشتر و بیشتر هم شده است.

ET با وجود چنین مسائلی، اما شاهد آن هستیم که ارتباط صمیمانه ای میان کارکنان صنعت نفت و اهالی این جزیره همواره حفظ شده است. دلیل این موضوع را چه می دانید؟

ای کاش برای گرفتن پاسخ بهتر برای این پرسش، سراغ اهالی بومی این جزیره می رفتید. به عنوان فردی که با این منطقه و شرایط کار و زندگی در آن ارتباط دارم، فکر می کنم بهترین توصیف، همزیستی متعهدانه پایانه ها و جزیره خارگ است. ما در این جزیره فعالیت صنعتی داریم که برای تداوم فعالیت هایمان باید اهالی جزیره، محیط زیست و اقلیم منطقه را به عنوان پیوندهای دائمی فعالیت صنعتی در نظر بگیریم. در واقع اصولاً از هر نوع کار صنعتی بدون در نظر گرفتن اولویت های انسانی و زیست محیطی خارگ پرهیز می کنیم. این موضوع

آسمان شهرمان، آبی تر می شود

مرکزی آغاز شد، در کمتر از ۶ ماه به ۱۴ استان کشور رسید. در این پویش، اگرچه مردم داوطلبانه روزهای سه‌شنبه در شهرهای مختلف دوچرخه و خودروهای عمومی و اشتراکی را جایگزین خودرو شخصی خود کرده‌اند، اما این فعالیت‌ها به تنهایی کافی نیست.

در سال‌های اخیر سازمان‌های عمومی حمل‌ونقل مانند تاکسیرانی و اتوبوسرانی با عقد تفاهم‌نامه با بانک‌ها اقدام به نوسازی ناوگان حمل‌ونقل شهری کردند. به‌طور مثال در طرح جایگزینی تاکسی‌های فرسوده که سال گذشته آغاز شد، بانک تجارت تأمین تسهیلات ۳۰ هزار دستگاه تاکسی نو را برعهده گرفت و تاکنون ۱۶ هزار و ۲۲۳ فقره تسهیلات خرید تاکسی به مبلغ ۳ هزار و ۲۴۵ میلیارد ریال توسط این بانک پرداخت شده است. همچنین در تیرماه ۱۳۹۶ شرکت واحد اتوبوسرانی تهران از ۳۰ دستگاه اتوبوس تک‌کابین جدید رونمایی کرد. براساس تفاهم‌نامه‌ای که بین این شرکت و بانک تجارت صورت گرفت، این بانک پرداخت ۲۰۰ فقره تسهیلات فروش اقساطی اتوبوس را برعهده گرفت که پیش‌بینی می‌شود ورود این تعداد اتوبوس جدید به ناوگان حمل‌ونقل شهری تهران، کاهش ۱۲ درصدی مصرف سوخت را به‌همراه داشته باشد.

حل معضل آلودگی هوای ناشی از عوامل متحرک دودزا، همت سازمان‌ها و تک‌تک شهروندان را در ایفای مسئولیت‌های اجتماعی می‌طلبد. اگرچه استفاده نکردن از خودروهای فرسوده و جایگزینی آن با خودروهای جدید فقط یکی از راهکارهای کنترل آلودگی هوا محسوب می‌شود، اما تأثیر به‌سزایی در کنترل شرایط موجود خواهد داشت.

مطالعات انجام شده در سالیان اخیر نشان می‌دهد یکی از اصلی‌ترین عوامل آغاز حملات آسم و تنگی نفس، آلودگی هوای ناشی از دود ماشین‌ها و کارخانه‌هاست. آسم بیماری مزمنی است که در بیشتر موارد درمان قطعی ندارد. این بیماری سبب مشکلاتی برای سلامت کودکان و بزرگسالان می‌شود و نکته مهم در این ماجرا، آن است که در جهان سالانه حدود ۷ میلیون نفر بر اثر آلودگی هوا جان خود را از دست می‌دهند و بزرگسالان مجبورند سالانه از ۱۴ میلیون فرصت شغلی به دلیل بیماری‌های تنفسی صرف‌نظر کنند.

کارشناسان معتقدند سرانه تولید گاز مونو اکسیدکربن در ایران به ازای هر نفر، ۷ تن است، در حالی که این میزان در دنیا بین ۴ تا ۶ تن است. در این میان، به نظر می‌رسد خودروها مهم‌ترین عوامل متحرک آلودگی هوا در کلان‌شهرها و در برخی موارد، شهرهای کوچک ایران هستند. بخش عمده این خودروها به دلیل فرسودگی و وابستگی به سوخت‌های فسیلی، معضل آلودگی هوا را دوچندان می‌کنند. شرایط نامناسب فعلی، شهروندان را برآن داشته تا با حضور در پویش‌های مردمی به دنبال حل معضل آلودگی هوا باشند. به‌طور مثال پویش مردمی سه‌شنبه‌های بدون خودرو که از شهر اراک و استان





دانشگاه شاهرود

مدیریت پروژه‌های بالادستی

صنعت نفت

در شرکت‌های اکتشاف و تولید (E&P)

ترجمه

دکتر امیر فرجی

مهندس محبوبه سلیمانی

مهندس حیدر بهمنی / رضا خادمی / شرکت ملی حفاری ایران

در حالی که محققان در زمین و فضا به دنبال یافتن منابع جدید انرژی هستند، ناگفته پیداست که مهم ترین منبع کنونی برای تأمین انرژی، نفت و گاز است که بشر برای به حرکت در آوردن تراکتورها، اتومبیل، کشتی ها و هواپیماهای خود به این منابع انرژی نیاز دارد. پدید آمدن یک انحطاط فناوری و تمام شدن منابع مذکور می تواند ما را به دوران آسیاب های آبی و بادی برگرداند. بر همین اساس باید تلاش کرد تا به راهکارهای دیگر جذب سرمایه و پیشرفت و تعالی اقتصادی از طریق دانش، فناوری، طراحی و ساخت ابزارهای مهندسی و پیشگویی و تفسیر پدیده های علمی دست یافت. در این مقاله به بررسی معجزات علمی قرآن در خصوص مهندسی و سازه و کاربرد آن در درک و تحلیل پدیده ها و تجارب علمی و مهندسی و نقش هدایتگر قرآن در مسیر توسعه صنعت پرداخته می شود. محققان در این مقاله با توجه به تجارب صنعتی و دانش خود در زمینه مهندسی و صنعت حفاری چاه های نفت و گاز به بیان ارتباط عمیق آیاتی از قرآن با فناوری های نظیر جداره گذاری چاه های نفت و گاز، حمل و نقل های سنگین نظیر جابه جایی دستگاه های حفاری، مهار آتش و فوران چاه ها پرداخته اند و با ذکر دلایل علمی، بر درستی تحلیل و قیاس انجام شده صحه گذاری شده است. این شیوه نگارش به قرآن این امکان را فراهم می سازد که بتوان دستورالعمل های یاد شده در ساختن سد و حائل و سایر موارد مذکور را بسط و تعمیم داد و در صنایع دیگر و موارد جدید به کار برد. درک این ارتباطات و استفاده و به کارگیری فناوری های ذکر شده در صنعت حفاری چاه های نفت و گاز می تواند باعث ایجاد تحول عظیم در این زمینه شود.

بررسی جنبه هایی از اعجاز قرآن در زمینه فناوری و کاربرد آن در پیشبرد و توسعه صنعت نفت و عملیات حفاری

خداوند من است و آنگاه که وعده خداوند فرارسد آن سد را تلاشی و پاره پاره می کند. با بررسی آیات فوق الذکر و سایر آیات مربوطه روشن می شود که سدسازی و عملیات صنعتی انجام شده توسط ذوالقرنین جز از طریق تکیه بر فنون، تکنیک ها و مهارت های فنی و مهندسی متنوعی که خداوند به او بخشیده، امکان پذیر نبود که خود، شاهد روشنی از اعجاز آیه بودن قرآن و کاربردی بودن فناوری مورد بحث است. این مثال به صراحت بیان می کند که با ساختن سد به عنوان یک سازه مهندسی، جان هزاران نفر از مرگ نجات پیدا کرد و امنیت در جامعه برقرار شد. بدیهی است بشر برای ادامه حیات و داشتن یک زندگی خوب، با عزت و بدون واهمه، باید به محافظت و تقویت خود از طریق افزایش سطح علم، و دانش بپردازد.

همانطور که در آیات فوق ذکر شد، قومی در ترس و اضطراب از امکان حملات قومی دیگر زندگی می کردند و آسایش و امنیت نداشتند، اما با کمک گرفتن از دانش مهندسی برای آنان سدی ایجاد شد که جلو حملات دشمن را گرفت و بدین وسیله آن قوم در آسایش و امنیت زندگی کردند. اما با توجه به اینکه قرآن کتابی هدایت گر در تمامی زمینه ها است، این سؤال می تواند ذهن محققان را به خود مشغول کند که آیا با توجه به جامع بودن قرآن، فناوری مورد بحث، کاربردهای دیگری در صنایع دیگر دارد؟ مؤلفان این مقاله با توجه به تخصص خود در زمینه حفاری چاه های نفت و گاز و تأمل و تفکر در آیات مذکور از جنبه دیگری به تحقیق و تأمل در آیات صدرالاشاره پرداخته و دریافته اند که دانش و تکنیک مهندسی بیان شده در این آیات در خصوص حفر زمین و ساخت جداره و استحکام و تقویت آن به صورتی که حتی نتوان در آن سوراخی ایجاد کرد، منطبق بر عملیات حفاری و ساختن دیواره جداری چاه به منظور جلوگیری از ریزش آن، رخنه سیالات مخزن و تقویت چاه است. در ادامه و برای روشن شدن مطلب، به ذکر برخی از نکات و تعاریف بیان شده در آیات که زمینه ساز و ایده دهنده به این تحقیق است پرداخته می شود.

در آیات بیانگر حکایت ذوالقرنین، ۴ بار از مجهز بودن او به «سبب» و به کارگیری و تبعیت از «سبب» سخن به میان آمده است. اصل لغت سبب به معنای ریسمانی است که استعاره شده به هر چیزی که انسان را در رسیدن به مقصود کمک می کند. شاید این مسئله که ریسمان نقش هدایت کننده و ارسال کننده اطلاعات را داشته باشد، در نگاه اول مبهم باشد، اما متخصصی که با نحوه کسب اطلاع از چاه ها و مخازن و میدان های نفت و گاز آشنایی دارد، می داند که امروزه در فناوری حفاری و بهره برداری، اطلاعات و داده های مهندسی، مکانیکی و زمین شناسی چاه از طریق کابل (ریسمان) نمودارگیری (Logging Cable) از اعماق زمین و چاه به سطح منتقل و به دست زمین شناس و متخصصان مربوطه می رسد و در واقع این ریسمان، حامل و هدایت کننده اطلاعات است. براساس آیات مورد بحث، سدی که توسط ذوالقرنین طراحی و ساخته شد، یک سد آبی یا یک سد با کاربرد خاص نبوده و می تواند کلی

با تحت فشار قرار گرفتن بقایای اجساد گیاهان و جانوران مرده در زیر زمین و گذشت زمان طولانی و تجزیه شدن آنها، مایع تیره رنگ و چسبناکی که همان نفت است به وجود می آید. مواد نفتی از حفره های در لایه های صخره های نشسته و به سطح می آید. خداوند در سوره الاعلی می فرماید: «وَالَّذِي أُخْرِجَ الْمَرْعَىٰ فَجَعَلَهُ خَيْرًا أُخْوَىٰ» (سُتْقَرُوكَ فَلَاتَنْسَ (۴)). در این آیه «مَرْعَى» که به معنای چراگاه یا مرغزار است، به مواد ارگانیک حاصل از موجودات زنده اشاره می کند و کلمه «أخْوَى» برای توصیف رنگ های تیره به کار می رود و بر همین اساس، این کلمه را می توان توصیفی از تبدیل رنگ بقایای مواد در زیر زمین به رنگ سیاه تفسیر کرد. کلمات فوق توسط واژه «غَبْرَاء» تأیید شده اند، زیرا این کلمه می تواند به معنای گیاهان سیلاب نیز باشد. علاوه بر آن معنای ضمنی «برگشت داده شده» نیز دارد که می تواند به «مواد پس داده شده از سیلاب» ترجمه شود. در این صورت می تواند بیان کننده این واقعیت باشد که زمین، نفت خام را پس می زند. با توجه به نحوه تشکیل نفت خام، شیوه بیرون آمدن آن و مقایسه با این آیات به ارتباط میان آنها پی برده می شود.

همچنین خداوند در آیه ۷ سوره منافقون می فرماید: «وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ». این آیه شریفه به مخازن زمین اشاره می کند و امروزه می دانیم که مهم ترین مخازن زمین، مخازن نفتی هستند، اما تا سالیان طولانی پس از نزول قرآن، این مفاهیم، ناشناخته بودند. قرآن در آیاتی از سوره الکهف به بیان ساختن سد و حائل و جداره می پردازد. دانش و فناوری علمی بیان شده در خصوص مواد مورد استفاده و تئوری ساخت دیواره در این آیات که براساس قواعد مهندسی مکانیک، سازه و علم مواد پایه گذاری شده، ما را به پیش بینی های کیفی از رفتار آن مواد قادر می سازد که علاوه بر هم خوانی با مشاهدات تجربی در بسیاری از موارد و شرایط، به طور کلی در بسیاری از کاربردهای مهندسی نتایج بسیار خوبی را نیز حاصل می کند.

استحکام دیواره چاه ها با آهن مذاب و سیمان

خداوند در سوره الکهف می فرماید: «سپس ذوالقرنین وسیله ها را دنبال کرد. تا به میان دو سد (کوهی) رسید، آنجا قومی را یافت که سخنی فهم نمی کردند. آنان گفتند ای ذوالقرنین یا جوج و ماجوج پشت این کوه فساد و خونریزی و وحشی گری بسیار می کنند. آیا چنانچه ما خرج آن را به عهده گیری، سدی میان ما و آنها می بندی که ما از شر آنان آسوده شویم؟ ذوالقرنین گفت تمکنی که خداوند به من عطا فرموده از هزینه شما بهتر است، اما کمک کنید تا سدی برای شما بسازم که به کلی مانع دستبرد آنها شود و گفت: قطعات و پاره های بزرگ و محکم، آهن بیاورید. آنگاه دستور داد زمین را تا به آب بکنند و از عمق زمین تا مسأوی ۲ کوه از سنگ و آهن روی هم، بچینند و دیواری بسازند و پس آتش افروخته تا آهن گداخته شود. آنگاه برای استحکام مس گداخته بر آهن و سنگ ریختند و از آن پس، آن قوم نه هرگز به شکستن آن سد و نه به بالای آن شدن و رخنه کردن در آن توانایی یافتند. ذوالقرنین گفت که این از رحمت




است. ساده ترین فوران می تواند میلیاردها تومان خسارت وارد کرده و مقادیر عظیمی از ذخایر طبیعی و منابع انرژی کشور را نابود و به محیط زیست خسارات جبران ناپذیری وارد کند. در یک فوران حجم بسیار بالایی از نفت و گاز تولید می شود، به طوری که مهار حجم عظیمی از حرارت و آتش بسیار دشوار و با خطرات جانی همراه است، زیرا مهارگران باید خود را به نزدیک ترین نقاط آتش برسانند. اگر ماجرای عبور حضرت ابراهیم^(ع) از آتش به طور علمی بررسی شود، شاید بتوان به دانش مربوط به آن دست یافت و از آن دانش در مهار چاه های نفت و گاز دچار حریق شده استفاده کرد.

حمل و نقل در قرآن و ارتباط آن با جابه جایی دستگاه حفاری

مسائل علمی بیان شده در قرآن که کشفیات و فناوری علمی بشر نیز بر درستی آنها صحه گذاشته، نشان دهنده آن است که این کتاب مبتنی بر دانش برتر و برای هدایت علمی بشر، حتی در قرن های بعد نوشته شده است. خداوند در سوره النحل می فرماید: «خداوند آسمان ها و زمین را برای غرضی محقق و حکمتی بزرگ آفرید و چهارپایان را خلق کرد. چهارپایان بارهای سنگین شما را که جز به مشقت بسیار نتوانید برد، به آسانی از شهری به شهر دیگر می برند. چیز دیگری هم که شما هنوز از آن آگاه نیستید برای سواری شما خواهد آفرید.» مهندسان صنعت حفاری می دانند که یکی از سنگین ترین و طاقت فرساترین خدمات در صنعت حفاری، جابه جایی و انتقال دستگاه های حفاری به نقاط مختلف دور و نزدیک، چه در خشکی و چه در دریاست که فقط با به کارگیری ماشین آلات سنگین مخصوص و به کارگیری دانش خاص مقدور خواهد بود.»

نتیجه گیری

محققان در این مقاله به بخش هایی از حقانیت و اعجاز و شگفتی های علمی قرآن اشاره کردند و با ذکر قیاس ها و دلایل عملی، بر صحت ادعای خود صحه گذاشتند. این پژوهش معتقد است که حکایت سدسازی ذوالقرنین به صورت کلی بیان شده و به طراحی و نحوه ساخت یک سازه مستحکم و قابل اعتماد در جاهایی که نیاز به سازه هایی با استحکام و نفوذناپذیری بالا داشته باشد، پرداخته و با توجه به ارتباط مستقیم آن با عملیات استحکام دیواره چاه و جداره گذاری به منظور جلوگیری از رخنه و نفوذ سیالات سازندی به درون چاه های نفت و گاز می تواند نقش هدایت گر در پیشبرد و توسعه صنعت نفت و عملیات حفاری و جداره گذاری چاه های نفت و گاز داشته باشد. در ضمن به منظور ادامه تحقیقات مشابه، در این مقاله موضوع های سالم ماندن حضرت ابراهیم^(ع) در گذر از آتش و همچنین تجهیزات جابه جایی مطرح و بررسی شد که نیازمند مطالعه و تحقیق و تفکر بیشتر است. موارد ذکر شده بخش کوچکی از شگفتی های قرآن بوده، چنانچه به فرموده پیامبر اسلام، عجایب و شگفتی های قرآن، پایان ناپذیر است و قرآن، دارای ظاهری خوشایند و باطنی عمیق است؛ عجایبش را نمی توان شمرد و غرایبش هرگز کهنه نمی شوند. 

باشد. یکی از شایع ترین استفاده های کلمه «سد» در زبان عربی، مانعی است که میان دو چیز قرار می گیرد. با توجه به اینکه در این آیات مورد بحث، کلمه کوه استفاده نشده و صراحتاً به حائلی بین ۲ قسمت از زمین (بین السدین) اشاره شده است، بنابراین با تأمل در این موضوع می توان دریافت که این ۲ حائل، دیواره چاه نفت یا گاز نیز می تواند باشد. از آنجا که منظور از سد ایجاد شده دیواری بوده که میان ۲ حائل ایجاد شده است، بنابراین این سد می تواند جداری باشد که در صنعت حفاری میان ۲ بخش مقابل هم، از دیواره چاه احداث می شود. با دقت بیشتر در مفاهیم، آیات نحوه و چگونگی مراحل ساخت حائل که در آیات بیان شده است، همچنین نوع مصالح استفاده شده، نظریه ارائه شده در این تحقیق به واقعیت نزدیک می شود. براساس آیات قرآن، قطعات بزرگ آهن روی هم چیده شدند تا اینکه میان دو حائل را ببوشانند. برای کسی که با صنعت حفاری و نحوه راندن لوله های جداری و نصب آن آشناست، واضح است قطعات بزرگ آهن که همان لوله های جداری هستند، روی هم چیده و به هم متصل می شوند تا حائلی مقابل دیواره چاه ایجاد شود. نکته قابل تأمل دیواری که می تواند بر درستی ادعای محققان صحه گذارد، این است که مطابق آیات یاد شده، استحکام حائل به گونه ای بوده که در مدت زمان کارکرد، دشمنان قادر به شکستن و سوراخ کردن آن نبوده اند. از جمله مشکلات اساسی و خطرناکی که در طول کارکرد دیواره جداری فولادی چاه نفت و گاز ممکن است پیش آید، شکستن یا به اصطلاح فنی، پارت شدن و همچنین سوراخ شدن و شوئیدگی آن است. بنابراین طراحی و استحکام دیواره جداری چاه باید به گونه ای باشد که در مقابل آسیب های یاد شده، مقاوم باشد که در نتیجه مطابق با آیات یاد شده است.

در آیات مذکور به مراحل گداخته شدن آهن و مذاب کردن آن اشاره شده است. با تأمل در این مفاهیم و همانطور که قبلاً بیان شد، لوله های جداری و سازه دکل، از قطعات آهن ساخته شده است که آهن ذوب شده به صورت لوله های جداری و قطعات دکل قالب بندی شده و ترکیب این قطعات و اتصالات آهنین، دیواره چاه و سازه دکل حفاری را به وجود آورده است. در حفاری چاه های نفت و گاز به منظور دستیابی به مخزن، زمین کنده می شود که در آیات فوق به کندن زمین اشاره شده است. سپس با قرار دادن لوله های جداری که خود با ذوب کردن آهن به وجود می آیند و سیمان کردن پشت آن، حائلی مستحکم ایجاد و دیواره چاه محکم و غیر قابل نفوذ می شود.

مخاطرات فوران نفت گاز

در دنیای امروزه، نفت و گاز بزرگ ترین منابع انرژی برای به حرکت در آوردن خودروها، حرکت کشتی ها و هواپیماها، چرخیدن چرخ صنعت، تولید حرارت برای گرم کردن خانه ها، خوراک پتروشیمی، پایه تولید مواد شیمیایی و... محسوب می شوند، اما خطرهایی نیز دارند. به عنوان مثال فوران و آتش گرفتن چاه های نفت و گاز بسیار ناگوار

Waste 2 Value



Water treatment Heemskerk

Witteveen

Bos



Water reuse

www.witteveenbos.com



The 3rd Comprehensive and International Event of Disaster Management
The 9th International Exhibition of Security and Safety Systems Equipment



سومین رویداد جامع مدیریت بحران کشور نهمین نمایشگاه سیستم های ایمنی و حفاظتی ایران



DMEVENT / ISS EXHIBITION

نمایشگاه . همایش . مانور . جشنواره هنری . کارگاه های آموزشی

Exhibition. Practice. Festival. Workshop. Conference

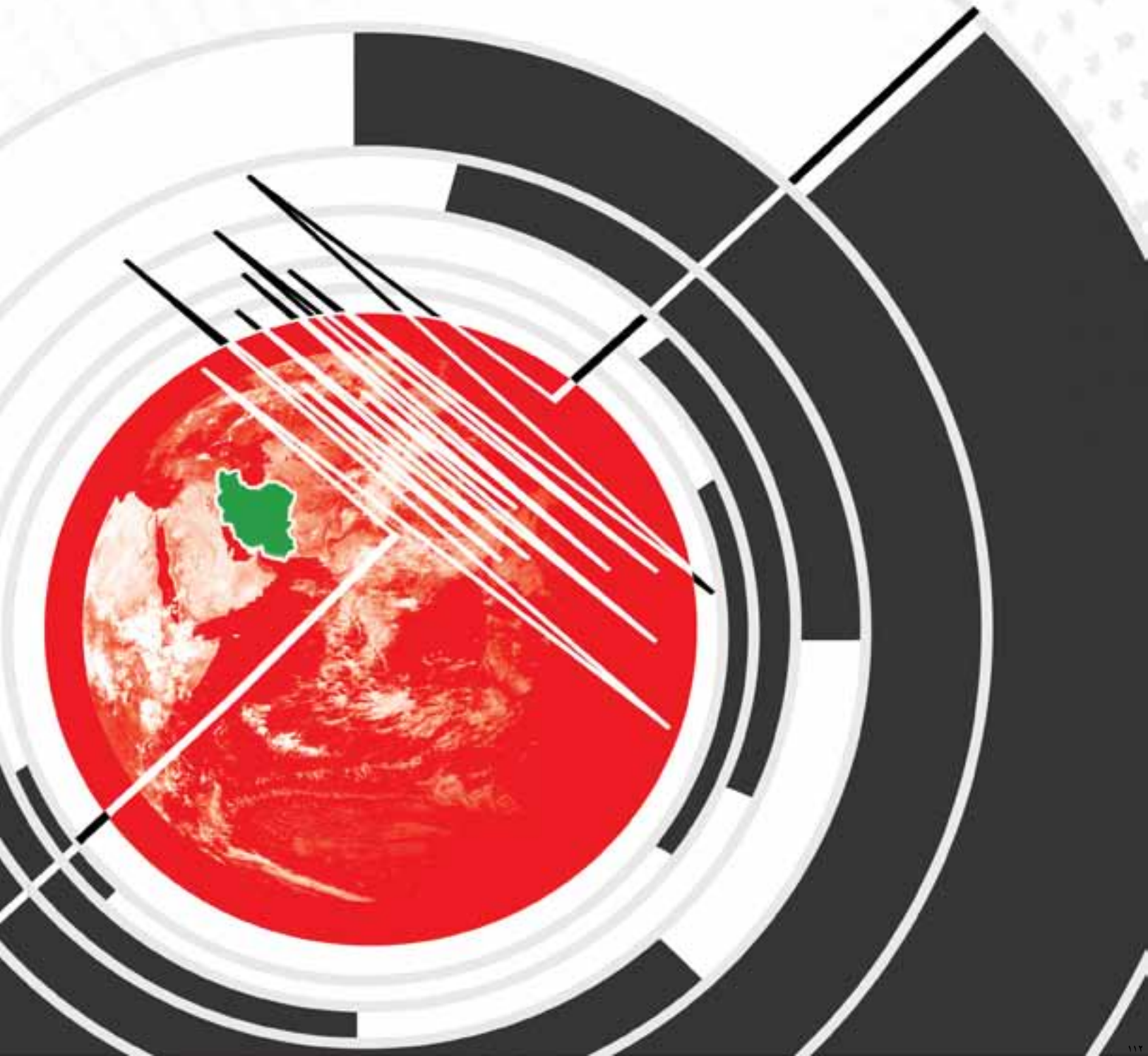
۲۰ تا ۲۳ آذر ماه ۱۳۹۶

مرکز نمایشگاه بین المللی شهر آفتاب

December 11-14, 2017

WWW.DMEVENT.IR ۸۸ ۸۶ ۱۷ ۱۳

WWW.ISSFAIR.COM ۸۶ ۰۳ ۰۲ ۴۰





Botau Engineering & Construction



BOTAU ENGINEERING & CONSTRUCTION
Coenecoop 111
2741 PH Waddinxveen
Tel: +31-182-634047
www.botau.nl
E-mail: info@botau.nl



راهکارها و راهبردهای ساماندهی چالش‌های آب و برق
در گفتگوی «تازه‌های انرژی» با مهندس حبیب‌اله بیطرف

انقلاب آبی، اصلاحات برقی

ساسان رجبی

در کوچه کناری ساختمان سابق وزارت نیرو، ساختمانی معروفی به نام «سازمان سازندگی و آموزش» قرار داشت؛ ساختمانی که در سالیان آغازین پیروزی انقلاب اسلامی جایگاه ویژه‌ای در این وزارتخانه پیدا کرد و نقش شناسایی نیروهای جدید انقلابی را برای مدیریت این وزارتخانه و البته پاکسازی نیروهای گذشته به دنبال داشت. با پیروزی انقلاب اسلامی به سبک بسیاری از دستگاه‌های دولتی، این نیروهای انجمن اسلامی بودند که عنان ریاست نهادها و دستگاه‌های اجرایی ایران را در دست گرفتند. ریاست اعضای انجمن اسلامی در بخش‌های مختلف وزارت نیرو تا سالیان پس از پیروزی انقلاب ادامه پیدا کرد و افراد برخاسته از این نهاد، پست‌های متعددی را در بخش‌های مختلف وزارت نیرو برعهده داشتند. با توجه به اینکه در آن سالیان بخش برق بر وزارت نیرو غلبه داشت و بخش آب از قدرت چندان بر خوردار نبود، این نیروها بیشتر از کارکنان بخش برق و توانیر بودند.

در سالیان ابتدایی انقلاب، اگرچه وزارت نیرو همچون سایر بخش‌های کشور خدمات رسانی به مردم و به خصوص بخش‌های محروم را مدنظر قرار داده بود، اما شروع جنگ تحمیلی این وزارتخانه را همچون دیگر دستگاه‌های اجرایی، درگیر کرد و بر همین اساس، چندان نتوانست در بخش‌های توسعه‌ای فعال باشد. با گذشت ۴ دهه از فعالیت‌های وزارت نیرو در جمهوری اسلامی ایران، اگرچه وزرای نیرو در ۱۱ کابینه پیشین نیز دوره‌های ریاست بلند و کوتاهی در این وزارتخانه داشته‌اند، اما از میان همه این وزرا، کامل‌ترین دوره وزارت تاکنون، متعلق به بیژن نامدار زنگنه و حبیب‌الله بیطرف، وزرای نیرو در دولت‌های مرحوم هاشمی و سیدمحمد خاتمی است. بیطرف در ابتدای نشست بر کرسی وزارت نیرو، نیمی از مدیران خود را از سفارت آمریکا آورد و نیمه دیگر را از سازمان سازندگی و آموزش. اگرچه حمیدرضا جیت‌چیان نیز پیش از آغاز به کار به عنوان وزیر نیرو در دولت یازدهم سوابق اجرایی متعددی در بدنه وزارت نیرو داشت، اما در میان وزرای نیرو شاید بتوان بیطرف را تنها وزیری برشمرد که پیش از وزارت، مدیریت ارشد در وزارت نیرو را نیز تجربه کرده بود و به همین دلیل، با تسلط بر وزارت نیرو توانست برنامه‌های آغاز شده در دوران سازندگی را پیگیری کند و در پایان دوره دوم ریاست جمهوری سیدمحمد خاتمی شاهد بهره‌برداری از بسیاری از حلقه این طرح‌ها باشد. مدیران دوران وزارت بیطرف در دولت اصلاحات البته شامل ۲ حلقه بودند؛ حلقه‌ای که بیطرف با آنان تجربه تسخیر لانه جاسوسی را داشت و حلقه‌ای که در دوران معاونت خود و وزارت زنگنه در نیرو با آنان همراه شده بود. البته چهره‌های داخلی وزارت نیرو برای بیطرف اولویت بیشتری داشتند و دوستان بیطرف در دوران جوانی، مأمور به اجرای پروژه‌های وزارت نیرو شدند.

در دوره اول وزارت بیطرف، ملاکی و منوچهری معاون زنگنه باقی ماندند و زرگر به مدتی کوتاه و اردکانیان تا پایان وزارت بیطرف به جای وکیلی معاون آب وزیر شدند. اما بیطرف در دوره دوم وزارت، محمد احمدیان را جایگزین ملاکی کرد و شفیعی را جایگزین منوچهری. دانشجویان پیرو خط امام، اما مأموریت دیگری یافته بودند؛ موسی رفان، مدیرعامل مینا شد و محمودزاده، معاون شرکت توسعه برق، زحمتکش رئیس شرکت آب و نیروی ایران شد که شرکتی معظم است و احداث سدهای بزرگ کشور از جمله دستاوردهای مهم آن بوده است. نعیمی پور و تابش نیز در دوران بیطرف مدیریت احداث سدهای بزرگ کارون و کرخه را عهده‌دار شدند. حمید امامی نیز ابتدا معاون پارلمانی وزیر بود و سپس، مدیریت شرکت ساتکاپ را عهده‌دار شد.

حبیب‌الله بیطرف متولد ۱۳۳۵ است، تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در شهر یزد و تحصیلات دانشگاهی را در مقطع فوق لیسانس و در رشته راه و ساختمان در دانشکده فنی دانشگاه تهران به پایان برده است. او فعالیت اجرایی خود را از ۱۳۵۸ با مشارکت در راهاندازی جهاد سازندگی و سپس به عنوان عضو رسمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ادامه داد و از ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۶۸ نیز استاندار یزد بود. بیطرف از ابتدای ۱۳۶۹ تا پایان ۱۳۷۳ به مدت ۵ سال در سمت معاون آموزشی وزارت نیرو فعالیت داشت و سپس، مجری طرح‌های عظیم سد و نیروگاه کارون ۳ و ۴ شد. او بعد از اتمام فعالیت‌های وزارتی در پایان دولت اصلاحات، به سازمان نظام مهندسی ساختمان تهران رفت و در آخرین سال دولت یازدهم، هدایت معاونت مهندسی، پژوهش و فناوری وزارت نفت را به دعوت بیژن نامدار زنگنه برعهده گرفت تا بار دیگر، همکاری با رئیس سابق خود را تجربه کند.

اگرچه از بیطرف به عنوان یکی از کاندیداهای اصلی شهرداری تهران نیز نام برده می‌شد، اما او که از معرفی خود به عنوان وزیر نیرو در دولت دوازدهم مطمئن بود، انصراف خود را برای ورود به ساختمان بهشت به صورت رسمی اعلام کرد تا بار دیگر به وزارت نیرو برگردد. هر چند در دوران قبلی وزارت بیطرف در وزارت نیرو، فعالیت‌های گسترده‌ای در حوزه سدسازی و توسعه نیروگاه‌های برقابی انجام شد، اما با حضور عیسی کلاتری در سازمان حفاظت محیط زیست به عنوان یکی از سرسخت‌ترین مخالفان سدسازی، باید منتظر ماند و نظاره‌گر روند تعامل یا تقابل بین آنها بود.



Witteveen + Bos

راهکارهای نوین برای مدیریت و بازچرخانی آب در واحدهای صنعتی

witteveenandbos.com

دفتر ایران (تهران): ۲۶۴۱۳۹۹۷

ماهمانه تخصصی محیط زیست و انرژی‌های تجدیدپذیر

مدیریت سبز
و انرژی‌های تجدیدپذیر

و انرژی‌های تجدیدپذیر

اگرچه ساختار مدیریتی وزارت نیرو در دولت‌های نهم و دهم با تغییرهای متعددی مواجه شد و همانند بسیاری از حوزه‌های کشور، مدیران باتجربه و خوشنام بسیاری از این وزارتخانه کنار گذاشته شدند یا عطای همکاری را به لقایش بخشیدند، اما با آغاز به کار دولت یازدهم، شاهد بازگشت برخی مدیران باتجربه و خوشنام به وزارت نیرو بودیم و امید آن می‌رود که با آغاز فعالیت‌های حبیب‌الله بیطرف در دولت دوازدهم، این روند ادامه یابد؛ چه براساس اعلام او، هر وزیر لازم است براساس توانایی‌های افراد، تیم مدیریتی خود را بچیند که البته در این حوزه، شایسته‌سالاری باید بیش از هر چیز دیگری مدنظر قرار گیرد.

پرهیز از سیاسی کاری و شخصی نگری در انتقال آب

بحران آب را می‌توان یکی از اصلی‌ترین چالش‌های کشور در سالیان پیش‌رو برشمرد، اما وزیر پیشنهادی نیرو در گفتگو با «تازه‌های انرژی» بر این موضوع تأکید دارد که برای انتقال آب باید از راهکارهای کارشناسی و البته با نگاه ملی استفاده و از نگاه سیاسی و شخصی پرهیز کرد: «وزارت نیرو در حوزه آب، برق و فاضلاب رسالت سنگینی برعهده دارد. از آنجا که ایران کشوری خشک و نیمه‌خشک محسوب می‌شود، لازم است آب‌های سطحی را مهار کنیم و این در حالی است که ۴۵ میلیارد مترمکعب در سال پتانسیل آب‌های زیرزمینی و ۷۵ میلیارد مترمکعب در سال پتانسیل آب‌های سطحی داریم.»

با تشدید بحران آب در چند سال گذشته، همواره پیشنهادهایی درخصوص انتقال آب از مناطق مختلف به میان آمده و اتفاقاً نمایندگان مردم استان‌های کم‌آب در مجلس شورای اسلامی، بر این موضوع اصرار دارند که از جمله این طرح‌ها، می‌توان به انتقال آب دریای خزر و برخی دیگر از رودخانه‌های داخلی از طریق کانال اشاره کرد. بیطرف در این خصوص معتقد است: «برای انتقال آب باید به‌دور از نگرش‌های بخشی و شخصی، راهکارهای عملیاتی با پشتوانه کارشناسی و همه‌جانبه اتخاذ کرد، زیرا تأمین آب راهکارهای مختلفی دارد که برخی از آنها استفاده از آب‌های سطحی، زیرزمینی، ژرف، برگشتی و حوزه‌های مجاور است که در این خصوص معمولاً با کمبود بودجه مواجه هستیم و انتظار همراهی و کمک بیش از پیش از مجلس داریم تا با کاربست روش‌هایی عملیاتی همچون نمک‌زدایی و آب‌شیرین‌کن‌ها، پاسخ مناسبی به نیازها بدهیم.»

تعالیل بخشی، راهبردی برای مقابله با بحران آب

بیطرف با اشاره به اینکه حفر بی‌رویه چاه‌های غیرمجاز و برداشت آب از سفره‌های آب زیرزمینی که آن نیز بیش از حد مجاز بوده کشور را دچار بحران آب کرده است، می‌گوید: «اگرچه هم‌اکنون ۵۲ میلیارد مترمکعب در مخازن آب داریم، اما برداشت و مصرف آب در کشور بیش از ظرفیت آب‌های سطحی و زیرزمینی است که این روند به سفره‌های زیرزمینی فشار آورده است و برهمین اساس، به برنامه تعادل بخشی آب‌های زیرزمینی و تدوین راهکارهای مناسب برای کاهش مصرف آب نیاز داریم.»

وزیر پیشنهادی نیرو با اشاره به متعادل نبودن منابع و مصارف آب، ایران را درحالی کشوری کم‌آب می‌داند که میزان مصرف آب در آن به نسبت استانداردهای جهانی، بسیار بیشتر است و متهم اصلی در این خصوص، بخش کشاورزی محسوب می‌شود: «ضروری است آبیاری در حوزه کشاورزی اصلاح شود و هم‌زمان، کشت گلخانه‌ای نیز باید افزایش یابد تا از این طریق مصرف آب کاهش یابد.»

توجه به مسائل اجتماعی و زیست‌محیطی تأمین آب

او با تأکید بر اینکه اقتصاد آب نامتعادل است، مهم‌ترین راهکار برای کاهش بحران آب را تعادل بخشی میان منابع و مصارف آب برمی‌شمرد و بر رویکرد تأثیرگذار مدیریت یکپارچه در بخش‌های تأمین، توزیع و مصرف آب تأکید می‌کند: «در دولت دوازدهم به جنبه‌های زیست‌محیطی و اجتماعی توجه بسیاری خواهیم کرد و تأمین آب سالم روستایی را در اولویت‌های اصلی قرار خواهیم داد. البته استفاده بیشتر و صحیح از پساب‌ها نیز راهکار مناسبی است که از این طریق می‌توان منابع آب مورد نیاز برای برخی مصارف کشاورزی و صنعتی را با هدف کاهش بحران آب، تأمین کرد.»

اصلاحات بنیادین در صنعت برق برای رهایی از بدهی ۳۲ هزار میلیارد تومانی

در چند سال گذشته، نام وزارت نیرو و صنعت برق همواره با بحران قطع برق و آب و البته انبوهی از بدهی‌ها عجین شده است؛ واقعیتی که از نگاه بیطرف نیز باید برای رفع آن عزم ملی ایجاد شود. او با اشاره به اینکه بار مصرفی پیک شبکه در سال جاری به ۵۵ هزار و ۴۰۰ مگاوات رسیده است، به هزینه هر دقیقه خاموشی اشاره می‌کند

که ۱۲ برابر هزینه هر دقیقه روشنایی در همان مقطع زمانی است: «درحالی که بهای تمام‌شده هر کیلووات ساعت برق بین ۱۱۰ تا ۱۲۰ تومان است، اما در حال حاضر قیمت برق در کشور حدود ۷۰ تومان فروخته می‌شود؛ درحالی که صنعت برق ۳۲ هزار میلیارد تومان بدهی دارد و برای رهایی از وضعیت کنونی و اصلاح اقتصاد بیمار صنعت برق، باید تصمیم‌های مهمی صورت گیرد تا از ورشکستگی کامل صنعت برق، جلوگیری شود.»

البته او برای رهایی از وضعیت کنونی، به راهکارهایی اشاره می‌کند که در چند سال گذشته نیز همواره از سوی مسئولان امر بر آنها تأکید می‌شد، راهکارهایی نظیر توسعه بازارهای رقابتی، افزایش معاملات در بورس انرژی، احداث نیروگاه‌های برقی و تجدیدپذیر توسط بخش خصوصی و توسعه ظرفیت‌های نیروگاهی با افزایش بازدهی توربین‌ها. افزون بر این راهکارهای کلی، بیطرف بر ارتقای متوسط راندمان نیروگاه‌های حرارتی به ۴۰ درصد و تک‌رقمی کردن تلفات برق در ۴ سال آینده تأکید می‌کند.

توسعه تجدیدپذیرها و تلاش برای تأمین برق مطمئن

براساس آمارهای اعلام‌شده از سوی وزارت نیرو، هم‌اکنون ۱۰۰ درصد جمعیت شهری و ۹۹ درصد جمعیت روستایی به شبکه برق سراسری کشور متصل هستند. به باور وزیر پیشنهادی نیرو، بدون انرژی پاک برق طبیعتاً زندگی مردم و اقتصاد کشور دچار مشکل می‌شود و برهمین اساس، طی سالیان گذشته در صنعت برق با سابقه‌ای بیش از ۱۱۰ سال، ظرفیت‌های مناسبی در تولید، انتقال و توزیع برق ایجاد شده است: «هم‌اکنون ۳۴ میلیون مشترک برق در کشور وجود دارند سیاست وزارت نیرو در دولت دوازدهم افزون بر رفاه خانوارها، تأمین برق مطمئن در بخش‌های کشاورزی، خدمات و تجاری است و برهمین اساس، تنوع بخشی در بخش تولید را با حمایت از سرمایه‌گذاری برای تنوع نیروگاه‌های گازی، سیکل ترکیبی، آبی، بخار و خصوصاً تجدیدپذیرها ادامه خواهیم داد.»

او با اشاره به اینکه در دولت‌های هفتم و هشتم در زمینه نیروگاه‌های سیکل ترکیبی اقدام‌های ارزشمندی صورت گرفت، ادامه داد: «شرکت مینا با همکاری و کسب فناوری از زیمنس توانست امکان ساخت ۱۰۰ درصدی نیروگاه‌های سیکل ترکیبی را فراهم کند که بدون تردید یکی از دستاوردهای مهم در بخش مهندسی کشور محسوب می‌شود.»



برای انتقال آب باید به‌دور از نگرش‌های بخشی و شخصی، راهکارهای عملیاتی با پشتوانه کارشناسی و همه‌جانبه اتخاذ کرد. در این خصوص معمولاً با کمبود بودجه مواجه هستیم و انتظار همراهی و کمک بیش از پیش از مجلس داریم تا با کاربست روش‌هایی عملیاتی همچون نمک‌زدایی و آب‌شیرین‌کن‌ها، پاسخ مناسبی به نیازها بدهیم.




تولید تجهیزات دارای حساسیت بالا، کشور را در مقابل نوسانات قیمتی، اقتصادی و همچنین معادلات سیاسی در عرصه بین الملل ایمن می‌کند و باعث تقویت شاخص‌های اقتدار ملی می‌شود. بنابراین وزارت نفت در راستای تقویت اقتدار ملی، تولید ملی و به تبع آن ایجاد اشتغال مولد و مفید این سیاست را دنبال کرده است.

می‌گوید: «تولید تجهیزات دارای حساسیت بالا، کشور را در مقابل نوسانات قیمتی، اقتصادی و همچنین معادلات سیاسی در عرصه بین الملل ایمن می‌کند و باعث تقویت شاخص‌های اقتدار ملی می‌شود. بنابراین وزارت نفت در راستای تقویت اقتدار ملی، تولید ملی و به تبع آن ایجاد اشتغال مولد و مفید این سیاست را دنبال کرده است.»

او با اشاره به تلاش‌های بسیار معاونت مهندسی، پژوهش و فناوری وزارت نفت برای حمایت و توانمندسازی شرکت‌های داخلی، می‌گوید: «با استفاده از ظرفیت دانشگاه‌های معتبر ایرانی یک نقشه راه برای انتقال فناوری در حوزه صنعت به خصوص صنایع پیچیده تهیه شده است. این نقشه راه را به طرفین می‌دهیم و آنها در این چارچوب برنامه عملیاتی انتقال فناوری در خصوص یک کالای یا تجهیز خاص را تدوین و بر جزئیات توافق می‌کنند. طرفین با در نظر گرفتن اینکه چه ظرفیت‌های تولید صنعتی وجود دارد و چه چیزهایی باید ایجاد شود، مشخص می‌کنند که چگونه ظرفیت‌ها را ایجاد کنند و چه کسی سرمایه‌گذاری کند؟ این موارد در قالب برنامه اجرایی ایجاد ظرفیت ساخت داخل با فناوری جدید توافق می‌شود و سپس برنامه را به ما ارائه می‌کنند. ما نیز پس از بررسی موارد و کسب اعتماد، قرارداد را امضا می‌کنیم. این قراردادها دارای پیچیدگی‌هایی است و نمی‌توان صرفاً به عنوان یک قرارداد خرید ساده به آنها نگریست.»

او در خصوص سرانجام این قراردادها می‌گوید: «از مجموع ۱۰ گروه خانواده کالایی تاکنون برای ۷ گروه آنها مناقصه برگزار شده و برای ۵ گروه نیز قرارداد امضا شده است. به عبارتی با گذشت بیش از دو سال و نیم اکثر قراردادهای مربوطه امضا شده که ساخت لوله‌های CRA به عنوان یکی از مهم‌ترین آنها نیز در سوم خرداد امسال با ارزش بیش از ۵۵۰ میلیون یورو میان شرکت ملی نفت ایران و مشارکت یک شرکت ایرانی و اسپانیایی در همین راستا به شمار می‌رود.»

بنابر اعلام معاون وزیر نفت، در پروژه‌های ۱۰ قلم سرفصل کالاهای پرمصرف، در مجموع ۵۰ قرارداد با ارزش تقریبی ۱,۴ میلیارد یورو امضا شده و ویژگی تمام قراردادهای این است که شرکت‌کنندگان در مناقصه‌ها علاوه بر ارزیابی فنی و بازرگانی، مورد ارزیابی فناورانه نیز قرار گرفتند و شرط برنده شدن و عقد قرارداد با آنها، قبول انجام فرایند انتقال و توسعه فناوری‌های ساخت براساس نقشه راه پیوست قراردادها بود. 

بودند و حق سؤال داشتند، زمان زیادی از دولت یازدهم گرفت و در مجموع این مسائل باعث از دست دادن فرصت‌ها شد.»

مدل جدید قراردادهای نفتی و شرکت‌های E&P

اگرچه مراحل نهایی تدوین و ابلاغ مدل جدید قراردادهای نفتی (IPC) با موج گسترده‌ای از انتقادهای مخالفان وزارت نفت و دولت مواجه شد، اما به نظر تقدیر در آخرین روزهای دولت یازدهم شاهد امضای قرارداد توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی با توتال در قالب این مدل قراردادها بودیم که افزون بر تأمین منابع مورد نیاز، بر انتقال فناوری و توانمندسازی شرکت‌های ایرانی نیز تأکید شده است.

به باور معاون مهندسی، پژوهش و فناوری وزیر نفت، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های قراردادهای جدید نفتی ایران، فرصت دارن به شرکت‌های اکتشاف و تولید (E&P) به عنوان شریک اصلی طرف قرارداد و دریافت‌کننده دانش، مهارت و فناوری‌های مربوطه در اجرای این نوع از قراردادهاست: «در این راستا و به استناد مصوبه هیئت محترم وزیران در خصوص ساختار، شرایط عمومی و الگوی قراردادهای نفتی ایران، معاونت مهندسی، پژوهش و فناوری وزارت نفت، شناسایی، ارزیابی صلاحیت و ارتقای توانمندی شرکت‌های دارای ظرفیت ورود به حوزه کسب و کار اکتشاف و تولید نفت را در دستور کار قرارداد و برای تحقق اهداف مدنظر، مدل ارزیابی صلاحیت را براساس الگوی ۳ مرحله‌ای غربال‌گری، پیش‌ارزیابی و ارزیابی تدوین کرد. البته از آنجا که شرکت‌های ایرانی هیچ‌کدام سابقه قبلی در کسب و کار جدید اکتشاف و تولید را نداشتند، با هدف توانمندسازی و حمایت از شرکت‌های این معاونت برنامه‌های مختلفی نیز برای توانمندسازی و ارتقای جایگاه آنها در زنجیره ارزش صنعت نفت در دستور کار دارد.»

امضای ۵۰ قرارداد به ارزش ۱,۴ میلیارد دلار برای حمایت از ساخت داخل

از جمله سیاست‌های وزارت نفت در دولت یازدهم، می‌توان به عقد قراردادهای مرتبط با ساخت و تأمین ۱۰ قلام سرفصل کالاهای پرمصرف اشاره کرد که براساس ابلاغ وزیر نفت، در دستور کار سازندگان داخلی قرار گرفت و مسئولیت نظارت بر آن نیز برعهده معاونت مهندسی قرار گرفت. بیطرف با تأکید بر اینکه اجرای قراردادهای خرید انبوه توأم با ساخت داخل و انتقال فناوری به سازندگان ایرانی از نظر استراتژیک برای ایران بسیار اهمیت دارد،

شبیه‌افکنی‌ها باعث تأخیر در عقد قراردادهای جدید نفتی شد

اگرچه نام بیطرف تا اواسط سال گذشته همواره با بخش‌های برق و آب عجین شده بود، اما همچون بیژن نامدار زنگنه که حضور در صنعت نفت را بعد از سال‌ها مدیریت در وزارت نیرو تجربه کرد، او نیز بعد از چندسال دوری از مناصب دولتی، از سال گذشته فعالیت در وزارت نفت آغاز کرد. هرچند بیطرف هم‌اکنون به‌عنوان وزیر پیشنهادی نیرو در دولت دوازدهم مطرح است و مشغول رایزنی برای جلب نظر کمیسیون‌های تخصصی و کسب رأی اعتماد از نمایندگان، اما همچنان مسئولیت معاونت امور مهندسی، پژوهش و فناوری وزارت نفت را نیز برعهده دارد و قرار است برخلاف رئیس پیشین و کنونی خود که قرار است در وزارت نفت همچنان ماندگار باشد، دوباره به وزارت نیرو برگردد.

بیطرف با اشاره به استقبال گسترده شرکت‌های بین‌المللی معتبر که خواهان سرمایه‌گذاری در توسعه میادین نفتی ایران هستند، شرایط را مطلوب می‌داند و به «تازه‌های انرژی» می‌گوید: «نمایندگان و مدیران شرکت‌های خارجی بسیاری به وزارت نفت مراجعه کرده‌اند و همچنان نیز و درحال مذاکره هستند. برخلاف بسیاری از منتقدان، فکر می‌کنم ناسیاسی است اگر بگوییم برجام هیچ تأثیری در شرایط کشور نداشته است، زیرا اگر برجام محقق نمی‌شد، قراردادهایی که تاکنون شاهد اجرایی شدن آن هستیم، هرگز، امضا نمی‌شدند.» بیطرف در پاسخ به این پرسش که با توجه به مسئولیت شما در معاونت امور مهندسی وزارت نفت، آیا آمادگی کامل برای استفاده از شرایط پس‌برجام را داشتید یا مخالفت‌های منتقدان برجام روی عملکرد شما تأثیر گذاشت، می‌گوید: «انتقادهای ایجاد شبهه‌افکنی باعث تأخیر در عقد قراردادها شده است. بسیاری از این قراردادها باید ۲ سال اجرایی می‌شد، اما به دلیل برخی کارشکنی‌ها به مواعی برخورد کردیم. امیدوارم افزون بر قرارداد توتال، شاهد تسریع در روند اجرایی سایر قراردادهای مهم نفتی نیز در دولت دوازدهم باشیم.»

وزیر پیشنهادی نیرو برای دولت دوازدهم و معاون کنونی مهندسی، پژوهش و فناوری وزارت نفت در خصوص تأثیر دوقطبی بودن فضای جامعه بر عقد قراردادهای نفتی، معتقد است: «اجرای نشدن قراردادهای نفتی در دولت یازدهم، بیشتر مرتبط با این بود که متقاعد کردن همه جریان‌های داخلی که البته، برخی مراجع قانونی



فرصت‌ها و چالش‌های وزیر نیروی دولت دوازدهم در گفتگو با مهندس ستار محمودی


متخصصان آماده، زیر ساخت‌های فرسوده

آمادگی کامل نیروها

اگرچه به باور محمودی، شرایط تولید و خدمت‌رسانی کارکنان وزارت نیرو در بالاترین حد ممکن قرار دارد، اما صنایع آب و برق به لحاظ شرایط نگهداری و تعمیرات سیستم‌ها و تجهیزات، با مشکل مواجه است: «امیدواریم با سرمایه‌گذاری بیشتری که صورت می‌گیرد، اقدام‌های مناسب و لازم برای به‌روزرسانی تأسیساتی که به‌طور مداوم زیر بار هستند، انجام شود و منابع مالی نیز به صورت اضطراری و فوری تأمین شود.»

محمودی با اشاره به اینکه عمر مفید تأسیسات ۲۰ تا ۳۰ سال است، بر این موضوع تأکید می‌کند که برخی از تأسیسات مورد استفاده در وزارت نیرو به پایان عمر خود رسیده‌اند و برای نوسازی آنها، نیازمند پشتوانه مالی مناسبی هستیم.»

او با اشاره به شرایط متفاوت آب و هوایی در مناطق مختلف، می‌گوید: «اگرچه در برخی نقاط کشور حتی تا ۴۰ درصد هم شاهد کاهش بارش بودیم که این مسئله بر تأمین آب شرب شهرها، محیط‌زیست و کشاورزی آثار فراوانی بر جای گذاشت، اما با اتخاذ راهکارهای مناسب در سال جاری، تأمین آب در اکثر نقاط کشور بهتر از سال گذشته صورت گرفته است، تا جایی که تعداد شهرهای دارای تنش آبی از ۵۰۰ به ۳۰۰ شهر کاهش پیدا کرده است.»

به اعتقاد محمودی، دلیل کاهش شهرهای دچار تنش آبی، تعمیرات و نگهداری مطلوب تجهیزات و شبکه‌های توزیع و انتقال است که البته بهبود عملکرد سیستم‌های فاضلاب نیز با مشکلات عدیدهای برای تأمین منابع مالی مورد نیاز مواجه است. 

صنایع برق و آب، بسیار زیاد است رفع آنها، نیازمند همکاری‌های تنگاتنگ دولت، مجلس و سایر ارگان‌هاست تا بتوان از آنها عبور کرد.»

شرایط وزارت نیرو در پایان دوره چیت‌چیان

در حالی که وزارت نیرو در ابتدای دولت یازدهم، همچون بسیاری از بخش‌های دیگر با شرایط مناسبی مواجه نبود و با مشکلات عدیدهای دست و پنجه نرم می‌کرد، اما در انتهای فعالیت‌های ۴ ساله این وزارتخانه در دولت یازدهم، همچنان صحبت از چالش‌هایی می‌شود که رفع کامل آنها در چند سال آینده، اگر غیرممکن نباشد، قطعاً نیازمند زمانی طولانی و همراهی تمامی ارکان دولت خواهد بود. در همین راستا محمودی می‌گوید: «عرصه‌های مهم آب و برق با یکدیگر متفاوت هستند. در عرصه برق ظرفیت‌هایی تولید با نیازهای مصرف، برابری می‌کند و نوسانات احتمالی به میزان مصرف در یک منطقه جغرافیایی مربوط می‌شود که در آن حوزه، رشد مصرف بیش از انتظار بوده است. البته هرچند معمولاً برای رشد سالیانه مصرف، انتظار ۵ درصدی در نظر گرفته می‌شود، اما امسال در برخی مناطق شاهد افزایش ۲۰ درصدی مصرف برق بودیم.»

او با اشاره به اینکه شرایط آب و هوایی، رشد صنعت، افزایش نیاز مصرف خانگی و تغییر در وسایل خانگی و سیستم سرمایشی، دلایل اولیه رشد مصرف برق هستند، تصریح می‌کند: «در مجموع میزان تولید و مصرف برق هم‌اکنون با هم برابری می‌کند، اما به لحاظ نگهداری، تعمیرات و حفظ تجهیزات، نیازمند بازنگری در سیستم‌های برق که عمر زیادی دارند، هستیم.»

قائم‌مقام وزیر نیرو معتقد است افزون بر کارکنان وزارت نیرو، متخصصان صنعت آب و برق نیز از معرفی حیب‌الله بیطرف به‌عنوان وزیر نیروی پیشنهادی دولت دوازدهم استقبال مناسبی خواهند کرد: «وزارت نیرو با مدیریت فردی که سال‌ها در صنعت آب و برق در رده‌های کارشناسی و مدیریتی تجربه اندوخته و ۲ دوره کامل نیز سکان هدایت این وزارتخانه را در دست داشته است، قطعاً می‌تواند در مسیر توسعه و تکامل قرار گیرد.»

مهندس ستار محمودی در گفتگو با «تازه‌های انرژی» با اشاره به اینکه مهندس بیطرف از مدیران خوش نام، با سابقه، توانمند، برنامه‌ریز و از همه مهم‌تر، فردی بسیار مقاومی در عرصه امور اجرایی هستند، می‌افزاید: «با ظرفیت‌سازی‌های بسیار ارزشمندی که مهندس چیت‌چیان انجام داد، وزارت نیرو با ظرفیت‌های بسیار مناسبی تحویل مهندس بیطرف می‌شود، هرچند چالش‌های مختلف در بخش‌های مختلف وزارت نیرو و به‌ویژه در حوزه آب، بسیار زیاد است. از این‌رو امیدواریم با تدابیر و سیاست‌های مدیریتی مهندس بیطرف، فرصتی مناسبی فراهم خواهد شد که هم اهالی صنعت آب و برق و هم کارکنان وزارت نیرو استقبال گرمی از ایشان داشته باشند.»

بیطرف و رویکرد سیستمی

به اعتقاد قائم‌مقام وزیر نیرو در دولت یازدهم، برنامه‌محوری، انضباط کاری و رویکرد سیستمی از جمله شاخص‌های عملیاتی بیطرف به‌شمار می‌آید: «اگرچه حضور دوباره بیطرف در وزارت نیرو، افق بسیار مناسبی در روند توسعه و تکامل وزارت نیرو ترسیم خواهد کرد، اما باید قبول داشت که چالش‌های

وزارت نیرو با مدیریتی بیطرف که سال‌ها در صنعت آب و برق در رده‌های کارشناسی و مدیریتی تجربه اندوخته و ۲ دوره کامل نیز سکان هدایت این وزارتخانه را در دست داشته است، قطعاً می‌تواند در مسیر توسعه و تکامل قرار گیرد.



مهندس وفا تابش / مجری پروژه کارون ۳



در حالی که انتخاب مهندس بیطرف برای هدایت وزارت نیرو در دولت دوازدهم را باید یکی از بهترین انتخاب‌های دکتر روحانی برشمرد، اما شاهد آن هستیم که برخی از جریان‌های مخالفان، به بهانه‌های مختلف از جمله مسائل زیست‌محیطی، عملکرد درخشان مربوط به وزارت ایشان در دولت اصلاحات، خصوصاً احداث سد های مهم را به‌طور پیوسته مورد اتهام قرار می‌دهند. این در حالی است که مسائل مطرح شده در این خصوص مربوط به سدهای بزرگی می‌شود که مطالعات امکان‌سنجی آنها مربوط به دوران آقای بیطرف نیست و حتی برخی از این موارد مربوط به قبل از انقلاب و دهه ۴۰ می‌شود. همچنین باید توجه داشت که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به‌دلیل مسائل پیرامون جنگ تحمیلی، فعالیت‌های سدسازی تعطیل شد تا اینکه در زمان آقای هاشمی رفسنجانی و دوره وزارت آقای زنگنه، بخشی از کارها شروع شد و بسیاری از آنها در زمان ریاست جمهوری آقای خاتمی و دولت اصلاحات که مهندس بیطرف مسئولیت وزارت نیرو را برعهده داشت، ادامه پیدا کرد.

تمام پروژه‌های سدسازی‌ها دولت اصلاحات ارزیابی زیست‌محیطی شده‌اند

مقابله با اصلاحات با اهرم محیط زیست

اگرچه حضور مجدد مهندس بیطرف در رأس وزارت نیرو را باید فرصت مغتنمی برای توسعه صنایع برق و آب برشمرد، اما متأسفانه فضایی که در رسانه‌ها به بهانه دغدغه‌های زیست‌محیطی ایجاد شده، عموماً تبلیغاتی و بدون توجه به مسائل کارشناسی و واقعیت‌هاست. آنچه از شرایط کنونی استنباط می‌شود بیشتر شبیه به جوسازی برای مخالفت با سیاست‌های دولت است و در عموم این موارد، نکات مستند و کارشناسی مشاهده نمی‌شود.

باید توجه داشت پروژه‌های سدسازی مرتبط رودخانه‌های مارون، کارون و کرخه، پروژه‌هایی مربوط به یک دوره خاصی نیستند. مطالعات بسیاری از این پروژه‌ها از دهه ۱۳۴۰ و با همکاری بزرگ‌ترین مشاوران امریکایی شمالی و اروپایی صورت گرفته است. در کارون ۳ نیز مشاور طرح، شرکت معتبر کانادایی بود که در مطالعات و اجرا، مشارکت مستمر داشت و اتفاقاً مسائل زیست‌محیطی و تبعات احداث سدها کاملاً در مراحل قبل از اجرایی شدن طرح، بررسی و پیش‌بینی‌های لازم نیز شده بود.

مطالعات مهندسی مربوط به مجموعه سدهای احداث شده در دوران مهندس بیطرف با استفاده از برترین مشاوران بین‌المللی در آن زمان انجام شده بود. کلنگ این پروژه‌ها در دولت

آقای رفسنجانی به زمین زده شد و در دولت آقای خاتمی به بهره‌برداری رسیدند. پروژه‌هایی همچون ساخت سد کارون ۳، سد مسجد سلیمان و سد کرخه، در دوران آقای بیطرف به ثمر رسید و در کنار این موارد، بخش قابل توجهی از پیشرفت سدهای کارون ۲ و گتوند نیز مربوط به دوره آقای خاتمی است.

اگرچه هر کدام از این پروژه‌ها شامل یکسری نقاط قوت و ضعف هستند، اما با قاطعیت اعلام می‌کنم که برای تمام آنها، ارزیابی زیست‌محیطی انجام شده و به تأیید مراجع مربوطه نیز رسیده بود. به‌عنوان مثال در حالی که به‌دروغ عنوان می‌شود که سد کارون ۳ ارزیابی زیست‌محیطی ندارد، شخصاً در آن زمان که مجری طرح کارون ۳ بودم، با انجام مطالعات کامل برای بررسی ارزیابی‌های زیست‌محیطی، تأییدیه سازمان حفاظت محیط‌زیست را اخذ و سپس عملیات آب‌گیری سد را آغازی کردیم.

به این نکته نیز باید توجه داشت که ما پیرامون رودخانه کارون، هم پتانسیل بسیار بالایی برای توسعه انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر وجود دارد و البته استعدادهای بسیاری نیز در حوزه کشاورزی این منطقه مشاهده می‌شود. طبیعی است هرگونه فعالیت توسعه‌ای، جنبه‌های مثبت و منفی متعددی دارد که مسئله مهم در این

میان، مقایسه صحیح این موارد برای اخذ تصمیم درخصوص انجام یا توقف چنین پروژه‌هایی ازسوی مسئولان مربوطه است.

این موضوع یک واقعیت است که در چند سال اخیر و به‌دلیل بی‌توجهی دولت‌های نهم و دهم به مسائل زیست‌محیطی، جبهه‌گیری شدیدی علیه بخش سدسازی ایجاد شده و تمامی فعالیت‌ها در این حوزه را امری نکوهیده می‌دانند. این در حالی است که بدون توجه به واقعیت‌ها و شرایط کنونی کشور، همچنین پتانسیل‌های موجود برای استفاده از آب‌های مهارشده، فضا سازی می‌شود. متأسفانه این باور ناصحیح طوری شکل گرفته است که تمام سدسازی‌ها در گذشته، کار خلافی بوده و مسئولیت تمام آنها نیز با مهندس بیطرف است که باید پاسخ دهند چرا در آن دوره، این پروژه‌ها را به نتیجه رسانده‌اند.

معتمد بسیاری از چنین انتقادهایی که در روزهای اخیر و با معرفی مهندس بیطرف به‌عنوان وزیر نیرو شکل گرفته، بیش و پیش از آنکه پشتوانه کارشناسی داشته باشد، با انگیزه‌های سیاسی و در مقابله با گرایش اصلاح‌طلبانه ایشان در حال انجام است. به‌هرحال باید توجه داشت به‌دلیل همراهی متخصصان و عملکرد بسیار مناسب ایشان در دولت اصلاحات، شاهد ارتقای عملکرد وزارت نیرو در دولت دوازدهم خواهیم بود.



بسیاری از چنین انتقادهایی که در روزهای اخیر و

با معرفی مهندس

بیطرف به‌عنوان وزیر

نیرو شکل گرفته، بیش

و پیش از آنکه پشتوانه

کارشناسی داشته

باشد، با انگیزه‌های

سیاسی و در مقابله با

گرایش اصلاح‌طلبانه

ایشان در حال انجام

است.

Witteveen + Bos
 راهکارهای نوین برای مدیریت و بازچرخانی آب در واحدهای صنعتی
witteveenandbos.com
 دفتر ایران (تهران): ۲۶۴۱۳۹۹۷



خداحافظی دولت دوازدهم با حمیدرضا چیت‌چیان

بازگشت به دوران اصلاحات

پانسیا حسن‌زاده



با مشخص شدن نتایج انتخابات ریاست جمهوری، حسن روحانی در دولت دوازدهم نیز پایدار شد، اما بازار حواشی در مورد تغییر وزیر نیرو، به سرعت داغ شد و گمانه‌زنی‌های متفاوت ادامه یافت؛ گمانه‌زنی‌هایی که حتی پیش از ورود رئیس دولت دوازدهم به فضای تصمیم‌گیری برای چینش کابینه آغاز شده بود. در سال گذشته اتفاق‌های بسیاری در کشور افتاد که در روند ارزیابی عملکرد دولت مردان در وزارت نیرو تأثیرگذار بوده است؛ حوادثی مانند بحران قطعی آب و برق به‌عنوان کالاهای استراتژیک و حیاتی در استان خوزستان. برخی کارهای مثبت مانند بهبود شرایط دریاچه ارومیه و آغاز طرح احیا و تعادل بخشی آب‌های زیرزمینی هم در کارنامه دولت دوازدهم وجود دارد که البته تصمیم‌گیری‌های مربوط به این موارد در محیطی فراتر از وزارت نیرو اتخاذ شده است. در واقع شورای عالی آب در دولت دوازدهم به کمک کشور و رئیس‌جمهور آمد تا ایران تشنه، کمی نفس بکشد و جرعه‌ای آب بنوشد. با تمام اتفاقات رخ داده، وزارت نیرو یکی از وزارتهای به‌شمار می‌رفت که چند احتمال در مورد هدایت آن به‌شدت مورد بحث قرار گرفت. به گفته برخی کارکنان وزارت نیرو، فردی بهتر از حمید چیت‌چیان نمی‌توانست این وزارتهای را راهبری کند و البته گروه دیگری نیز معتقدند وزارت نیرو از نظر مدیریتی، یکی از ضعیف‌ترین وزارتهای دولت دوازدهم بوده است. اگرچه اسامی مختلفی همچون رضا اردکانیان، وفا تابش، هوشنگ فلاحتیان و معصومه ابتکار نیز برای حضور در ساختمان بلندمرتبه‌نمایش پیش از اعلام رسمی وزرای پیشنهادی مطرح می‌شد، اما خداحافظی روحانی با چیت‌چیان و معرفی بیطرف برای هدایت وزارت نیرو در دولت دوازدهم با استقبال کمیسیون‌های تخصصی مجلس از جمله کمیسیون انرژی مواجه شد تا در روزهای آینده و بعد از کسب رأی اعتماد، شاهد تغییرات گسترده در سطوح ارشد و میانی مدیران و البته راهبردهای آب و برق کشور باشیم.

آب، برق و دیگر هیچا

وزارت نیرو باتوجه به نوع خدمات و عرضه محصولات استراتژیک و حیاتی همچون برق و آب، از اهمیت بسیار بالایی در داخل کشور و فراتر از مرزها برخوردار است. آغاز تشکیل وزارت آب و برق که بعدها به وزارت نیرو تغییر نام پیدا کرد، به اولین نظامنامه مؤسسه برق تهران که ۲۵ مهر ۱۳۱۵ به تصویب رسید و هدف آن، برق رسانی به منازل و معابر شهر تهران بود، برمی گردد. در آن زمان، قانون مصوب ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۲۲ اجازه تأسیس بنگاه آبیاری که وظیفه اش توسعه و اصلاح امور آبیاری کشور بود را داد. لایحه قانون تأسیس وزارت آب و برق مصوب ۲۶ اسفندماه ۱۳۴۲ است. وزارت آب و برق از سازمان آب تهران، بنگاه برق تهران، بنگاه مستقل آبیاری، اداره کل لوله کشی آب تهران، آب و برق خوزستان، آب و برق کرج و اداره حفاظت از تأسیسات سد های لار و لتیان و سایر سازمان های دولتی که برای احداث و بهره برداری از سد ها و منابع آب و برق کشور به وجود آمده بودند، تشکیل شد.

قانون تأسیس وزارت نیرو در ۲۸ بهمن ۱۳۵۳ به تصویب رسید که هدف آن، حداکثر استفاده از منابع انرژی و آب کشور و همچنین تهیه و تأمین انرژی و آب برای انواع مصارف عمومی شهروندان بود. مهم ترین وظیفه وزارت نیروی ایران عبارت است از حفاظت، نگهداری، بهره برداری و بهبود کمی و کیفی منابع آب های سطحی و زیرزمینی، رضایت و اقتناع مردم با تأمین، تصفیه و توزیع مناسب آب بهداشتی سالم و دائمی برای انواع مصارف، بالا بردن بهداشت محیط شهرها و روستاها با طراحی و اجرای شبکه های جمع آوری و تصفیه خانه های فاضلاب، تأمین نیازهای انرژی با کیفیت مطلوب و تمام وقت برای انواع مصارف شهروندان و دیدگاه بلندمدت به صیانت از منابع آب و انرژی و انتقال آن به نسل های آینده.

ماهانماه تخصصی
محیط زیست و
انرژی های تجدیدپذیر

مدیریت
انرژی های تجدیدپذیر

همه نیرومردان

از اواسط ۱۳۴۲ و با شکل گیری وزارت آب و برق که بعدها به وزارت نیرو تبدیل شد، منصور روحانی برای ۷ سال و ۷ ماه، ایرج وحیدی ۵ سال و نیم، پرویز حکمت ۶ ماه، تقی توکلی یک سال و یک ماه، جهانگیر مهدمینا ۲ ماه و ایرج مقدم برای ۳ ماه تا زمان پیروزی انقلاب، هدایت این وزارتخانه را برعهده داشتند. بعد از پیروزی انقلاب نیز از بهمن ماه ۱۳۵۷ عباس تاج ۹ ماه، حسن عباسپور یک سال و ۸ ماه، محمود مقدم یک ماه، منصور شهیدی یک ماه، حسن غفوری فرد ۴ سال و یک ماه، محمدتقی بانکی یک سال و ۸ ماه، سیدابوالحسن خاموشی یک سال، بیژن نامدار زنگنه ۹ سال و ۲ ماه، حبیب اله بیطرف ۸ سال و یک ماه، سید پرویز فتاح ۴ سال، مجید نامجو ۴ سال و حمیدرضا چیت چیان نیز ۴ سال مسئولیت وزارت نیرو را برعهده داشته اند.

از مدرسه علوی تا مجلس و وزارت نیرو

در آستانه ۶۰ سالگی قرار دارد و قبل از نشست بر صندلی وزارت نیرو در دولت یازدهم، در جایگاه هایی همچون مشاور عالی و قائم مقام وزیر نیرو در دولت نهم، معاون وزیر نیرو در امور برق و انرژی، عضو هیئت مدیره شرکت توانیر و سازمان برق ایران، معاون برنامه ریزی و امور اقتصادی وزارت نیرو، رئیس شورای مشاوران وزارت نیرو و نماینده تبریز در دوره سوم مجلس نیز ایفای نقش کرده است. حمیدرضا چیت چیان فعالیت خود را با حضور در سپاه آذربایجان شروع کرد و پس از تجربه سطوح مختلف فرماندهی با شرکت در انتخابات مجلس و کسب رأی اول از استان، نماینده تبریز در دوره سوم مجلس شورای اسلامی شد. او دانش آموخته مدرسه علوی تهران است و مدرک کارشناسی خود را در رشته های مهندسی مکانیک با گرایش طراحی جامدات در ۱۳۶۴ و مهندسی صنایع از دانشگاه صنعتی امیرکبیر در ۱۳۷۴ کسب کرده و کارشناسی ارشد مدیریت دولتی را نیز در ۱۳۷۶ گرفت. او در تأسیس و پایه گذاری مؤسسه تحقیقات و آموزش مدیریت وزارت نیرو، مرکز مطالعات انرژی ایران، سازمان انرژی های نو ایران (سانا)، سازمان بهره وری انرژی ایران (سابا)، مرکز اطلاعات انرژی ایران، آزمایشگاه ملی صرفه جویی انرژی ایران و مرکز آموزش بهینه سازی مصرف انرژی بخش صنعت (تبریز) نقش داشته و مجری طرح اولین پروژه CPH کشور (در نیروگاه کیش)، مجری طرح اولین پروژه توربوآکسپندر در کشور (در نیروگاه های رامین و نیکا)، مجری طرح اولین پروژه زمین گرمایی کشور (سلان)، مجری طراحی، ساخت و راه اندازی اولین توربین بادی کشور با ظرفیت ۶۶۰ کیلووات، مدیر پروژه طراحی و ساخت توربین بادی ۲ مگاواتی در پژوهشگاه نیرو، مجری طرح صرفه جویی انرژی و طرح انرژی های نو نیز بوده است. در دوره وزارت چیت چیان همواره یکی از انتقادات نسبت به او، بهره بردن از تیم جدید و نه چندان توانمند در حوزه آب و برق بوده است. اگرچه چیت چیان بیش از ۲۰ سال در وزارت نیرو خدمت کرده، اما با توجه به اینکه این وزارتخانه یکی از حساس ترین و پرچالش ترین وزارتخانه ها است، نتوانست به انتظاراتی مد نظر مخاطبان وزارت نیرو از جمله رئیس جمهور پاسخ رضایت بخشی بدهد و بر همین اساس، جای خود را به حبیب اله بیطرف داد.



روایت مهندس علیرض دائمی از اقتصاد بیمار برق و کارنامه ۴ ساله وزارت نیرو در دولت یازدهم

کاهش بهای نفت و تعرفه‌های تکلیفی اصلی‌ترین عوامل عقب‌ماندگی برق و آب



در حالی که واپسین روزهای کاری دولت یازدهم با هجمه کم‌سابقه منتقدان دولت مواجه شده و عقد قرارداد توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی با توتال، وزیر نفت را ناگزیر از حضور در صحن علنی و پاسخگویی به منتقدان کرده است، اما گویی پایانی بر مصائب حوزه انرژی ایران نمی‌توان یافت. از یک سو، مصرف برق به بالاترین سطح خود رسیده و علاوه بر معاون برق و انرژی وزیر نیرو، معاون اول رئیس‌جمهور نیز ناگزیر از اعلام هشدار به مردم شد و از دیگر سو، هر روز بر ابعاد بحران آب در شهرها و روستاهای کشور افزوده می‌شود و به این چالش‌ها، معضل بدهی‌های صنعت برق را نیز باید افزود.

روایت مهندس علیرضا دائمی، معاون پیشین برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت نیرو که از ابتدای سال جاری در کسوت قائم مقام وزیر نیرو در امور بین‌الملل به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهد، اما به گونه دیگری است. او در گفتگوی تفصیلی خود با «تازه‌های انرژی»، گلوگاه اصلی در روند توسعه و چابکی صنعت وزارت نیرو را تعرفه‌های دستوری و تداوم اقتصاد بیمار صنعت آب و برق برمی‌شمرد: «در یک کلام، می‌توان مشکل اصلی و مهم صنعت آب و برق را وجود تعرفه‌های کاملاً تکلیفی و یارانه‌ای برشمرد که به این صنایع تحمیل شده است. فقط بابت تبدیل، انتقال و توزیع هر کیلووات ساعت برقی که تولید می‌شود، معادل ۱۱۰ تومان هزینه می‌کنیم، در حالی که به‌طور متوسط و در بهترین حالت که موفق به وصول کامل مطالبات شویم، هر کیلووات ساعت برق را به قیمت حدود ۶۵ تومان می‌فروشیم. بنابراین به ازای تولید و فروش هر کیلووات ساعت برق، حدود ۴۵ تومان زیان متقبل می‌شویم.»

اگرچه به‌طور قائم مقام وزیر نیرو، دستاوردهای ارزنده‌ای برای توسعه تجدیدپذیرها و عملکرد زیست محیطی وزارت نیرو حاصل شده است، اما افزون بر انبوه مضللات داخلی و اقتصاد بیمار آب و برق، دائمی از چالش دیگری برای وزارت نیرو رونمایی می‌کند و آن، نه از جنس تحریم است و نه معضلات فناوری و سرمایه‌گذاری: «ناامنی منطقه، تأسیسات و پایگاه‌های برقی ایران را در کشورهای همسایه دچار خسارت‌های بسیاری کرده است.»

ET فعالیت‌های ۴ساله وزارت نیرو در دولت یازدهم در حالی به پایان رسید که با انتخاب مهندس بیطرف برای هدایت وزارت نیرو در دولت دوازدهم، به احتمال بسیار شاهد تغییر راهبردها و رویکردهای صنایع آب و برق در آینده نزدیک خواهیم بود. مهم‌ترین دغدغه‌های وزارت نیرو در دولت یازدهم چه بود و اولویت به کدام بخش داده شد؟

برای بررسی عملکرد وزارت نیرو در دولت یازدهم، من از انرژی‌های تجدیدپذیر شروع می‌کنم. کل میزان ظرفیت نصب‌شده انرژی‌های تجدیدپذیر تا قبل از آغاز به کار دولت یازدهم، بسیار محدود بود و به دلیل دسترسی به انرژی ارزان قیمت فسیلی، توجه کمتری خصوصاً به انرژی خورشیدی شده بود. از سوی دیگر انرژی خورشید، منبع بسیار ارزشمندی است، به‌ویژه باتوجه به ظرفیت‌هایی که در کشور وجود دارد. شاید یکی از مناسب‌ترین مناطق دنیا، مناطق بین سلسله کوه‌های البرز و زاگرس است. این منطقه پتانسیل بسیار بالایی دارد، اما متأسفانه تا ابتدای دولت یازدهم عملکرد خوبی در نصب واحدهای انرژی تجدیدپذیر نداشتیم. یکی از سیاست‌های خوب دولت یازدهم، توسعه جدی ظرفیت تجدیدپذیرها بود.

ET این ظرفیت در گذشته چقدر بود و تا چه میزان افزایش پیدا کرد؟ ظرفیت نصب‌شده نیروگاه‌های تجدیدپذیر کشور در ابتدای ۱۳۹۴، حدود ۱۰۰ مگاوات بود و سال گذشته نیز حدود ۱۰۰ مگاوات دیگر به این میزان اضافه شد. البته در سال جاری این ظرفیت به حدود ۲ برابر خواهد رسید.

ET این ارقام با اهداف اسناد بالادست از جمله تکالیف برنامه پنجم توسعه و برنامه‌های اعلام‌شده از سوی مهندس چیت‌چیان در زمان اخذ رأی اعتماد از مجلس چه نسبتی دارد؟

در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، پیش‌بینی شده بود ظرفیت نیروگاه‌های خورشیدی در سال گذشته به ۱۰۰ مگاوات برسد که الان خوشبختانه از این عدد عبور کرده‌ایم و این وعده تحقق پیدا کرده است.

ET در برنامه ششم توسعه چه تکالیفی برای تجدیدپذیرها در نظر گرفته شده است؟

برنامه‌هایی که برای انرژی‌های تجدیدپذیر در برنامه ششم داریم، خیلی فراتر از قبل است. برای نصب هزار مگاوات ظرفیت جدید نیروگاهی در بخش تجدیدپذیر برنامه داریم و پیش‌بینی می‌شود که حداقل این هزار مگاوات ظرفیت، کلید می‌خورد و وارد مراحل عملیاتی می‌شود.

ET در کنار توسعه تجدیدپذیرها در سبد انرژی کشور که اقدام بسیار ارزشمند و البته دیر هنگامی است، باید به هدررفت انرژی در روند تولید و انتقال اشاره کرد که با وجود تکالیف برنامه‌ای و وعده‌های وزرای نیرو در ادوار اخیر، همچنان فاصله بسیاری با میانگین

جهانی دارد. در این حوزه‌ها وضعیت کنونی چگونه است و چه برنامه‌هایی که قابلیت اجرا داشته باشند، در نظر گرفته شده است؟ اتفاقاً در این حوزه‌ها که بسیار بااهمیت نیز هستند، عملکرد وزارت نیرو در دولت یازدهم بسیار مناسب بوده است. در ابتدای دولت یازدهم، راندمان انتقال برق، یعنی میزان هدررفت واحدهای انتقال و توزیع، حدود ۱۵ درصد بود. براساس یکی دیگر از پروژه‌ها که در قالب اقتصاد مقاومتی قرار می‌گرفت، تلاش شد میزان تلفات را به حدود ۱۰٫۷ درصد برسانیم. علاوه بر ۲ محوری که به آنها پرداخته شد، مسئله مهم دیگر ما بحث توسعه نیروگاه‌های حرارتی بود. در این مورد نیز با هدف استفاده از فناوری‌های جدید گام برداشتیم. قبلاً در نیروگاه‌ها از توربین‌های گازی کلاس E استفاده می‌شد، اما اکنون ساخت توربین‌های کلاس F در کشور شروع شده و ظرفیت بسیار خوبی نیز با هدف برای ارتقای توان توربین‌ها و راندمان نیروگاه‌ها شکل گرفته است. همچنین از دیگر کارهایی که براساس برنامه پیش می‌رود، می‌توان به احداث، تکمیل و تبدیل نیروگاه‌های گازی و بعضاً نیروگاه‌های بسیار قدیمی به سیکل ترکیبی اشاره کرد تا بدین ترتیب از حرارت نیروگاه‌های گازی هم استفاده بهینه‌ای صورت گیرد. پیش‌بینی می‌شود از این طریق و با استفاده از حرارت نیروگاه‌های موجود، بدون اینکه سوختی مصرف شود ۵۵ هزار مگاوات ظرفیت جدید نیروگاهی به‌دست آوریم. البته یکی دیگر از مزایای قابل توجه نیروگاه‌های سیکل ترکیبی، کاهش میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای است و این موارد، بخشی از موفقیت‌های بزرگی است که صنعت برق در دولت یازدهم کسب کرده است. افزون بر این موارد، توسعه صادرات خدمات فنی و مهندسی نیز از جمله حوزه‌هایی به‌شمار می‌رود که باعث شد وزارت نیرو به کسب رتبه نخست در ۴ سال فعالیت دولت یازدهم دست یابد. سهم وزارت نیرو از صادرات خدمات فنی مهندسی کشور در چندسال گذشته به‌طور متوسط بین ۵۵ درصد تا ۹۱ درصد بوده است. هم‌اکنون نیز ده‌ها پروژه بزرگ در کشورهای مختلف انجام شده یا در حال اجرا هستند و امیدواریم بتوانیم این کارها را هم توسعه بدهیم.

ET از همان نخستین روزهای نخست معرفی کابینه دولت یازدهم، موضوع آب از سوی رئیس‌جمهور، معاون اول و وزیر نیرو با جدیت خاصی دنبال می‌شد و حتی شاهد تشکیل جلسات متعدد شورای عالی آب بودیم و البته هشدارهای گاه و بیگاه در خصوص بروز تنش آبی در شهرهای مختلف کشور. اوضاع در بخش آب چگونه است؟

باتوجه به اینکه دوران شتاب‌زده‌ای را در احداث سد‌ها پشت سر گذاشتیم، نیازی به تداوم روند توسعه در حوزه سدسازی وجود ندارد. در این حوزه محدود شده، زیرا در مناطق اصلی کشور که بیشتر ظرفیتی وجود ندارد، بر همین اساس در دولت یازدهم برنامه گسترده‌ای برای سدسازی نداشتیم. البته باید در نظر داشت حدود ۶۵۰ برنامه مستقل آبی شامل سد، سیستم

ماهنامه تخصصی
محیط زیست و
انرژی‌های تجدیدپذیر

مدیرمسئول
وانرژی‌های تجدیدپذیر



باتوجه به اینکه دوران شتاب‌زده‌ای را در احداث سد‌ها پشت سر گذاشتیم، نیازی به تداوم روند توسعه در حوزه سدسازی وجود ندارد. در این حوزه ظرفیت کشور محدود شده، زیرا در مناطق اصلی کشور که بیشتر فلات مرکزی است، ظرفیتی وجود ندارد.

انتقال و تصفیه‌خانه‌های مختلف از دولت دهم باقی مانده بود. همین که بتوانیم طرح‌های اولویت‌دار را به بهره‌برداری برسانیم، هنر بزرگی است و در مجموع، برنامه‌ها را تا شروع طرح‌های جدید حول تکمیل طرح‌ها متمرکز کرده‌ایم.

ET با توجه به اهمیت موضوع آب‌های فرامرزی، آیا شورای امنیت ملی در این خصوص مصوبه‌ای داشته است؟

خیر. بخشی از ظرفیت‌هایی که اشاره کردم، مربوط به قسمت‌هایی است که به گونه‌های مختلف باعث می‌شوند منابع آب از کشور خارج شوند یا به دریاها برسند و در شرایط کنونی، ارزش استحصال دارند. در واقع سدسازی ممکن است با توجه به ظرفیت‌های موجود در مناطقی که آب‌های مشترک داریم و متناسب با پروتکل‌ها و معاهدات جاری، صورت گیرد. همچنین طرح‌های نمک‌زدایی دریا به صورت جدی در سال‌های اخیر پیگیری شد. باید توجه داشت که استفاده از آب دریا، یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌هایی است که می‌توان از آن در نواحی دچار کم‌آبی، مانند جنوب کشور، استفاده کرد. بنابراین با کمک بخش خصوصی، طرح‌های آب‌شیرین‌کن و نمک‌زدایی آب‌ها، به‌ویژه در قسمت جنوبی کشور، پیگیری شد.

ET اما آقای مهندس، طرح‌های فاقد ارزیابی‌های زیست‌محیطی متعددی در دولت گذشته کلنگ زده شد که انتقادات و هزینه‌های هنگفت و جبران‌ناپذیر بسیاری برای کشور در پی داشت. طرح‌هایی که اشاره کردید از دولت گذشته آغاز شده بودند، دارای ارزیابی‌های زیست‌محیطی و مجوزهای لازم بودند یا به صرف اینکه نیمه‌کاره بودند، در دولت یازدهم ادامه یافتند؟

برای اینکه طرح‌های عمرانی در تمامی بخش‌ها، از جمله بخش آب و فاضلاب، به‌درستی مورد ارزیابی قرار بگیرند، در هر استان یک دانشگاه در کنار وزارت نیرو و صنعت قرار گرفت و این هم یکی از اقدامات خوبی بود که در دولت یازدهم انجام شد. در واقع مسائل زیست‌محیطی بعد از هماهنگی‌های لازم با سایر بخش‌های تخصصی و دستگاه‌های نظارتی همچون سازمان حفاظت محیط‌زیست به‌طور کامل رعایت شد.

در تمام برنامه‌های وزارت نیرو، اصول و ضوابط زیست‌محیطی و رعایت آنها از اهمیت بسیاری برخوردار بود. بنابراین مطالعات آثار زیست‌محیطی تمام طرح‌هایی که در دولت یازدهم شروع شدند، با تعامل با سازمان حفاظت محیط‌زیست انجام شده است. حتی طرح‌هایی که شروع مجدد داشتند نیز بازبینی شدند. خوشبختانه گزارش عملکرد زیست‌محیطی وزارت نیرو که اخیراً در دولت منتشر شد، نشان می‌دهد توانسته‌ایم خودمان را با سیاست‌های زیست‌محیطی کلان کشور و دولت یازدهم، منطبق کنیم.

ET از جمله مباحثی که با توجه به کاهش منابع آب از سوی متخصصان بر آن تأکید می‌شود، استحصال آب از فاضلاب‌های شهری و صنعتی است که البته با توجه به مدل‌های قرارداد پیشنهادی وزارت نیرو نیازمند جذب سرمایه‌گذاری‌های کلان داخلی و خارجی است. وضعیت این پروژه‌ها هم‌اکنون چگونه است؟

از همان نخستین روزهای آغاز به کار دولت یازدهم، اقدام‌های ارزشمندی در حوزه تصفیه آب و فاضلاب آغاز شد، به گونه‌ای که تلاش شد احداث تصفیه‌خانه‌های جدید را با مشارکت سرمایه‌گذاران داخلی انجام دهیم. بنابراین قراردادهای به صورت BOO و BOT طراحی و اجرایی شدند. در این راستا حدود ۲۸ طرح فقط در سال گذشته با الگوی BOT برای اجرا معرفی شدند که خوشبختانه هم‌اکنون در حال اجرا هستند.

ET با توجه به کاهش درآمدهای ارزی و کمبود منابع برای طرح‌های عمرانی در چند سال اخیر، تأمین منابع مالی این طرح‌ها چگونه انجام شد؟

باتوجه به محدودیت‌های مالی دولت، تلاش کردیم از سایر روش‌ها برای تأمین اعتبار پروژه‌ها همچون مدل قراردادهای BOT و خرید تضمینی محصولات استفاده کنیم. این رویکرد باعث شد وابستگی به اعتبارات عمومی دولت کاهش پیدا کند. از سوی دیگر با توجه به اینکه طرح‌ها توسط بخش خصوصی اجرا می‌شوند، به لحاظ اقتصادی کار به‌صورت مفیدتر پیش می‌رود. همچنین با رویکرد خرید تضمینی، می‌توانیم قیمت واقعی آب را به جامعه معرفی کنیم.

ET اما ظاهراً در حوزه برقایی تحرک چندانی نداشتید.

باید در نظر داشت ظرفیت‌های موجود در این حوزه، در حال محدود شدن است و استفاده از ساختارهایی که آثار زیست‌محیطی کمتری دارند، در اولویت قرار گرفته است. با وجود این، اما در دولت یازدهم چند طرح بزرگ برقایی نیز اجرا شد، مانند پروژه رودبار لرستان که طرح بسیار بزرگی بود و به بهره‌برداری نیز رسید. بخش‌هایی از طرح نیروگاه تلمبه‌ذخیره‌ای سیاه‌پیشه در دولت یازدهم تکمیل شد و اکنون نیز در حال بهره‌برداری است و بدین ترتیب، سهم و حجم نیروگاه‌های برقایی در تولید برق بسیار افزایش پیدا کرده است. این موضوع، از اهمیت بسیاری برخوردار است تا از حداکثر ظرفیت برقایی کشور استفاده شود.

ET این دستاوردهایی که اشاره کردید، چه نسبتی با تکالیف وزارت نیرو در برنامه پنجم توسعه داشت و عملکرد وزارت نیرو را در این خصوص چگونه ارزیابی می‌کنید؟

قاطعانه اعلام می‌کنم که در تمام مؤلفه‌های برنامه پنجم توسعه که مرتبط با وزارت نیرو می‌شد، پیشرفت‌هایی داشتیم. در خلال سال‌های برنامه پنجم توسعه، با ۲ اتفاق مواجه بودیم که خیلی به نفع ما نبود. یکی از این اتفاق‌ها تغییر دولت بود که این موضوع خودبه‌خود باعث تغییر بسیاری از برنامه‌ها و سیاست‌ها می‌شود تا جایی که در زمینه‌های مختلف توسعه‌ای، ناگزیر از بازنگری اهداف و برنامه‌ها بودیم. از سوی دیگر، حداقل در ۳ یا ۴ سال انتهایی برنامه پنجم توسعه، کشور با کاهش قیمت نفت مواجه بود و این مسئله باعث شد تخصیص اعتباراتی که باید برای برنامه‌های توسعه در اختیار صنایع قرار می‌گرفت، کاهش جدی پیدا کند.

ET اما شاهد برداشته‌های متعدد به نفع بخش‌های آب و برق از صندوق توسعه ملی بودیم و اعلام می‌شد که خصوصاً به پروژه‌های روستایی آب، توجه ویژه‌ای شده است.

اگرچه در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵، میزان اعتبارات وزارت نیرو کاهش پیدا کرد، اما کاهش نرخ تورم و تثبیت نرخ ارز، کمک بسیاری کرد. هرچند نرخ تورم و قیمت نفت تقریباً ثابت بود، اما تخصیص منابع به شدت کاهش پیدا کرد و باعث شد عملاً با کمبود اعتبارات مواجه شویم که منجر به تعطیلی برخی کارها شد. به‌طور کلی در برنامه پنجم توسعه، به دلیل ناکافی بودن اعتبارات و بعضاً بازنگری سیاست‌ها که در ابتدای دولت یازدهم صورت گرفته بود، عملاً انطباق عملکرد و برنامه‌های وزارت نیرو به‌درستی صورت نگرفت.

ET این مشکلات در چه بخش‌هایی بیشتر مشهود بود؟

در برخی حوزه‌ها توانستیم ۶۰ تا ۷۰ درصد کارها را پوشش دهیم، اما خوشبختانه در سال گذشته و در مقایسه با شاخص‌های اقتصاد مقاومتی، بیش از ۸۸ درصد به اهدافمان نزدیک شدیم. به نظر من اینجا توانستیم موفق باشیم. با وجود این، در مقابل اهداف برنامه پنجم توسعه همان‌طور که گفته شد، به دلیل کمبود اعتبارات،



در برنامه پنجم توسعه، به دلیل ناکافی بودن اعتبارات و بعضاً بازنگری سیاست‌ها که در ابتدای دولت یازدهم صورت گرفته بود، عملاً انطباق عملکرد و برنامه‌های وزارت نیرو به‌درستی صورت نگرفت.

هرچند نرخ تورم و قیمت نفت تقریباً ثابت بود، اما تخصیص منابع به شدت کاهش پیدا کرد و باعث شد عملاً با کمبود اعتبارات مواجه شویم که منجر به تعطیلی برخی کارها شد.

نمی‌توان گفت که ۱۰۰ درصد موفق بوده‌ایم. البته به این نکته هم باید توجه کرد که اساساً برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت در هیچ جای دنیا ۱۰۰ درصد محقق نمی‌شوند.

ET اگر اجازه بفرمایید، مقایسه‌ای بین صحبت‌های مهندس جیت چیان در روز اخذ رأی و برنامه‌های ایشان با عملکرد دوران وزارت ایشان در دولت یازدهم داشته باشیم. از جمله این موارد به تأکید بر رویکرد بنگاه‌داری و اصلاح اقتصاد برق و آب می‌توان اشاره کرد. با توجه به وجود معضلات عدیده و ناپره‌ور بودن فرایند تولید و انتقال برق و آب، همواره بر افزایش بهای این محصولات از سوی وزیر و مسئولان ارشد وزارت نیرو، بدون ارائه برنامه‌های عملیاتی برای اصلاح بخش تولید، تأکید می‌شود. آیا این رویه یک‌سویه را صحیح می‌دانید؟

در یک کلام، می‌توان مشکل اصلی و مهم صنعت آب و برق را وجود تعرفه‌های کاملاً تکلیفی و یارانه‌ای برشمرد که به این صنایع تحمیل شده است. فقط بابت تبدیل، انتقال و توزیع هر کیلووات ساعت برقی که تولید می‌شود، معادل ۱۱۰ تومان هزینه می‌کنیم، در حالی که به‌طور متوسط و در بهترین حالت که موفق به وصول کامل مطالبات شویم، هر کیلووات ساعت برق را به قیمت حدود ۶۵ تومان می‌فروشیم. بنابراین به ازای تولید و فروش هر کیلووات ساعت برق، حدود ۴۵ تومان زیان متقبل می‌شویم.

ET فکر نمی‌کنید که بخشی از این تفاوت قیمت، به بهره‌وری پایین فرایند تولید و انتقال و در مجموع، طرف تولید برمی‌گردد و الزاماً نباید قیمت‌ها را در طرف عرضه بالا برد؟

باید به این نکته توجه کرد که نظر وزارت نیرو هرگز این نیست که منابع اعتباری باید از طریق مردم تأمین شود، زیرا هرگاه صحبت از اصلاح اقتصاد برق می‌شود، بسیاری گمان می‌کنند که این مسئله به معنای افزایش و گرانی قیمت برق است یا برق قرار است با نرخ آزاد به فروش برسد.

ET اگر این‌طور نیست، چه باید کرد؟

معتقدیم نظام اقتصادی صحیح و مدتظر، باید نظام مرسوم بنگاه‌داری و شرکتی باشد که در آن، واحدهای عملیاتی خودگردان باشند. در حالی که حدود ۷۰ هزار نفر در واحدهای مختلف وزارت نیرو در سراسر کشور مشغول به فعالیت هستند، باید بپذیریم که نظام اقتصادی حاکم بر شرکت‌های صنعت آب و برق باید منطبق بر رویکرد بنگاه‌داری باشد و ذیل قانون تجارت به فعالیت‌های خود ادامه دهند. در این صورت سود و زیان ناشی از فعالیت‌های هر یک از مجموعه‌ها حساس‌تری خواهد شد.

ET اما همان‌طور که اشاره شد، اگر یک‌سویه به موضوع نگر بسته

نشود و کاستی‌های سمت تولید هم در نظر گرفته شوند، فعالیت شرکت‌ها به‌طور معمول، زیان‌ده خواهد شد که براساس اصول بنگاه‌داری، توجیه‌ناپذیر است و منجر به تعطیلی بنگاه خواهد شد! به. متأسفانه اتفاقی که می‌افتد، این است که تقریباً تمام شرکت‌های ما زیان‌ده اعلام می‌شوند. دلیل اصلی هم این است که هزینه تمام‌شده تولید و انتقال آب و برق را با قیمت فروش و تعرفه تکلیفی نمی‌توانیم دریافت کنیم.

ET با شرایط کنونی و نقدهای بسیاری که در خصوص نحوه محاسبه قیمت‌های تمام‌شده و بهره‌وری پایین در فرایند تولید و انتقال وجود دارد، آیا قیمت‌های تمام‌شده آب و برق، مشخص شده است؟ قیمت تمام‌شده هر مترمکعب آب که در شبکه‌ها توزیع می‌شود، حدود یک‌هزار و ۵۰۰ تومان است، اما از مردم حدود ۴۵۰ تومان دریافت می‌کنیم. بنابراین در این قسمت هم به ازای هر مترمکعب آبی که در شبکه توزیع می‌شود، عملاً یک‌هزار و ۵۰۰ تومان زیان تجمعی متحمل می‌شویم. در واقع مجبور هستیم که یک‌سوم قیمت تمام‌شده را از مشتری دریافت کنیم.

ET به‌ر حال برای برون‌رفت از وضعیت کنونی، باید چاره‌ای اندیشید. آیا وضعیت کنونی همچنان ادامه خواهد یافت؟

در این شرایط، متأسفانه چه در صنعت آب و چه در صنعت برق، وزارت نیرو بدهی انباشته شده دارد و این بدهی از سال‌های قبل نیز همچنان باقی مانده است.

ET هنگام آغاز به کار دولت یازدهم، این بدهی‌ها چقدر بود؟ در ابتدای دولت یازدهم، فقط در صنعت برق حدود ۲۵ هزار میلیارد تومان بدهی داشتیم که موفق نشدیم به‌صورت کامل این بدهی را پرداخت کنیم. از آنجا که این بدهی‌ها بعضاً مربوط به بانک‌ها می‌شود، جرایم خاصی هم به آن تعلق می‌گیرد و در مجموع، هنوز بخشی از این مبالغ باقی مانده است.

ET در وضعیت کنونی، چقدر از این بدهی‌ها باقی مانده است؟ تعهدات سررسید شده صنعت برق در پایان سال گذشته، حدود ۱۷ هزار میلیارد تومان بود. البته بخشی از این رقم، مربوط به اصل پول و بخشی نیز مربوط به سود و جرایم دیرکرد پرداخت‌ها می‌شود.

ET با چه نسبت و در صدی؟ بستگی دارد. مثلاً اگر شرکت‌های ما نتوانند هزینه اوراق مشارکت را پرداخت کنند، این نسبت با جرایم متعلقه، حدود ۳۰ درصد خواهد بود.

آب، برق و برجام

ET اگر اجازه بفرمایید، مباحث را به‌دور از تعارفات معمول ادامه بدهیم. در نظام بنگاه‌داری، رقابت‌پذیری و بهره‌وری یکی از اصول بدهی به‌شمار می‌رود که با توجه به انحصار حاکم در تولید و عرضه انرژی در کشور، شرکت‌های دولتی ما با این مفاهیم بیگانه هستند و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها نیز مزید بر علت شده بود. گشایش‌های بعد از توافق برجام و رفع محدودیت‌های همکاری با شرکت‌های بین‌المللی برای جذب سرمایه‌گذاری و دانش فنی، چه آثاری در رفع تنگناها و ارتقای سطح عملکرد بخش‌های مختلف وزارت نیرو داشت؟

برای پاسخ به این پرسش، باید به اصلی‌ترین دلیل وجودی جایگاه «قائم مقام وزیر نیرو در امور بین‌الملل» اشاره کنم که مسئولیت آن، برعهده بنده قرار گرفته است. در چند سال اخیر و با تشدید تحریم‌ها، صنایع داخلی ما به شدت در حال آسیب دیدن بود. از سوی دیگر برای تقویت و توسعه صنایع آب و برق، هم در حوزه‌های داخلی و هم برای توسعه صادرات، ناگزیر از توجه ویژه به ارتقای جایگاه و نقش بخش خصوصی در این زمینه‌ها بودیم. همه ما معتقدیم موتور پیشران صنعت آب و برق باید بخش خصوصی باشد و بخش خصوصی نیز خوشبختانه به‌اندازه‌ای توانمند شده است که بتواند این وظیفه را عملیاتی سازد.

ET سهم بخش خصوصی در صنایع آب و برق، هم‌اکنون چقدر است؟ بخش خصوصی ایران در صنعت آب و برق در حال تولید حدود ۹۵ درصد از مایحتاج کشور است. ایران در ساخت توربوموتور، توربین‌های گازی، تجهیزات مختلفی که در صنعت برق استفاده می‌شود، ساخت نیروگاه‌ها، سد، تصفیه‌خانه، شبکه فاضلاب و تجهیزات مورد نیاز خوب، حرف‌های بسیاری برای گفتن دارد و معتقدیم



در یک کلام، می‌توان مشکل اصلی و مهم صنعت آب و برق را وجود تعرفه‌های کاملاً تکلیفی و یارانه‌ای برشمرد که به این صنایع تحمیل شده است. فقط بابت تبدیل، انتقال و توزیع هر کیلووات ساعت برقی که تولید می‌شود، معادل ۱۱۰ تومان هزینه می‌کنیم، در حالی که به‌طور متوسط و در بهترین حالت که موفق به وصول کامل مطالبات شویم، هر کیلووات ساعت برق را به قیمت حدود ۶۵ تومان می‌فروشیم.



بخش خصوصی امروز تولید ۵۵ درصد از کل برق کشور را برعهده دارد و قرار است تا پایان برنامه ششم توسعه، تولید ۸۰ درصد برق کشور را برعهده بگیرد. بخش خصوصی تقریباً در حال اداره تمام صنایع برق است، حتی واحدهایی که در دولت باقی مانده بود را نیز در قالب سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی، خصوصی سازی کرده‌ایم. در مجموع می‌توان گفت که صنعت برق هم‌اکنون توسط بخش خصوصی یا حداقل غیردولتی اداره می‌شود.

توانایی‌های موجود در بسیاری از موارد، حتی بیش از نیاز داخلی است. بنابراین لازم بود صنعتی که براساس زحمات و سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی ایجاد شده، توسط یک واحد دولتی، به‌طور جدی پشتیبانی شود. خوشبختانه از ابتدای سال جاری این اتفاق افتاد و توانستیم نشان بدهیم ظرفیت لازم در وزارت نیرو ایجاد شده تا حمایت بیشتری از بخش خصوصی داشته باشیم. بخش خصوصی امروز تولید ۵۵ درصد از کل برق کشور را برعهده دارد و قرار است تا پایان برنامه ششم توسعه، تولید ۸۰ درصد برق کشور را برعهده بگیرد. بخش خصوصی تقریباً در حال اداره تمام صنایع برق است. حتی واحدهایی که در دولت باقی مانده بود را نیز در قالب سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی، خصوصی سازی کرده‌ایم. در مجموع می‌توان گفت که صنعت برق هم‌اکنون توسط بخش خصوصی یا حداقل غیردولتی اداره می‌شود. بنابراین وزارت نیرو به‌عنوان یک واحد مهم کشور که مسئولیت حوزه برق، آب و فاضلاب را برعهده دارد، باید توجه بیشتری به بخش خصوصی داشته باشد. از سوی دیگر، بعد از توافق برجام، راه‌برای ورود شرکت‌های بزرگ خارجی به ایران دوباره باز شد. همچنین این امکان فراهم شد که شرکت‌های بیشتری با شرکت‌های بین‌المللی داشته باشیم. از زمانی که برجام به تصویب رسید تا امروز، بسیاری از شرکت‌های بزرگ بین‌المللی و دولت‌مردان بلندپایه از کشورهای مختلف به وزارت نیرو مراجعه کرده‌اند و درخواست مشارکت با وزارت نیرو و شرکت‌های فعال در صنایع آب و برق، هم در ایران و هم خارج از کشور داشته‌اند.

ET نتایج عینی و ملموسی نیز حاصل شد یا چنین مراجعاتی در حد مذاکرات باقی ماند؟

در همان ماه‌های اولیه توافق، صنعت آب و برق با هجوم عظیمی از ورود شرکت‌های خارجی روبه‌رو شد و هرچه زمان پیش می‌رفت، احساس کردیم باید از کان متمرکز داشته باشیم تا بتوانیم کارها را بهتر اداره کنیم. بنابراین برای انسجام بخشی به موضوع مشارکت‌های دو و چند جانبه و استفاده حداکثری از جذب سرمایه‌گذاری خارجی، توسعه ساختار بخش بین‌الملل را در وزارت نیرو در نظر گرفتیم تا بتوانیم پاسخگوی این همه مراجعات باشیم. در واقع برجام، شرایطی فراهم کرد که تمایل برای سرمایه‌گذاری خارجی در کشور ما بیشتر شود.

ET تمرکز مراجعات و پیشنهادهای بیشتر متوجه کدام بخش‌ها بود؟ همان‌طور که اشاره کردم، سطح مراجعات بسیار بالا بود، اما در مواردی همچون انرژی‌های تجدیدپذیر، ساخت نیروگاه‌های خورشیدی و حرارتی مراجعات بسیاری داشتیم. به همین دلیل و با هدف استفاده حداکثری از ظرفیت سرمایه‌گذاران خارجی، فعالیت‌های بسیاری در خصوص تدوین فرایندها و ساماندهی شیوه‌های جذب سرمایه‌گذاران در دستور کار قرار گرفت.

ET نگاه به بیرون و توسعه صادرات هم مدنظر قرار گرفت یا هدف گذاری بیشتر معطوف به جذب و هدایت سرمایه‌گذاران به داخل کشور بود؟

همان‌طور که اشاره کردم، صنعت آب و برق در حوزه صادرات در دولت یازدهم، بهترین وضعیت را داشت و بر همین اساس، وضعیت شرکت‌های صادرکننده کالا و خدمات مهندسی با حساسیت بالایی از سوی وزارت نیرو پایش می‌شد و مورد توجه قرار گرفت. به نظر می‌رسد اگرچه برجام شرایط فعالیت‌های محیطی را مساعد کرده، اما ناامنی منطقه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم و به‌ویژه شرایط عراق، سوریه و افغانستان که کشورهای هدف برای فعالیت‌های مربوط به صادرات کالا و خدمات فنی بودند در کنار نوسانات قیمت نفت که متأثر از شرایط سیاسی خاورمیانه صورت می‌گیرد، بسیار مؤثر هستند.

ET چه نسبتی میان بهای نفت و خدمات مهندسی وزارت نیرو وجود دارد؟ کاهش قیمت نفت باعث می‌شود درآمد همه کشورهای همسایه کاهش پیدا کند و حتی در کشورهایی که صاحب نفت نبودند مانند افغانستان و تاجیکستان نیز با کاهش درآمدهای ملی مواجه شدیم. محل تأمین منابع مالی آنها برای خرید خدمات مهندسی و تجهیزات مورد نیاز، از کشورهای نفت‌خیز بود و به همین دلیل، درآمدشان کاهش پیدا کرد. به‌عنوان مثال ۴ میلیون نفر از تاجیکستان که جمعیت زیادی هم ندارد، خارج از این کشور مشغول فعالیت هستند که باعث افزایش سرانه درآمد کشورشان می‌شد و با کاهش بهای نفت، این درآمد به شدت کاهش پیدا کرد. بنابراین پشتیبانی وزارت نیرو از شرکت‌های داخلی برای توسعه صادرات و

خدمات فنی و مهندسی بسیار حائز اهمیت بود.

ET نتایج عملیاتی و درخور توجهی هم حاصل شد؟

در بررسی‌های اولیه متوجه شدیم که بسیاری از تولیدکنندگان فعال در صنعت برق، به‌ویژه تولیدکنندگان کنتور و ترانس، با ۵۰ درصد ظرفیت اسمی کار می‌کنند. علاوه بر بررسی اسناد تولیدکنندگان، بازدیدهایی نیز از کارخانه‌ها داشتیم و متوجه شدیم ظرفیت‌های عظیمی ایجاد شده است. در همین راستا نشست‌هایی با این نگاه‌ها برگزار کردیم و حتی آنها را به توسعه صادرات تشویق کردیم. همچنین رایزنی‌هایی نیز برای دریافت تسهیلات از وزارت امور خارجه، سازمان سرمایه‌گذاری خارجی، وزارت اقتصاد، صندوق توسعه ملی و سایر مجموعه‌های مورد نیاز مانند بانک‌ها و مؤسسات مالی و بیمه‌ای نیز صورت گرفت که حمایت‌های خیلی خوبی جلب شد.

ET در کنار این هماهنگی‌ها و ظرفیت‌سازی‌ها، نتایج ملموسی نیز در حوزه جذب سرمایه‌گذاری خارجی به دست آمد؟

هم در بخش صادرات و هم در بحث سرمایه‌گذاری، شاهد جهش بوده‌ایم. به‌عنوان نمونه شرکت‌های خارجی در بحث ساخت نیروگاه‌ها، احداث نیروگاه‌های خورشیدی و غیره ورود پیدا کردند. اکنون شرکت‌های زیادی در زمینه‌های مذکور مشغول به کار هستند و می‌توانیم بگوییم در این حوزه یک جهش بزرگ داشتیم.

ET در حوزه نقل و انتقال ارز و ورود واقعی سرمایه‌های خارجی به کشور چطور؟

به نظر من، اگرچه دستاوردهای ارزنده‌ای حاصل شده، اما به نتایج مطلوب نرسیده‌ایم، زیرا هنوز مشکلات بانکی حل نشده است. در حوزه ضمانت‌های بانکی، یعنی کارهایی که برای تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی لازم است و سطح مبادلاتی که باید با بانک‌های خارجی داشته باشیم، هنوز به‌خوبی و خیلی قوی پیش نرفته‌ایم و طبعاً آن اطمینان و تضامین مورد قبول سرمایه‌گذاران خارجی، ایجاد نشده است. البته به‌طور نسبی از اتفاق‌های رخ داده راضی هستیم. به‌عنوان مثال یکی از مهم‌ترین مشارکت‌هایی که در بخش خارجی داشتیم، امضای موافقت‌نامه بین گروه مینا و شرکت زمینس بود که ارزش آن بالغ بر ۸ میلیارد دلار پروژه مشترک است. در مجموع و با نگاهی به گذشته می‌توان گفت این شرایط با وجود دشواری‌های زیاد، چشم‌انداز بدی را نشان نمی‌دهد، اما با نگاه به آنچه مربوط به آینده است قطعاً تلاش‌های بیشتری مورد نیاز است.

ET اما قبول دارید که فاصله میان تفاهم‌نامه و جاری شدن قرارداد، راهی طولانی است. در این مدت چه میزان از تفاهم‌نامه‌ها عملیاتی شده‌اند؟

تمام مواردی که درباره آنها صحبت شد، مربوط به قراردادهایی است که اجرایی شده‌اند. در این مدت تفاهم‌نامه‌های متعددی با کشورهای عضو اتحادیه اروپا و شرکت‌هایی از ایتالیا، فرانسه، انگلستان، اتریش، هلند، روسیه و چین به امضا رسیده و پیگیر اجرایی شدن آنها هستیم.

ET بسیاری از بخش‌های صنعتی و خصوصاً حوزه انرژی، تجربه مناسبی از روند همکاری با شرکت‌های چینی در چند سال گذشته ندارند. با توجه به گسترش ارتباطات با شرکت‌های اروپایی و مسئولیت مستقیم جناب عالی در حوزه بین‌الملل، رویکرد وزارت نیرو در این خصوص چیست؟

من در مورد سایر حوزه‌ها هیچ قضاوتی ندارم و مسئولان مربوطه باید پاسخگو باشند، اما در بخش نیرو معتقدم روابط با کشوری مثل چین که در شرایط تحریم از ما حمایت زیادی کرد و شریک خوبی برای ایران هم در بحث فاینانس و هم در اجرای طرح‌ها بود، باید گسترش یابد. سیاست عمومی وزارت نیرو نیز مبتنی بر گسترش سطح روابط است تا از ظرفیت‌های آن کشور استفاده بیشتری ببریم. معتقدیم کشورهای آسیایی مانند ژاپن، چین و کره می‌توانند ظرفیت‌های ایران را توسعه دهند و در حالی که روابط خود را با شرکت‌های بزرگ چینی ادامه خواهیم داد، می‌توانیم با شرکت‌های معتبر اروپایی هم مشارکت داشته باشیم. در این صورت شاهد برقراری رقابتی سالم از لحاظ کیفیت و سطح فناوری و انتقال دانش فنی خواهیم بود، ضمن اینکه شرایط بهتری را در زمینه قیمت‌ها و شرایط فاینانس تجربه خواهیم کرد.

ما تحت لیسانس کشورهای معتبر دنیا تولید می‌شود. اگر چه توانسته‌ایم به فناوری روز دنیا در بسیاری از زمینه‌ها دست یابیم، اما برای استفاده از ظرفیت‌های موجود در بازارهای بین‌المللی و ر خارج از مرزها، همچنان محدودیت داریم.

ET اما همان‌طور که اشاره فرمودید توافق برجام بسیاری از محدودیت‌های بین‌المللی را مرتفع ساخته است.

این محدودیت صرفاً ناشی از شرایط تحریم نیست، پیش از تشدید تحریم‌ها نیز نامی‌های ایجاد شده در کشورهای منطقه و خاورمیانه، آثار نامناسبی بر سطح صادرات خدمات فنی و مهندسی صنعت آب و برق گذاشته بود. ایران تأمین‌کننده بخش عمده‌ای از برق مورد نیاز همسایه‌های غربی خود بود، اما امروز به دلیل نامی‌های موجود در شمال عراق و سوریه، این ظرفیت از بین رفته و جایگزین هم نشده است.

ET ندوام این شرایط چه آثار سوئی برای ما دربر خواهد داشت؟

بر اثر شرایط نامناسب موجود، پایانه‌های برق ایران توسط نیروهای تروریستی منطقه کاملاً از بین رفته است. باید توجه داشت که در حوزه صادرات برق باید منابع تولید، نزدیک به منطقه صادراتی باشند و ظرفیت انتقال نیز داشته باشیم. به‌ر صورت نامی در کشورهای همسایه در صادرات برق، کالا و خدمات مهندسی بسیار مؤثر بوده است. ما در عراق حدود ۶۴ پروژه بزرگ تعریف کرده‌ایم که اجرای بخش زیادی از این پروژه‌ها متوقف شده است. سال گذشته نیز بخش بزرگی از کارگاه‌های ما مورد حمله قرار گرفت و متأسفانه شماری از همکاران و متخصصان ایرانی در سایت مینا به شهادت رسیدند. در مجموع باید توجه داشت که بدون ایجاد شرایط مناسب امنیتی، توسعه فعالیت‌ها غیرممکن خواهد بود.

ET در کنار درگیری‌های نظامی جاری در منطقه، آیا تشدید اختلاف‌ها میان قطر، عربستان و بر خسی دیگر از کشورهای عربی نیز آثار سوئی بر فعالیت‌های صنایع برق و آب ایران داشته است؟

صنعت آب و برق با سایر صنایع و زیرساخت‌ها، تفاوت‌های بسیاری دارد زیرا بهداشت، معیشت و سلامت آحاد مردم به آن وابسته است. اگر چه هیجانات منطقه‌ای بر این صنایع تأثیر چندانی نخواهد داشت، اما مسئله اساسی ما با کشورهای همسایه، برقراری سطح مناسبی از امنیت است. اگر هزینه‌های امور نظامی کشورهای منطقه در مسیر ایجاد و توسعه زیرساخت‌های ضروری از جمله تأسیسات آب و برق صرف می‌شود، شاهد شرایط بسیار متفاوتی با آنچه هم‌اکنون وجود دارد، می‌بودیم. اما متأسفانه شاهد آن هستیم که بزرگ‌ترین تهدیدها در منطقه خاورمیانه که کاملاً هم هدایت شده به نظر می‌رسند، با هدف توسعه نظامی برخی دیگر از کشورها در جریان است که امیدوارم هر چه زودتر پایان یابد.

ET برآوردی از میزان خسارات و زیان‌هایی که متوجه تأسیسات برقی ایران در عراق شده است، وجود دارد؟

پروژه‌ها عموماً نیمه‌کاره بودند و بخش‌های بسیاری از آنها تخریب شده که البته نمی‌توان اسم زیان بر آن گذاشت، بلکه همه اینها بخشی از هزینه‌های طرح است.

ET با توجه به تأکید جناب عالی مبنی بر صادرات حجم بالایی از خدمات فنی و مهندسی و تجهیزات صنایع برق و آب ایران به کشورهای منطقه، گسترش سطوح همکاری با شرکت‌های چینی و اروپایی بیشتر معطوف به چه حوزه‌هایی است و آیا در خصوص تأمین تجهیزات، همچنان شاهد واردات بی‌رویه خواهیم بود؟

واقعیت این است که در صنعت آب و برق، فاصله چندانی با فناوری روز دنیا نداریم. خوشبختانه هم سازندگان و هم تولیدکنندگان کالا در کشور ما از دانش خوبی بهره می‌برند. به همین دلیل در بازار جهانی اگر مسئله تحریم‌ها کاملاً حل شود و امنیت منطقه نیز افزایش یابد، صنعت آب و برق فرصت اشتغال‌زایی زیادی برای کشور ایجاد خواهد کرد، زیرا هم نیروی انسانی زیادی داریم و هم زیرساخت‌های صنعت آب و برق کشور بسیار قوی است، تا جایی که می‌توان گفت صنایع کشور امروزه کاملاً به‌روز هستند. وجود مؤسسات و پژوهشکده‌های مختلف، همچنین توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان در صنایع برق و آب، خدمات و محصولات ما را کاملاً رقابتی کرده است.

ET برای توسعه صادرات و حضور در بازارهای منطقه‌ای نیز تمهیداتی اندیشیده‌اید یا تمرکز اصلی ظرفیت‌ها به بازارهای داخلی کشور است؟

اگر بتوانیم در کنار رفع مشکلات بانکی، شرایط مناسبی نیز در بازار سرمایه فراهم کنیم، حتماً شاهد تحول بزرگی در اشتغال و تولید ایران خواهیم بود. این کار چند الزام را می‌طلبد. نخست لازم است مشکلات بانکی حل و فصل شوند. دیگر اینکه باید در عرصه‌های بین‌المللی، جایگاه ایران مشخص شود تا بتوانیم نقش خود را به خوبی ایفا کنیم که رفع تحریم‌ها در این راستا کمک بزرگی است. باید به نقطه‌ای برسیم که بتوانیم در مناقصات بین‌المللی با شرایط کاملاً برابر با دیگران حضور پیدا کنیم. بازار داخلی صنایع آب و برق، حدود ۵۰ درصد از توان فنی و مهندسی موجود را پوشش می‌دهد و نیمی دیگر از ظرفیت‌های موجود را می‌توان در بازارهای بین‌المللی و منطقه به کار گرفت. در همین راستا می‌توان به بازارهای موجود در عراق و سوریه اشاره کرد که شرایط برای حضور ما، بسیار مهیاست.

ET بنابراین می‌توان گفت که توان صادراتی خدمات فنی و مهندسی صنعت آب و برق از شرایط بین‌المللی و منطقه، بیش از نیازهای وارداتی آسیب‌های بیشتری دیده است؟

به هر صورت در دوران تشدید تحریم‌ها و پیش از آن نیز در دوران دفاع مقدس، با شرایط سخت آشنا شدیم و یاد گرفتیم سیستم داخلی کشور را با وجود تمام سختی‌ها و محدودیت‌ها، روزآمد کنیم.

ET بیشترین مزیت رقابتی موجود در توان فنی و مهندسی صنایع آب و برق در چه بخش‌هایی متمرکز است؟

صنعت ساخت نیروگاه‌های گازی ایران از فناوری روزآمد و بسیار مناسبی برخوردار است، زیرا توان مهندسی در این حوزه، قابلیت رقابت در عرصه بین‌المللی را دارد. از سوی دیگر ترانس‌های ساخت داخل با محصولات مشابه اروپایی کاملاً در رقابت هستند. همچنین در ساخت پمپ و تجهیزات آبی، بخش عمده محصولات داخلی



بر اثر شرایط نامناسب موجود، پایانه‌های برق ایران توسط نیروهای تروریستی منطقه کاملاً از بین رفته است. نامی در کشورهای همسایه در صادرات برق، کالا و خدمات مهندسی بسیار مؤثر بوده است. ما در عراق حدود ۶۴ پروژه بزرگ تعریف کرده‌ایم که اجرای بخش زیادی از این پروژه‌ها متوقف شده است. سال گذشته نیز بخش بزرگی از کارگاه‌های ما مورد حمله قرار گرفت و متأسفانه شماری از همکاران و متخصصان ایرانی در سایت مینا به شهادت رسیدند.

خطوط انتقال و توزیع، بزرگ‌ترین مصرف‌کننده برق ایران هستند

ذبح برق در شبکه‌ها

دکتر فرید ادیبی

بر اساس محاسبات انجام شده از سوی کارشناسان مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، کاهش هر یک درصد تلفات شبکه برق کشور می‌تواند بیش از ۳۰ هزار میلیارد ریال به صورت ارزی و ریالی، برای کشور منافع حاصل کند. این در حالی است که افزایش ۲۴ درصدی قیمت برق فقط حدود ۲۰ هزار میلیارد ریال درآمد حاصل می‌کند که همراه با نارضایتی احتمالی بخشی از مردم و ایجاد مشکل برای بخشی از تولید خواهد بود. وضعیت مالی صنعت برق، هر ساله به دلایل متعدد از جمله ساختار تشکیلاتی، ساختار تعرفه‌ها، راندمان بسیار نامطلوب نیروگاه‌ها و ضرر و زیان ناشی از تلفات سنگین شبکه‌های انتقال و توزیع بدتر می‌شود. سرمایه‌بر بودن این صنعت در کنار بازدهی طولانی آن، باعث شده که صنعت برق کشور تحت حمایت مالی دولت با انحصار طبیعی باشد. درآمدهای حاصل از فروش برق از ۱۳۸۴ تقریباً با هزینه‌های جاری آن برابری داشته و سرمایه‌گذاری‌های صورت پذیرفته از محل منابع داخلی آن اندک و از محل کاهش دارایی‌های جاری یا درآمدهای حاصل از فروش انتصابات جدید بوده و در سال‌های اخیر نیز هزینه‌ها بر درآمدها فزونی داشته‌اند. در حالی که صنعت برق کشور در چند سال گذشته، دغدغه‌ها و بحران‌های متعددی را پشت سر گذاشته است و همچنان نیز با آنها دست و پنجه نرم می‌کند، اما در دو سالی که از عمر دولت یازدهم می‌گذرد، شاهد ثبات نسبی و توجه ویژه به واقعیت‌های موجود به جای انکار آنها در این صنعت هستیم. از جمله این دغدغه‌ها و گلوگاه‌های اصلی در روند توسعه صنعت برق، می‌توان به راندمان پایین نیروگاه‌ها و از آنها مهم‌تر، هدررفت غیرمنطقی انرژی تولیدی در شبکه‌های توزیع و انتقال اشاره کرد؛ موضوعی که به‌عنوان یکی از اولویت‌های معاونت برق و انرژی در وزارت نیرو نیز مدنظر قرار گرفته است. نوشتار پیش‌رو، چکیده‌ای از گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی است که در آن به عملکرد یک دهه گذشته صنعت برق پرداخته شده است.

در این زمینه اقدام جدی انجام دهد.

دغدغهای به نام تلفات برق در شبکه‌های توزیع و انتقال

به دلیل اینکه حجم عظیمی از انرژی تولیدی در شبکه‌های انتقال و فوق توزیع، به ویژه در شبکه‌های توزیع تلف می‌شود، نگاه مختصر به این مسئله، مفید خواهد بود. بنابر اعلام وزارت نیرو، مجموع ظرفیت اسمی نیروگاه‌های کشور در ۱۳۹۲ به ۷۰ هزار و ۲۷۹ مگاوات رسیده است. با وجود این ظرفیت نیروگاهی، یک درصد تلفات در شبکه برق کشور به معنای هدررفت حداقل یک درصد ظرفیت نیروگاهی کشور است، به عبارت دیگر هر یک درصد تلفات، حداقل حدود یک درصد سرمایه‌گذاری انجام شده برای ایجاد نیروگاه‌های کشور را در اختیار خود می‌گیرد. بنابر این با توجه به وجود ۷۰ هزار و ۲۷۹ مگاوات نیروگاه در ۱۳۹۲، یک درصد تلفات یعنی هزرت ۷۰۲،۷۹ مگاوات نیروگاه است. با توجه به هزینه حدود یک میلیون دلار برای ایجاد یک مگاوات، ملاحظه می‌شود که در ۱۳۹۲ بیش از ۷۰۲ میلیون دلار، یعنی بیش از ۲۱ هزار میلیارد ریال سرمایه‌ای که برای ایجاد نیروگاه‌های کشور هزینه شده، برای هر یک درصد تلفات هدر رفته است. شایان ذکر است، این میزان تلفات در ساعت پیک به‌طور مضاعف افزایش می‌یابد.

که در مجموع، بیش از ۶۶ درصد برق کشور را مصرف کرده‌اند. سهم مصارف عمومی حدود ۸،۹ درصد به‌صورت کاشی، سهم مصارف کشاورزی ۱۶،۱ درصد به‌صورت افزایشی، سهم سایر مصارف (تجاری و غیره) ۶۸ درصد و بالاخره سهم روشنایی معابر ۱،۹ درصد مصرف انرژی برق بوده است.

پیش‌بینی تولید و مصرف

بر اساس گزارشی که وزارت نیرو در آستانه لایحه بودجه ۱۳۹۴ ارائه کرده بود، کل تولید قابل اتکا در ۱۳۹۴ مقدار ۴۷ هزار و ۵۴۱ مگاوات و نیاز مصرف پیک در همین سال، به میزان ۵۱ هزار و ۵۰۰ مگاوات پیش‌بینی شده بود که بر این اساس بخش مصرف با حداقل ۳۹۵۹ مگاوات کمبود مواجه می‌شد. به عبارت ساده‌تر، توان تولید کشور ۳۹۵۹ مگاوات کمتر از نیاز است که نشان از سیستم ناپایدار در مدیریت برق دارد. حتی اگر این کمبود وجود نداشت، تأمین پیک ۵۱ هزار و ۵۰۰ مگاوات احتیاج به توان تولید ۵۶ هزار مگاوات دارد که شامل ذخیره گرم، ذخیره سرد و... است. بنابراین در تابستان امسال احتمال می‌رفت با کوچک‌ترین اتفاق، کشور دچار مشکل شود. این احتمال برای سال‌های بعد نیز وجود دارد که با بروز هر حادثه‌ای، کشور با بحران برقی مواجه شود؛ موضوع بسیار مهمی که دولت موظف است

تولید نیروی برق در ۱۰ سال گذشته به‌طور متوسط ۵ درصد رشد داشته است و بیشترین سهم این رشد را نیروگاه‌های چرخه ترکیبی و سپس نیروگاه‌های گازی داشته‌اند. جدول شماره یک تولید ناویژه برق در نیروگاه‌های برق کشور را طی ۱۳۸۴ الی ۱۳۹۳ نشان می‌دهد. براساس آمار این جدول، تولید نیروگاه‌های بخار تقریباً در ۱۰ سال گذشته رشد قابل ملاحظه‌ای نداشته و ظرفیت نصب شده نیروگاه‌های بخار در ۵ سال اخیر با کاهش هم روبرو شده است.

همان‌طور که در جدول شماره ۲ نیز ملاحظه می‌شود ظرفیت نیروگاه‌های بخاری نصب شده در چند سال اخیر ثابت بوده و در ۱۰ سال گذشته نیز رشد اندکی داشته است. درحالی که نیروگاه‌های چرخه ترکیبی و گازی به‌ترتیب با متوسط رشد ۱۱،۷ و ۹،۱ درصد نقش اصلی را در ترکیب ظرفیت نیروگاه‌ها بازی می‌کنند. پیگیری این سیاست موجب افزایش بهره‌وری و راندمان نیروگاه‌ها خواهد شد. جدول شماره ۳ بیانگر آمار سهم ترکیب قدرت نصب انواع نیروگاه‌ها در ۱۰ سال گذشته است. همچنین ترکیب قدرت نصب شده در ۱۳۹۳ در نیروگاه‌های بخاری نسبت به سال قبل یک درصد کاهش داشته است، اما همین میزان در نیروگاه‌های گازی با یک درصد افزایش روبرو بوده و در بقیه نیروگاه‌ها این میزان ثابت و بدون تغییر بوده است.

مصرف انرژی برق

همه امکانات نیروگاهی و شبکه‌ها برای آن است که انرژی برق مورد نیاز مصارف مختلف تأمین شود و این مطالعه نیز تلاش داشته تا به‌صورت اجمالی مصرف برق در امور مختلف را مورد توجه قرار دهد. با نگاهی به آمارها، ملاحظه می‌شود رشد مصارف خانگی، عمومی، سایر مصارف (تجاری و غیره) و صنعتی تقریباً هماهنگ با رشد کل مصرف برق است، اما مصارف کشاورزی به دلیل برقی کردن چاه‌های آب با افزایش قابل ملاحظه‌ای مواجه بوده که از جمله عوامل مؤثر در این امر، پایین رفتن سطح آب‌های زیرزمینی است که ارزان بودن قیمت برق نیز در این بخش یکی از عوامل افزایش مصرف شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود مصارف روشنایی معابر هم در یک دوره ۱۰ ساله تقریباً ثابت مانده است. با ملاحظه سهم ترکیب مصرف برق در بخش‌های مختلف در یک دوره ۱۰ ساله مشخص می‌شود در سال‌های اخیر سهم مصرف بخش‌های خانگی در مقایسه با ۱۳۸۴ تا حدودی کاهش داشته و بخش صنعتی نیز در مقایسه با ۱۳۸۴ تقریباً افزایش جزئی داشته است

جدول ۱: تولید ناویژه برق در ۱۰ سال گذشته

سال	بخاری	گازی	چرخه ترکیبی	دیزلی	برقایی	اتمی و تجدیدپذیر	کل کشور	رشد به سال قبل (درصد)
۱۳۸۴	۹۳۳۸۳	۳۲۱۲۹	۳۶۱۹۴	۲۱۲	۱۶۰۸۵	۶۹	۱۷۸۰۷۲	۹،۳
۱۳۸۵	۹۲۴۸۱	۴۱۲۳۵	۴۰۳۴۳	۲۲۰	۱۸۱۶۹	۸۶	۱۹۲۵۳۴	۸،۱
۱۳۸۶	۹۴۲۲۸	۳۷۶۰۴	۵۳۷۹۶	۲۲۵	۱۷۹۸۷	۱۴۱	۲۰۳۹۸۱	۵،۱
۱۳۸۷	۹۷۲۰۱	۵۴۹۱۱	۵۷۰۱۵	۲۰۴	۴۷۵۳	۱۹۶	۲۱۴۲۸۰	۵
۱۳۸۸	۹۵۷۷۱	۵۳۸۴۶	۶۴۱۴۲	۱۲۴	۷۲۰۷	۲۲۴	۲۲۱۳۱۴	۳،۳
۱۳۸۹	۹۴۰۷۳	۵۸۴۰۰	۷۰۶۵۸	۱۲۸	۹۵۲۳	۲۱۲	۲۳۲۹۹۴	۵،۳
۱۳۹۰	۹۵۹۰۱	۵۸۷۱۶	۷۳۷۴۹	۶۲	۱۲۰۵۸	۵۷۸	۲۴۰۰۶۴	۳
۱۳۹۱	۹۱۷۸۸	۶۷۳۶۴	۸۰۵۳۴	۶۶	۱۲۴۴۷	۲۰۶۷	۲۵۴۴۶۶	۵،۳
۱۳۹۲	۸۹۶۶۴	۶۶۰۳۹	۸۷۱۳۵	۷۱	۱۴۴۷۰	۴۸۱۳	۲۶۲۱۹۲	۳،۱
۱۳۹۳	۸۶۵۵۸	۷۳۹۸۲	۹۶۸۶۷	۹۱	۱۳۹۳۸	۴۷۴۲	۲۷۶۱۷۸	۵
متوسط رشد سالیانه ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳	۰،۸	۹،۷	۱۱،۶	۰،۹	۰،۶	۶۰	۵	

مآخذ: گزارش‌های آماری صنعت برق کشور، شرکت توانیر، آمار ۱۳۹۳ مربوط به گزارش توانیر با عنوان «آمار تفصیلی صنعت برق ایران سال ۱۳۹۳»



کاهش یک درصد تلفات شبکه برق کشور می‌تواند بیش از ۳۰ هزار میلیارد ریال به‌صورت ارزی و ریالی، برای کشور منافع حاصل کند. این در حالی است که افزایش ۲۴ درصدی قیمت برق فقط حدود ۲۰ هزار میلیارد ریال درآمد توأم با نارضایتی احتمالی بخشی از مردم و ایجاد مشکل برای بخشی از تولید به همراه خواهد داشت.

از طرف دیگر در پایان ۱۳۹۲، مصرف سوخت نیروگاه‌های کشور شامل ۳۶ میلیارد و ۴۱ میلیون مترمکعب گاز، ۱۱ میلیارد و ۶۸۰ میلیون لیتر نفت گاز و ۱۲ میلیارد و ۱۸۶ میلیون لیتر نفت کوره بوده است. در پایان ۱۳۹۲ قیمت فوب خلیج فارس هر لیتر نفت گاز ۷۶٫۷ سنت بود و هر لیتر نفت کوره نیز ۵۶٫۷ سنت قیمت داشت و اگر قیمت گاز مصرفی هم برابر قیمت گاز وارداتی منظور شود، ملاحظه می‌شود ارزش سوخت نیروگاه‌های کشور در بازه زمانی تا پایان ۱۳۹۲ حدود ۲۹٫۸ میلیارد دلار بوده که هر یک درصد تلفات به معنای هدررفت حدود ۳۰۰ میلیون دلار، یعنی حدود ۹ هزار میلیارد ریال سوخت مصرفی نیروگاه‌هاست.

سومین زیان وارده از محل تلفات شبکه‌های انتقال و توزیع، هدررفت برق تحویلی به شبکه

انتقال و توزیع کشور است که برای هر یک درصد تلفات در ۱۳۹۳ بیش از ۲ میلیارد کیلووات ساعت برآورد می‌شود که باتوجه به قیمت متوسط جدید و ۲۴ درصد افزایش، می‌تواند بیش از هزار میلیارد ریال زیان به کشور وارد کند.

هدررفت ۳۰ هزار میلیارد ریال سرمایه کشور با یک درصد تلفات شبکه برق

با توجه به مواردی که به آنها اشاره شد، ملاحظه می‌شود کاهش هر یک درصد تلفات شبکه برق کشور چگونه می‌تواند بیش از ۳۰ هزار میلیارد ریال به صورت ارزی و ریالی، برای کشور منافع حاصل کند. این در حالی است که افزایش ۲۴ درصدی قیمت برق فقط حدود ۲۰ هزار میلیارد ریال درآمد توأم با ناراضی احتمالی بخشی از مردم و ایجاد مشکل برای بخشی از تولید به

همراه خواهد داشت. کاهش تلفات در شبکه برق به‌خصوص شبکه توزیع، صرفاً یک عملیات مهندسی و اجرایی است که وابستگی تکنیکی به خارج کشور نداشته و تحریم‌های استکبار نیز در اجرای آن بی‌تأثیر است. البته این عملیات مهندسی، برنامه می‌خواهد که باتوجه به توان تخصصی نیروی انسانی موجود در بخش دولتی، خصوصی و تعاونی کشور به‌راحتی امکان‌پذیر است و فقط به همت و پیگیری نیاز دارد.

اهمیت توجه به تلفات به این دلیل است که به هر مقدار از میزان آن کم شود، از حجم خاموشی‌ها کاسته شده و نیاز به سرمایه‌گذاری اضافی، کاهش می‌یابد. مسئله استفاده غیرمجاز از برق، سرقت برق و بالاخره ساختار کنونی شبکه برق هم در افزایش تلفات مؤثر است. بدون آنکه کوشش‌های

جدول ۲: ظرفیت نامی نیروگاه‌های برق کشور

سال	بخاری	گازی	چرخه ترکیبی	دیزلی	برقایی	اتمی و تجدیدپذیر	کل کشور	رشد به سال قبل (درصد)
۱۳۸۴	۱۵۵۷۷	۱۲۰۵۰	۶۸۳۲	۴۹۳	۶۰۴۳	۳۷	۴۱۰۳۲	۱۰
۱۳۸۵	۱۵۵۵۳	۱۴۸۶۲	۷۸۳۶	۴۱۸	۶۵۷۲	۴۷	۴۵۲۸۸	۱۰٫۴
۱۳۸۶	۱۵۵۹۸	۱۵۴۳۳	۱۰۴۷۹	۴۱۸	۷۴۲۲	۶۳	۴۹۴۱۳	۹٫۱
۱۳۸۷	۱۵۵۹۸	۱۸۰۷۶	۱۱۱۱۷	۴۱۸	۷۶۷۲	۶۳	۵۲۹۴۴	۷٫۱
۱۳۸۸	۱۵۷۰۴	۱۸۵۹۳	۱۳۶۶۴	۴۲۵	۷۷۰۳	۹۲	۵۶۱۸۱	۶٫۱
۱۳۸۹	۱۵۷۰۴	۲۲۵۲۵	۱۳۹۸۴	۴۰۹	۸۴۸۶	۹۵	۶۱۲۰۲	۸٫۹
۱۳۹۰	۱۵۸۲۲	۲۴۳۴۲	۱۴۷۸۰	۴۰۸	۸۷۴۵	۱۱۱۶	۶۵۲۱۳	۶٫۶
۱۳۹۱	۱۵۸۳۰	۲۶۰۰۳	۱۵۷۴۴	۴۳۹	۹۷۴۵	۱۱۸۱	۶۸۹۴۱	۵٫۷
۱۳۹۲	۱۵۸۳۰	۲۴۷۱۵	۱۷۸۵۰	۴۳۹	۱۰۲۶۵	۱۱۸۱	۷۰۲۷۹	۱٫۹
۱۳۹۳	۱۵۸۳۰	۲۶۳۸۶	۱۸۴۹۴	۴۳۹	۱۰۷۸۵	۱۱۹۲	۷۳۱۲۵	۴
متوسط رشد سالیانه از ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳	۲۰	۹٫۱	۱۱٫۷	۱٫۳	۶٫۶	۴۷٫۱	۶۶	

ماخذ: گزارش‌های آماری صنعت برق کشور، شرکت توانیر، آمار ۱۳۹۳ مربوط به گزارش توانیر با عنوان: «آمار تفصیلی صنعت برق ایران سال ۱۳۹۳»

جدول ۴: وضعیت تلفات در شبکه‌های توزیع و انتقال در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳

سال	تلفات شبکه (درصد)		
	سهم داخلی نیروگاه‌ها	انتقال و فوق توزیع	توزیع
۱۳۸۴	۴٫۴	۴٫۲	۱۸٫۱
۱۳۸۵	۴٫۲	۴٫۳	۱۸
۱۳۸۶	۳٫۹	۴٫۸۵	۱۷٫۸۷
۱۳۸۷	۳٫۹	۳٫۹	۱۷٫۵
۱۳۸۸	۳٫۸	۴٫۱	۱۶٫۱
۱۳۸۹	۳٫۵	۳٫۶	۱۴٫۸
۱۳۹۰	۳٫۵	۳٫۴۳	۱۴٫۷۴
۱۳۹۱	۳٫۴	۳٫۵۳	۱۵٫۰۳
۱۳۹۲	۳٫۵	۳٫۳۵	۱۴٫۸۳
۱۳۹۳	۴	۴	۴

ماخذ: ترازنامه انرژی ۱۳۹۱، گزارش‌های آماری برق توانیر ۱۳۹۲ و محاسبات انجام شده. (م. ن. علامت اختصاری مربوط به آماری است که موجود نیست).

جدول ۳: ترکیب قدرت نصب شده انواع نیروگاه‌ها در ۱۰ سال گذشته

سال	بخاری	گازی	چرخه ترکیبی	دیزلی	برقایی	اتمی و تجدیدپذیر
۱۳۸۴	۳۸	۲۹	۱۷	۱	۱۵	۰
۱۳۸۵	۳۴	۳۳	۱۷	۱	۱۵	۰
۱۳۸۶	۳۲	۳۱	۲۱	۱	۱۵	۰
۱۳۸۷	۲۹	۳۴	۲۱	۱	۱۴	۰
۱۳۸۸	۲۸	۳	۲۴	۱	۱۴	۰
۱۳۸۹	۲۶	۳۷	۲۳	۱	۱۴	۰
۱۳۹۰	۲۴	۳۷	۲۳	۱	۱۳	۲
۱۳۹۱	۲۳	۳۸	۲۳	۱	۱۴	۲
۱۳۹۲	۲۳	۳۵	۲۵	۱	۱۵	۲
۱۳۹۳	۲۲	۳۶	۲۵	۱	۱۵	۲

ماخذ: گزارش‌های آماری صنعت برق کشور، شرکت توانیر، آمار ۱۳۹۳ مربوط به گزارش توانیر با عنوان: «آمار تفصیلی صنعت برق ایران سال ۱۳۹۳»

جدول ۵: پیش‌بینی تولید و مصرف تابستان ۱۳۹۴ (مگاوات)

پیش‌بینی نیاز مصرف پیک سال ۱۳۹۴	۵۱۵۰۰
تولید قابل اتکای نیروگاه‌های حرارتی موجود (در پیک سال ۱۳۹۳)	۳۸۵۵۸
تولید قابل اتکای نیروگاه‌های حرارتی جدید (پیک سال ۱۳۹۳ تا پیک سال ۱۳۹۴)	۱۴۲۱
تولید قابل اتکای نیروگاه‌های برقایی	۸۰۰۰
دریافتی برون‌مرزی	۱۳۲
تولید قابل اتکای نیروگاه‌های اتمی	۹۰۰ تا ۱۰۲۰
کل توان تولید قابل اتکا	۴۷۵۴۱
اختلاف توان تولید تا نیاز مصرف (اعمال خاموشی)	۳۹۵۹۰



حداکثر توان تولیدی پس از ۱۳۹۷، بستگی کامل به برنامه‌های وزارت نیرو دارد و چنانچه از همین حالا برای احداث نیروگاه در سال‌های بعد از ۱۳۹۶ برنامه‌ریزی نشود و اعتبار لازم به این منظور تخصیص نیابد، خاموشی در سال‌های ۱۳۹۷ به بعد فاجعه‌آمیز خواهد بود.



ارزش سوخت
 نیروگاه‌های کشور
 در بازه زمانی تا پایان
 ۱۳۹۲ حدود ۲۹۰۸
 میلیارد دلار بوده که
 هر یک درصد تلفات
 به معنای هدررفت
 حدود ۳۰۰ میلیون
 دلار، یعنی حدود ۹ هزار
 میلیارد ریال سوخت
 مصرفی نیروگاه‌هاست.

دوره‌های گذشته حدود ۶ درصد منظور کرد.

* رشد متناسب

چنانچه عوامل مؤثر در رشد مصرف برق از
 جهش ناگهانی برخوردار نشوند و از تناسب بهتری
 پیروی کنند، می‌توان رشد حداکثر نیاز مصرف
 برق را حدود ۵ درصد پیش‌بینی کرد.

* رشد معتدل

باتوجه به شرایط آب و هوا همانند برخی از
 سال‌ها، رشد نیاز مصرف را می‌توان حدود ۴ درصد
 در نظر گرفت.

* رشد کند

باتوجه به کند شدن رشد اقتصادی و
 چالش‌های طرح هدفمند کردن یارانه‌ها از یک
 طرف و احتمال کاهش دما نسبت به ۱۳۹۳ از
 طرف دیگر، رشد نیاز مصرف حداقل تا حدود
 ۳ درصد قابل پیش‌بینی است.

لزوم تقویت توان نیروگاهی کشور

باتوجه به اینکه میزان کمبود برق حدود
 ۵ هزار مگاوات است، این مقدار نیروگاه، تأثیر
 قابل توجهی در رفع کمبودها نخواهد داشت و
 با این‌گونه نیروگاه‌های ضعیف نمی‌توان مشکل
 برق کشور را حل کرد.

در همین راستا طرح‌های مهم و کلیدی
 که باید به بهره‌برداری می‌رسیدند، عبارتند از:

- تکمیل پست سلطانیه.
- تکمیل ارتباطات خط ۲۳۰ کیلوولت نیروگاه
 پرهرس.
- خط ۴۰۰ ولت سیاه‌پیشه - وردآورد.
- خط ۴۰۰ کیلوولت اردبیل - میانه و توسعه فیدر
 در اردبیل و میانه.
- خط ۴۰۰ کیلوولت بم - زاهدان.
- پست ۴۰۰ کیلوولت بم.
- پست ماهشهر و اتصالات ۲۳۰ کیلوولت.
- خط ۴۰۰ کیلوولت عسلویه - جناح.
- پست ۴۰۰ کیلوولت بهمیان.
- خط ۲۳۰ کیلوولت ایلام - سیمره.
- خط ۲۳۰ کیلوولت داریان - اورامانات.
- پست ۴۰۰ کیلوولت مرکز مازندران و خط ارتباطی.
- پست ۲۳۰ کیلوولت نوشهر.
- خط ۴۰۰ کیلوولت عنبرآباد - کهنوج.
- پست ۴۰۰ کیلوولت کهنوج.
- خط ۲۳۰ کیلوولت نیروگاه خرم‌آباد.
- پست ۴۰۰ کیلوولت اردبیل.
- خط ۴۰۰ کیلوولت ارومیه - خوی.
- پست ۴۰۰ کیلوولت ارومیه.
- خط ۴۰۰ کیلوولت گتوند - شانند.
- خط ۲۳۰ کیلوولت نیروگاه گناوه - گناوه.

خواهند داشت. حرارت تهران بالای ۴۰ درجه
 خواهد بود و جنوب نیز با گرمای ۵۰ درجه مواجه
 می‌شود. با توجه به وضعیت تولید، درجه حرارت
 و هر عاملی که باعث کمبود برق شود و تا ۲ هزار
 مگاوات فاصله بین توان تولید و مصرف وجود
 داشته باشد، سیستم در حالت زرد قرار می‌گیرد.

وضعیت قرمز

در حالت قرمز، موارد بیشتری چون عوامل
 طبیعی، فرسودگی سیستم و... موجب تشدید
 و بحرانی شدن کمبود برق می‌شوند که حدود
 ۴ هزار مگاوات کسری توان تولید برق ایجاد
 می‌کنند. البته چنانچه میانگین درجه حرارت تمام
 ایران بین ۳ تا ۴ درجه از میانگین درجه حرارت
 سالیانه بالاتر رود و میزان رطوبت هوا از ۶۰
 درصد پایین‌تر باشد، در این حالت خاموشی‌های
 گسترده‌ای به کشور تحمیل خواهد شد. اگر
 موفق شویم فقط میزان تلفات را کمتر از ۳ درصد
 کاهش دهیم، می‌توان از وضعیت قرمز خارج شد
 و در وضعیت زرد یا سفید استقرار یافت.

چه باید کرد؟

در حالت اول، لازم است وضعیت در شرایط
 کنونی حفظ شود. برای حالت زرد و قرمز باید در
 حوزه عرضه و تقاضای برق، مواردی مشخص را
 مورد توجه قرار داد و طرح‌های وعده داده شده
 عملی شود. ضروری است برای صنایع کم‌بازده و
 شهرک‌های تفریحی محدودیت بار در نظر گرفته
 شود، وضعیت برق کشاورزی و چاه‌های روستایی
 و نحوهٔ تعویض تجهیزات آن مورد بررسی قرار
 گیرد، وضعیت کنونی سرمایش، استفاده از
 لامپ‌های کم‌مصرف، استفاده از ایستگاه‌های
 رادیویی یا تلویزیونی با هدف اطلاع‌رسانی سازنده
 در شرایط اضطراری و... برای حل مشکل خاموشی
 در حالت‌های زرد و قرمز مدنظر تصمیم‌گیران و
 مجریان قرار گیرد. همچنین باید توجه داشت
 اصلی‌ترین فعالیتی که از وزارت نیرو برای بهبود
 جبران برق، انتظار می‌رود، کاهش تلفات است. در
 هر یک از حالت‌های زیر، با کاهش تلفات، کشور
 دچار وضعیت قرمز نخواهد شد.

رشد مصرف برق؛ سناریوهای مختلف

در پیش‌بینی و مدیریت بحران‌ها، همواره باید
 بدترین حالت را مدنظر داشت تا بتوان در حالت
 بحران با دقت بیشتری اعمال مدیریت کرد.

* رشد متوسط چندساله

در صورتی که وضعیت اقتصادی، تأمین
 بودجه‌های عمرانی، گرمای هوا و سایر عوامل مؤثر
 مانند ۱۳۹۳ باشد می‌توان رشد نیاز مصرف ۱۳۹۴
 و سال‌های آینده را با توجه به رشد متوسط و سابقه

وزارت نیرو برای کاستن میزان تلفات نادیده گرفته
 شود، باید ذکر شود که انجام مطالعات جامع و ارائهٔ
 راهکارهای چاره‌ساز، ضروری است. در این زمینه
 دلایل مختلفی درخصوص نتیجه‌نگرفتن برای
 کاهش تلفات، قابل توجه است.

حداکثر توان تولیدی پس از ۱۳۹۷، بستگی
 کامل به برنامه‌های وزارت نیرو دارد و چنانچه از
 همین حالا برای احداث نیروگاه در سال‌های بعد از
 ۱۳۹۶ برنامه‌ریزی نشود و اعتبار لازم به این منظور
 تخصیص نیابد، خاموشی در سال‌های ۱۳۹۷ به بعد
 فاجعه‌آمیز خواهد بود. با برنامهٔ کنونی بدترین وضع
 در ۱۳۹۶ خواهد بود که میزان کمبود به ترتیب
 ۴ هزار و ۶ هزار مگاوات خواهد شد. بنابراین وزارت
 نیرو برای رفع خاموشی فرصتی ندارد و باید از
 همین حالا برای این کمبود اقدام کند، همچنین
 تصور نمی‌رود که بخش خصوصی در این زمینه
 اقدام خاصی انجام دهد.

۳ حالت و ۴ سناریو برای پیش‌بینی حداکثر بار شبکه در آینده

پیش از پرداختن به سناریوهای رشد مصرف،
 ضرورت دارد ۳ حالت را برای کمبود برق در نظر
 بگیریم. این ۳ حالت از آن‌رو اهمیت دارند که در
 شرایط کنونی، تولید و مصرف در نقطهٔ سربه‌سر
 قرار دارد و سیستم، فاقد ذخیرهٔ سرد و گرم است،
 بنابراین با کوچک‌ترین اتفاق، احتمال خاموشی
 وجود خواهد داشت. در شرایط کنونی حداقل ۳
 حالت سفید، زرد (نارنجی) و قرمز را در احتمالات
 آینده خاموشی‌ها باید مدنظر قرار داد.

وضعیت سفید

حالت سفید در شرایط پیش‌بینی‌های معمول
 قرار دارد. در این حالت، حرارت تهران ۴۰ درجه
 و حرارت جنوب به ۴۸ درجه خواهد رسید. در
 این صورت و با توجه به پیش‌بینی‌های مسئولان،
 وزارت نیرو با کمبود برق مواجه نخواهد بود و با
 اندکی برنامه‌ریزی در همین نقطه باقی خواهد ماند.

وضعیت زرد (نارنجی)

در این حالت، احتمالاً وقایعی رخ خواهند
 داد که با پیش‌بینی‌های کنونی، شکاف و فاصله

جدول ۶: پیش‌بینی مصرف برق در تابستان ۱۳۹۴

سناریو	حداکثر نیاز مصرف ۱۳۹۳ (مصرف ۱۳۹۴)	افزایش (درصد)	حداکثر نیاز مصرف ۱۳۹۴
یک	۴۸۷۹۸	۶	۵۱۲۲۶
دو	۴۸۷۹۸	۵	۵۱۲۳۸
سه	۴۸۷۹۸	۴	۵۰۷۵
چهار	۴۸۷۹۸	۳	۵۰۲۶۲

ماخذ: گزارش‌های آماری صنعت برق کشور ۱۳۹۳ و محاسبات انجام شده

حکمرانی آب و امنیت ملی

فاطمه ظفرنژاد، پژوهشگر آب و توسعه پایدار



تنوع اقلیمی بسیار گوناگون و پیچیده سرزمین ایران، گستره‌ای از گرم‌ترین نقطه جهان (شهداد لوت) تا نقاطی بسیار سرد در یخچال‌های ارتفاعات بیش از ۵ هزار متری البرز و زاگرس، از نقاط برابری با بیش از یک متر بارندگی تا کم‌باران‌ترین کوه‌های جهان را دربر می‌گیرد. تنوع گیاهی از جنگل‌های هیرکانی پهن برگ متعلق به دوران ژوراسیک که از کهن‌ترین جنگل‌های جهان به‌شمار می‌رود تا جنگل‌های «کرنا» یا «حرا» در کناره‌های خلیج فارس و تا جنگل‌های زاگرس و نیز از متنوع‌ترین گونه‌های گیاهی کویری و گرمسیری را در این سرزمین می‌توان یافت. این تنوع بوم‌شناختی، ما را بر آن می‌دارد که در تصمیم‌گیری‌ها درباره منابع طبیعی، بسیار محتاط‌تر باشیم و به‌ویژه در برخورد با منابع آب، به‌مثابه عنصری با محدودیت شکننده، بسیار بیشتر از اینها دقت کنیم.

کشور گردآوری و به پشت جبهه‌های جنگ اول جهانی فرستادند که بنا بر اسناد منتشر شده در این رویداد تلخ، ۵ تا ۹ میلیون ایرانی از گرسنگی مردند و این مقدمه‌ای شد برای از دست رفتن استقلال کشور و تحقق یک کودتای نظامی در ۱۲۹۹ و تداوم ۵۰ ساله آن. از دست رفتن استقلال بسیاری از کشورهای آفریقایی و آسیایی در قرن گذشته نیز با نابودی کشاورزی بومی آنان میسر شد.

تجارت جهانی و تجارت مجازی آب

اسناد و گزارش‌های اخیر بخش آب کشور به‌گونه ضمنی، تجارت آب مجازی را به‌مثابه یکی از راه‌های تأمین آب مطرح کرده است. این نظریه با موازین توسعه درون‌زا و توسعه پایدار مغایرت دارد. بنابر دستور ۲۱ همایش ریو (۱۹۹۲) و معاهده مبارزه با بیابان‌زایی (۱۹۹۴) که ما نیز از جمله امضاکنندگان آنها بوده‌ایم، التزام به توسعه پایدار، درون‌زا و خودکفایی غذایی در جوامع برای نجات انسان و تنها زیستگاه او یعنی کره زمین، ضروری است. در کشورهای اسکانندیناوی، احیای شیوه‌های معیشتی در دستور کار است و برای توانمندسازی و احیای جوامع خودکفا و معیشتی بومی برنامه‌های محلی تهیه می‌شود. تجارت جهانی، الگوی توسعه جهانی و برنامه‌ریزی‌های مرتبط با آنها با مفاد توسعه پایدار و توسعه درون‌زا، کاملاً مغایر است.

توسعه پایدار هر جامعه موقوف به تأمین نیازهای اصلی خوراکی مردم آن جامعه است. جامعه توسعه یافته، جامعه‌ای است که در زمینه تأمین خوراکی اصلی مردم خود وابستگی راهبردی نداشته باشد و همچنین، نیازهایش با توان بوم‌شناختی سرزمین هماهنگ شود. اختلال در حفظ امنیت غذایی با مواضع مستقل ملی مغایر است و می‌تواند از هر اهرم فشار سیاسی، اثرگذارتر باشد. حکمرانی آب ایرانی در بیش از ۶ هزاره تجربه خود، همواره با اهمیت امنیت غذایی آشنا بود و تا سده گذشته، به‌خوبی و نیازهای فزاینده جمعیت را تأمین می‌کرد. اختلال در شیوه حکمرانی آب، تغییراتی پدید آورد که امروزه شاهد پیامدهای بسیار ناسازگار آن در حوضه‌های آبریز و آبخیز کشور هستیم.

نقش مهم حکمرانی و مدیریت آب در حفظ

امنیت غذایی و امنیت ملی

دهه‌های طولانی است که مدیریت آب کشور به دیوان‌سالاری ساخت‌وساز سپرده شده است. برنامه‌ریزی از بالا به پایین دیوان‌سالاران و مهندسان دولتی یا خصوصی

به‌ظاهر آراسته‌ای هستند که به آرامی به امنیت غذایی، یورش می‌برند و به‌گونه‌ای غیرمستقیم، حمله به امنیت ملی به‌شمار می‌روند. توسعه پایدار با واردات خوراک و تجارت، با بهانه برتری اقتصادی مغایرت دارد. توسعه باید درون‌زا باشد و پاسخگوی نیازهای اصلی مردم بومی یک سرزمین. در این میان، باید توجه داشت که تکیه بر واردات خوراک، ناپایداری اقتصادی به همراه خواهد داشت.

آب مجازی و ردپای آب انسان‌ها

«آب مجازی» (Virtual Water) به مفهوم میزان آب به‌کار رفته در فرایند تولید یک محصول است. برای نمونه تولید یک عدد سیب‌زمینی ۲۵ لیتر، یک فنجان چای ۳۵ لیتر، یک پرتقال ۵۰ لیتر، یک سیب ۷۰ لیتر، یک فنجان قهوه ۱۴۰ لیتر، یک لیوان شیر ۲۰۰ لیتر و یک کیلو گوشت گاو ۴۵۰۰ لیتر آب نیاز دارد. همچنین در کالاهای صنعتی و دیگر نیازهای انسان، آب مجازی مصرف شده است. مصرف آب آشامیدنی روزانه انسان ۲ تا ۴ لیتر بیشتر نیست که همراه با سایر مصارف و آب مجازی کالاهای مختلفی که به‌کار می‌گیرد، «ردپای آب» (Water Footprint) هر انسان است. امروزه و در میان اندیشمندان، این سؤال مطرح است که آیا خرید محصولات کشاورزی از دیگر کشورها به بهانه افزودن آب مجازی مورد نیاز تولید آنها به ذخیره آبی کشور که با پول نفت همواره امکان‌پذیر است، به معنای توسعه منابع آبی است و آیا این موضوع با توسعه پایدار و موازین پایداری هماهنگ است؟

باید توجه کنیم که چنین اقتصادی، بسیار شکننده و آسیب‌پذیر است. تجارت آب مجازی و خرید محصولات خوراکی و کشاورزی از بیرون، به معنای ناپایداری اقتصادی است و با توسعه درون‌زا و پایدار، مغایرت دارد. امنیت ملی بدون امنیت خوراک و غذا ناممکن است. ما باید تولیدکننده اصلی خوراک و غذای مردم خود باشیم. تجارت مجازی آب می‌تواند خطرناک باشد؛ چراکه واردات مواد خوراکی ارزان از خارج در اندک‌مدت می‌تواند بخش کشاورزی آسیب‌پذیر ما را ورشکست کند و تجارت آب مجازی، تیر خلاصی بر پیکره نحیف کشاورزی بومی و توسعه درون‌زا و پایدار کشور خواهد بود.

باید توجه داشت که از دست دادن امنیت غذایی، از حمله به مرزها خطرناک‌تر است. در سال‌های پس از ۱۲۹۲، اشغال‌گران ایران، مواد خوراکی و کشاورزی را از سراسر

«کشاورزی آبی» به‌مثابه نقطه عطف تمدن بشری در ایران زمین آغاز شده است. برپایه این تجربه کهن، حکمرانی آب در ایران همواره با شناخت درست از اقلیم‌های متفاوت و برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری محلی توأم بوده است. جوامع بومی برای بهره‌برداری از حوضه‌های آبخیز رودخانه‌ای، منابع آب زیرزمینی و حفاظت از حوضه‌های آبریز، چنان برنامه‌ریزی می‌کردند که پیکره‌های آبی، سلامت بمانند و نیز حقایق‌ها ضایع نشود. اینگونه حکمرانی، برنامه یکسان از مرکز برای حوضه‌های آبی گوناگون صادر نمی‌کرد و همواره مؤلفه‌های اصلی امنیت جامعه، یعنی خودکفایی، توسعه درون‌زا و توسعه پایدار را در نظر داشت.

حکمرانی بد آب

در گذر ۷ دهه گذشته، اما حکمرانی آب در کشور ما به پیروی از الگوی ناسازگار با بوم‌شناخت سرزمین به ساخت و ساز گرایید و سدسازی لجام گسیخته، خشکیدن همه رودها و پیکره‌های آبی کشور با پیامدهای بیابان‌زایی شدید و تهدید زندگی و معیشت جوامع بومی را در پی آورد. حکمرانی بد آب، به هشدارهایی که با اتکا به یافته‌های پژوهشی، به‌ویژه از دهه ۷۰ داده می‌شد، گوش فرا نداد. دستگاه متولی آب، گویا هنوز بر آن است تا با تجهیز منابع مالی و به شیوه گذشته خود ادامه دهد و نجات پیکره‌های آبی کشور با همه اهمیت‌شان در زندگی جوامع بومی را به محال اندازد.

امنیت ملی و امنیت غذایی

موهبتی به نام «امنیت ملی» را کمتر کسی است که قدر نداند. این امنیت به‌دست نمی‌آید، مگر در سایه اراده و غیرت عموم مردم در حفظ مام سرزمین، حکمرانی همسو با منافع ملی و برنامه‌های حفاظت از مرزها و تقویت نیروی تدافعی، باید توجه داشت که امنیت غذایی نیز از پایه‌های امنیت ملی است. بدون امنیت غذایی، امنیت ملی خدشه‌دار می‌شود و شکننده. امنیت غذایی شاید از برنامه‌های حفظ مرزها و تقویت نیروی تدافعی مهم‌تر باشد، چراکه خدشه‌دار شدن آن، آرام و نامحسوس رخ می‌دهد و واکنش برانگیز نیست؛ در حالی که حمله به مرزها همواره واکنش سریع برمی‌انگیزد.

برنامه‌های نادرست، می‌تواند امنیت غذایی را خدشه‌دار کند و کسی چندان متوجه آن نشود. برتری اقتصادی واردات خوراک، تجارت جهانی و دهکده جهانی، مفاهیم



ماهنامه تخصصی
معیض زیست و
انرژی های تجدیدپذیر

معیض زیست

و انرژی های تجدیدپذیر

بزرگ‌ترین دریاچه آب شیرین جهان نیز خشکید. نگاهی به آمار باورنکردنی سدسازی کشور نشان می‌دهد که دلیل اصلی خشکیدن پیکره‌های آبی کشور، مدیریت سازه‌ای آب است و در این میان، طبیعت و کشاورزان کاملاً بی‌گناهند.

حکمرانی خوب آب

دهه‌هاست که خبرگان کشور در انتظار تلفیق دستگاه‌های مرتبط با آب، حذف رویکرد سازه‌ای و سدسازی از آن، حذف برنامه‌ریزی از بالا به پایین و پیوند آن با بزرگ‌ترین گروه مصرف‌کنندگان آب، یعنی کشاورزان و جوامع بومی مولد تأمین‌کننده امنیت غذایی کشور هستند. تحقق این اندیشه درست، مستلزم تغییر بنیادی در دستگاه‌های وزارتی و کاهش و کوچک‌سازی آنهاست که شرکت‌های سدساز با آن به‌شدت مخالفت کرده‌اند؛ اما این کار باید بالاخره انجام شود.

بخش برق وزارت نیرو با گسترش انرژی‌های پایدار و تجدیدپذیر، به‌ویژه گونه خورشیدی آن در ابعاد کوچک و محلی، حتی به وزارتخانه نیاز ندارد. این بخش می‌تواند در یک مرحله گذار تواند با وزارت دیگری همانند نفت، تلفیق و در بلندمدت نیز کاملاً حذف شود. بخش آب باید در مرحله نخست با کشاورزی، منابع طبیعی و محیط‌زیست یک کاسه شود. وظیفه این دستگاه، احیای دانش بومی آب از یکسو و توانمندسازی جوامع بومی از سوی دیگر است تا پس از جبران پیامدهای ویرانگر مدیریت سازه‌ای و در یک گذار کوتاه، مدیریت به خبرگان بومی واگذار شود و دستگاه‌های دولتی، فقط باید پایشگر و ناظر حل اختلافات احتمالی باشند.



«حکمرانی زیاده»، یکی از مهم‌ترین ارکان «حکمرانی بد» و عبارت است از دخالت دولتیان، خصوصیان و مجلسیان و دانشگاهیان مرکز نشین در همه اجزا و ارکان زندگی و حیات و معیشت جوامع بومی، بی‌آنکه از خبرگی لازم برخوردار باشند یا ویژگی‌های بوم‌شناختی منطقه را به‌دقت و به‌گونه‌ای ملموس بشناسند.

حوضه آبریز	سد در دست مطالعه	سد در دست ساخت	سد در بهره برداری	کل
اورمیه	۳۹	۹	۵۶	۱۰۴
خلیج فارس	۱۵۵	۵۲	۱۰۶	۳۱۳
دریای خزر	۱۳۸	۲۶	۱۶۵	۳۲۹
سرخس	۶	۰	۱۶	۲۲
مرکزی	۱۱۸	۱۸	۱۷۸	۳۱۴
هامون	۱۱	۲	۴۱	۵۴
جمع	۴۶۷	۱۰۷	۵۶۲	۱۱۳۶

در چندین دهه گذشته به‌عنوان مدیریت آب انجام داده‌ایم، اشتباهاتی بزرگ و فاحش بوده است که به آثار بسیار ناسازگار در همه حوضه‌ها و زیرحوضه‌های آبخیز و آبریز کشور انجامیده است.

«حکمرانی زیاد»، یکی از مهم‌ترین ارکان «حکمرانی بد» و عبارت است از دخالت دولتیان، خصوصیان و مجلسیان و دانشگاهیان مرکز نشین در همه اجزا و ارکان زندگی و حیات و معیشت جوامع بومی، بی‌آنکه از خبرگی لازم برخوردار باشند یا ویژگی‌های بوم‌شناختی منطقه را به‌دقت و به‌گونه‌ای ملموس بشناسند. باید توجه داشت که مدارک کاغذی، نمی‌تواند جایگزین لمس واقعی حقیقت شود؛ چراکه تخریب طبیعت و حوضه‌های گوناگون آبی کشور، نتیجه اینگونه حکمرانی است.

براساس آمار ارائه شده از وضعیت سدهای کشور که در تارنمای شرکت مدیریت منابع آب ایران در زمستان ۱۳۹۲ منتشر شده است، برای نمونه ۵۶ سد روی ۱۵ رودخانه مهم حوضه کوچک ارومیه ساخته شده و در دست بهره‌برداری است؛ ۹ سد در دست ساخت و ۳۹ سد هم در دست مطالعه قرار دارد. روشن است که با این هجوم ساخت و ساز، دریاچه باید هم بخشکد؛ همانند عضوی که رگ‌های خون‌رسانش را از بالابندیم، پس از مدتی باید آن را برید و دور انداخت. همان‌گونه که «آرال» به‌عنوان

مرکز نشین و بدون توجه به حقوق جوامع بومی مولد، شیوه‌ای تقلیدی و ناکارآمد بوده است که نتایج آن، هم‌اینک در همه حوضه‌ها و دشت‌های کشور، آشکارا نه تنها امنیت غذایی کشور که سلامت و معیشت انسان‌ها را تهدید می‌کند. حکمرانی آب در ۶ دهه گذشته با تکیه بر برنامه‌های توسعه ناپایدار ۵ ساله، ۱۰ ساله، طرح جامع و حتی آمایش، گام به گام خشکیدن پیکره‌های آبی کشور از ارومیه، کارون، زاینده‌رود، بختگان تا جزموریان و... و افت چندهمتری سطح سفره‌های آب زیرزمینی را رقم زده است.

مدیریت آب کشور از آنجا که به حکمرانی بد و بیش از اندازه دچار است، نمی‌تواند تحلیلی جامع‌نگر از اوضاع حوضه‌های آبی کشور داشته باشد و در چنبره منافع شرکت‌های دولتی و خصوصی متفجع در ساخت‌وساز، در آبخیزها دست‌وپا می‌زند. در دهه ۷۰، بدنه کارشناسی دفتر فنی آب، شمار زیاد سدها در استان‌های کنار دریاچه ارومیه و خطر خشکیدن آن، به‌مانند خشکیدن دریاچه آرال را گوشزد و پیش‌بینی کرد. اما نبود جامع‌نگری و ارزیابی تحلیلی و نیز فرو غلطیدن در چنبره تخصص‌های جزئی نگر ناکارآمد، خشکیدن دریاچه ارومیه را پدید آورد که سلامت و معیشت ۶ میلیون و در آینده تا ۱۵ میلیون انسان را تهدید می‌کند. کارگروه دیوانی نجات دریاچه ارومیه در اوایل دولت یازدهم تشکیل شده و نگاهی به اسناد آن، نشان می‌دهد که با مفاهیم توسعه پایدار آشتی نکرده است. کسانی که فاجعه ارومیه را پیش‌بینی کرده بودند و ناقدان حکمرانی آب، غایبان بزرگ این کارگروه‌اند و از آنها مهم‌تر، خبرگان کشاورز و باغدار مولد ۱۴ حوضه آبخیز مشرف به دریاچه که خلأ آنان، کاملاً محسوس است.

مدیریت نامتمرکز

از مهم‌ترین راهکارهای اصلاحی در حکمرانی آب، مدیریت نامتمرکز است. هر حوضه آبخیز باید بسته به شرایط بوم‌شناختی خود و به کمک خبرگان بومی، آب محدودش را مدیریت کند. دولت فقط باید پایشگر و برطرف‌کننده اختلاف و مناقشه باشد. آنچه



دکتر عباس اکبرزاده / مؤسسه تحقیقات آب



جمهوری سنگاپور، کشوری در جنوب شرقی قاره آسیاست که در جنوب شبه جزیره مالایا واقع شده و کوچک ترین کشور جنوب شرقی آسیا محسوب می شود. جمعیت این کشور ۵،۵ میلیون نفر و مساحت آن بالغ بر ۷۱۴ کیلومتر مربع است. سنگاپور در شمال خط استوا قرار دارد و آب و هوای آن براساس طبقه بندی اقلیمی از نوع گرمسیری (گرم و مرطوب) است. همچنین میانگین بارش سالانه این کشور به بیش از ۲۳۴۰ میلی متر می رسد. با وجود آنکه سنگاپور منابع طبیعی چندانی برای تأمین آب ندارد و با چالش های شهری شدن مانند آلودگی رودخانه ها، کمبود آب و جاری شدن گسترده روبه رو بوده و مدیریت آب در این کشور همواره یک چالش به شمار می آید، اما از طریق سرمایه گذاری مناسب در تحقیقات و فناوری و همچنین اتخاذ رویکردی یکپارچه برای مدیریت آب، هم اکنون در سطح بین المللی به عنوان یک مدل موفق مدیریت آب مطرح شده است. در ۵۰ سال اخیر و در راستای طرح راهبردی که توسط آژانس ملی آب این کشور اجرا می شود، آب مورد نیاز سنگاپور از ۴ منبع اصلی تأمین می شود که عبارتند از آب های جمع آوری شده از حوضه های آبریز، آب های وارداتی، نمک زدایی آب های شور و استحصال آب از فاضلاب (آب جدید).

سنگاپور؛ کشوری کوچک با درس هایی بزرگ از مدیریت آب

درس های بزرگ از کشوری کوچک

سنگاپور به شدت وابسته به واردات آب از مالزی بود. سنگاپور بخشی از آب مورد نیاز خود را از جوهور مالزی وارد می کند. نخستین موافقت نامه این کشور با مالزی برای خرید آب در ۲۰۱۱ به اتمام رسید و موافقت نامه دوم تا ۲۰۶۱ اعتبار دارد. البته انتظار می رود با پایان مدت این توافق نامه ها، سنگاپور به حدی از خودکفایی برسد که دیگر نیازی به واردات آب نداشته باشد.

نمک زدایی آب های شور

فناوری دیگر مورد استفاده، نمک زدایی آب است. هم اکنون سنگاپور دارای ۲ واحد اسمز معکوس بزرگ در آسیاست. واحد نخست با ظرفیت ۱۳۶ هزار مترمکعب در روز، قادر است ۱۰ درصد

گسترده زهکشی، رودخانه ها و کانال ها و ذخیره این آب ها در ۱۷ مخزن جمع آوری می شود. ساخت سد مارین، به عنوان پانزدهمین مخزن نگهداری آب و نخستین آنها در مرکز شهر، برای مسدود کردن دهانه کانال مارین در خلیجی به همین نام، یکی از کارهایی بود که از ۲۰۰۴ آغاز و در ۲۰۰۸ به نتیجه رسید. هدف از ساخت این سد، کنترل سیلاب ها و محافظت از مناطق پایین دست و کم ارتفاع در برابر سیلاب ها بود. ساخت این سد همچنین به عرضه بهتر آب در سراسر سنگاپور کمک کرد.

آب های وارداتی

در دهه های ۶۰ و ۷۰ میلادی، تأمین منابع آب در

آب های جمع آوری شده از حوضه آبریز جمع آوری آب باران به عنوان یک منبع آبی پاک و در دسترس، از راهبردهای مهم تأمین منابع آب در سنگاپور است. استحصال آب از بارش ها به وسیله مجموعه ای از کانال ها، رودخانه ها و دریاچه ها که آب های سطحی را به سیستم تصفیه آب منتقل می کنند، انجام می شود. ویژگی این قسمت، داشتن شبکه ای وسیع از کانال ها برای جمع آوری روان آب های شهری است. سنگاپور دارای سیستم مجزا برای جمع آوری آب باران و جمع آوری فاضلاب یا «آب استفاده شده» است. آب حاصل از بارش ها در سنگاپور با به کارگیری سیستم های مجزا زهکشی و فاضلاب و از طریق شبکه

Water for All: Conserve, Value, Enjoy

PUB



آب جدید با آب خام حوضه‌های آبریز مخلوط شده و پس از تصفیه وارد چرخه آب آشامیدنی می‌شود. شایان ذکر است، تمام فرایند تولید حداقل ۲ بار در سال بازرسی و ممیزی شده و مقایسه آن با استانداردهای جهانی توسط مراکز معتبر جهانی با تخصص‌های مختلف شامل مهندسی محیط‌زیست، شیمی آب، سم‌شناسی و میکروبیولوژی انجام می‌گیرد.

آب جدید و گردشگری تخصصی

مرکز بازدید آب جدید، یک مرکز آموزشی و اطلاع‌رسانی برای ارتقای سطح آگاهی‌های عمومی و تأکید بر اهمیت جایگاه این منبع در سنگاپور است. در همین راستا مجموعه‌ای از بازدیدهای روزانه و کارگاه‌های تخصصی برای تمامی رده‌های سنی بازدیدکنندگان در نظر گرفته شده است.

جمع‌بندی

باتوجه به شرایط بحرانی آب در بسیاری از استان‌های کشورمان و پیش‌بینی استمرار خشکسالی‌ها تا حداقل ۲۰ سال آینده، به‌طور قطع بازیافت فاضلاب‌های شهری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع تأمین آب برای صنایع مطرح است. بنابراین هم‌افزایی بخش‌های مختلف درگیر در این حوزه، ضرورتی انکارناپذیر برای تحقق هدف ساخت و بهره‌برداری عملی واحدهای بازیافت آب از فاضلاب خواهد بود. البته از آنجاکه این هم‌افزایی ابعاد حقوقی، اقتصادی، اجتماعی، فنی و مهندسی مختلفی خواهد داشت، هر کدام از ذی‌نفعان باید سهم خود را به‌نحو احسن در توسعه فناوری‌های مرتبط ادا کنند.

استفاده از یک قطره بیش از یک بار

«آب جدید» (NEWater)، آب بازیافتی تصفیه‌شده با کیفیتی بالاست که با فرایند غشایی پیشرفته و گندزدایی فراینش (فناوری غشایی شامل میکروفیلتراسیون و اسمز معکوس) از بالاترین درجه سلامت و ایمنی برای شرب برخوردار است. هم‌اکنون ۳۰ درصد نیاز آبی سنگاپور از این روش و توسط شرکت PUB تأمین می‌شود. گذشت ۳ دهه و بیش از ۱۳۰ هزار آزمون و تأیید سازمان جهانی بهداشت، اعتماد مناسبی را به این سیستم ایجاد کرده است.

«آب جدید» محصول فناوری جدید امروز است و عملاً ثابت کرده که آب را با هر کیفیتی می‌توان برای شرب تصفیه کرد. این کار، سنگاپور را در میان تمام کشورهای جهان در مدیریت آب برجسته کرده است؛ به‌طوری‌که در ۲۰۰۷، PUB جایزه آب صنعتی استکهلم را از آن خود ساخت. نخستین واحد آب جدید در «بدوک» و «کوانچی» در ۲۰۰۳ و آخرین و بزرگ‌ترین واحد نیز در «چانگ» با ظرفیت روزانه ۵۱ میلیون گالن در ۲۰۱۰ افتتاح شدند.

کاربرد «آب جدید»

هم‌اکنون «آب جدید» عمدتاً در سامانه‌های تهویه هوا و خنک کردن، همچنین در کارخانه‌های تولید بردهای الکترونیکی مجموعه‌های صنعتی و ساختمان‌های تجاری استفاده می‌شود. مهم‌ترین کاربرد این آب صنایع، تولید بردهای الکترونیکی است که معمولاً آبی با کیفیتی بالاتر از شرب نیاز دارند. این آب از طریق سیستم لوله‌کشی در اختیار صنایع مذکور قرار می‌گیرد. در خلال خشکسالی‌ها،

نیاز آبی کشور را تأمین کند و واحد دیگر با ظرفیت روزانه ۳۱۸ هزار مترمکعب، در سپتامبر ۲۰۱۳ راه‌اندازی شد که در مجموع، سهم آنها از تأمین آب موردنیاز کشور در حال حاضر ۲۵ درصد است. با اینکه هم درآمد ناخالص ملی این کشور برای خرید آب در درازمدت کافی است و هم قرار گرفتن در کنار دریا، امکان استفاده از نمک‌زدایی و تولید آب در درازمدت را امکان‌پذیر می‌کند، نکته قابل تأمل در مدیریت آب این کشور، توجه و تمرکز در استحصال آب از منابع غیرمتعارف و به‌خصوص بازیافت آب است. طرح‌ها و برنامه‌های در دست اقدام در سنگاپور به‌دنبال افزایش سهم اصلی تأمین آب از محل بازیافت آب از فاضلاب واک‌دار شده‌اند.

آب جدید

«آب استفاده‌شده» (Used Water) واژه نوینی در ادبیات مدیریت آب است که به‌جای فاضلاب (Waste Water) استفاده می‌شود. تجربه موفق و پایدار تأمین آب در سنگاپور با عنوان «آب جدید» یا همان پساب تصفیه‌شده، درواقع استفاده از مجموعه‌ای از فناوری‌های نوین مانند فناوری غشایی پیشرفته برای تصفیه آب استفاده‌شده یا همان فاضلاب است که با کیفیتی بالاتر از استانداردهای معمول جهانی تولید می‌شود. سنگاپور در ۲۰۱۰ بزرگ‌ترین کارخانه تولید آب از فاضلاب را راه‌اندازی کرده و تا ۳۰ درصد از نیاز آبی خود را با عنوان «آب جدید» از محل این کارخانه تأمین می‌کند. نکته قابل توجه این است که براساس طرح‌های آینده این کشور، سهم استحصال آب موردنیاز سنگاپور از محل استحصال آب از فاضلاب ۵۵ درصد خواهد بود.



بیمه البرز

بیمه البرز

حافظ سرمایه‌های ملی



alborzinsurance.ir

اسکامه

راه حل های شبکه توزیع برق

ITALIAN EXCELLENCE
SINCE 1963

محصولات ضد انفجار | محصولات مقاوم ویژه محیط های صنعتی



SCAME
electrical solutions

www.scame.co.ir



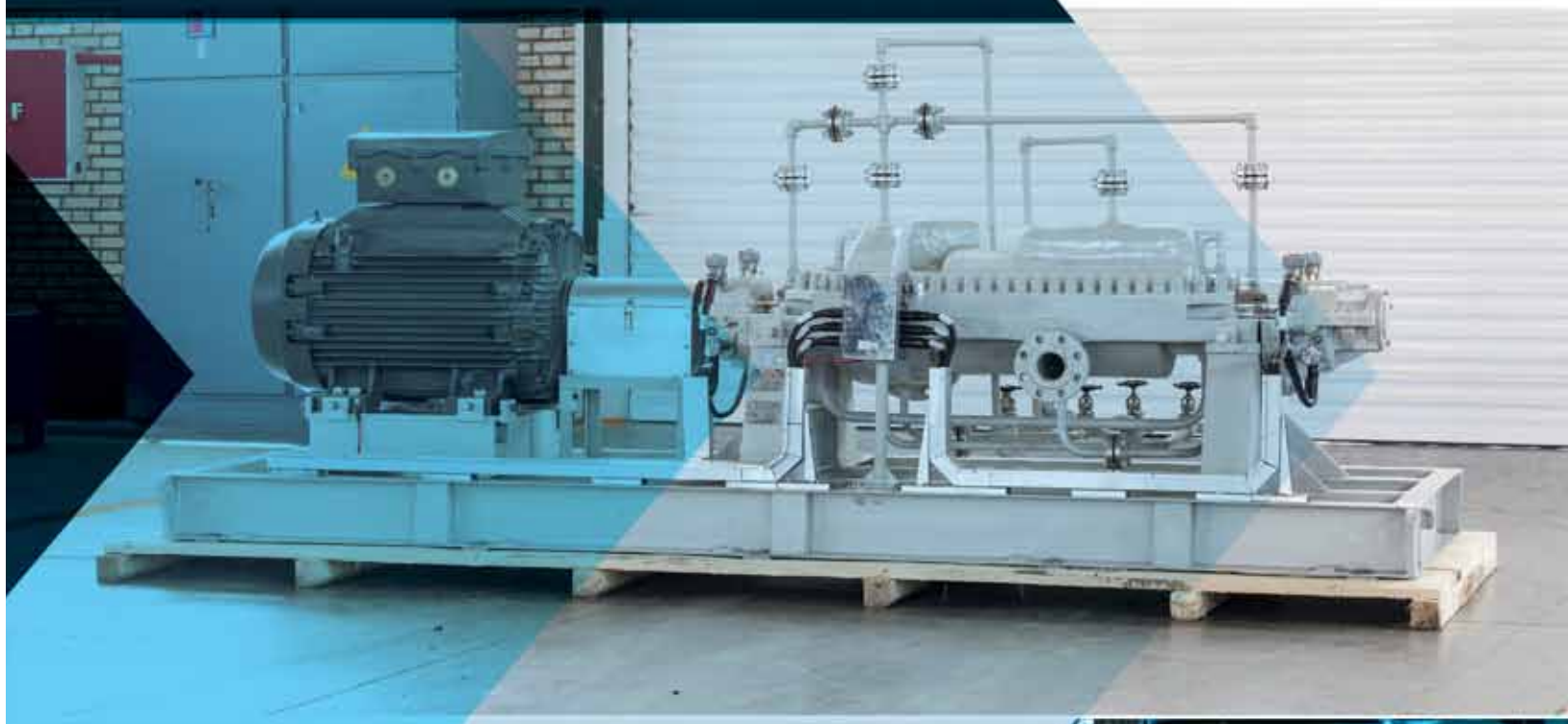
پمپیران
آب، نفت، انرژی

PUMPIRAN

www.pumpiran.com

water, oil, energy

تولیدکننده انواع پمپ‌های صنایع نفت، گاز و پتروشیمی
(پمپ‌های فرآیندی، آتش‌نشانی و یوتیلیتی)



دفتر مرکزی:

تهران، خیابان ولی عصر، نبش میر داماد، برج دوم اسکان، طبقه اول

تلفن: ۰۲۱-۸۸۶۵۴۸۱۰، شماره: ۰۲۱-۸۸۷۹۸۹۴۲

کارخانه:

تبریز، صندوق پستی ۱۳۵-۵۱۸۴۵

تلفن: ۰۴۱-۳۲۸۹۶۴۴-۹، شماره: ۰۴۱-۳۲۸۹۸۴۴۶

دفتر امور نفت، گاز، پتروشیمی:

تبریز: تلفن: ۰۴۱-۳۲۸۹۱۴۴۸، شماره: ۰۴۱-۳۲۸۸۸۲۵۳

مهندسی فروش نفت، گاز، پتروشیمی:

تبریز: تلفن: ۰۴۱-۳۲۸۹۱۲۱۶، فاکس: ۰۴۱-۳۲۸۸۸۲۵۳

E-Mail: petro.sales@pumpiran.com

